

جمعداری اموال
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

درآمدی

جمعداری شد
ش. اموال: ۳۰۴۳۰

بر

ردیف علوم

«طبقه بندی کتب»

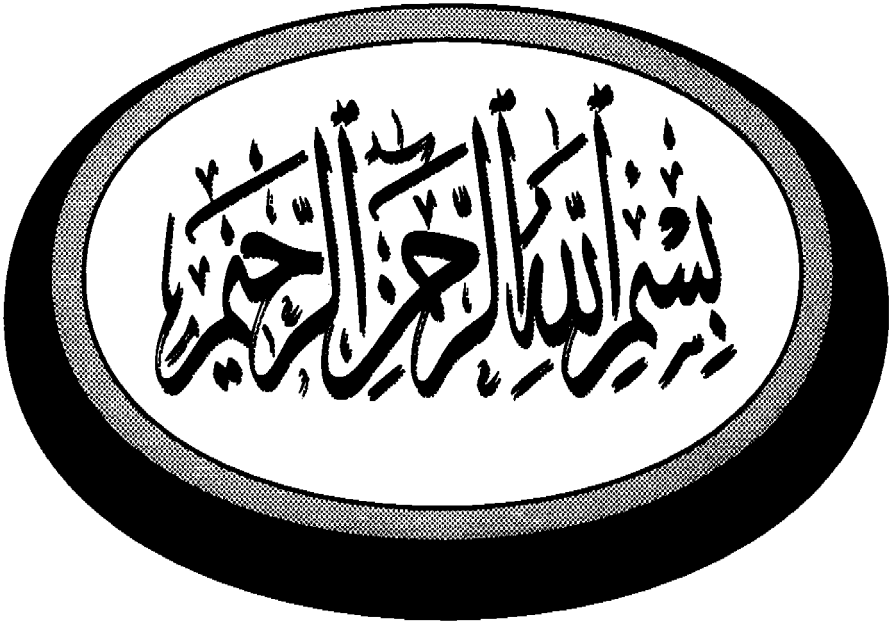
محباب قرمقدم

۱۳۷۳



- نام کتاب: در آمدی بر رده‌بندی علوم
- نویسنده: محمدباقر مقدم
- ناشر: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) - قم
- حروفچینی: ... مرکز کامپیوتر کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)
- لیتوگرافی: تیزهوش
- چاپ: حافظ - قم
- نوبت چاپ: اول
- تاریخ: ۱۳۷۳
- تعداد: ۱۰۰۰

کتابخانه
مرکز تحقیقات اسلامی
شماره ثبت: ۳۵۵۵۶
تاریخ ثبت:



سبحانك لا علم لنا الا ما علمتنا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فراخوان از کتابداران

کتابخانه بزرگ مرجع عالیقدر شیعه، فقیه اهل بیت عصمت و طهارت (ع) حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی - اعلی الله مقامه الشریف - از کتابخانه‌های غنی جهان اسلام، بویژه جمهوری اسلامی ایران است که در پی تلاشهای بی وقفه و مشقت‌های فراوان آن بزرگوار در طول بیش از هشتاد سال گردآوری شده است.

اکنون در گنجینه این فرهنگستان عظیم اسلامی، حدود بیست و پنج‌هزار جلد کتاب خطی نفیس در بیش از پنجاه هزار عنوان کتاب و رساله موجود است که از سده‌های اولیه اسلام تا زمان حاضر نوشته شده و بسیاری از آنها به خطوط مؤلفان آن است و تاکنون تعداد نه هزار و دویست جلد آن فهرست و در ۲۳ جلد چاپ و منتشر گردیده است.

افزون بر این، صدها هزار کتاب چاپی به زبانهای مختلف در این کتابخانه موجود است و روز به روز بر تعداد آنها افزوده می‌گردد به گونه‌ای که اگر این روند ادامه یابد، تعداد کتابهای چاپی بزودی از مرز یک میلیون جلد فراتر می‌رود. و انشاء الله با بهره‌برداری از ساختمان جدید کتابخانه که در حال احداث است، مشکل کمبود جا برطرف می‌گردد.

از آغاز تأسیس کتابخانه، که سابقه آن به سی سال قبل بالغ می‌گردد و اینجانب نیز از همان آغاز مسئولیت کتابخانه را حسب الامر مرحوم مغفور والد (ره) بر عهده داشته‌ام، فهرست نویسی کتابها با روش سنتی اعمال می‌گردید و تاحدودی رفع نیاز مراجعان را می‌نمود. بتدریج ضرورت فهرستنویسی و رده‌بندی کارآمد و مورد قبولی که بتواند پاسخگوی همه مراجعان باشد و دسترسی به کتابها را آسانتر سازد، مد نظر قرار گرفت.

از آنجا که انجام این کار بزرگ را با همکاری دیگر برادران روحانی حوزه مقدسه علمیه قم بر خود لازم می‌دانستیم، طی نشست‌های متعدد و مذاکرات طولانی و شناسایی افراد کارآزموده و با تجربه، مسئولیت کار بر عهده جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای محمد باقر مقدم، که خود در این زمینه مطالعاتی داشتند، سپرده شد و آنگاه ایشان طرحی ارائه دادند که بخشی از آن در کتاب حاضر در اختیار عموم قرار می‌گیرد. بدین وسیله از همه صاحب‌نظران و کتابداران درخواست می‌کنیم تا ما را در این راه یاری نموده و از نظریات و انتقادات و نارسایی‌هایی که در کتاب مشاهده می‌فرمایند، آگاهمان سازند.

با درود به روان پاک و مطهر بنیانگذار کتابخانه.

قم - سید محمود مرعشی نجفی

متولی و سرپرست کتابخانه

تیر ماه ۱۳۷۳

درآمدی

بر

رده‌بندی علوم

طبقه‌بندی کتب

محمد باقر قزوینی

۱۳۷۲

اهل

بسه پیشگاه کبریائی بقیه الله الاعظم صاحب العصر
والزمان عدالت گستر جهان حضرت حجت بن الحسن
العسکری سلام الله علیهما وعلی آبائهما الکرام.

به روح برفقوح فقهای شیعه و علمای اسلام، خصوصا
رهبر کبیر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران،
فالد اعظم، حضرت امام خمینی (قدس سره) و بالاحص
مؤسس و بنیان گذار کتابخانه حضرت آیت الله العظمی
مرعشی نجفی (رحمة الله علیه)

بسه جانشین برحق امام، ولی فقیه مسلمانان جهان
حضرت آیت الله حاج سید علی خامنه ای ادام الله ظله
العالی علی رؤس المسلمین.

به تمام کتابداران دلسوز و زحمتکش و خادمان علوم و
دانشها و به فهرست نویسان بی توقع در کتابخانه ها.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست عناوین

صفحه	فهرست موضوعات	عناوین
۱۱	□ فهرست عناوین
۱۹	□ سرآغاز
۳۳	□ کلیات و مفاهیم
۳۳	معنای لغوی سیستم
۳۵	معنای اصطلاحی سیستم
۳۶	معنای اصطلاحی نظام
۳۶	رده یا طبقه
۳۶	معنای لغوی رده
۳۸	معنای اصطلاحی رده
۳۹	تعریف رده‌بندی
۴۱	تعریف رده‌بند
۴۳	شرایط رده‌بند
۴۴	هدف از رده‌بندی
۴۵	مفهوم اطلاع رسانی
۴۷	تعریف اطلاع رسانی

فصل اول: شناسایی و معرفی سیستم‌های رده‌بندی علوم ——— ۱۱۷ - ۵۳

- سیستم رده‌بندی دیونی ۵۳
- سیستم رده‌بندی دهمدی جهانی ۷۵
- سیستم رده‌بندی کتابخانه کنگره آمریکا یا L.C ۸۱

○ سیستم رده‌بندی کولون..... ۹۳

فصل دوم : نظریه کتابداران در باره سیستم‌های رده‌بندی علوم-- ۱۹۱- ۱۲۱

○ نظریه کتابداران غربی..... ۱۲۱

○ نظریه کتابداران کشورهای اسلامی و عربی..... ۱۵۷

○ نظریه کتابداران ایرانی..... ۱۶۷

فصل سوم : ضوابط نظام جهانی رده‌بندی علوم----- ۲۱۵- ۱۹۵

○ پیش نیاز..... ۱۹۵

○ تناسب طبیعی با دانشها و شناختها..... ۲۰۰

○ عدم وابستگی..... ۲۰۲

○ برخورداری از اصول علمی و منطقی..... ۲۰۵

○ عملی و کاربردی بودن طرح..... ۲۰۶

○ آسان کردن دسترسی به کتاب..... ۲۰۷

○ شمول و جامعیت..... ۲۰۸

○ انعطاف و گسترش پذیری..... ۲۰۹

○ سهولت استفاده..... ۲۱۰

○ ترقیم و کدگذاری..... ۲۱۱

○ پشتیبانی..... ۲۱۴

فصل چهارم: نقد و بررسی سیستم‌های رده‌بندی علوم ----- ۲۸۳ - ۲۱۹

○ نظم و ترتیب ۲۱۹

○ انواع نظم ۲۲۰

○ رده‌بندی علوم ۲۲۵

○ انواع رده‌بندی ۲۳۲

○ علل گرایش به فلسفه یونان و ارتباط آن با طبقه‌بندی علوم ۲۳۸

○ دیدگاه فروغی ۲۴۲

○ فلسفه در جستجوی حقیقت ۲۴۲

○ معیار رده‌بندی علوم ۲۵۰

○ معیار ترتیب علوم ۲۵۷

○ طراحی نظامی جدید یا گسترش رده‌های وابسته ۲۶۵

○ مسؤلیت طرح رده‌بندی علوم متوجه کیست؟ ۲۶۹

فصل پنجم: کلیات طرح پیشنهادی ----- ۴۳۲ - ۲۸۵

○ تمهید ۲۸۷

○ تعریف علم ۲۸۹

○ موضوع علم ۲۹۱

○ تمایز علوم ۲۹۱

○ فرق علم با سایر ادراکات ۲۹۳

صفحه	فهرست موضوعات	عناوین
------	---------------	--------

۳۰۰ مفهوم علم

۳۰۳ مفهوم شناخت

۳۰۵ شناخت ضروریترین نیاز روحی انسان

۳۰۶ کمال معرفت، غایت خلقت

۳۰۷ رابطه دانش با شناخت

✽ ابزارهای شناخت:

۳۰۸ حواس

۳۰۹ خودآگاهی

۳۱۱ تجربه

۳۱۳ خردآگاهی

۳۱۴ استقراء

۳۱۵ تمثیل - قیاس

۳۱۶ دل‌آگاهی

۳۱۸ وحی

✽ انگیزه‌های شناخت:

۳۲۲ جبر طبیعت (درس)

۳۲۴ کنجکاوی

۳۲۶ حب ذات

۳۲۸ انس

✽ موانع شناخت:

۳۳۲ درس

صفحه	فهرست موضوعات	عناوین
۳۳۲	تقلید
۳۳۳	نقصان
۳۳۳	انحراف
		✽ مراحل شناخت:
۳۳۵	مرحله ابتدایی (حسی).
۳۴۴	مرحله عالی (عقلی).
۳۵۲	مرحله متعالی (اعتقادی یا ایمانی).
۳۵۵	ایمان چیست؟
۳۵۹	◉ رده‌بندی علوم بر پایه شناخت
۳۶۱	◉ طبقه‌بندی طولی دانش
۳۶۷	◉ ترتیب علوم بر پایه شناخت
۳۶۹	◉ نشانه‌گذاری
۳۷۴	◉ علائم و نشانه
۳۷۹	◉ تعریف رمز
۳۸۲	◉ دانش در بستر تاریخ
۳۸۸	◉ قدرت شمارشی انسان
۳۹۲	◉ سمبل‌سازی
۳۹۵	◉ تلفظ اعداد به زبانهای مختلف
۳۹۶	◉ انواع سمبها
۳۹۸	◉ نمونه‌های سمبهای حرفی و عددی

صفحه	فهرست موضوعات	عناوین
۴۰۵	نشانه‌ها و سمبلی‌های پیشنهادی برای رده‌بندی علوم	
۴۰۶	انواع علوم و دانشها	
۴۰۹	نشانه‌های پیشنهادی برای موضوعی‌های رده اصلی	
۴۱۴	نشانه‌گذاری موضوعی‌های فرعی	
۴۱۷	نشانه‌گذاری چهارمیزه‌ها	
۴۲۲	جمع‌بندی پیشنهادات	
۴۲۳	توضیح پایه علمی و منطقی طرح	
۴۲۴	توضیح جامعیت و جهان‌شمولی طرح	
۴۲۵	توضیح طبیعی بودن طرح	
۴۲۶	توضیح سادگی طرح	
۴۲۷	توضیح کاربردی بودن طرح	
۴۲۷	توضیح عدم وابستگی طرح	
۴۲۸	توضیح انعطاف، سرعت بازیابی و کوتاهی سمبلیها	
۴۲۹	مبنای عددی برگزیده	
۴۳۵	سرانجام	
۴۳۹	جدول اصلی نظام پیشنهادی	
۴۴۵	جدول شماره ۲ رده‌بندی علوم ...	
۵۵۰	ضمائم	
۵۵۵	نشانه‌های پیشنهادی	
۵۶۵	خلاصه رده‌بندی کنگره	
۵۷۸	خلاصه رده‌بندی دیوئی	

سر آغاز

سرآغاز

اثر حاضر ، بخش دوم کتابی می باشد که هنوز نامی برای آن انتخاب نشده است . مقدمات پیدایش این اثر از دو سال قبل (۱۳۷۰) فراهم شد و ضرورت تدوین «طرحی جامع» برای «رده بندی علوم» که از سالهای دور ، از سوی کتابداران و دبیرشکاران دلسوز احساس می شد ، مورد توجه قرار گرفت و آرزوی به ثمر نشستن نهال جوان «تصنیف» در بوستان دلستان ایران ، از خورشید پرفروغ حوزه ، کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره الشریف - رنگ واقعیت گرفت .

از اینکه بخش دوم این کتاب به نام درآمدی بر رده بندی علوم قبل از بخش اول آن (سازمان فنی کتابخانه) آماده می شود ، شاید جای سؤال باشد . باید گفت اولویتها ، بر حسب نیازها چنین تقدیم و تأخیر را ایجاب کرده است که پیشینیان نیز گاهی ملزم بدین کار شده اند . چنانکه بخش سوم کتاب مزبور (قواعد فهرست نویسی)

قبل از بخشهای اول و دوم آن آماده شد و در سال ۱۳۷۱ مورد استفاده فهرست نویسان کتابخانه قرار گرفت .

داستان این پس و پیش شدن‌ها چنین بود که از طرفی باید کتب موجود در مخازن کتابخانه از شیوه سنتی به سیستم جدید ، تغییر وضعیت می پذیرفت و هم مواد جدید - که روزانه وارد کتابخانه می شود شناسایی ، فهرست نویسی و وارد مدار سرویس می شد و هم مشکلات عدیده فهرست نویسان - که به دلیل فقدان و یا سکوت قواعد مربوطه از روند کار می کاست - مورد توجه و مطالعه و ارائه راه حل قرار می گرفت .

فشار کارهای عقب افتاده و سنگینی مسئولیت ایفای تکالیف فنی و پاسخ به سؤالات علمی ، بدون داشتن ریسمان محکم «شرح وظایف» مانع از دوام آوردن و پیش رفتن به منظور رساندن صحیح و سالم «بار» به مقصد ، نبود .

با استمداد از پروردگار قادر و طلب دعا از روح پرفتوح مؤسس کتابخانه (ره) و به قصد ادای ذره‌ای از دین بزرگ انقلاب اسلامی و حق عظیم حوزه علمیه - که به گردن نگارنده می باشد - از آن همه مشکلات ، استقبال شایانی به عمل آمد و به قدر توان تلاش گردید ؛ تا در نظر خوبان چه قبول افتد .

شرح آن ذره تلاش اینکه همزمان با فهرست نویسی کتب جدیدی که به علت ضیق مکان انباشته گردیده بود ، مطالعه گسترده ،

پیرامون منشأ مشکلاتی که به صورت سؤالات مکتوب از سوی فهرست‌نویسان و کتابداران فعال در کتابخانه عنوان شده بود، آغاز گردید. در نهایت مشخص شد که باید فرمی (کاربرگه) کامل، جامع و انعطاف پذیر برای استخراج اطلاعات پایه از کتب به عنوان «فهرست‌نویسی توصیفی و موضوعی کامپیوتری» طراحی شود. سپس نرم افزار کاملاً مناسب با خواسته‌ها و نیازهای «کتابداری»، «دبیره‌کاوی» و «اطلاع‌رسانی»، به صورت «بانک اطلاعاتی جامع» طراحی و نوشته شود. در کنار آن، تهیه شناسنامه کامل کتب، نویسندگان، مترجمان، ناشران، چاپخانه‌ها و... همراه ارجاعات، برای دادن به کامپیوتر الزامی بود.

همچنین سازماندهی بخشهای فنی کتابخانه و ایجاد یا راه‌اندازی سریع بخشهایی که مدار گردش کتاب و مواد کتابخانه‌ای با وجود فعالیت آن بخشها کامل می‌شد لازم بود. و به تبع آن طراحی و تنظیم چارت عملی و سازمانی کتابخانه همراه با شرح وظایف بخشهای فنی، به سرحد و جوب می‌رسید.

علاوه بر موارد یاد شده، یا باید یکی از نظامهای رده‌بندی موجود انتخاب می‌گردید و یا نظامی جدید، که بهتر و کاملتر از نظامهای موجود باشد، ارائه داده می‌شد تا طبقه‌بندی کتب حداقل در بخش مرجع یا تالار قفسه باز، بر اساس همان نظام انجام گیرد. گذشته از آن، تدوین قواعد مربوط به استخراج و نوشتن

شناسنامه کامل کتب در فرمهای مزبور که تفاوت جوهری با فهرستنویسی روی برگه‌های دستی قدیمی دارد، لازم بود.

بی گمان کلیه این تلاشها وقتی به نتیجه مطلوب می‌رسید که نیروهای انسانی آموزش دیده بر اساس «برنامه جدید» موجود باشد و در صورت فقدان چنین نیروهای کارآموده‌ای، آموزش پرسنل بخشهای فنی نیز در کنار همه کارهای شمرده شده، ضرورت پیدا می‌کرد. از سوی دیگر محدودیتهایی مانند کمبود امکانات و ابزارها، بودجه، نیروهای کارآموده و مجرب، فضا، زمان و... وجود داشت که همواره اولویت بندی را الزامی می‌نمود.

بنابر این ابتدا فرم کار برگه‌های لازم پس از بررسی دهها فرم مورد استفاده در کتابخانه‌ها و مراکز پژوهشی، طراحی گردید.

اصول و کلیات نرم افزاری که باید برنامه نویسی یا خریداری شود آماده شد و سخت افزار آن به صورت شبکه LAN قابل تبدیل به شبکه WAN بین المللی با استفاده از قویترین و سریعترین کامپیوترهای موجود در کشور، نصب و راه اندازی شد. ضمن سازماندهی بخشهای فنی و ایجاد بخشهایی که وجود نداشت، وظایف مربوط به کارکنان قسمت‌ها تفهیم و عملیات لازم تعلیم گردید. شش نفر نیروی جدید از حوزه علمیه (به دلیل عربی بودن سه چهارم کتابها) که سطح عالی (سابقه پنج تا پانزده سال حضور در درس خارج حوزه) را دارا بودند، گزینش شد و ضمن

آموزش عملی ، تعداد ده هزار جلد کتاب طی یک سال گذشته در بیش از نود مدخل فهرستنویسی و آماده‌ بهره برداری گردید .
 قواعد فهرستنویسی طبق نظام جدید ، که در نیمه اول سال ۱۳۷۱ آماده شده بود ، از نیمه دوم همان سال به مورد اجرا در آمد تا اگر ضعفها و کاستیهایی دارد ، نمایان گردد و برای سالهای آینده اصلاح و تکمیل شود . این کتابچه (قواعد فهرستنویسی) که هم اکنون در کتابخانه مورد استفاده کتابداران و فهرستنویسان می باشد ، در واقع همان بخش سوم کتابی است که باید به مرور و بر اساس نیازها پدید آید .

امروز نیز بخش دوم آن با اذعان به دهها بایستی و صدها کاستی آماده شده که باید انتظار واکنش جامعه کتابداران و دبیرشکاران را کشید و برای پختن و به کمال رساندن آن ، از انتقادات و ایرادات منطقی استقبال کرد .

در اینجا روی سخن ما با مردم عادی نیست ، بلکه کتابداران متخصصی است که از تاریخ تطوره‌بنده‌بندی علوم اطلاع دارند و می دانند که در ظرف یک یا دو سال نمی توان نظامی را ایجاد کرد ، بلکه می توان اصولی را ارائه داد و به دنبال آن پیگیری لازم را صورت بخشید تا با استفاده از آراء و نظریات گروههای تخصصی در گسترش و تکامل آن همراهی لازم عملی گردد . ما نیز مدعی نیستیم که امروزه صد ساله را یک روزه بییماییم و بار بزرگ و سنگینی را که از سوی بزرگان آن بر زمین مانده به تنهایی بر دوش

بگیریم ، بلکه ضمن بررسی طرحهای موجود و اثبات نقصان و نارسایی آنها به عنوان نظامی ایده آل برای کتابخانه های کشورهای اسلامی ، علی الخصوص کشور عزیز و با فرهنگ اسلامی ایران ؛ در صدد یافتن راهی برای به وجود آوردن نظامی عالی و جامع برای نیازهای مذهبی ، ملی و فرهنگی جامعه اسلامی خودمان هستیم و دست همکاری صاحب نظران را صمیمانه می فشاریم .

ادامه کار استخراج مواد خام و فیش برداری از منابع مربوط به بخش اول نیز در دست است که البته دلیلی بر تعجیل در اتمام آن با توجه به لزوم پیگیری مسئله «طرح رده بندی علوم» و «قواعد فهرست نویسی» نمی توان یافت . از این رو توصیف کلی بخشها و سر فصلهای کتاب الزامی خواهد بود ؛ لیکن توضیح شیوه کار مقدم بر آن است .

از آنجا که سخن از به یکباره انکار طرحهای رده بندی موجود و نمایاندن طرحی دیگر ، خوشایند هیچ طبعی نیست و از سوی دیگر نظریه های مهمی راهگشای ما در ساختن چنین افکاری بوده که حق تقدم در این خصوص بر ما دارند ، لذا سازگارتر این بود که ابتدا ضمن ارج نهادن به تلاشهای پیشینیان و پیشکسوتان ، سعی در شناخت صحیح آنچه در حال حاضر وجود دارد ، بشود و این تمام نخواهد شد ، مگر با نگرشی در حد وسع دید ، از همان دریچه هایی که پیشتر به روی ما و جامعه ما باز شده است .

به همین جهت فصل اول تا فصل چهارم این بخش از کتاب ، بیشتر نقل قولها و آراء سایر نویسندگان ، متخصصان و کتابداران است . اگر فرصت کم نمی بود و فراغت از کار عملی در کنار چنین مشغله فکری حاصل می آمد ، حق این بود که کلیه منابع مربوط به کتابداری و رده بندی ، شناسایی و تهیه شود و سپس قسمتهای لازم ، بر فیشهای موضوعی استخراج ، تنظیم و در صورت نیاز ترجمه گردد . آنگاه کار دقیق تحلیل و تدوین به سرعت و دقت انجام گیرد . هر چند که اکنون نیز قریب به دوپست و پنجاه منبع به زبانهای عربی و فارسی شناسایی و مورد استفاده قرار گرفته است ، اما راه درازی برای عملی کردن آنچه در ذهن نقش بسته ، در پیش رو داریم .

به هر حال اکنون آنچه از وسع و توان یک شخص در ظرف امکان وجود داشت به عنوان اولین گام (ولو ضعیف و ابتدایی) برداشته شده است و واضح است که هیچ عاقلی یک کار ابتدایی فردی را با یک عملیات گروهی گسترش یافته طی چند دهه ، مقایسه نمی کند . ما نیز دلخوشیمان به این است که اراده کرده ایم روی پای خود راه برویم و می خواهیم باور کنیم که قادر به ایستادن - بدون تکیه بر بیگانگان - هستیم . اما این سخن قصد عصیان در دل و سودای ستیز در سر پروریدن نیست ، بلکه ضمن بها دادن به کار دیگران و استفاده از تجارب آنان ، اعتماد به نفس

داشتن است .

از این رو تحقیقاً خواهید دید که به دلایل مذکور ، هر سخنی که قبل از این گفته شده بر سخن ما تقدم دارد و خود را مؤید آن قولِ موافق می دانیم ، ولیکن اگر از مسئله ای غفلت شده ، آنجا سخنی گفته ایم که مسئولیتش را به عهده داریم .

اینک مناسب آن باشد که نگاهی گذرا بر اسکلت کتابی که باید در آینده تدوین گردد ، داشته باشید ؛ سپس فرجام این آغاز را بنگریم .

کتابی که وعده آن را می دهیم ، پس از پیشگفتار از یک مقدمه طولانی برخوردار خواهد شد که به تاریخچه زبان و خط و . . . می پردازد . همچنین سه بخش خواهد داشت که بخش اول آن در خصوص سازمان و تشکیلات فنی کتابخانه بحث خواهد کرد و بخش دوم آن پیش درآمدی است بر رده بندی علوم (که اینک این بخش را در دست دارید) . بخش سوم کتاب نیز ناظر بر قواعد فهرستنویسی می باشد . در خاتمه کتاب نیز بحثی مستوفی در باره اطلاع رسانی ، منابع اطلاعاتی و ابزارهای اطلاع رسانی خواهد آمد که در حال حاضر فقط بخش دوم آن تحت عنوان «درآمدی بر رده بندی علوم» به زیور طبع آراسته است .

پایان بردن این سرآغاز ، بدون سپاس از زحمات بی‌دریغ پیشینیان ، که زمانی بس طولانی در ادارهٔ امورچنین نهاد علمی و فرهنگی در تکاپو بودند ، کاری ناقص و ابتر خواهد بود . سپاس از آنان که خشت بر خشت نهاده و بنای عظیم این کتابخانه را با حداقل امکانات آن زمان بر پا داشته‌اند . بنایی که مانند آن بندرت یافت می‌گردد و اگر یافت شود ؛ بزحمت تواند برابری کند . منظور ما از این بنا ، سنگ و گل نیست که بنای سنگی اگرافتخار داشت ، فراعنه و قیصر و کسری سرافرازتر بودند ، بلکه منظور دژ مستحکم فرهنگ اسلامی است که با پشتوانهٔ کتابخانه‌های مملو از گنجینه‌های غنی ، فعال و زنده ، هویت خود را پاس می‌دارد . کتابخانه‌های پویایی که تشنگان علم و دانش را با آب شیرین و گوارای خود سیراب می‌کنند .

هر یک از علما و مراجع عظام در دورهٔ حیات با برکت خود ، مأمور تأمین گوشه‌ای از نیازهای بسیار ضروری جامعهٔ بزرگ اسلامی بودند . آنان تمام قوای خود را در راه امثال به چنین امر مقدسی صرف کرده‌اند و هیچگونه توقعی از کسی در قبال آن همه رنج و مشقت طاقتفرسا نداشتند . این سخن هیچ نیازی به استدلال ندارد و برای کلیهٔ کسانی که با تاریخ اسلام آشنا هستند ، چون روز روشن است .

برخی از آن خیل بی‌پایان ، برای برپایی کرسی درسی که

مهجور شده بود مأمور شدند و برخی دیگر برای برپائی کرسی قضا . گاهی مأموریت داشتند با حکام جور ستیز کنند و زمانی مجبور بودند دندان روی جگر نهاده سکوت اختیار نمایند . . . حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی - رضوان الله تعالی - نیز از نادر علمایی بود که ضمن حفظ مسئولیت خطیر مرجعیت ، دانشهای از دست رفته را زنده کرد و برای حفظ و جمع و نشر آنها با انجام نماز و روزه استیجاری و کارهای طاقتفرسا و با عدم بضاعت مالی ، عمر گرانتقیمت را با تمام اندوخته هایش صرف کرد . دانشهایی که بسیاری از دانشمندان در فراگیری آن احساس عجز می کنند و به هر نحو ممکن از آن دوری می جویند .

اکنون که این مرد بزرگ همچون سایر همسنگران بی مانند معاصر خود ، چهره در خاک سرد کشیده ، غروب آفتاب حرارت بخش ایام گرم دانش پروری باورمان شده است و با انبوه سئوالات امت اسلامی روبرو می شویم که در پاسخ به آنها دست نیاز به سوی آثار به جا مانده از آن مردان خدا داریم .

درود بی پایان خدا به روح پاک او و امام راحل و سایر مراجع عظام و علماء اعلام . روحشان شاد ، راهشان پر رهرو و اجرشان با خدایشان باد .

همچنین خدمات خالصانه عالم ربانی مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسن نوری به کتابخانه ، در امر فهرستنویسی .

سنتی ، جای تقدیر و سپاس فراوان دارد . کار طاقتفرسای فهرستنویسی که وی طی پانزده سال توانست بدون برخورداری از کمترین ابزارهای لازم در این رشته ، از عهده آن برآید و مانع از انبار شدن و بلااستفاده ماندن کتابها شود ، اجر و مزدی بیش از سپاس ما می طلبد .

و باز نباید فراموش کنم سعی و تلاش گسترده فرزند برومند و کتابشناس مؤسس کتابخانه جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج سید محمود مرعشی نجفی دامت افاضاته را که نزدیک به سی سال بی وقفه در تکاپوی تأمین نیازهای جامعه تحصیل کرده ایران و اندیشمندان و محققان اسلامی است و همچنانکه در زمان حیات آن عالم شیعی به مانند عصایی محکم در دست آن پیر روشن ضمیر در راه اسلام بود ، در زمان حال نیز استوانه پایداری است که کتابخانه بدان متکی است .

البته باید نثار کنم تشکرات خود را به پای همه زحمتکشان در کتابخانه ، اعم از کادر اداری و خدماتی یا فهرست نویسان و کتابداران بخشهای فنی که با همکاری و همدلی ، در فراهم آمدن این پدیده ، یاری رساندند .

ناگفته نماند اگر مصمم باشم که شکر گزاری از کلیه کسانی کنم که در تدوین این طرح کمک کردند ، شاید از خود «سرآغاز» بیشتر به طول انجامد . لذا با طلب پوزش از همه آنان که نتوانستم

حقشان را ادا نمایم و به فضل و بزرگواریشان لب بگشایم ، این سر آغاز را به آخر می‌رسانم .

واپسین کلام اینکه تحریر و حروفچینی این بخش از کتاب بسیار با عجله و در فرصت کم و با وجود اشتغالات خسته کننده انجام گرفته است و امکان ویرایش یا بازبینی مجدد به دست نیامد .

آن دسته از متخصصان و کتابداران خوب که با لطف و بزرگواری پیشنهاد عرضه هر چه زودتر کلیات طرح را می‌دادند تا از نظریات آنان استفاده گردد ، اینک با فرصتی بیشتر می‌توانند اظهارات بزرگ منشانه خود را به نشانی : قم - کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) بفرستند تا در ادامه این خدمت نا قابل مورد توجه قرار گیرد .

حوزه علمیة قم

محمدباقر مقدم

۱۲ / ۱۰ / ۷۲

نوزدهم رجب المرجب ۱۴۱۴

کلیات

و

مفاهیم

کلیات و مفاهیم

قبل از بررسی و شناخت سیستمهای رده‌بندی علوم به منظور آمادگی کافی جهت دستیابی به یک طرح جامع و کامل ، بیان این نکته لازم است که بدانیم تناسب و ارتباط میان استخدام لفظ «سیستم» ، همراه عنوان «رده‌بندی علوم» ، چیست ؟

بدیهی است که لازمه این امر ، دانستن معنای لغوی و اصطلاحی «سیستم» و «رده‌بندی» می‌باشد . اما به همین بهانه ، پرداختن به برخی مفاهیم و اصطلاحات در این زمینه بی‌تناسب نخواهد بود .

❁ معنای لغوی

سیستم در لغت به معنی منظوم ، منظم ، مرتب ، نظام ، نظم می‌باشد که برحسب سیاق جملات مختلف ، یکی از این معانی .

متنوع را می رساند .

کلمه «سیستم» (System) لفظ «لاتینی»^۱ بوده و در زبانهای انگلیسی ، فرانسه و آلمانی هم ، به همین شکل وارد شده است و در همه این زبانها ، معنا و مفهوم واحد دارد .

آنچه در توضیح این لفظ می توان بیان داشت اینکه به طور کلی ، سلسله اموری که از روی اصول و قواعد ، به صورت مرتب و منظم در آمده باشد ، صفت سیستماتیک «Systematic» «انگلیسی» - «Systematisch» آلمانی» خواهد داشت و معادل فارسی آن را می توان نظام یافته ، اصولی و اسلوب دار تلقی کرد .

بنابر این هر مجموعه نظام یافته را «سیستم» می گویند . پس روشن می شود که لفظ «سیستم» در لغت ، اسم است و به معنی

۱ - Latin مأخوذ از نام قومی به نام «لاسیون» یا «لاتیوم» می باشد که چهار قرن پیش از میلاد مسیح (ع) در سرزمینهای فعلی حومه رُم (بین کوههای آپن و دریای تیرنه) زندگی می کردند . آنان طی جنگهای متوالی مغلوب رومیان گشتند و از آنان فرمان بردند . رومیان به ظاهر غالب و پیروز ، با گذشت زمان در فرهنگ و آداب و رسوم لاسیونها تحلیل رفتند و زبان ، مذهب و عادات اشرافی آنان را فرا گرفتند . بعدها این فرهنگ و زبان به کشورهای اروپای غربی نیز گسترش یافت و از آن طریق بسیاری از کشورهای جهان حروف لاتینی را به عنوان حروف اصلی زبان خود برگزیدند و تغییراتی مختصر در آن دادند تا با نیازها و خواسته هایشان مطابق شود . ر . ک : فرهنگ معین . لغت نامه دهخدا . دائرة المعارف فارسی .

روش ، اسلوب و نظم می‌باشد .
 اگر بخواهیم یک مجموعه‌ای را دارای اسلوب و روش کرده ،
 بر اساس اصول و نظامی مطلوب ، پایه گذاری یا تجدید بنا
 کنیم ، نام این عمل را "Systematize" و کننده یا طراح آن را به
 زبان فرانسه "Systematiser" می‌گویند . کما اینکه تحلیل‌گر و یا
 بررسی‌کننده سیستم "System analyst" یا "System analyser"
 نامیده می‌شود .

❁ معنای اصطلاحی

«سیستم» در اصطلاح به «ترکیبی از تجهیزات ، مهارتها ، فنون
 و اطلاعات که قابل اجرا و یا پشتیبانی یک نقش عملیاتی را در
 بدست آوردن اهداف مدیریتی مشخص دارد»^۱ گفته می‌شود .
 از آنجا که مناسبترین معادل فارسی واژه «سیستم» ، کلمه «نظام»
 می‌باشد ، لذا بیان معنای اصطلاحی «نظام» با مقاصد ما موافق‌تر
 خواهد بود .

۱ - فرهنگ اصطلاحات کامپیوتری ، ترجمه و گردآوری محمدرضا حسینی ،

چاپ ۱۳۷۱ ، ص ۸۷۵ .

❁ معنای اصطلاحی نظام

مجموعه‌ای از اندیشه‌ها ، آگاهیها ، افکار ، اعمال ، تجارب ، فنون و مواد که در ساختن پیکره آرمانی مشترک و یا در رسیدن به هدفی مشترک در تکاپو باشند نظام خوانده می‌شود . اجزای تشکیل دهنده چنین نظامی ، ضمن حفظ ماهیت استقلالی ، مدار مشخصی را طی می‌کنند . آنها در عین تکثر ، وحدت آرمان دارند و در نیل به آن ، همدیگر را حمایت و پشتیبانی می‌کنند . یک نظام همچنانکه می‌تواند از آحاد بی‌شماری (مانند نظام آفرینش یا نظام جهان هستی) به وجود آید ، می‌تواند از افراد و اجزای معدودی نیز متشکل باشد .

رده یا طبقه

❁ معنای لغوی

در لغت به دسته‌ها و گروه‌های متمایز از همدیگر ، رده یا

طبقه گفته می‌شود. رده به معنای درجه نیز استعمال شده است.

مرحوم دهخدا به نقل از نسخه خطی لغت محلی شوشتری «رده» را دسته، صف و رسته معنا کرده است.

«رده» به معنی پایه نیز استعمال شده است. در دوران قرون وسطایی جوامع اروپایی به طبقات مختلف تقسیم می‌شد که حقوق و امتیازات متفاوتی داشتند. این عمل که یک نوع «رده‌بندی» سیاسی اجتماعی در جوامع بشری می‌تواند باشد، در میان بسیاری از ملل و اقوام معمول بوده است. لفظ "Class" نیز که یک لفظ لاتینی است در اغلب زبانهای اروپایی وارد شده و همین معنا را با خود دارد. چون لاسیونها جامعه را به طبقات مختلفی تقسیم کرده بودند و هر کدام را نام و مشخصه‌ای متمایز از سایر طبقات داده بودند. این نوع طبقه‌بندی اشرافی در کشورهای شرقی مثل ایران باستان، هندوستان و چین نیز وجود داشت ولی هیچکدام به شدت و تعصب لاسیونها عمل نمی‌کردند. این رسم و قانون غلط به یونانیها و رومیان که وارث لاسیونها بودند، رسید و تا امروز نیز پا بر جاست^۱.

۱ - رده‌بندی را به عنوان لفظی منشعب از رده، نشأت یافته از طبقات یا رده‌ها

آنچه از کلمه «رده» و «طبقه» مورد نظر ما می باشد ، معادل واژه صنف در عربی ، دسته و رجه در فارسی ، جاتی در هندی (سانسکریت) و Class در انگلیسی است .

❁ معنای اصطلاحی

الفاظ به دلیل استعمالهای گوناگون معانی متفاوتی پیدا می کنند و از آن جمله است لفظ رده یا طبقه . متخصصین این امر معانی متعددی از این لفظ در مقوله تعریف به دست داده اند که ضمن نقل دو مورد ، تعریفی ارائه داده می شود .

رده به «یکی از بخشهای طرح یا فرامای رده بندی که زیر آن موضوعهائی که دارای مشخصات مشترکی هستند ، گردآوری می شوند»^۱ ، اطلاق می گردد . «گروهی که دارای ویژگیهای

در روم باستان نیز می دانند ، که افراد برگزیده در کشور بر اساس ارزشهای واقعی یا تصویری یا بر اساس اصل و نسب به شش طبقه یا رده تقسیم می شدند . فصلنامه کتاب ، دوره دوم ، شماره اول ، ۱۳۷۰ ، مقاله مهدی داودی ، مقدمه ای بر جنبه های نظری رده بندی ، ص ۲۷۲

۱ - اصطلاحنامه کتابداری ، پوری سلطانی و فروردین راستین ، ویرایش دوم ، چاپ دوم ، تهران ۱۳۷۲ .

یکسان باشد.» رده نامیده می‌شود .

در اصطلاح کتابداری به هر عنوان موضوعی یا چهره‌ای یا شکلی که مجموعه‌ای از دانشها را ، با مشخصات مشترک در بر بگیرد ، رده یا طبقه گفته می‌شود و هر رده و یا طبقه اصلی می‌تواند به دهها رده فرعی تر تقسیم و منشعب شود .

❁ تعریف رده‌بندی

رده‌بندی به معنی جور کردن ، عملی است که همگان در هر شرایطی و برای هر چیزی ، دست به آن می‌زنند و در واقع نوعی رده‌بندی ایجاد می‌کنند . اما در مورد علوم ، تسمیه رشته‌های همسان و به هم پیوسته به اسمی گویا و رسا ، به منظور نزدیک سازی و ارتباط دادن آنها در محلهای استقرار کتابی است که در طبقات و رده‌های مشخصی جای می‌گیرند .

اگر به معنی عام رده‌بندی ، بدون استعمالات ثانویه توجه کنیم ، خواهیم دید که هر انسانی به طور طبیعی قدرت و قوه رده‌بندی را دارد ، لکن درجات این استعداد مثل سایر قوای

معنوی متفاوت است .

«رده بندی» (Classification) به معنی مرتب سازی و تنظیم اشیا (عینیات) ، یا افکار (ذهنیات) بر اساس مابه الاشتراکات و مابه الامتیازات ذاتی یا صفاتی ، حقیقی یا مجازی ، به منظور تصویر روشن و واضح ذهنی از صورت آن مجموعه و یا به جهت دسترسی آسان به گستره و عمق آن مجموعه و یا برای تشخیص روابط و پیوندهای موجود میان واحدهای آن مجموعه می باشد^۱.

با این بیان ، روشن می شود که یک نفر «رده بند» (Classifier) یا «طراح» (Designer) در «علم کتابداری» (Library Science) مصمم بر ایجاد یا ابداع نظامی مبتنی بر اصول و قواعد علمی و منطقی برای دسته بندی کتب بر اساس موضوع ، زمان ، زبان ، مؤلف ، عنوان ، قطع و . . . به منظور سهولت دسترسی در موقع نیاز و یافتن ارتباط میان علوم و دانشها می باشد .

روشن است که پایه گذاری نظامی با مشخصات یاد شده ، به صورت اتفاق یا حسن تصادف نخواهد بود . مسلماً «رده بند»

۱ - در این خصوص به مقاله آقای مهدی داوودی تحت عنوان «مقدمه ای بر جنبه های نظری رده بندی» در فصلنامه کتاب ، دوره دوم مراجعه شود . وی تعاریف متنوعی را از صاحب نظران نقل کرده است .

موفق ، علاوه بر تسلط بر دانشها ، قدرت دسته بندی و تفکیک ، قدرت طراحی و تجربه ، باید از اطلاعات و تجارب گذشتگان نیز استفاده نماید .

❁ رده بند (Classifier)

رده بند به کسی گفته می شود که مجموعه ای را به گروه های همسان تقسیم می کند و برای هر گروه رتبه و مقامی را در نظر می گیرد که مطابق با ویژگیها و مشخصات آن گروه می باشد .
 رده بند به « کتابداری که جای صحیح کتابها را در یک نظام رده بندی تعیین می کند »^۱ نیز گفته می شود .

رده بند در اصطلاح کتابداری ، کسی است که دانش بشری را مرز بندی کرده و حد فاصل هر رشته از علوم را تمییز می دهد و نهایتا آنها را در رشته ها و صنفهای مشخصی جمع می نماید و مکانت طبیعی هر یک را معین و ارتباط آنها را نسبت به دیگر رشته ها ، روشن می سازد

از آنجا که رده بند حد فاصل اشیا و افکاری را که می خواهد

۱ - اصطلاحنامه کتابداری .

دسته بندی نماید ، باید تشخیص دهد و رابطه بین آنها را درست تمییز داده ، منزلت و مکانت هر چیزی را بشناسد و در جایگاه واقعیست استقرار بخشد ، باید فردی تقریباً عادل باشد . چون معنی دقیق «عدل» قرار دادن هر چیزی است در مکان واقعی و حقیقی خودش : «العدل وضع الشئ فی مكانه .» همچنین رده بند باید خواص و آثار ذاتی و صفاتی اشیاء را بداند ، از سوی دیگر گو اینکه پی بردن به کُنهِ اشیا برای انسان مقدور نیست . بنابر این گفتار ما از شناخت ، تشخیص ، تمییز و تعریف ، نسبی است . همان طور که علم و جهل نسبی خواهد بود ؛ یعنی هر انسانی هم عالم و داناست و هم جاهل و نادان ؛ عدالت نیز نسبی است . عالم و عادل مطلق فقط پروردگار عالمیان است . سپس هر چقدر انسان به خدا نزدیکتر باشد و از نوامیس طبیعت که خدای لایزال به قدرت و عظمت از آنها یاد کرده ، لایتغیر خوانده و برای برقراری نظم هستی خلق فرموده ، اطلاع داشته باشد ، به همان مقدار گفتار ، کردار ، رفتار و اعمال درست ، معقول سنجیده و متعادل خواهد داشت . به طوری که استمرار آن ملکه‌ای در نفس وی به وجود می‌آورد و آن شخص از صفت «عدل» برخوردار می‌شود .

البته عدالت نیز مراحلی دارد ؛ مانند سایر ملکات نفسانی و

فضایل اخلاقی که مرحلهٔ اعلای آن در اینجا مورد نظر نمی‌باشد و کافی است که «رده‌بند» جایگاه مناسب هر علم و دانشی را بشناسد. بدیهی است که چنین کسی هر قدر از شناخت شناسی و انسان شناسی، بهره‌ای داشته باشد به همان مقدار در کار خود موفق‌تر خواهد بود.

❁ شرایط «رده‌بند»

- با توجه به آنچه گذشت، مواردی که در تکمیل هر طرح جامع نقش اساسی را بازی می‌کند (که می‌توان بعنوان شرایط طراح سیستم‌رده‌بندی علوم تلقی کرد) به ترتیب عبارت است از:
- الف - دانش لازم و کافی .
 - ب - قدرت تفکر و طراحی .
 - ج - قدرت تشخیص و تفکیک موضوعات از همدیگر در رده‌های اصلی .
 - د - تجربه .
 - ه - اطلاع و آگاهی لازم از کار گذشتگان .
 - و - زمان (برخورداری از فراغت لازم و آرامش ذهن) .
 - ز - استمرار (تداوم در امر تکمیل طرح) .

❁ هدف از «رده بندی» در عصر حاضر

نتیجه و محصول «رده بندی»، «فهرست نویسی»، «خدمات فنی و کتابداری»، «دیزش یا دکومانتاسیون» دست یابی به «نظام اطلاع رسانی»، (Information Science System) بر اساس «نیاز اطلاعاتی»، (Information need) جامعه می باشد و پایه گذاری یک «سیستم جامع رده بندی علوم» به معنای ساختن یکی از ستونهای ساختمان بزرگ «نظام اطلاع رسانی» خواهد بود.

ستونهای متعدد دیگری نیز برای برپایی اسکلت «نظام اطلاع رسانی» لازم است که به برخی از آنها اشاره می شود:

- ۱ - استفاده صحیح از «رسانه های اطلاعاتی».
- ۲ - هماهنگی لازم و کافی بین «مراکز اطلاعاتی».
- ۳ - به کارگیری «متخصصین اطلاعاتی».
- ۴ - برخورداری از «سیاست اطلاعاتی».
- ۵ - «ذخیره سازی اطلاعات».
- ۶ - «مبادله اطلاعات».
- ۷ - «تحلیل»، «باز کاوی و بازیابی اطلاعات».

امید است که آرزوی تمامی دست اندرکاران امور اطلاع‌رسانی و متخصصین علوم کتابداری، با به ثمر نشستن درخت با شکوه «نظام اطلاع‌رسانی» جامه عمل پوشیده، کشور و مردم شریف ایران در سایه آن، از گزند تشعشعات اطلاعات نادرست بیگانگان، مصون مانده و مسئولین محترم نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، از میوه‌های آبدار آن بهره‌مند گردند.

❁ مفهوم اطلاع‌رسانی

پی بردن به «مفهوم اطلاع‌رسانی» (Information Science Concept) در سخن از «نظام اطلاع‌رسانی» (Information Science System)، برای دستیابی به یک نظام ایده آل، ما را یاری می‌دهد. بر خلاف نظریه برخی صاحب‌نظران، «اطلاع» به معنی «آگاهی» و «اطلاع‌رسانی» به معنی «آگاهی‌بخشی» می‌باشد و انحصار در «پیام‌رسانی» ندارد. هر نوع «دانستی»، «آگاهی» و «علم» می‌آورد. اما همین دانستن، انواع و مراحل‌ی دارد که عوامل بسیار زیادی در «تنوع» آن «دانش» مؤثر می‌افتد.

- «اطلاع‌رسانی» که مرکب از دو کلمه اطلاع به معنی «دانایی» –
- «آگاهی» و «رسانی» مأخوذ از «رسانا» و «رسانیدن» به معنی «دادن» –

«رساندن» می‌باشد ، فی نفسه ، اصطلاحی است جدید و متأخر و معمولاً اصطلاحات ، با معانی لغوی الفاظ ، تناسب دارند .

«اطلاع» مصدر باب افتعال است . ثلاثی مجرد آن طلع از باب فَعَلَ يَفْعُلُ می‌باشد . مثل قَعَدَ يَقْعُدُ .

اصل «اطلاع» اطلاع بوده است . بر اساس قوانین صرفی ، «تای» منقوط را از جنس «تای» تألیف (دسته‌دار) کرده و در همدیگر ادغام نموده‌اند .

اطلاع در لغت به معنی دانستن ، آگاه شدن ، آشکار گشتن ، برآمدن ، ظاهر شدن می‌باشد . «فیومی» (م ۷۷۰) در «المصباح المنیر» می‌نویسد : «كُلُّ مَا بَدَأَ لَكَ مِنْ عُلُوِّ فَقَدْ طَلَعَ عَلَيْكَ» یعنی هر چیزی که از سمت بالا بر تو آشکار گردد ، بر تو طلوع کرده است . از آنجایی که هر دانشی برای انسان قدرت و توانایی می‌بخشد و دانستن چیزی ، تسلط یافتن بر آن چیز محسوب می‌شود و مسلط مافوق مسلط علیه می‌گردد به همین جهت انسان دانا و دانشمند که در واقع تسلط بر علوم و تفوق بر محیط خود دارد ، شخص «مطلع» نامیده می‌شود .

بر این اساس ، «اطلاع» چیزی نیست که قابل رساندن باشد ، بلکه متعلق آن مثل «خبر» قبول رسانیدن می‌کند . لذا در حل این تسامح که معنای هیئت باب افتعال مطاوعة الفعل می‌باشد ، باید

«اطلاع‌رسانی» را «آگاهی‌بخشی» معنا کرد که تحقیقاً، وضع‌کنندگان این اصطلاح نیز همین معنا را مد نظر داشته‌اند.

اکنون که، موضوع له «اطلاع» روشن شد باید دید این اصطلاح را چگونه تعریف نموده‌اند.

تعاریف بسیار زیادی در این مورد ذکر شده است که علاقه‌مندان باید به کتب و نشریات موجود در زمینه اطلاع‌رسانی مراجعه نمایند. برای پرهیز از تطویل، فقط تعریفی که اصطلاحنامه کتابداری به دست داده نقل می‌شود.

❁ تعریف «اطلاع‌رسانی»

«اطلاع‌رسانی دانشی است که در باره کیفیت و کاربرد اطلاعات، نیروهای حاکم بر جریان اطلاعات و همه ابزارهای آماده سازی اطلاعات برای دسترسی و استفاده مطلوب تحقیق می‌کند. اطلاع‌رسانی به تولید، گردآوری، سازماندهی، ذخیره، بازیابی، ترجمه، انتقال، تبدیل و کاربرد اطلاعات مربوط می‌شود...»^۱

۱ اصطلاحنامه کتابداری.

بقول مرحوم آخوند خراسانی تعریف کاملاً جامع و مانع به این سادگی ممکن نیست و همه این گفتگوها تحت عنوان تعریف ، نوعی شرح لفظ می باشد . لذا به تعبیری دیگر می توان چنین تشریح و تبیین کرد : شناسایی و جمع آوری اطلاعات خام ، ارزشیابی و پردازش آنها به صورت دانستنیهای مرتب شده ، ایراز و ارسال آنها ، بر اساس اصول و ضوابط قابل تعلیم را ، «علم اطلاع رسانی» می توان خواند .

بنابر این ، جمع آوری و نظم بخشی به دانش بشری به منظور بازیابی و استفاده مؤثر و سریع از علم ، هنر و تجربه هموعان در حال و گذشته ، با بهره گیری از منابع ، ابزارها و سیاستهای اطلاعاتی ، «نظام اطلاع رسانی» را به وجود می آورد .

انتخاب یک نظام اطلاع رسانی برای کشورهای در حال توسعه ، به دلیل فقدان تکنولوژی پیشرفته و ناهماهنگیهای ساختاری با کشورهای توسعه یافته ، ساده و عجولانه ، نباید باشد . همچنان که در گزینش سیستم پولی ، نظام اقتصادی ، نظام آموزشی ، نظام سیاسی و نظام تسلیحاتی و . . . دقت و آینده نگری لازم و ضروری می باشد ، در ایجاد نظام اطلاع رسانی نیز ، مطالعات عمیق و گسترده ، الزامی خواهد بود .

از آنجا که کتاب را به عنوان ظرف دانش می توان تلقی کرد ،

بالتبع ، کتابها ، دانشهای مکتوب می‌باشند و کتابخانه‌ها نه به عنوان انبار دانش و کتاب ، بلکه به عنوان اساسی‌ترین منبع اطلاعاتی برای هر نظام اطلاع‌رسانی ، به شمار می‌روند .

از سوی دیگر هیچ کتابخانه‌ای زنده و پویا نخواهد بود ، مگر اینکه امور فنی و اطلاع‌رسانی در آن کتابخانه ، نظام یافته و سازمان پذیرفته باشد .

لازمه سازماندهی و نظم بخشی به تلاشهای فنی و خدماتی کتابداران نیز ، «فهرست‌نویسی» و «رده‌بندی» مناسب با نیازهای جوامع و اقشار مختلف می‌باشد .

همان‌طور که کلیه کتابداران متخصص اتفاق نظر دارند که بخشهای فنی ، خصوصا بخش فهرست‌نویسی از درجه اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و در واقع مغز کتابخانه محسوب می‌شود و امتیاز هر کتابخانه از کتابخانه دیگر ، در تجهیز آن به بهترین سیستم رده‌بندی علوم و یا طبقه‌بندی کتب می‌باشد ، باید اذعان داشت که چنین اعتقادی در عمل بندرت معمول می‌گردد و اکثر کتابخانه‌ها یا در برابر سیستم‌های رده‌بندی جدید سکوت اختیار کرده‌اند و یا به تقلیدی ناهمگون دست زده‌اند که در گیر و دار مشکلات فراوان ، هدف اصلی را به بوتۀ فراموشی سپرده‌اند .

اینک می‌کوشیم چند سیستم رده‌بندی علوم را بشناسیم و سپس

به یاری خداوند متعال ، طرح قابل قبولی را ارائه دهیم . تکاپویی که در این مختصر برای شناسایی و معرفی سیستمهای رده بندی علوم مشاهده می شود ، صرفا به منظور آمادگی برای نقد طرح جدید می باشد .

هر چند که «رده بندی» از دیر باز بوده و در هر دوره و عصری ، تغییراتی در روشها^۱ و شیوه های آن به وجود آمده است ، ولی در صدد بررسی و شناخت همه آنها ، در این مختصر نمی توان بود .

حتی رده بندی های قرون اخیر نیز بسیار زیاد است^۲ و پرداختن بدانها از حوصله این بحث خارج می باشد . لذا از میان آنها فقط چهار رده بندی انتخاب شده و به منظور کنکاش با خواننده بازشناسی می شود . آن چهار رده بندی عبارت است از :

رده بندی ددهمی (دیوئی)

رده بندی ددهمی جهانی

رده بندی L.C (کنگره)

رده بندی کولون (رانگاناتان)

۱ - مثل : شیوه شمارشی ، تحلیلی ، ترکیبی ، چهریزه ای ، شکلی ، موضوعی ، قفسه ای و ...

۲ - مثل : رده بندی بلیس ، کاتر ، براون ، هاریس ، بیکن ، جانستون و ...

فصل اول

شناسایی و معرفی

سیستمهای رده‌بندی

علوم

سیستم رده‌بندی «دیوئی»

Dewey Decimal Classification (D.D.C)

سیستم رده‌بندی «دیوئی» که به نامهای «دهدهی» و «اعشاری» نیز شهرت دارد، توسط «ملویل لوئیس کاسوث دیوئی»^۱ در سال ۱۸۷۴ م عرضه شد. طرح وی، در سال ۱۸۷۶ م به چاپ رسید. در آن موقع طبقه‌بندی ارائه شده توسط وی در ۴۲ صفحه و بسیار نو پا بود. در چاپها و ویرایشهای بعدی، یاری و همکاری گروه کثیری از متخصصان و دانشمندان در رشته‌های تخصصی، موجب گسترش و تکامل رده‌بندی دهدهی گردید.

در این طرح تمامی علوم و دانشها، به ده طبقه بسیار کلی تقسیم شده است و امکان افزودن موضوعی به رده‌ها و طبقات اصلی وجود ندارد. گروههای گوناگون دانشها مانند شاخ و

1 - Melvil Louis Kossuth Dewey.

برگهای درختان ریشه در این ده طبقه اصلی دارند .
 به این معنا که دانش بشری در طرح دیوئی به ده رده اولیه
 اصلی تقسیم بندی شده است . سپس هر رده به ده رده ثانویه
 فرعی متقسم گردیده است و هر کدام از آنها نیز به ده رده دیگر
 فرعی تر قابل تقسیم است . بنابر این تا بی نهایت می توان علوم
 را تقسیم بندی و ریز کرد .

تقسیم بندی اعشاری (دهدهی) پیشینه دیرینه ای دارد که از
 زبان و دانش «عددی» انسان بر مبنای «ده» ، سر چشمه گرفته
 است .

منظور از «زبان عددی انسان» همان معرفت محاسباتی بشر با
 استفاده از علایم و نمادها می باشد که تأثیر بسیار عمیقی بر
 سایر معرفتهای بشری دارد و از آن جمله است «رده بندی» و «گروه
 شناسی» .

قبل از «ملویل دیوئی» نیز طبقه بندی علوم در ده رده اصلی وجود
 داشته ، اما وی بیشترین تأثیر بر تفکر خود را در علاقه اش
 به عدد «ده» نمایش می دهد و آن علاقه را ناشی از تولد خود در
 دهم ماه دسامبر می داند .

در این زمینه ، کتابدار عرب زبان «محمد امین البنهاوی» از دفتر
 خاطرات ملویل دیوئی مطلبی را نقل می کند که در کتابهای

«التصنيف العملى للمكتبات» و «تاریخ التصنيف العشرى» چاپ شده است و ما خلاصه آن را ذکر می‌کنیم .

قلبم به سوى هر دهگانه‌ای شکرفا می‌شود یا هر چه اختصاص به کتابخانه داشته باشد ، قلبم به سويش پر می‌زند . و در واقع اگر نمی‌بود ولادت من در روز دهم ماه دسامبر ، نمی‌توانستم توفیق ، رشد و تکامل خود را ، به سهولت و سلامتی تصور و باور کنم . بر این اساس ، اهتمام و علاقه من به «ده» و «دهگانه» ، حد و مرزی ندارد .

اما آیا واقعا صرف تولد در همین روز از ماه ، چنان تأثیری در وی داشته است که طرح خود را بر مبنای «دهدی» استوار ساخته است یا قبل از وی ، کتابدارانی طرحهای «دهدی» برای طبقه‌بندی کتب ارائه داده بودند و همانها موجبات چنین تفکری را برای وی فراهم آورده‌اند ؟

برای روشن شدن زمینه‌های «طرح طبقه‌بندی دهدی» در قبل از دیوئی ، که اغلب نوعی ابداع و ابتکار را از طرح دیوئی تصور می‌کنند ، توجه به برخی گزارشها ضروری خواهد بود .

تنظیم و رده‌بندی کتب ، بر اساس طبقه‌بندی

دهگانه ، همزمان با طرح دیوئی ابداع نگردید . چنانچه خود دیوئی نیز چنین ادعائی نداشت . (بلکه دویست و نود سال قبل از وی ، کسانی به این طبقه بندی دهگانه دست یازیده بودند .) «برویک سه‌بزرز»^۱ می‌گوید : «لاکروا دومین»^۲ در سال ۱۵۸۳ م طرح جدیدی برای تنظیم کتب در کتابخانه‌ها ، به حضور پادشاه فرانسه «هنری سوم»^۳ تقدیم کرد . این طرح در عین اینکه ، از هر جهت بسیار کامل و متقن بود ، ولی برای آن زمان غریب جلوه می‌نمود .

خلاصه طرح چنین بود که ، مثلاً تنظیم ده هزار جلد کتاب باید در صد قفسه انجام می‌گرفت و هر قفسه شامل صد جلد کتاب در موضع خاص می‌شد . ترتیب توالی استقرار کتب در قفسه‌ها به شرح ذیل بود :

قفسه ۰۱ - ۱۷ ادیان

1 - Berwick Sayers .

2 - Lacroix Du Maine .

۳ - Henry III. وی آخرین پادشاه سلسله «والوا» بود . در ایام سلطنت هنری سوم ، آتش جنگهای مذهبی در فرانسه شعله‌ور بود . جنگی خانمانسوز میان «کاتولیکها» به سرکردگی خاندان «گیز» علیه «پروتستانها» سراسر آن کشور را فراگرفته بود . هنری سوم فرزند هنری دوم می‌باشد که در سال ۱۵۵۱م در «فونتن بلو» متولد و در ۱۵۸۹م به دست یک کشیش کشته شد .

هنر و علوم	۴۱ - ۱۸	قفسه
وصف جهان	۶۲ - ۴۲	قفسه
جنس بشر	۷۲ - ۶۳	قفسه
اشراف و شاهزادگان	۸۱ - ۷۳	قفسه
تاریخ طبیعی	۹۶ - ۸۲	قفسه
تراجم و زندگی نامه‌ها	۱۰۷ - ۹۷	قفسه

همان طور که ملاحظه می‌کنید ، رده‌بندی مذکور ، مشابه «رده‌بندی دهدهی دیوئی» است ، اما نه از جهت موضوعات ، بلکه از جهت طبقه‌بندی کتب در قفسه‌ها و طبقات دهگانه ردیفهای قفسه‌ها .

همچنین طرح دیگری قبل از «دیوئی» و بعد از «دومین» ارائه شده که صاحب آن «ناتانیل شیرتلف»^۱ ، جزئیات طرح خود را ، در کتاب کوچکی شرح کرده است .

موضوع کتاب وی «فن کتابخانه‌ها» بوده و در سال ۱۸۵۶م در شهر «بوستون» تحت عنوان "A Decimal System for the Arrangement and Administration of Libraries ." به چاپ رسید .

طرح «شیرتلف» شبیه همین طرحی است که «دومین» ابداع نموده بود . به این معنا که وی از خلال تحقیقات خود

1 - Nathaniel Schurtleff.

عددی را استخدام کرده بود ، که «ده ده» گسترش می یافت .
به طوری که ده قفسه ، هر کدام از ده ردیف تشکیل می شد و
هر ردیف حاوی ارقامی از ۱۰ - ۱ بود .

ناگفته نماند که «شیرتلف» اساس طرح پیشنهادی خود
را برای تنظیم «کتابخانه عمومی» «بوستون» ریخته بود .
در واقع همه رده بندی هایی که قبل از «دیوئی»
طراحی و ابداع شده ، دارای همین علایم غریب ، یعنی
شماره گذاری ردیفها و قفسه ها و تقسیم موضوعات
کتب بر اساس ترتیب قفسه ها و ردیفها بودند . اما
هیچکدام آنها ، در تقسیم بندیهای خود ، علوم را به ده
موضوع منحصر نکرده بودند .^۱

بنابر نظر اکثر کتابداران ، استفاده از «سیستم عددی دهدهی»
(Decimal Digit System) در کتابخانه ها ، قبل از دیوئی مرسوم
بوده است . با این فرق که اسلاف دیوئی کتب را از لحاظ محل
استقرار ، بر مبنای ده ، طبقه بندی می کردند ، ولی دیوئی
موضوعات را بر این اساس تقسیم کرد .
البته در خصوص رده بندی علوم نیز پیشگامانی بودند که

۱ - التصنيف العملى للمكتبات ، محمد امين البنهاوى ، چاپ دوم ، مصر ،

طرحهای خوبی برای عصر خود ارائه کرده‌اند و دیوئی نیز طرح خود را مدیون تلاشهای آنان است. همان طور که در «تاریخچه رده‌بندی علوم» گفته آمد،^۱ از دیر باز، بشر دست به طبقه بندی علوم زده بود و در غرب و شرق، مردان بزرگی طبقه‌بندیهای بسیار مترقیانه‌ای را در دوره‌های خودشان پیشنهاد داده‌اند. اما کسانی را که دیوئی از آنان نام می‌برد و خود را مدیون آنان می‌داند، خیلی متأخر هستند و بیشتر به عصر دیوئی نزدیکتر می‌باشند تا انقلاب رنسانس.

دیوئی در مقدمه تصنیف مشهور دهگانه خود، می‌نویسد: «من بسیار مدیون و بدهکار هستم به ناتالی باتزاتی^۲ و به طرح طبقه‌بندی وی که در میلان سال ۱۸۷۱م منتشر شد و مورد استقبال ناشران ایتالیایی قرار گرفت.

طرح ناتالی، *Nuovo sistema di catalogo bibliografico Jenetale*، نام گرفت و برغم اینکه دیوئی چیزی از تصنیف ناتالی کپی نکرد، همیشه خود را مدیون وی می‌دانست.

۱ - مقدمه اصلی کتاب که تاریخچه کتاب، کتابداری، رده‌بندی و... را بیان می‌کند، هنوز به مرحله چاپ نرسیده است و همراه بخش اول کتاب در آینده آماده چاپ می‌شود. ان شاء الله.

2 - Natale Battezzati.

همچنین دیوئی می گوید که به طرحهای «جیکوب شفارتز»^۱ و «ویلیام . ت . هاریس»^۲ بدهکار است .
دیوئی از تقسیم معارف و معلومات بشری ، طبق نظریه «ویلیام توری هریس» الهام گرفت که طبقه بندی خود را بر طرحی معکوس طرح «بیکن»^۳ استوار نموده بود .
«ویلیام توری هاریس» فیلسوف آمریکائی از معلمین طراز اول بود .

وی توانست برای اولین بار طرح معروف «بیکن» را در سال ۱۸۷۰م واژگون نماید . «هاریس» که در آن موقع سرپرست کتابخانه «سن لوئیس» بود ، توانست کتب آنجا را بر اساس طرح معکوس «بیکن» تنظیم نماید .
«بیکن» در آن زمان توانسته بود ، توانائیهای سه گانه بشر را که عبارتند از «حافظه - تخیل - ادراک» ، از مجموعه «تاریخ - هنر - فلسفه» جدا نماید^۴ .
هاریس این فشرده طرح را بگرفت و واژگون کرد .

1 - Jacob Schwartz.

2 - William T. Harris.

3 - Bacon.

۴ - به اعتقاد وی دانش بشر محصول تلاش سه نیروی معنوی می باشد .
به طوری که تمامی آنچه را که می توان با نیروی حافظه کسب کرد ، در رده تاریخ قرار می گیرد و هر آنچه با تخیل تولید می شود در رده هنر خواهد بود و علوم خالص و ادیان تحت عنوان فلسفه از نیروی ادراک سرچشمه می گیرد .

سپس به هر مجموعه از مجموعه‌های سه گانه ،
موضوعات وابسته را اضافه نمود .
شاید یک نگاه مقایسه‌ای به طرحهای بیکن ،
هاریس و دیوئی کافی باشد تا اصل طرح را بشناسیم^۱ .

اندیسه‌ها			دیوئی	هریس	بیکن	
علامت عددی	عدد	علامت		موضوعات طبقات	معکوس	اصلی
...	۱	۱	کلیات	علوم		
۱۹۹-۱۰۰	۴	۵-۲	فلسفه	فلسفه		تاریخ فلسفه
۲۹۹-۲۰۰	۱۱	۱۶-۶	دین	دین		
۳۹۹-۳۰۰	۱۵	۳۱-۱۷	جامعه شناسی	علوم اجتماعی و سیاسی		
۴۹۹-۴۰۰	۳	۳۴-۳۲	زبان	علوم طبیعی		
۵۹۹-۵۰۰	۱۷	۵۱-۳۵	علوم	علوم خالص		
۶۹۹-۶۰۰	۱۲	۶۳-۵۲	فنون	فنون		
۷۹۹-۷۰۰	۲	۶۵-۶۴	هنرهای زیبا	هنرهای زیبا		شعر
۸۹۹-۸۰۰	۱۳	۷۸-۶۶	ادبیات	شعر		
	۱۹	۹۷-۷۹		داستان		
	۳	۱۰۰-۹۸		گونه‌های دیگر		
۹۹۹-۹۰۰			تاریخ و جغرافیا	تاریخ		فلسفه تاریخ
				جغرافیا و سیاحت		
				تاریخ مدنی		
				سرگذشتنامه		
				گونگون		

همچنین آقای «مهدی داودی» طی مقاله مفصلی تحت عنوان «تأثیر آراء فرانسویس بیکن و آگوست کنت بر رده بندی دهدهی دیوئی» می نویسد :

دیوئی همواره دین خود را نسبت به هر طرح رده بندی دیگر انکار می کرد . اگر چه او زمانی پذیرفت که رئوس کار «ناتالی باتزاتی» که خود اقتباس از سیستم «برونه» یا «کتابفروشان فرانسوی» بود ، بر او بیشتر از کارهای دیگر تأثیر گذارده است . ولی واقعیت این است که طرح او آن قدر که به طرح فرانسویس بیکن شبیه است به کارهای باتزاتی یا برونه شبیه نیست .

این امر که رده بندی دهدهی دیوئی با نظام فلسفی بیکن وابستگی دارد ، کاملاً شناخته شده و جا افتاده است . «هنری اولین بلیس» در کتاب خود به نام «سازماندهی دانش در کتابخانه ها» به این شباهت توجه دارد .

... درحقیقت قصد وی از نشان دادن این شباهت سلب صلاحیت از این هر دو رده بندی (طرح بیکن و دیوئی) است . . . دیوئی که در اواخر قرن نوزدهم کار خود را آغاز کرد ، در هوایی دم می زد که تحت تأثیر فلسفه تحصیلی کنت بود . کسانی چون اسپنسر ، آمپر ، داروین و . . . تحت این تأثیر ، نظریاتی در زمینه های علوم طبیعی و اجتماعی ابراز کرده بودند که کم و بیش

رواج پیدا کرده بود و این اثریه در آخر قرن نوزدهم به صورت مجموعه‌ای از نظریات فلسفی و علمی به دیوئی رسید . . . با این پیشینه دیوئی نیز از تأثیر دیدگاه کنت و در بعضی قسمت‌های رده‌بندی خود از تأثیر مستقیم رده بندی کنت بر کنار نبود . پس می‌توان تأثیر کنت بر دیوئی را به دو بخش مستقیم و غیر مستقیم تقسیم کرد^۱ .

سپس نویسنده ، تأثیر مستقیم طرح رده‌بندی کنت بر رده‌بندی دیوئی را با مقایسه تقسیمات فرعی رده علوم خالص نشان می‌دهد .

تا اینجا دیدیم که منشأ و سرچشمه طرح دیوئی ، از کجا بوده است . اکنون باید دید که ساختمان و بافت واقعی طرح وی چگونه است .

«اصطلاحنامه کتابداری» این طرح را ، تحت عنوان «رده‌بندی دهدهی دیوئی» چنین معرفی می‌کند :

طرح رده‌بندی موضوعی است که بر اساس رده‌بندی

۱ - فصلنامه پیام کتابخانه ، سال دوم ، شماره دوم ، سال ۱۳۷۱ ،

دانش بشری ، به وسیله ملویل دیوئی ابداع شده است . در این طرح، تمام دانش بشری به ۹ رده از ۱ تا ۹ تقسیم شده و موضوعات بسیار کلی در رده دهمی که با سه صفر مشخص می شود ، قرار گرفته که مقدم بر سایر رده ها واقع می شود . و هر ده مجدداً به ده رده فرعی و باز به ده رده فرعی تر ، الی آخر تقسیم می شود . این ارقام همه اعشاری است منتهی تنها بعد از سه رقم اول علامت اعشاری گذاشته می شود تا خواندن اعداد آسانتر شود . این تقسیمات تا آنجا که گسترش دانش بشری در زمینه مربوط به هر رده ایجاب نماید، ادامه می یابد .^۱

ده عنوان موضوعی که دیوئی دانش بشری را در چارچوب آن محصور کرده عبارت است از :

۰۰۰	کلیات
۱۰۰	فلسفه
۲۰۰	دین
۳۰۰	علوم اجتماعی
۴۰۰	زبان

۵۰۰	علوم خالص
۶۰۰	علوم عملی
۷۰۰	هنر
۸۰۰	ادبیات
۹۰۰	تاریخ و جغرافیا

با این روش از رده بندی ، به هیچ وجه امکان اضافه کردن موضوعات جدید از دانش بشری در ردیفهای رده اصلی که دیوئی آنها را مد نظر قرار نداده ، وجود ندارد . بنابراین ، برگزیدگان رده بندی دهدهی دیوئی ، ناچارند هر علم جدیدی را به هر ترتیبی که شده ، تحت یکی از این ده عنوان قرار دهند . این امر موجب پیدایش خلل در نظام رده بندی می شود .

همچنین علمی را که دیوئی در شاخه های فرعی قرار داده است نمی توان در رده اول جا داد .

به عبارت دیگر ، در طبقه بندی دهدهی ، رده اول فقط قادر به پذیرش ده عنوان موضوع می باشد و دانش بشری الزاما در این ده موضوع معرفی می گردد .

«مارگارت مان» در تعریف «جداول طبقه بندی دهدهی» می گوید :

در این سیستم یک رشته جداول فشرده ای وجود

دارد که پیشرفت طبقه‌ها را از کل به جزء مرحله به مرحله نمایان می‌دارد. نخستین جدول، ده طبقه کلی را بدست می‌دهد که طرح دیوئی بر اساس آنها تمامی داناییها را تقسیم بندی می‌کند. . . . جدول خلاصهٔ دوم، هر یک از این ده طبقه را به ده «بخش» دیگر تقسیم می‌کند و خلاصهٔ سوم دارای ده جدول است که در آنها هر یک از ده بخش به ده «قسمت» تقسیم شده است. . . . موضوعات جداول نخستین اساس تمام طرح را تشکیل می‌دهند. از این رو هر کتاب قاعدتاً باید به یکی از این ده گروه اصلی تعلق داشته باشد. ولی ممکن است بالمال در قسمتهای فرعی آن گروه واقع شود.^۱

در واقع دیوئی همان طرح «ویلیام توری هاريس» را با اندک تغییری پذیرفته و بدون کنکاش از راه حلی برای امکان گسترش دادن موضوعات در طبقهٔ اصلی از موضوعات دهگانه، اندیسه‌های (علایم) عددی را به صورت مرتب و اصلاح شده از مبنای ده، زبان مصنوعی طرح خود قرار داده است.

پیشتر گفته شد که استفاده از «سیستم عددنویسی» بر مبنای ده

۱ - اصول فهرست نویسی و طبقه‌بندی، مارگارت مان، ترجمهٔ دکتر هوشنگ ابرامی، چاپ تهران ۱۳۵۱، ص ۶۵ و ۶۶.

سابقهٔ دیرینه‌ای دارد و دیوئی نیز این نوع کد گذاری را که یکی از ساده‌ترین طرق کد گذاری می‌باشد انتخاب کرده است .

در خصوص استفاده از اندیسه‌ها و نمادها برای معرفی مرتبه و ردهٔ هر علمی و نشان دادن جایگاه هر دانشی که یک نوع زبان مصنوعی برای رده‌بندی علوم نامیده می‌شود ، در فصل پنجم بحث خواهیم کرد .

طرح دیوئی از آغاز تاکنون ، رشد قابل توجهی داشته است . وی در سال ۱۸۷۶م اولین چاپ از طرح خود را انتشار داد . در آن موقع ملویل دیوئی ۲۴ ساله بود و به نظر بعضی از صاحب‌نظران^۱ وی یک سال قبل از چاپ اول ، تصنیف دهگانهٔ خود را برای اخذ درجهٔ فوق لیسانس ارائه داده بود .

به بیان دقیقتر ، دیوئی اساساً طرح خود را اول بار به هیئت امنای کتابخانهٔ «دانشکدهٔ امهرست» تسلیم کرده بود . وی در سال ۱۸۷۳م که دانشجوی دانشکدهٔ امهرست از ایالت ماساچوست آمریکا بود طی یادداشت ملخصی ، تصنیف جدید خود را با این توصیف ارائه داد :

۱ - «براد فورد» (C. S. Bradford) به نقل از تصنیف العملی للمکتبات ،

محمدامین البنهاوی ، چاپ دوم ، مصر ، ص ۱۲ .

انتخاب کن فصلهای اساسی و اصلی را ، به شرط آنکه از نه فصل تجاوز نکند و هر فصلی را به یکی از ارقام نه گانه علامت گذاری بکن سپس هر کدام از فصول اصلی را به نه قسمت تقسیم کن و برای هر کدام شماره‌ای از مرتبه دهگان انتخاب نما و ...^۱

هیئت امنای کتابخانه «دانشکده امهرست» با طرح مذکور موافقت کرد و از دیوئی خواست تا هر چه بیشتر به سمت آماده سازی و تکمیل طرح خود پیشروی کند .

دیوئی پس از جلب نظر موافق هیئت امنای ماههای متمادی و بصورت آرام آرام ، برای بهتر و کاملتر شدن طرح خویش تلاش کرد . تا اینکه چاپ اول آن در سال ۱۸۷۶م در ۴۲ صفحه ظاهر گردید .^۲

زمانی که طرح دیوئی منتشر شد ، سیل انتقادات و اشکالات نیز به سوی وی سرازیر گشت و از هر سو علیه طرح دیوئی هجوم آوردند .

۱ - همان مدرک .

۲ - همان مدرک .

می‌دانید که وجود این نوع حملات و انتقادات طبیعی است و الزاماً به دنبال هر سخن جدیدی ، گفتگوهای پیش خواهد آمد . در آن صورت ، اگر از آن مقوله به خوبی دفاع شد ، دوام آورده و به مرحله قبول خواهد رسید ، اما اگر دفاع و حمایت مناسبی به همراه نداشته باشد ، به بوته فراموشی سپرده خواهد شد .

بهتر است در این مورد به یک گزارش توجه کنیم و سپس به بحث خود ادامه دهیم :

پس از انتشار طرح دیوئی ، سیل انتقادات و حملات بسیار شدید از سوی هیئت امنای کتابخانه‌های مختلف و کتابداران کتابخانه‌ها ، آغاز گشت بعضی‌ها اظهار نظر می‌کردند که این طرح فقط به درد کتابخانه‌های بزرگ می‌خورد و برای کلیه کتابخانه‌ها مناسب نیست .

از سوی دیگر ، صاحبان تصانیف و سیستم‌های رده‌بندی که برای نیمه دوم از قرن نوزدهم ، طرح‌های خود را انتشار داده بودند ، نظریات بسیار تندی علیه طرح دیوئی ابراز داشتند .

از آن جمله ، چارلز کاتر¹ صاحب طرح معروف

1 - Charles Cutter.

به «تصنیف ممتد» یا «تصنیف گرانقدر»^۱ و «جیکوب شفارتز»^۲ و «ف . پرکینز» که به طور مشترک نظامی به نام «رده بندی حقیقی»^۳ ایجاد کرده بودند ، سخت با دیوئی در افتادند .

«برکنز» و «شفارتز» در انتقاد شدید خود از طرح دیوئی گفتند : آنچه را که دیوئی به نام جدید و سخن تازه آورده است خوب نیست و آنچه خوب است ، جدید نیست .

ناگفته نماند که آنچه به نام تصنیف دیوئی در سال ۱۸۷۶م به صورت منقح منتشر شد ، به تنهایی محصول دست و پنجه دیوئی نبود ، بلکه در سالهای ۱۸۷۵ و ۱۸۷۶ «و . س . بسکو»^۴ که از کتابداران با تجربه و عضو هیئت امنای دانشکده امهرست بود ، به دیوئی پیوست . طبق گفته «بسکو» اساتید دانشگاه ، در تنظیم موضوعات علوم کمک شایانی به دیوئی کردند . . .^۵

ناگفته پیداست که هر مخترع و مکتشفی از افکار و تجربیات دیگران استفاده کرده و می کند . همچنین هر چیز معروف و

1 - Expensive Classification.

2 - Jacob Schwartz.

3 - A National Classification of Literature.

4 - W . S . Biscoe.

۵ - همان مدرک ص ۱۳ و ۱۴ .

موجهی ، روزی غیر معروف و غیر موجه بوده است و به مرور زمان و با استقبال از نظره‌های اصلاحی ، روز بروز شناخته‌تر و معروفتر می‌شود .

طرح دیوئی نیز مثل هر طرح جدید دیگری در ابتدا با مخالفت همکاران خود روبرو شد . ولی این موجب شکست و عقب نشینی وی نگشت ، بلکه بعدها با استفاده از تجارب اسلاف خود و نیروی فکری کتابداران و اساتید علوم مختلف دانشگاهها ، در تکمیل طرح خود تلاش کرد . تا اینکه در سال ۱۸۸۵م ویرایش دوم این رده‌بندی با تجدید نظر کامل به نام «رده‌بندی دهمی دیوئی و فهرست نسبی» منتشر گردید .^۱ از آن هنگام تاکنون ، این سیستم در چاپهای بعدی گسترش و تکامل بسیار یافته و به یاری گروه کثیری از متخصصان در دانشهای گوناگون ، موضوعات فراوان دیگری بدان افزوده گردیده است . چاپ ششم سیستم دیوئی که به سال ۱۸۹۹م انتشار یافت تا ۵۱۱ صفحه افزایش یافت و چاپ چهاردهم آن که در سال ۱۹۴۲م منتشر شد ، بالغ بر ۱۹۲۷ صفحه گردید .^۲

۱ - خدمات فنی ، ویرایش هفتم ، پوری سلطانی ، چاپ تهران ۱۳۷۱ ،

ص ۱۳۵ .

۲ - اصول فهرست نویسی و طبقه‌بندی ، مارگارت مان ، ترجمه دکتر

سیر رشد و تکامل روش «دهدهی دیوئی»، همچنان استمرار پیدا کرد و طرحی که در ابتدا با ۴۲ صفحه منتشر شده بود، در چاپهای اخیر به بیش از دو هزار و پانصد صفحه، بالغ شد.^۱ در بسط و گسترش تصنیف دیوئی، کتابداران و نویسندگان زیادی سهیم بودند که از آن جمله است: مارگارت مان، استر بوتر، الیانور هنجر فورد، جولیا بریسی، دافید، ج. هیگین، لوسیل مورش، و در این اواخر، جود فری دیوی، فرزند مؤلف اصلی و شریک وی و مدیر مؤسسه فورست، عضو لجنة «رده بندی دهگانه» متوفای ۱۹۷۷ به آنان پیوست.

هم چنانکه در چاپ ویرایشهای جدید نیز تعداد زیادی نقش و اشراف داشتند که از آن جمله است: و. س. بسکو، مای سیمور، دورکاتین فیروز، ک. ج. مازنی، ملتون فیرجون، بنجامین کستر.^۲ در این که دیوئی برای تکمیل طرح خویش از نیروی فکری و تخصص دانشمندان رشته های مختلف و اساتید دانشگاه و کتابداران با تجربه استفاده کرد، ملامتی متوجه وی نمی تواند

هوشنگ ابرامی، چاپ تهران ۱۳۵۱، ص ۶۵.

۱ - التصنیف العملی للمکتبات، محمد امین البنهاوی، چاپ دوم، مصر،

ص ۱۸ و ۱۹.

۲ - همان مدرک، ص ۱۹ و ۲۰.

باشد ، بلکه استقبال از آراء و نظریه های اصلاحی ، لازمه هر طرح و برنامه ای است که صاحب آن قصد پختن طرح خود را دارد .

آنچه موجب سرزنش و نکوهش است ، انکار استفاده از آراء و عقاید پیشینیان و یا همکاران معاصر می باشد و همان طور که قبلا خواندید ، به نظر برخی ، وی گاهی سکوت کرده و زمانی انکار نموده که تحت تأثیر مکتبی خاص یا فلسفه ای مشخص ، غیر از تراوشات مغز خود ، طرحی را پایه ریزی کرده باشد .

همچنین اعمال تعصب و نژادگرایی در شأن کسی که طرحی جهانی ارائه می دهد نمی باشد . هر چند که خود وی تصور جهانی شدن طرح خود را در ابتدای امر نداشت .



رده‌بندی دهدهی جهانی

Universal Decimal Classification

دو دهه بیشتر از اولین انتشار طرح رده‌بندی دیوئی نگذشته بود که دو نفر وکیل بلژیکی به نامهای «پل اوتله»^۱ و «هنری لافتونت»^۲ جای پای طرح دهدهی آمریکائی را در اروپا باز کردند. آن دو با کسب اجازه از دیوئی طرح وی را برای کتابشناسی جهانی مورد استفاده قرار دادند. ولی از آنجا که طرح دیوئی با گستره علوم و دانشها در کشورهای مختلف سازگاری نداشت و همچنین کد گذاری آن بسیار طولانی بود، تعدیلاتی در آن به وجود آوردند. این در حالی بود که اسکلت اصلی طرح دیوئی را محفوظ نگهداشتند. اما چرا و چگونه شد که آندو بلژیکی به فکر چنین کار جهانی افتادند

1 - Paul Otlet.

2 - Henry Lafontaine.

و یا فقط طرح دیوئی را با وجود طرحهای علمی تر برگزیدند ، موضوعی است که در فصل دوم از زبان کتابداران مختلف خواهید خواند .

در اینجا بسیار مختصر اشاره می شود که سازمانها ، فدراسیونها و انجمنهای جهانی در عصر استعمار نو ، با حمایت مالی و سیاسی قدرتهای حاکم جهانی ، در تمامی زمینهها آنچه را که می توانند در راستای اهداف توسعه طلبانه خویش به استخدام درآورند ، انتخاب می کنند و برای قبولاندن آن ، با ابزارها و وسایل لازم آن را تجهیز کرده و بزرگش می نمایند . سپس با استفاده از رسانه های تبلیغاتی در سطح جهان ، یک صدا فریاد سر می دهند و نام و نشان آنچه را که باید همه بدان انس بگیرند ، تکرار می کنند .

امابه کارگیری جهانی «رده بندی دیوئی» از وقتی آغاز شد که تعدیلات ، تغییرات و تصحیحات بنیادی در ساختار آن و جداول مربوطه ، توسط «فدراسیون بین المللی کتابشناسی بروکسل» ، انجام گرفت ، هم چنانکه ، نام آن نیز به «رده بندی دهدهی جهانی» تغییر یافت .^۱

۱ - علم المكتبات و المعلومات ، دکتر محمد ماهر حمادة ، چاپ بیروت ،

سال ۱۴۰۳ق ، ص ۱۳۹ .

در سال ۱۸۹۴ «موسسه بین المللی کتابشناسی» بروکسل که اینک به نام «فدراسیون بین المللی اسناد» خوانده می شود، طبقه بندی دهدهی، دیوئی را برای کتابشناسی موضوعی جهانی برگزید. در این کتابشناسی برگه های موضوعی برای مقالات و نشریه ها و نیز برای کتبی که به زبانهای گوناگون نوشته می شدند، تهیه می گردید. و طبعاً تقسیمات طبقه بندی دهدهی بخصوص در زمینه علوم، با همه مزایای آن غیر کافی به نظر می رسید.

از این رو با موافقت ملویل دیوئی جداول طبقه بندی دهدهی مخصوص مؤسسه مزبور، تعدیل گردید و در متن طرح تغییراتی به عمل آمد. طرح جدید که به نام «طبقه بندی بروکسل» خوانده گردید، طی سالهای ۱۸۹۹-۱۹۰۵ به زبان فرانسه انتشار یافت.^۱

ابتکار تطبیق و تکمیل طبقه بندی دیوئی به منظور استعمال آن در زمینه های جدید و خصوصاً برای شماره گذاری مقالات جراید، فی الواقع مرهون دو وکیل دادگستری بلژیکی به نامهای پل اوتله (Paul Otlet) (۱۸۶۸-۱۹۴۴) و هانری لافونتن (Henri Lafontaine) (۱۸۵۳-۱۹۴۳) می باشد.

۱- اصول فهرستنویسی و طبقه بندی، مارگارت مان، ترجمه دکتر هوشنگ

«پل او تله» در سال ۱۸۹۲م با همکاری «هانری لافونتن»، «دفتر بین المللی کتابشناسی» (Office Internationale de Bibliographie) را در بروکسل تأسیس کرد. در ۱۸۹۵ ترجمه فرانسوی جدول دیوئی را که شامل ۱۰۰۰ تقسیم بود، منتشر ساخت. ایجاد «فهرست جهانی کتابشناسی» (Reperoire Bibliographique Universel) که مصادف با انعقاد نخستین کنفرانس بین المللی کتابشناسی گردید، این دو رفیق را بر آن داشت که طبقه بندی دیوئی را بسط داده به شکل نوینی در آورند. کتابی که ایشان روش خود را در آن معرفی نمودند به زبان فرانسه به عنوان «فهرست جهانی کتابشناسی» با ۱۰۰۰۰ تقسیم و ۲۲۰۰۰ موضوع در سال ۱۹۰۵ انتشار یافت.^۱

بنابر این «رده بندی دهدهی جهانی» محصول کنفرانس ۱۸۹۴-۵ بروکسل می باشد که با علایم اختصاری C. D. U یا U. D. C شناخته می شود. این رده بندی با امکانات فراوانی که توسط «فدراسیون بین المللی دکومانتاسیون» (F. I. D)^۲ در اختیار دارد، مستمر در حال بازنگری و رشد است. سیستم C. D. U به توسط شبکه متشکلی از کارشناسان

۱ - مقاله دکتر هوشنگ ابرام که ترجمه گزارش مجمع پاریس در باره «طبقه بندی دهگانه» تشکیل شده به سال ۱۹۶۰ می باشد و در «دفتر دوم» «نشریه کتابداری»، ص ۲۱ - ۱۰، چاپ شده است.

2 - International Federation for Documentation.

طبقه بندی و هیأت‌های تخصصی که جزو «مجمع بین المللی تنظیم اسناد» زیر نظارت فائقة «هیأت مرکزی طبقه بندی» (C.C.C)، بسط می‌یابد و مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد.^۱

هیأت‌های تخصصی بین المللی از جانب کمیته‌های محلی یا از کارشناسان مستقل جهانی، پیشنهادهایی دریافت می‌دارند. در صورت فقدان کمیته‌های تخصصی، پیشنهادها مستقیماً به توسط صاحبان آنها یا از طریق سازمان محلی که به U.C.D. می‌پردازد، ارسال می‌شود. دبیرخانه کل F.I.D تمام پیشنهادهای رسیده را متمرکز می‌کند و برای C.C.C و مخبران ذینفع هیأت‌ها می‌فرستد و از آنها تقاضا می‌نماید که در ظرف چهار هفته پس از وصول نامه، نظرات خود را اعلام دارند.^۲

... همیشه سعی می‌کنند که مطابقت C.D.U را با طبقه بندی اعشاری دیوئی حفظ نمایند و حتی الامکان از استعمال اندیس‌هایی که مفهومی متفاوت با مفهوم اندیس‌های مربوطه سیستم اعشاری دیوئی داشته باشد، احتراز می‌نمایند.^۳

در این مختصر نمی‌توان بیش از این به معرفی «طبقه بندی دهدهی

۱ - مدرک مدرک .

۲ - همان .

۳ - همان .

دیوئی، و «طبقه بندی دهمی جهانی»، که با علایم اختصاری "C . D . U" "D . D . C" شناخته می شوند ، پرداخت . در حالی که یک تصویر کلی از سیستم نامبرده در دست داریم ، به شناسایی دو سیستم بعدی می پردازیم تا در فرصتهای بعدی به منظور بررسی مقایسه ای سیستمهای مزبور ، دقت بیشتری در جزئیات هر کدام داشته باشیم .



سیستم رده‌بندی کتابخانه کنگره آمریکا، یا L. C

Library of Congress Classification (L. C. C.)

رده‌بندی "L. C" که از شیوه ترکیبی برخوردار است،^۱ برای تنظیم و ترتیب کتابهای کتابخانه کنگره آمریکا به وجود آمد.^۲ کتابخانه کنگره که به سال ۱۸۰۰م پایه گذاری گردید،^۳ حدود هزار جلد کتاب داشت.^۴ چهارده سال بعد (۱۸۱۴) که مجموعه تازه پا

۱ - منظور از «ترکیبی» ترکیب چند طرح مثل طرح کاتر، طرح دیوئی و... در یک طرح می‌باشد.

۲ - اصطلاحنامه کتابداری، شناختی از دانش شناسی، اصول فهرستنویسی و طبقه‌بندی، التصنيف العملى للمكتبات، علم المكتبات و المعلومات، دفتر کتابداری، رده BP اسلام، تاریخ اصول کتابداری و...

۳ - اصول فهرستنویسی و طبقه‌بندی، مارگارت مان، ترجمه هوشنگ ابرامی، مرکز خدمات کتابداری، با همکاری مؤسسه فرانکلین، تهران ۱۳۵۱، چاپخانه وزارت اطلاعات، ص ۹۲.

۴ - همان.

گرفته کتابخانه ، به سه برابر رسیده بود ، در آتش کینه قهرم جنگجویان انگلیسی ، بالجمله سوخت و نابود گردید .^۱

یک سال پس از آتش سوزی (۱۸۱۵) «توماس جفرسون»^۲ کتابخانه خود را به کنگره واگذار کرد .^۳ از آنجا که جفرسون کتابخانه خود را براساس طرح معروف «فرانسیس بیکن» تنظیم داده بود ، پس از انتقال آنها به محل کتابخانه کنگره ، همان شیوه استمرار یافت .^۴

مجموع کتب به چهل و چهار گروه تقسیم شده بود ، که فهرست آن نیز منتشر شد . اما طولی نکشید که کتابخانه ، دوباره دچار آتش سوزی شد و به سال ۱۸۵۱ کتابخانه کنگره کمتر از ۲۰ هزار جلد کتاب داشت .^۵

کتابخانه کنگره که به عنوان بازوی تحقیقات علمی نمایندگانه کنگره به حساب می آمد نیاز به بذل توجه خاص داشت .

۱ - اصطلاحنامه کتابداری .

2 - Thomas Jefferson.

۳ - اصول فهرستنویسی و طبقه بندی ، اصطلاحنامه کتابداری و . . .

۴ - مدارک سابق .

۵ - مدارک سابق ، به اضافه دائرة المعارف فارسی ، فرهنگ دهخدا و

نشریات علوم کتابداری ، تاریخ اصول کتابداری .

به همین جهت در سال ۱۸۵۲ بودجه‌ای معادل ده هزار دلار برای خرید کتاب به کتابخانه ، توسط کنگره به تصویب رسید .^۱

کنگره آمریکا که مرکب از مجلسین سنا و نمایندگان است ، در سال ۱۷۸۹ به موجب اولین ماده قانون اساسی آن کشور تأسیس شد . در دومین دور نمایندگی سناتورها ، کتابخانه کنگره به چند کتاب محدود (که هنوز کتابخانه خوانده نمی‌شد) مجهز شد . سرانجام بر اثر تلاش چند تن از کتابدوستان آمریکا ، کتابخانه در اندک زمانی رشد کرد و با وجود تلفات عمیق ، توانست به حیات خود ادامه دهد .^۲

«اسپو فورد»^۳ ششمین کتابدار کنگره از جمله کسانی است که در سازماندهی کتابخانه ، گامهای مؤثری برداشت و باگذشت زمان (طی سی و سه سال خدمت) ، کتابخانه اختصاصی قانونگذاران را به کتابخانه ملی آن کشور تبدیل کرد .^۴

با به اجرا گذاشته شدن جدی قانون حق مؤلف از سال ۱۸۶۵ و ملی شدن کتابخانه ارسال دو نسخه (به کتابخانه کنگره) از هر

۱- همان مدراک .

۲- همان .

3 - Ainswoth R . Spoffrd.

۴- همان .

کتابی که منتشر می‌شد، موجبات رشد آن تسریع گردید تا اینکه امروزه بیش از هشتاد میلیون مدرک را در آمارهای خود ذکر می‌کنند.^۱

تنظیم و ترتیب کتب روز افزون کتابخانه کنگره، با مشکل جدی مواجه شد. کتابداران هر دوره هنگام تصدی خود سعی کردند شیوه‌ای مناسب انتخاب نمایند که بتواند به سهولت کتب را در اختیار مطالعه کنندگان و درخواست دهندگان قرار دهد. اما تمامی سیستمهای موجود را، ضعیف و معیوب یافتند.^۲

«اسپوفورد» که به نظام ساده و منطقی اعتقاد داشت، از طبقه‌بندی دقیق و نشانه گذاری غامض، سخت گریزان بود و با سیستم دهدهی دیوئی سرسختانه مخالفت می‌نمود.^۳

از زمانی که «هربرت پوتنام»^۴ (۱۸۹۹ - ۱۹۳۹) سمت کتابداری کتابخانه کنگره را در دست گرفت، مقدمات طرح جدید برای تجدید سازمان کتابخانه، فراهم شد.^۵

۱ - همان .

۲ - همان .

۳ - همان .

4 - Herbert Putnam.

۵ - همان .

تصمیم گیرندگان ، ابتدا بر سر دو راهی مردد بودند که آیا همین سیستم موجود را تکمیل کنند ، یا آن را کنار گذاشته و طرحی نو بریزند . نهایتاً مصمم شدند که با استفاده از تمامی سیستمهای موجود ، طرحی جامع برای طبقه بندی کتب ، که اینک به بیش از دو میلیون جلد ، بالغ می شد ، آماده نمایند .^۱

این امر زمانی طولانی و امکانات فراوانی را می طلبید که به ناچار ، همه را تحمل کردند و به آرامی و با هموار ساختن مشکلات و دشواریهای زیادی پیش رفتند . اما در تهیه این سیستم تنها کتابخانه کنگره مورد نظر بود .^۲ به طوری که قبل از چاپ و انتشار جزئیات طرح کتب کتابخانه کنگره براساس طرح جدید ، رده بندی شده بود .^۳

جوهره اصلی این رده بندی را ابتدا از طرح دیوئی اقتباس کردند و حتی مدتی قبل از آغاز به تدوین طرح ، کتب کتابخانه کنگره به روش دیوئی فهرست نویسی و تنظیم می شد .^۴ اما چون ضعف و نقصان طرح دیوئی

۱ - همان .

۲ - همان .

۳ - همان .

۴ - اصول فهرست نویسی مارگارت مان ، اصطلاحنامه کتابداری و علم المکتبات و المعلومات .

بر مسئولین کتابخانه آشکار گردید ، در تفکر آنان به منظور تدوین طرح جدید ، بیشتر طرح گسترش پذیر «کاتر» راه یافت .^۱

طراحان سیستم رده بندی کنگره ، دانش بشری را به هیجده شاخه اصلی تقسیم کرده اند^۲ که هر شاخه از علوم تقسیمات فرعیتری را می پذیرد .^۳ روش نشانه گذاری در این طرح برای رده های اصلی با حروف بزرگ لاتین است^۴ و در تقسیمات فرعی تراز اعداد ، ارقام و حروف کوچک استفاده شده است .^۵ همچنین برای امکان توسعه در این طرح ، پنج حرف "W . Y . X . O . I" یله و رها گذارده شده است تا برای سایر علوم جدید مورد استفاده ، قرار گیرد .^۶ هیجده رده اصلی به اضافه رده کلیات و علایم آنها به ترتیب ذیل است :

A

آثار کلی

۱ - همان مدارک .

۲ - اصطلاحنامه کتابداری .

۳ - همان .

۴ - علم المكتبات و المعلومات ، شناختی از دانش شناسی ، اصطلاحنامه کتابداری و اصول فهرست نویسی و طبقه بندی .

۵ - همان .

۶ - همان .

B	فلسفه و دین
C	تاریخ علوم
D	تاریخ کشورهای جهان جز آمریکا
E - F	تاریخ آمریکا
G	جغرافیا ، مردم شناسی ادبیات عامه ، رسوم و آداب
H	علوم اجتماعی
J	علوم سیاسی
L	آموزش و پرورش
M	موسیقی
N	هنرهای زیبا
P	زبان و ادبیات
Q	علم
R	پزشکی
S	کشاورزی گیاه شناسی و جانورشناسی
T	تکنولوژی
U	علوم نظامی
V	علوم دریایی
Z	کتابشناسی و کتابداری ^۱

در شناسایی بیشتر سیستم رده بندی کنگره توجه به گزارش آقای دکتر هوشنگ ابرامی حائز اهمیت است :

یکی دیگر از طرحهای رده بندی که کتابخانه های بزرگ دنیا به ویژه از نیمه دوم قرن بیستم بدین سو ، بدان روی آورده اند ، رده بندی کتابخانه کنگره است ، که بزرگترین طرح آماده موجود در دنیاست .

در آغاز قرن بیستم کتابخانه کنگره آمریکا به سبب حجم روز افزونش ناگزیر به ایجاد نظمی نوین شد . در این زمان رده بندی دهدهی و رده بندی گسترش پذیر کاتر در اختیار بود ، اما کتابخانه کنگره هیچ یک را به صورت کامل نپذیرفت و رده بندی جداگانه ای طرح ریزی شد که به نام خود کتابخانه خوانده شد . با اینهمه تأثیر رده بندی کاتر در رده بندی کنگره کاملاً آشکار است و حتی اساس رده کتابشناسی این دو با جزئی تغییرات یکسان است .

هدف از طرح رده بندی کنگره ، آن نبوده است که کاملاً نظم علمی به موضوعها داده شود . هدف بیشتر ترتیب نسبتاً راحت گروههای گوناگون بوده است . گروه کتابها ونه صرفاً گروه موضوعها . . . نیز طرحهای دیگر ، کاملاً انفرادی بود . اما در طرح کنگره دهها تن متخصص شرکت داشتند و در هر موضوع گروهی از برجستگان تحت هدایت مرکزی کار کردند . . . بطوری که اشاره شد ، این

رده بندی به منظور استفاده عملی برای گروه بندی کتابهای کتابخانه کنگره طرح ریزی شد. از این رو یک رده بندی فلسفی یا بر مبنای تئوری نیست. یک طبقه بندی شمارشی است و در هر طبقه به دنبال حروف بزرگ، اعداد به ترتیب حسابی، پی هم می آیند.^۱

همچنین «مارگارت مان» شرحی را در باره سیستم رده بندی کنگره از «ام. ا. برابرتی»، معاون سابق رئیس کتابخانه کنگره، نقل می کند که خلاصه آن آورده می شود:

طبقه بندی کنگره، در آن واحد پیوست و مکمل فهرست و در واقع یک روش موضوعی است که از طریق ترتیب کتب در قفسه ها، عملی می گردد. اگر چنین ترتیبی به طور سیستماتیک و کامل انجام پذیرد، مزایایی که محقق از آن برخوردار خواهد شد، بیشمار است. . . . تنوع و ناهمسانی مطالب موجود زمان ما یک چنین سیستمی را تا قابل توجهی مهم و مطلوب ساخته است. طرح کتابخانه کنگره که اساس آن از ۱۸۹۹ به بعد ریخته شده، توسط متخصصان این کتابخانه و

۱ - شناختی از دانش شناسی، دکتر هوشنگ ابرامی، چاپ تهران، ۱۳۵۶،

به منظور استفاده خود آن - با در نظر داشتن تجربیات و خطاهای گذشته - تهیه گردیده است.^۱

علی رغم اینکه «مارگرت مان» قصد اظهار نظر در باره سیستم رده بندی کنگره را ندارد و اساس کار خود را در کتاب «اصول فهرستنویسی و طبقه بندی» برآموزش و تعریف قرار داده است و به گفته خودش به هیچگونه ارزشیابی انتقادی مبادرت نشده است ، می نویسد :

در سیستم کتابخانه کنگره برای طبقه های اصلی درجه بندی که نمودار انتقال تدریجی مباحث باشد مورد نظر نبوده است و اصولاً در یک مجموعه عظیم توجه بدین مسئله غیر ضروری است . اما موضوعاتی که به هم ارتباط نزدیک داشته اند ، اغلب یک طبقه اصلی مرکب را پدید آورده اند ، مثل زبان و ادبیات ، جغرافیا و مردم شناسی ، فلسفه و دین . تنها در یک مجموعه کوچک است که اگر خواننده نتواند بدون آگاهی از گسستگی رشته موضوعها از گروهی به گروه دیگر رجوع کند ، ایجاد دشواری خواهد شد . لیکن این امر در کتابخانه ای که میلیونها جلد کتاب دارد ، اهمیتش را از دست می دهد .^۲

۱ - اصول فهرستنویسی و طبقه بندی ، مارگرت مان ، ترجمه دکتر هوشنگ ابرامی ، چاپ تهران ۱۳۵۱ ، ص ۹۴ .
 ۲ - همان مدرک ، ص ۹۷ .

البته آراء صاحب نظران در خصوص رده‌بندیها را در فصل دوم همین بخش ، ذکر خواهیم کرد و لذا غرض از نقل این نوع نظریات ، معرفی اجمالی سیستمها برای بررسیهای بعدی می‌باشد . به همین جهت دو مورد آخر را نقل کرده و به شناسایی رده‌بندی کنگره خاتمه می‌دهیم :

در تدوین رده‌بندی کنگره گروهی رده بند ، که هر یک در موضوعی تخصص داشتند ، شرکت جستند . هر کدام از این متخصصان به کتابهای مربوط به تخصص خود می‌پرداخت ، به این ترتیب که نخست آنها را (به قول سه یرز) با توجه به اصل سهولت عمل «به گروههای جداگانه‌ای تقسیم می‌کرد» . در این گروه بندی ، مهمترین عامل کیفیت تقاضا و استفاده مراجعان بود . سپس هر گروه تا سر حد امکان به اجزای تشکیل دهنده خود تقسیم می‌شد .

رئوس مطالب طرح در سال ۱۹۰۱ تدوین شد ، اما تکمیل آن بیش از چهل سال وقت گرفت . سه یرز می‌گوید که در تدوین رئوس مطالب آن ، رده‌بندی گسترش پذیر کاتر بیشتر از طرحهای دیگر مورد استفاده قرار گرفته است . وی می‌افزاید که با این حال این طرح «هیچ نظم فلسفی و طبیعی مشخص ندارد» . . . ترتیب کلی رده‌های اصلی به وضوح نمایانگر نیازهای مجموعه کتابخانه‌ای است که مورد استفاده اعضای کنگره بوده است . در این طرح بر موضوعات تاریخی ،

اجتماعی و حقوقی، مسائل داخلی آمریکا، و نیز مسائل نظامی و دریانوردی و کشاورزی تأکید شده است.^۱

رده‌بندی کنگره اساساً برای تنظیم و رده‌بندی کتابهای موجود در کتابخانه کنگره آمریکا به وجود آمد. نظام رده‌بندی کنگره برخلاف نظام رده‌بندی دیوئی یک نظام فلسفی نبود، بلکه به منظور رده‌بندی مجموعه کتب موجود و کتبی که در آینده احتمالاً به مجموعه کتابخانه کنگره اضافه می‌شد، تنظیم گردید. کتابداران کتابخانه کنگره آمریکا به هیچ وجه توصیه نمی‌کردند که این رده‌بندی در کتابخانه‌های دیگر نیز به کار رود.

رده‌بندی اولیه بر اساس احتیاجات کنگره به وجود آمده بود، اما از آنجائی که کتابخانه کتبی از منابع دیگر دریافت می‌کرد لازم بود که روش کاملی به وجود آید که نه تنها احتیاجات قوه مقننه بلکه نیازمندیهای دانشمندان و سایر استفاده‌کنندگان کتابخانه را نیز تأمین نماید.^۲

۱ - تاریخ اصول کتابداری، جمیز تامپسون ترجمه محمود حقیقی، چاپ اول، تهران ۱۳۶۶، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۱۴۴ و ۱۴۵.

۲ - خدمات فنی، ویرایش هفتم، پوری سلطانی، تهران ۱۳۷۱، ص ۱۴۹ (مقاله زهره علوی).

سیستم رده‌بندی کولون^۱ یا طرح رده‌بندی رانگاناتان Colon Classification

از سیستمهای رده‌بندی علوم که در ردیف متأخرین قرار گرفته و تا حدودی از اصول علمی برخوردار است، رده‌بندی ارائه شده توسط «شیالی رامام ریتا رانگاناتان»^۲ می‌باشد.

«شیالی» دانشمندی پر کار و ریاضیدانی هوشمند بود. وی که تمام وقت خود را در کتابخانه‌ها، برای یافتن منابع تحقیقاتی، در کنار تدریس ریاضیات، می‌گذراند، خیلی زود متوجه ارزش زمان شد.

مشاهده وضع رقتبار کتابخانه‌های هند، وجدان بیدار او را

۱ - به دلیل استفاده زیاد از کولون و سیمی کولون در این طرح، نام آن نیز در نزد برخیها به کولون معروف شده است.

2 - Shiyali Ramamrita Ranganathan.

تحت تأثیر قرار داد . او می‌اندیشید ، در سرزمینی که از دیر باز مهد علم و دانش بود و سرچشمه‌های جویبارهای پرزرق و برق دانشها را که امروز در مغرب زمین جاری است ، در سینه بلندای خود داشته و دارد ، نباید کتابخانه‌های نابسامان داشته باشد .

همین امر موجب شد که رانگاناتان افکاری نو پیروراند و قدم در دنیای کتابداری نهاده ، تحولی بزرگ بیافریند . تحولی که امواج آن نه تنها تمام هند را فرا گرفت ، بلکه از مرزهای آن فراتر رفته و تا اعماق دانشگاههای مغرب زمین نفوذ کرد .

در میان کشورهای غربی ، بریتانیا ، بیش از همه تحت تأثیر آرمانهای رانگاناتان در زمینه کتابداری و اطلاع‌رسانی ، قرار گرفت .^۱ هرچند که آنان به ظاهر این تأثیر را انکار می‌کنند ،^۲ ولی اعتباری به انکار آنان نیست و انکارشان مانند انکار دیوئی از تأثیر پذیری طرح بیکن و هاریس است .

از سال ۱۹۲۴ که رانگاناتان وارد شغل کتابداری شد ، اصول و قوانینی را بنیان نهاد که همه متخصصان رشته کتابداری در برابر آنها سر تعظیم فرود آوردند و از او به بزرگی یاد کردند .

۱ - تاریخ اصول کتابداری ، جمیز تامپسون ، ترجمه محمود حقیقی ،

ص ۱۵۰ .

۲ - همان .

بجاست که بخشهایی از متن سخنرانی آقای «اریک دو گرولیه»^۱ را ، که در پنجاه و هشتمین اجلاس ایفلا در دهلی نو ۱۹۹۲ ایراد کرده ، نقل کنیم .

«شیالی رامام ریتا رانگاناتان» را به درستی «پدر بنیان گذار» نهضت کتابداری هند نام نهاده‌اند ، ولی در واقع باید او را «پدر بنیان گذار» علم اطلاع‌رسانی که کتابداری جزئی از آن است ، دانست . گر چه حتی این هم برای او کوچک است .

او جامع جمیع کیفیتهای یک انسان مصمم و پر کار و یک انسان دانشمند بود ، صفاتی که کمتر در یک شخص واحد متجلی می‌شود . تصویر او به شایستگی می‌تواند برتر از مشاهیر سلف خود زینت بخش نمایشگاه دفتر مرکزی ایفلا بشود و نام او در کنار افرادی همچون نوده^۲ و مورل^۳ برای فرانسه ؛ شرتینگر^۴ و هوفمان^۵ برای آلمان ؛ اتلت^۶ برای بلژیک ؛ ادوارد ادوارز و برویک سه یرز^۷ برای انگلستان ؛ روباکین^۸ برای

1 - Eric de Grolier.

2 - Naude.

3 - Morel.

4 - Schrettenger.

5 - Hofmann.

6 - Otlet.

7 - Edwards and Bewick Sayers.

8- Rubakin.

روسیه؛ دیوئی^۱، کاتر^۲، ویپلز^۳ و ویلسون^۴ برای ایالات متحده قرار بگیرد.^۵

همچنین جیمز تامپسون در کتاب «تاریخ اصول کتابداری» به معرفی مختصر رانگاناتان پرداخته است، ولی حق او را به خوبی ادا نکرده است و در بیانات خود، سعی کرده که او را محصول و شاگرد مکاتب مغرب زمین جلوه دهد. لذا در لابلای سخنان مدح آمیز از رانگاناتان چنین می نویسد:

مدیریت کتابداری و رده بندی را نزد برویک سه یرز، در مدرسه کتابداری دانشگاه لندن آموخت.^۶
سپس او را در چند جمله دیگر می ستاید و معرفی می کند، اما برای تعدیل سخن خود اضافه می کند:

1 - Dewey.

2 - Cutter.

3 - Waples.

4- L. R. Wilson.

۵ - فصلنامه کتاب، دوره سوم، شماره اول تا چهارم، گزارش پنجاه و هشتمین اجلاس ایقلا در دهلی نو ۱۹۹۲، پوری سلطانی ص ۲۷۳ و ۲۷۴.

۶ - تاریخ اصول کتابداری، جیمز تامپسون، ترجمه محمود حقیقی،

گرچه اصولاً همان راهی را رفت که همه کتابداران بزرگ می‌روند : راهی که ادوارد ادواردز و ملویل دیوئی رفتند.^۱

سرتاسر کتاب این نویسنده مشحون است از نامهای کتابداران اروپایی و تمجید از آنان به صورت اغراق آمیز که برخی از آنان مقام چندان مهمی در دنیای کتابداری نداشته و ندارند ولی از رانگاناتان بزرگ که به اقرار و اعتراف همگان ، عنوان «پدر کتابداری» یا «پدر بنیان گذار اطلاع رسانی» گرفته ، فقط در سه جا نام می‌برد و بسیار مختصر به معرفی وی می‌پردازد . در حالی که برای امثال ادوارد ادواردز ، آنتونیوپانیتسی و ملویل دیوئی فصل مستقلی باز کرده ، شرح حال آنان را مفصلاً بیان داشته است .

به هر حال آنچه از کلام این نویسنده مورد نیاز ما می‌باشد ، همانا توضیحی است که از رده بندی کولون به دست می‌دهد . وی در فصل هفتم ، بحثی تحت عنوان «توسعه نظامهای نوین رده بندی» دارد که قبل از پایان دادن به کلام خود ، اشاره‌ای به رده بندی رانگاناتان می‌نماید که بهتر است با هم مروری بر آن داشته باشیم :

۱ - همان مدرک ، ص ۱۱۳ .

بالاخره ، در این بررسی تاریخی رده بندیهای متداول در کتابخانه ها ، باید ذکری هم از رده بندی کولون در قرن بیستم به میان آید که مبتکر آن شیالی رامام ریتا رانگاناتان بوده است . آنچه این طرح را از طرحهای قبلی متمایز می کند ، شیوه تحلیلی - ترکیبی آن در رده بندی موضوعات است .^۱ که آن را در برابر رده بندیهای شمارشی سنتی قرار می دهد .^۱

سپس نویسنده مذکور نظریه «چارلز دیوید باتی»^۲ را از کتاب «درآمدی بر رده بندی کولون»^۳ نقل می کند که به همان صورت آورده می شود :

تقریباً همه رده بندی های متداول در کتابخانه ها . . . بر اساس انگاره ای قراردادی تدوین شده اند که چند رده اصلی دارند که به رده های فرعی و فرعی تر تقسیم می شوند ، و طرح چاپی رده بندی ، در واقع ، تنها منبع تعیین شماره های رده بندی کتابها بوده است . اگر شماره موضوعی به طور اخص در طرح مشخص نشده باشد ، کتابدار ناگزیر نزدیکترین شماره تقریبی را به آن اختصاص می دهد ، از

۱ - همان مدرک ، ص ۱۴۹ .

2 - C . D. Batty

3 - An Introduction to Colon Classification.

اینرو دقت و سودمندی شماره‌های رده‌بندی به این بستگی دارد که آیا به تازه‌گی در طرح رده بندی تجدید نظر شده است و اینکه وسعت و عمق معلومات واضح آن تا چه حد است. و گستره و سطح مجموعه تا چه حد با اصولی که اساس تدوین طرح بوده است سازگاری دارد. . . .

دکتر رانگانانان به این واقعیت پی برد که چگونه بر اساس اصل «ترکیب» با اتصال واحدهای مختلف به یکدیگر، می‌توان طرحی بسیار سودمندتر و دقیقتر از طرحهای شمارشی، که در آنها مفاهیم از قبل قالب بندی و تقسیمات به طور سلسله مراتبی منظم شده است، تهیه کرد. او علاوه بر اینکه جنبه‌های کلی را، که ممکن بود به یک موضوع خاص مربوط شود، از یکدیگر جدا کرد، جنبه‌های مختلف موضوعات خاص را نیز گروه بندی کرد، و در هنگام این کار متوجه شد که حتی در میان موضوعات خاص کاملاً متفاوت هم جنبه‌های مشابهی وجود دارد که به دفعات تکرار می‌شود و این پدیده می‌تواند مبنای یک طرح «ترکیبی» قرار گیرد.^۱

نویسنده در پایان تعریف خود، چند اظهار نظر را به نظریه خودش اضافه می‌کند و به این موضوع خاتمه می‌دهد که بی

شبهات به نوعی مغالطه نیست .

با این حال طرح رانگاناتان تنها موفقیت بسیار کمی داشته است؛ جی، میلز^۱، در سال ۱۹۵۱، هفده سال پس از انتشار ویرایش اول آن، خاطر نشان کرد که این طرح هیچ کاربرد عملی در بریتانیا نداشته است. با این همه ادعا شده که نظریات او زیر بنای بسیاری از نظریات رده بندی و نمایه سازی نوین بوده است. (باتی)؛ اثر او به پژوهشهای رده بندی حیاتی دوباره بخشید (بی. آی. پالمس)^۲ و در شیوه نگرش او به نیاز «به خدمات دکومانتاسیون دقیقتر و جامعتر» توجه شده است (خود رانگاناتان). امر مسلم اینکه روشهای تحلیلی - ترکیبی رانگاناتان در تدوین طرحهای موضوعی اختصاصی و به ویژه، در زمینه بازیابی اطلاعات کاربرد وسیعی داشته است. اما تا آنجا که به مسئله رده بندی در کتابخانه های جهان مربوط می شود، اثر رانگاناتان نتوانسته است جایگزین طرحهای شمارشی متداول و مورد استفاده در کتابخانه ها شود.^۳

1 - J. Mills.

2 - B.I. Palmer.

۳ - همان مدرک، ص ۱۵۰.

می‌دانیم که رانگاناتان یک ریاضیدان بوده و پیش از آنکه به حرفه کتابداری اشتغال ورزد (از سی سالگی) ریاضیات تدریس می‌کرد.^۱ بنا بر این درست است که گفته شود وی به کتابداری از درجه علم می‌نگریست.^۲ چون ریاضیات (حداقل در نزد قدما) از علوم عقلی (حکمت نظری) به شمار می‌رود و شخص ریاضیدان باید صورت هر مسئله‌ای را به خوبی درک کند و نهایتاً جواب و حل آن را به صورت فورمولی قابل قبول و منتج ارائه دهد.

به همین جهت می‌توان گفت که چنین افرادی با گذشت زمان همه چیز را با دید علمی می‌نگرند و برخوردشان با محیط و علوم، صورت قضیه شکل یافته را دارد که اغلب منتج نیز هست.

وی تقلید کورکورانه را بر دانشمندان امثال خودش نپسندید و همان گونه که بر تقلید غلط از غرب برای نظام کتابخانه‌ها هشدار می‌دهد،^۳ در عمل نیز، اصول، نظام و طرحهایی را

۱ - فصلنامه کتاب، دوره سوم، شماره ۴ - ۱، سال ۱۳۷۱، بخش گزارش،

ترجمه سخنرانی گروهی توسط پوری سلطانی، ص ۲۷۵.

۲ - همان مدرک.

۳ - همان مدرک، ص ۲۸۰.

ارائه داد و کشورش را به یکی از بهترین سیستمهای ممکن ، سرفراز کرد ؛ بطوری که تلاشهای مستمر و مستدل وی منتهی به تولد «علم اطلاع‌رسانی» گردید .

نظر آقای گرولیه در این مورد چنین است :

طی دوران تألیف این کتاب (دکوماننتاسیون و چهریزه‌های آن) و تحت تأثیر آن ، بارقه‌ای در تفکر او به وجود آمد که باعث شد رانگاناتان به «دکترین» خاصی در مورد ارتباط بین علم کتابداری و دبیزش دست یابد . (هنوز در آن زمان بر چسب علم اطلاع‌رسانی بدان نخورده بود) . افکار او را بدین طریق می‌توان خلاصه کرد : هیچ تفاوتی بین ماهیت این دو وجود ندارد ، تنها تفاوت در شیوه‌ها است . مثل تفاوت بین مدارک کلان و مدارک خرد . اولی مثل انواع کتاب و دومی مثل مقاله ، گزارشهای فنی ، ثبت اختراعات ، استانداردها و غیره .

این تفاوت اساسی بدین معنی است که فنونی برای انتخاب ، آماده سازی (مثلا رده بندی دقیق و جزئی) و مهمتر از همه ، خدمات به افرادی (مثل محققان ، مهندسان ، مدیران و تکنسینها) که ، به قول رانگاناتان نیاز به «خدمات مرجع گسترده» از قبیل بازیابی اطلاعات شخصی و تأمین منابعی که منطبق بر نیازهای تحقیقاتی آنهاست ، دارند ، با آنچه برای مدارک کلان و افراد عادی

به کار می‌رود متفاوت است . کلیه این نظریات در سه سخنرانی ارائه شده در سمینارهایی که خود در «مرکز تحقیقات و آموزش دبیزش ، تشکیل داده بود (۱۹۶۴-۱۹۶۷) ، منعکس است . . .^۱

علمی و دقیق بودن طرح رده‌بندی رانگاناتان از آن جهت است که وی جنبه‌ها و چهره‌های گوناگون یک موضوع را در نشانه گذاری ، مد نظر قرار داده است و با ترکیب آن نشانه‌ها ، دو مشکل بسیار مهم را حل کرده است . مشکل اول دشواری یافتن کدهای موضوعات بسیار جزئی ، در رده‌بندیهای شمارشی بود . به طوری که جایگاه اکثر موضوعات در آن رده‌بندیها هنوز مشخص نشده است و کتابداران از روی ناچاری کدهای موضوعات قریب به موضوع مورد نظر را به کار می‌برند . در حالی که در رده‌بندی کولون دست کتابدار باز است و برای تعیین موضوع و نشانه مربوطه می‌تواند ترکیبات مختلف را جستجو و آنچه را که دقیقتر است انتخاب نماید . ابزار کار کتابدار در رده‌بندی کولون ، مثل داشتن ابزار و مصالح پیش ساخته ساختمان است که فقط اتصال دادن و مستحکم کردن آنها به عهده معمار

۱ - همان مدرک .

گذاشته شده است و او در تنظیم و ترکیب آن مصالح کاملا آزاد است و هر شکل یا نقشه‌ای را که بخواهد می‌تواند پیاده نماید. خودرئانگانان این نظام را به کلمات یک زبان تشبیه می‌کند که انسان با آنها می‌تواند جملات بی‌شماری را بسازد و در ابراز معانی دلخواه، به کار گیرد.

مشکل دوم دور شدن و غیر قابل دسترسی شدن موضوع مورد نظر از محقق مراجعه کننده بود. به این معنا که کتابهای دارای چند موضوع و یا دارای موضوعات چند چهره‌ای در رده‌بندیهای شمارشی، الزاما با کد یک موضوع و یا یک چهره‌ای قابل تعریف بودند. بنابراین کتابی که مثلا موضوع آن بررسی سبک شعری خراسان در قرن چهارم هجری می‌باشد، دو چهره کاملا مشخص نیز همراه دارد که عبارت است از زمان (جنبه تاریخی) و مکان (جنبه جغرافیائی) که ترکیب علایم موضوعات و چهره‌ها در رده‌بندی گولون، محتوای کتابها را در حد قابل قبولی نشان می‌دهد. اما در روشهای شمارشی چنین امکانی وجود ندارد.

به منظور اجتناب از تطویل و اظهار نظرهای شخصی، همان طور که در سر آغاز بیان شد، سعی بر این است که تعریف نظامهای رده‌بندی را از زبان کتابداران بشنویم و آنها را از

دیدگاه متخصصین بشناسیم . لذا ابتدا از کتاب «اصطلاحنامه کتابداری» و سپس از کتاب «شناختی از دانش شناسی» آنچه را در باره رانگاناتان و رده بندی کولون گفته شده است نقل می کنیم .

هر شئی که به کار می بریم ، هر موضوعی که مطالعه می کنیم ، قابل تقسیم و تجزیه به اجزاء تشکیل دهنده خود می باشد ، این اجزای نسبتاً اولیه آنقدر تکرار می شوند تا شئی جدید یا موضوع تازه ای ساخته شود . پیچ و مهره ای که در قفسه بندی فلزی بکار می رود می تواند در یک گاراژ پیش ساخته شده بکار رود . مکانهایی که در موضوعات جغرافیائی بکار می رود می تواند در جای دیگر مورد استفاده قرار گیرد . مثلاً در گسترش جغرافیائی گیاهان . رده بندی چهارمزه ای این اصول را در ساختن جداول رده بندی برای ساده ترین و پیچیده ترین موضوعها بطور یکسان بکار می برد . در این رده بندی که مبتکر آن رانگاناتان فیلسوف و ریاضی دان هندی بود تک تک بخشها و جنبه های یک موضوع بر حسب ماهیت و کارشان گروه بندی می شوند و هر گروه یک چهارمزه نام دارد و هر چهارمزه از «سازند» های (Foci یا Isolate) مختلف تشکیل شده است . از آنجا که در این رده بندی از دو نقطه که در انگلیسی بدان کولن می گویند زیاد استفاده شده ، بدان رده بندی کولن نیز می گویند . در این رده بندی پنج چهارمزه اصلی وجود دارد که عبارتند از :

۱- چهریزه صورت Personality Facet این چهریزه جزء اصل و ترکیب کننده و در واقع ماهیت و ذات موضوع است مثلاً در گیاه شناسی، انواع گیاهان، در تاریخ، کشورهایی که تاریخشان مطرح است، و در شیمی، عناصر و مواد مختلف چهریزه های صورت هستند. این چهریزه را رانگاناتان با [P] نشان داده است.

۲- چهریزه ماده Matter Facet از موادی گفتگو می کند که اشیاء درون چهریزه صورت از آن ساخته می شود مثلاً برنز در مجسمه سازی. این چهریزه با [M] نشان داده می شود.

۳- چهریزه فعل Energy Facet عبارت است از اعمال، فعالیتها و آنچه که قابل لمس نیست و غالباً باعث صرف انرژی و حرکت می شود. مثل مالیات، در اقتصاد و بهداشت عمومی، در پزشکی. این چهریزه با [E] مشخص می شود. (این چهریزه را به چهریزه انرژی یا نیرو نیز ترجمه کرده اند).

۴- چهریزه مکان Space Facet این چهریزه در واقع همانند تقسیمات جغرافیائی است و تقریباً هر موضوعی را می توان بر حسب مکان تقسیم بندی کرد. بدین جهت در رده بندی کولن یک جدول جداگانه برای چهریزه های مکانی وجود دارد که برای همه رده ها مورد استفاده قرار می گیرد. این چهریزه را با [S] نشان می دهند.

۵- چهریزه زمان Time Facet زمانی را که موضوع در آن قرار گرفته مشخص می کند مثلاً کشاورزی در سال ۱۹۶۶

که در اینجا کشاورزی رده اصلی (Main class) و سال ۱۹۶۶ چهریزه زمان است. این چهریزه با [T] نشان داده می شود. رده بندی کولن یک رده بندی دقیق و علمی است که رانگانانان اختصاصا برای کتابخانه های هند طرح ریزی کرد. در این رده بندی برای اکثر موضوعها شماره های پیش ساخته وجود ندارد. بلکه شماره های جدید را با ترکیب و تغییر عناصر موجود در رده ها بر مبنای شیوه ای خاص بوجود آورد.^۱

رده بندی هایی چون کنگره و تاحدی بسیار دیویی را شمارشی خوانده اند زیرا که در این گونه طرحها از همه موضوعهای ممکن، مفرد یا مرکب، بر حسب عدد، الفبا و علائم دیگر صورتی تهیه می شود. فهرست نویسانی که از روشهای شمارشی پیروی می کنند، هر روز بیش از پیش برای انتخاب موضوعهای خاص، دقیق و جزئی با دشواری روبرو می شوند. در برابر طرح شمارشی، روش دیگری وجود دارد که آن را مبدع و بنیانگذارش رانگانانان شیوه تحلیلی - ترکیبی خوانده است. در این سیستم، شمارش موضوعها به حداقل می رسد و اصولی را در اختیار فهرست نویس می گذارد تا به یاری آنها با ترکیب نشانه های دو یا چند موضوع، نشانه موضوع چند بعدی مورد نظر را به دست آورد. رانگانانان

۱ - اصطلاحنامه کتابداری، رده بندی چهریزه ای، ص ۱۴۶.

رده‌بندی شمارشی راهمانند کتب مکالمات برای جهانگردان می‌داند که عبارات و جملات حاضر و آماده در آنها ذکر شده‌اند و حال آنکه طرح ترکیبی را که رده‌بندی کولن خود وی عالیترین نمونه آن است نظیر یک فرهنگ زبان می‌شمارد که با کلمات آن انواع و اقسام جمله‌ها و عبارت‌ها را بنا به احتیاج می‌توان ساخت.^۱

یکی دیگر از علل دقیق و علمی بودن نظام رده‌بندی کولون این بود که مبتکر آن از دیدگاه کتابداری وارد کار دبیزش نشد، بلکه وی قبل از کتابدار و دبیزشکار بودنش، یک مراجعه کننده و استفاده کننده از کتاب و کتابخانه بود. از آنجا که مشکل دسترسی به کتب و موضوعات در هنگام نیاز به آنها جهت تحقیق رنج آور و خسته کننده بود، وی در صدد یافتن راهی هموار برای آن برآمد و لذا با دقت خاص علمی، جنبه‌ها و چهره‌های موضوعات را در رده‌بندی خود ملحوظ داشت. این امر موجب می‌شد تا محتوای کتاب از تمامی جنبه‌هایی که ممکن بود توسط محققین مورد بررسی قرار گیرد، قابل دسترسی باشد.

با ظهور رده‌بندی کولون، تحول شگرفی در دنیای کتاب و کتابداری به وجود آمد و نظام‌های جدید مایه و اصول را از افکار

۱ - شناختی از دانش‌شناسی، هوشنگ ابرامی، ص ۱۴۱.

صاحب آن می گرفتند و به کار می بستند . هر چند که پس از رانگانانان کس دیگری که بتواند کار مهمی انجام دهد ، پا به عرصه گیتی نهاد ، ولی تعدادی از کتابداران بریتانیایی توانستند با بهره گیری از افکار وی رده بندیهای تلفیقی را ایجاد کنند و با این وسیله توانستند نوعی برابری در مقابل رده بندی دیوئی و کنگره به وجود آورند . چرا که به صراحت نمی توانستند خود را تابع یک نظام خارجی قلمداد کنند . همچنین طرحی به نام «رده بندی کتابشناختی» توسط «هنری اولین بلیس» با الهام از طرح رانگانانان ارائه گردید که در کتابخانه دانشگاه نیویورک به کار گرفته شد . وی نیز طرح خود را بر اساس تلفیقی از طرحهای شمارشی و تحلیلی - ترکیبی ، پایه ریزی کرد و جنبه های شکلی ، مکانی ، زمانی و زبانی موضوعات را مدنظر قرار داد .

با اینکه رانگانانان به اعتراف و اقرار همگان فردی دانشمند و صاحب نظر بود ، اما به دلیل آنکه از مشرق زمین برخاسته بود ، تعصب اجازه نداد آن طور که باید از طرح وی استقبال شود و به عنوان یک طرح جهانی جایگزین طرحهای قبلی شود . اما با وجود این بسیاری از صاحب نظران در برابر نظریات و طرحهای وی سر تعظیم فرود آوردند . در فصل دوم خواهیم گفت که چه دستهایی مانع از به کارگیری وسیع طرح رانگانانان در کشور خودش شد ، در حالی که صاحبان همان دستها ارزش و مقدار این طرح را

به خوبی می دانستند و به همین خاطر آن را آنقدر فشرده تا بتوانند عصاره اش را در غذای خودشان مصرف کنند و تفاله اش را به دیگران بدهند. ولی ما می دانیم که «وی بر پایه تجارب و تفکرات و نظریات خود تصمیم گرفت که کلیه مباحث کتابداری را از نو طرح ریزی کند.»^۱

جمعی که همیشه سعی داشتند امتیاز جهانی بودن نظام رده بندی را برای خودشان و یا کشورشان حفظ نمایند، پیچیدگیها و سختیهای طرح رانگاناتان را بزرگ جلوه دادند و ایده های اساسی آن را با دور نگهداشتن سایرین از آن طرح، ربودند.

«عبدالله عمر البارودی» اشاره صریحی به این موضوع دارد که مناسب است نقل شود:

امروز دوره ما از آنچه «اوتلیت» در رؤیای دید (جهانی کردن یک نظام رده بندی) بسیار دور شده است. امروزه ما شاهد ستیزها و دشمنیهای شدید میان نظامهای سیاسی و اقتصادی و عقیدتی و نژادی هستیم که از قدیم الایام بودند و مرگ چهره آنان را در زیر خاک نپوشانده، هستیم. بلکه نزاعهای نژادی جدیدتری در عرصه جهان ظاهر شده است

۱ - دانستنیهای کتابداری، تألیف ناصر مظاهری تهرانی و محمد هادی

فقیهی، دیباچه ص (ن).

که در چنین شرایطی به دنبال یکی کردن نظامهای رده بندی در سطح جهان بودن ، کاری عبث و بیهوده خواهد بود . چون هر کدام از این نظامها ، انعکاس دهنده اختلافات و ستیزه جوییهای است از مجامعی که آنها در آن جوامع ظهور کرده اند .

اثر بسیار بزرگی که «شامورین» در باره تاریخ رده بندی از خود به جای گذاشته ، بخوبی توضیح می دهد که رده بندی چگونه از محیطی که در آن متولد شده متأثر می شود . وی می گوید این رده بندیها تبعیت خاصمانه ای دارند از فشارهای آراء سیاسی که آن دولتها در سطح جهانی اعمال می کنند . بنابر این جای تعجب نیست که ما هر روز شاهد افزایش میل کشورهای دارای نظام ملی باشیم که خود را به سمت نزدیک شدن و وفق دادن به رده بندی جهانی ، مثل دیوئی و ددهمی جهانی سوق می دهند .^۱

سپس گزارشی از رده بندیهای ملی کشورهایایی به دست می دهد که ادعای وی را در بیان این تنازع ناشی از تخصیصهای سیاسی اثبات کند . از جمله رده بندیهای ملی «کتابخانه مجلس» می باشد که در کشورهای انگلیس ، آمریکا و فرانسه مورد استفاده قرار گرفته است و از

۱ - دراسات مختارة فی المكتبات و التوثيق و الاعلام ، عبدالله عمر

البارودی ، چاپ اول ، بیروت ، سال ۱۴۰۳ ه. ق. ، ص ۹۴ .

رده بندی «ب. ب. ک.» که در کتابخانه لنین و چند کتابخانه دیگر شوروی سابق مورد استفاده قرار می گیرد نام می برد. وی کتابخانه لنین را به عنوان رقیب حقیقی کتابخانه کنگره از لحاظ حجم معرفی می کند^۱ و اظهار می دارد که این نظم (ب. ب. ک.) نیز شبیه نظم کنگره ،

۱ - کتابخانه لنین قبل از سال ۱۹۲۵م تحت عنوان کتابخانه «کنت رومجاساف» (کنت رومیانتسوف) نامیده می شد و در لنین گراد استقرار داشت . حدود اوایل نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی این کتابخانه به مسکو انتقال داده شد و در سال ۱۹۷۰م نزدیک به دوونیم میلیون جلد کتاب داشت که امروزه بالغ بر سی میلیون کتاب و مجله . . . می باشد . سیاست اتخاذ نظام رده بندی علوم و قواعد فهرست نویسی در این کتابخانه به صورت شورایی می باشد .

همچنین کتابخانه ملی بریتانیا که پس از سال ۱۹۷۳م با ادغام کتابخانه ملی مرکزی ، آمانی ، کتابخانه موزه و سازمان کتابشناسی به وجود آمده است ، از نظر محتوی و ارزش گنجینه های بسیار غنی خصوصا در بخش مربوط به شرق دارد و رقیب سرسختی در برابر کتابخانه کنگره محسوب می شود. از نظر قدمت نیز کتابخانه ملی فرانسه که قدیمیترین کتابخانه ملی در اروپا می باشد ، با بیش از بیست میلیون مدرک و ۱۸۰ هزار نسخه خطی در برابر کنگره استوار شده است . کتابخانه ملی فرانسه بر اساس نظام رده بندی ملی آن کشور سازماندهی و طبقه بندی شده است. در آلمان نیز کتابخانه های مهمی با نظامهای ملی خاص آن کشور جلب توجه می کند .

المکتبات العامة ، اندریه ماسون و پولاسلفان ، ترجمه نجیب نعیم الحجار ، منشورات عویدات ، بیروت - پاریس ، چاپ اول ۱۹۸۳ و اصطلاحنامه کتابداری .

منعکس کننده ایده‌های حاکم بر محیطی است که در آن پدیدار شده و پرورش یافته است. سپس اشاره‌ای گذرا دارد بر نظام‌های مورد استفاده در کشورهای اسکانديناوی، چین، ژاپن، آلمان شرقی و فرانسه که تلاشهایی برای رهانیدن خود از یوغ نظام جهانی معیوب و حاکم، انجام داده و موفقیتی کسب نکرده‌اند. اما هند تنها کشوری است که به نظر او توانست طرح ملی خود را برای خارج از مرزهای هندوستان ارائه دهد و منظورش از طرح ملی هند، نظام رده‌بندی کولون است که رانگاناتان آن را وضع کرد. بعد با ظرافت خاصی می‌گوید که این نظام در هندوستان چندان عملی نشد و به دنبال آن اضافه می‌کند که هنری اولین بلیس یکی از مشهورترین ناقدین در نظام آمریکائی، اخیراً نظامی را انتشار داده است که رقیب سرسخت نظام دهمی دیوئی و کنگره محسوب می‌شود. اما او نیز بجز از دانشگاه نیویورک و تعدادی کتابدار در انگلیس، هوادارانی پیدا نکرد.^۱

همچنین دکتر «عبدالوهاب ابوالنور» شیوه مدرسه هند را با مدرسه بریتانیا مقایسه کرده همین نتیجه را به دست می‌دهد. به نظر وی ظهور رانگاناتان در دهه سی از مهمترین حوادث و تحولات در تاریخ رده‌بندی می‌باشد. و با این ظهور عهد و دوره جدیدی آغاز گردید که مباحث رده‌بندی از مرحله ابتدائی (طفولیت) به مرحله عقلی علمی

۱ - تلخیص از همان مدرک ص ۹۴ تا ۹۷.

(بلوغ) منتقل شد. پس از آن افکار رانگاناتان از مرزهای هند فراتر رفت و با افکاری اتصال پیدا کرد که موجب پدیداری تطورات دیگر در تاریخ تحول رده بندی گشت. وی با صراحت اظهار می دارد:

بی گمان مبالغه نخواهد بود اگر بگوئیم که ظهور گروه پرتلاش رده بند در لندن در دهه پنجاه از اهم تحولات و تطورات در تاریخ رده بندی، در این برهه از زمان بود، بلکه علی الاطلاق یکی از مهمترین حلقه های تاریخ رده بندی همین مسئله است.

وی می افزاید:

اولین کسی که رانگاناتان را شناخت «برنارد بلمر» کتابدار انگلیسی بود. این شناخت موقعی رخ داد که وی در خلال جنگ جهانی دوم (۱۹۴۳) رانگاناتان را در هند ملاقات کرد. و باز او اول تلاشگری بود که سعی کرد رانگاناتان را به همکاران خود معرفی کند. بلمر و همکارش ولز در کتاب مشترکشان کوشش کردند که مفاهیم و واژه های ابتکاری رانگاناتان را تشریح کنند.

دافیسون (دیوسیون) می گوید از اهمیت این کتاب اینکه توانسته است بخوبی از عهده بیان تأثیر نظریات رانگاناتان در تحولات اروپای غربی برآید. وی می گوید: به فضل

آن کتاب ، نظریات رانگاناتان انقلابی در اروپای غربی به پا کرد .

دافیسون اضافه می کند که نتیجه کار این دو نویسنده و سفرهای رانگاناتان به انگلیس ، تشکیل گروه بررسی در رده بندی بود .

درباره چگونگی تشکیل گروه در گزارش رسمی آن می گوید : گروه بعد از برپایی کنفرانس اطلاعات علمی که توسط جمعیت پادشاهی لندن به سال . . . تشکیل شد . . . در آخر سال ۱۹۵۰ این گروه نوشت : پرواضح است که مشکل رده بندی پیچیده تر از آن است که در وهله اول تصور می شد . و رئیس آن پیشنهاد داد که کتابداران علاقه مند را برای دنبال کردن قضیه بررسی و ارائه راه حل در رده بندی علوم انتخاب کنند .

. . . این گروه تقریباً ماهی یک بار در لندن گرد هم می آمدند و تعداد نفرات حاضر کم و زیاد می شد ، اما همواره دوازده نفر حضور داشتند . . . گروه ، مباحث خود را از پایه های نخستین آغاز کرده بود .

شاید به این خاطر مسئله را بنیانی طرح کرده بودند که کلیه اعضای این گروه در یک نقطه نظر ، اتفاق رأی داشتند و آن مردود بودن همه نظامهای رده بندی بود . به این معنا که همه طرحهای موجود غیر قابل قبول می باشند .^۱

۱ - التصنيف البیولوجرافی لعلوم الدین الاسلامی ، عبدالوهاب ابوالنور ،

بدین ترتیب دیدیم که نظامهای رده بندی موجود با چه انگیزه هایی و بر اساس چه تفکراتی پایه ریزی شده و هدف از انتشار دادن یا جهانی کردن برخی از آنها چه بوده است .

بی شک اگر کسی بی طرفانه مطالب این فصلها را از ابتدا دنبال کند و هیچگونه پیشداوری به خود راه ندهد ، اکنون می تواند بگوید که هر کدام از نظامهای موجود ، چه خصوصیتی دارند و اساساً کدام طرح بهتر و علمیتور و یا مطلوبتر است .

غرض از نقل این همه مطالب از زبان نویسندگان و کتابداران در معرفی رده بندیهای موجود خصوصاً آن دو رده بندی آمریکایی که اینهمه تبلیغات به نفع آنها در سطح جهان انجام می گیرد ، پی بردن به چهره واقعی طرحها و صاحبان آنها بود .

کسانی که به هر طریق ممکن می خواهند عقیده شان را دیگران باور کنند و در همه چیز ، حتی مسائل علمی ، تابع آنها شوند . کسانی که به برتری نژادی خودشان معتقد هستند و آشکارا می گویند که دیگران قادر نیستند مثل ما فکر کنند و یا زندگی بنمایند . همان آنگلوساکسونهایی که داستان جنایات آنها در سرتاسر جهان روی زشت ترین و پلیدترین جنایتکاران تاریخ را سفید کرده است . گروهی که رفاه خود را در نابودی و اسارت دیگران می دانند و

به آن عمل می کنند .

اگر باور ندارید ، حداقل در این خصوص نظریات کتابداران را
بخوانید (که اجمالاً در فصلهای بعد ذکر می شود) تا به عمق فاجعه
پی ببرید و پس از آن قضاوت نمایید .



فصل دوم

نظریه کتابداران

درباره

سیستمهای رده‌بندی

علوم

نظریه کتابداران غربی

جیمز تامپسون در کتاب تاریخ اصول کتابداری بحثی تحت عنوان «توسعه نظامهای نوین رده‌بندی» دارد که در آنجا پس از بررسی تحلیلی تاریخ رده‌بندی در دوره باستان و قرون وسطی، طرحهای جدید را نقد کرده است. وی بحث خود را از طرح «کنراد گسner»^۱ که مرز بین طرحهای قدیم و جدید است آغاز می‌کند. این طرح تقریباً از نیمه قرن شانزدهم (۱۵۴۵) به این طرف مطرح شده است و سرنخ بسیار مناسبی در ریشه‌یابی نظامهای جدید می‌تواند باشد. چرا که وی در تعریف طرح سه قسمتی گسner، ترتیب قسمت دوم آن را بر مبنای ترتیب برنامه‌های آموزشی قرون وسطا معرفی کرده است و رعایت همان اصل را در تنظیم کتابخانه بودلیان یادآور شده است. رده‌های اصلی آن در چهار شاخه موضوعی بترتیب الهیات، حقوق، طب، و هنر، خلاصه می‌شود. سال بعد

1 - Konrad Gesner.

(۱۶۰۵) جایگاه حقوق با طب تغییر یافت و ترتیب موضوعات به این ترتیب شد: «الهیات، طب، حقوق، هنر».

از آن تاریخ موضوع الهیات در صدر جدول رده‌های موضوعی قرار گرفته است. مثل: طرح «گابریل نوده»^۱ کتابدار مشهور فرانسوی (۱۶۰۰ - ۱۶۵۳) که در سال ۱۶۴۳ منتشر شده است. ترتیب موضوعات در رده اصلی طرح وی به شرح ذیل بود: الهیات، طب، کتاب‌شناسی، گاه‌شناسی، جغرافیا، تاریخ، فنون نظامی، فقه، قوانین مدنی و کلیسایی، فلسفه، سیاست و ادبیات.

مسئله بسیار مهم در نظامهای رده‌بندی جدید همانا تأثیر افکار کلیسا و نفوذ اهداف سیاسی و مذهبی در آنها می‌باشد که جیمز تامپسون بخوبی توانسته این ارتباط و نفوذ را شرح دهد.
وی در مبحث «دشمنان کتاب» از فصل سوم می‌گوید:

شکوفایی کتابخانه‌ها در ادوار با ثبات صورت می‌گیرد.

... در ادوار پیشین تاریخ کتابخانه‌های اروپایی، ثبات به وسیله کلیسا تأمین می‌شد. رشد نظام یافته کتابخانه‌های کلیسایی با توجهات «کاسیو دوروس»^۲ و

1 - Gabriel Naude.

2 - Casiodorus.

«قدیس بندیکتوس»^۱ در قرن ششم آغاز شد؛ از آن زمان به بعد، تا عصر رنسانس، در اروپای غربی هیچ کتابخانه‌ای نبود که منشاء و هدف کلیسایی نداشته باشد. به نظر ابروین، در انگلستان تا قرن هیجدهم همه کتابخانه‌های نهادی، اعم از دانشگاهی، آموزشگاهی جدیدالتأسیس، کتابخانه‌های کلیساهای جامع با کتابخانه‌های کوچکی نیز که در کلیساهای شهرها و بخشها تأسیس شده بود، در واقع بخشی از سازمان و تشکیلات کلیسایی به حساب می‌آمد. در زمان ما فقط قدرت دولت جایگزین قدرت کلیسا شده است.

واژه «انحراف» با آثار مشابهی در زمینه خیر اندیشی برای کتابخانه‌ها جایگزین واژه «کفر» شده است. همانطور که ابروین می‌گوید: «سلاحهای حکومت همان است که بود، و قدرت هنوز هم عملاً با فنون کلام مکتوب و مضبوط اعمال می‌شود.» جان تورنتون این را تأیید می‌کند و اظهار می‌دارد که متأسفانه «مداخلات سیاسی، در بسیاری از موارد، به جای سازندگی به تخریب کتابخانه‌ها منجر شده است»^۲.

نویسنده در فصل چهارم به مبحث «دسترسی به کتابخانه‌ها در قرون وسطی، می‌پردازد و شرایط بسیار پیچیده و دشوار دسترسی

1 - St Benedict.

۲ - تاریخ اصول کتابداری، جیمز تامپسون، ترجمه محمود حقیقی، ص ۵۲ و ۵۳.

به کتاب را شرح می‌دهد که کلیسا چگونه با اخذ وثیقه و تعیین شرایط خاص حاضر بود کتابهای به زنجیر کشیده شده را در اختیار مطالعه کننده قرار دهد. سپس در مبحث «جنبه‌های سیاسی و اخلاقی، مسئله سوء استفاده از کتابخانه را در آمال و اهداف سیاسی مورد توجه قرار می‌دهد و می‌گوید :

در سرتاسر تاریخ کتابخانه‌ها، آنها را برای تبلیغ افکار خاص کنترل می‌کردند. در فصل سوم به چند نمونه از کنترل آنها به دلایل مذهبی، از جمله انهدام کتابهایی که موافق تعلیمات کتاب آسمانی نبود؛ نابودی کتابخانه‌های صومعه‌ها در انگلستان به وسیله هنری هشتم، اشاره کردیم. در زمان ما نیز جانسون، با توجه به مسئله کنترل سیاسی، می‌گوید که کتابخانه‌های آلمان نازی به جزئی از نظام تبلیغاتی ناسیونالیسم آلمان بدل شده بود، و همه تلاشها متوجه رشد و توسعه ناسیونالیسم پر قدرت آلمانی بود.^۱

در جای دیگر می‌گوید :

البته در قرون وسطی همه کتابخانه‌های دیرها و

۱ - همان مدرک، ص ۸۲.

صومعه‌ها آشکارا برای تجلی هرچه بیشتر جلال و عظمت الهی بود.^۱

اما منظور از جلال و عظمت الهی، همان جلال و عظمتی است که کشیشها و پدران روحانی تشخیص می‌دهند. مانند تقدسی که برای حضرت مسیح (ع) قائل هستند. و لابد راههایی که برای رسیدن به آن هدف پیش بینی شده (که پیشتر نمونه آنها را خواندید) موجه و مستدل می‌باشد. مثل جنگهای صلیبی که به نظر پاپ، آشکارا برای تجلی هر چه بیشتر جلال و عظمت الهی بود. در حالی که می‌دانیم که «در واقع تجلیل کتابخانه از فرهنگ یونانی، که باعث رشد احساسات ملی‌گرایی و میهن‌پرستی بود، هدفی سیاسی داشت.»^۲ و معلوم است که هدف کلیسا از تجلیل کتابخانه نیز باید هدفی سیاسی داشته باشد. چرا که رهبران سیاسی دولتها از تأثیر عمیق کتابخانه‌های بنیان‌یافته بر اهداف سیاسی و مذهبی، در حفظ منافع آنان، اطلاع داشتند. از جمله «فرانکلین خود به تأثیر سیاسی این قبیل کتابخانه‌ها آگاهی داشت و معتقد بود که آنها در پایداری

۱- همان مدرک، ص ۸۳.

۲- همان مدرک، ص ۸۲.

مستعمرات در دفاع از حقوق خود تا حدی مؤثر بوده‌اند. «^۱ اما حقوقی که از جانب همین رهبران به آنها دیکته می‌شده است و دلیل روشن بر این مدعا، وضع این نوع کشورها در گذشته و حال است. همان طور که تلویزیون به عنوان یک ابزار آموزشی و تبلیغی بخوبی توانسته از عهده حفظ منافع صاحبان قدرت و ثروت برآید، کتابخانه نیز وسیله مناسبی در تأمین خواسته‌های یهودیان و مسیحیان بود. این نظریه وقتی شدت می‌گیرد که ما ببینیم اغلب دست اندرکاران امور فرهنگی سر در آخور شرکتهای چند ملیتی و سرمایه‌داران یهودی دارند و همچنان که پول و قدرت را از ابزارهای بانکی، تجاری و اقتصادی آنان دریافت می‌کنند، فلسفه و تفکر را نیز از انجمن‌ها و مکاتب پیچیده جهانی، همانا مثل فراماسونری می‌آموزند.^۲

همانطور که آقای رحمانی در کتاب «نظام نوین جهانی» می‌گوید دانایی توانایی می‌آورد و مانند همه صاحب‌نظران این رشته، علم و دانش را از عوامل قدرت می‌شمارد و سایر عوامل را نیز وابسته به همین عامل مهم می‌داند، کشورهای حاکم بر اوضاع سیاسی-اقتصادی جهان نیز برای حفظ توانایی خود، مدام در

۱- همان مدرک، ص ۸۵.

۲- مثل توماس جفرسون و ...

صدد افزایش دانایی و معلومات (اطلاعات) خود می‌باشند و به همین جهت نظام‌های خاصی تحت عنوان «نظام اطلاع‌رسانی» دارند که یکی از منابع اطلاعاتی آن نظامها، کتابخانه‌هاست.

بنابر این کتابخانه به همان نسبت که منبع اطلاعاتی برای یک نظام حاکم می‌باشد، منبع اطلاعاتی برای جوامع محکوم نیز می‌باشد. پس بخوبی می‌توان به اهمیت ترتیب و نشر دانشهای مجتمع در کتابخانه‌ها پی برد و قابل درک است که یک قدرت حاکم چگونه می‌تواند از تنظیم خاص دانشها به نفع خود سود ببرد و در راستای اهداف خود وارد عمل شود.

سخن به سویی کشیده شده که قصد ورود به آن محدوده را در این فصل نداشتیم. لکن همین امر موجب توجه بیشتری به ادامه بحث در بررسی نظریه‌های مختلف خواهد بود و با اطمینان بیشتر از جهت زمینه‌های سیاسی نفوذ یافته در نظامهای رده‌بندی نوین می‌توان سخن گفت.

ما در پی ریشه‌یابی از عوامل مؤثر در نظام رده‌بندی دهدهی دیسوتی بودیم - که به نظر بعضی‌ها «نقطه عطفی در تاریخ رده‌بندی مجموعه کتابخانه‌ها»^۱ است - که در این میان به طرح رده‌بندی «کنراد گسندر» برخوردیم. طرح وی بر اساس نظامهای

۱ - همان مدرک، ص ۱۳۹.

قرون وسطایی طراحی گردیده بود. به دنبال همین سر نخ، پیشینه تاریخی آن را در قرون وسطا، به نحو اجمال تحصیل کردیم. اکنون باید دید که چه تغییراتی تا زمان دیوئی در نظامهای پیشنهاد شده به وجود آمده است.

جیمز تامپسون در صفحه ۱۳۷ همان کتاب، رده‌های اصلی طرح «ژاک شارل برونه» را نقل می‌کند. «طرحی که به قول «سهرز» بر اساس طرحهای «ژان گارنیه»،^۱ «اسائل بوییو»،^۲ «گابریل مارتن»^۳ و «گیوم دوبور»^۴ تنظیم شده بود» و به وسیله برونه گسترش یافته بود. رده‌های آن طرح عبارت است از: الهیات، فقه، علم و هنر، ادبیات و تاریخ. نظریه‌ای که نویسنده در مورد این طرح داده مشابه نظریه‌ای است که در مورد طرح دیوئی داده شده است و آن چنین است: «این گروه‌بندی بنیادی فلسفی نداشت، لیکن به قول سهرز «سهولت عمل، مبنای تنظیم آن قرار گرفته است». به دنبال همین سخن می‌گوید: «طرحهای دیگری که در قرن نوزدهم ارائه شد، اقتباس از رده‌بندی برونه بود». سپس رده‌بندی «توماس هارتول هورن»^۵ تهیه شده برای موزه بریتانیا را مثال می‌زند و

1 - Jean Garnier.

2 - Ismael Bouilliaiau.

3 - Gabriel Martin.

4 - Guillaume de Bure.

5 - Thomas Hartwell Horne.

در صفحه بعد طرح ادواردز را که شش رده اصلی، به ترتیب «الهیات، فلسفه، تاریخ، سیاست و تجارت، علوم و هنرها، ادبیات و تألیفات متفرقه»^۱ دارد، بیان می‌کند.

وی به این ترتیب به طرح دیوئی می‌رسد و تنها امتیاز رده‌بندی دیوئی را در سادگی آن می‌داند و برای این سخن شواهد زیادی آورده و نظریه کتابداران را ذکر می‌کند. وی، در میان آراء مختلف صریحترین نظریه را از بلیس نقل می‌کند که می‌گوید: «دیوئی سهولت عمل را به نظم منطقی ترجیح می‌داد». پس از آن یک گزارش آماری را از رایدنر مؤید کلام خود قرار می‌دهد. در این گزارش ۹۶ درصد از کتابخانه‌های عمومی و ۸۹ درصد از کتابخانه‌های دانشگاهی آمریکا به عنوان استفاده کنندگان از نظام رده‌بندی دیوئی معرفی شده‌اند.^۲

اگر نبود تحلیلهای خود نویسنده در مورد عوامل گسترش طرح دیوئی در سطح آمریکا و جهان، می‌توانستیم همین استدلال را (حداقل از دیدگاه خوش باورانه) بپذیریم. لیکن به نظر

۱ - همان طور که ملاحظه می‌کنید در تمامی این طرحها، الهیات و فلسفه در صدر جدول قرار دارد و این روند همچنان از دوران قرون وسطایی با اندک تغییراتی ادامه داشته است تا اینکه هاریس و در نهایت دیوئی طرحهای خود را مبتنی بر ترتیب همان طرحها اما مایه گرفته از فلسفه بیکن، ارائه دادند.

۲ - همان مدرک، ص ۱۴۲.

می‌رسد که اهداف سیاسی و نیازهای روز افزون آمریکاییها عامل مؤثری در امر گسترش و نفوذ طرح دیوئی در آمریکا و جهان می‌تواند باشد. این سخن همان نتیجه‌ای است که نویسنده تاریخ اصول کتابداری در تحلیل خود به آن دست می‌یابد.

از آن جمله تحلیلی است که در صفحه ۸۶ همان کتاب منعکس شده و آن چنین است:

آمریکاییها همچنین به دنبال استقلال سیاسی خویش به رشد کند استقلال فکریشان پی بردند. آنها ضرورت ایجاد یک نهضت فرهنگی و آموزش بومی را احساس کردند. و این احساس بود که در سال ۱۸۰۷ به تأسیس انجمن ادبی بوستون انجامید. . . .^۱

نهضت کتابخانه‌های عمومی در بریتانیا و آمریکا در قرن هیجدهم و نوزدهم، زمینه مساعدی برای طرحهای رده‌بندی، به وجود آورده بود و احساس نیاز روز افزون به اداره عملی کتابخانه، در پذیرش سریع هر طرح عملی و قابل استفاده، تأثیر بسزائی داشت. از این رو طرح دیوئی در کتابخانه‌های جدیدالتأسیس آمریکا که نظام خاصی برای طبقه‌بندی علوم در دست نداشتند،

۱ - همان مدرک، ص ۸۶.

نعمتی قابل سپاس به شمار می‌رفت. کتابخانه‌های بریتانیا نیز با وجود برخورداری از طرح‌های رده‌بندی موضوعی، مثل طرح براون، همسو با سیاست‌های آمریکا گردیده بود و بدین ترتیب آنان نیز درهای خود را به روی طرح‌های آمریکایی گشودند.

از سوی دیگر کتابخانه کنگره آمریکا با اینکه عمر طولانی نداشت، ولی به دلیل برخورداری از پشتوانه نظامی و اقتصادی کشوری چون آمریکا به صورت کتابخانه ملی بزرگی درآمد و به مرور طرح دیوئی را مبنای کار خود قرار داد. در واقع دست‌اندرکاران کتابخانه کنگره، پایه‌های نظام رده‌بندی خود را از مصالح طرح دیوئی و چند طرح دیگر که شرح آن را پیشتر خواندید، فراهم آوردند. از عوامل یاد شده که بگذریم، بی‌شک - علاوه بر فشار افکار عمومی در تسریع قبول طرح دیوئی برای آمریکائوها به عنوان دستاویزی استقلال طلبانه در برابر اروپا - عصر انقلاب صنعت چاپ نیز که با اختراع ماشینهای چاپ، سیل کتاب را به سوی کتابخانه‌ها سرازیر می‌کرد، از مقاومت کتابداران مخالف و رقیب دیوئی کاست. به طوری که می‌بینیم ظرف ده الی بیست سال، موجودی کتابخانه‌های جدید التأسیس آمریکا از رقم چند میلیون تجاوز می‌کند و کتابداران را با مشکل تنظیم و ترتیب مواجه می‌سازد و این اهرم با قدرتی است در

استقبال از هر طرحی که اندکی از مشکلات را بکاهد . وقتی کتابخانه‌ای نظامی را پذیرفت و کتابهای خود را بر اساس آن تنظیم کرد و هزینه سرسام‌آور فهرستنویسی را متحمل شد ، دیگر بار تغییر دادن آن نظام به نظامی حتی بهتر ، به این سادگی نخواهد بود . بنابر این علاوه بر تعصبات نژادی و مذهبی که در موارد مختلف بدان اشاره شد و خواهد شد ، هزینه سنگین تغییر شیوه نیز در استقامت کتابخانه‌های فعلی بر ضد طرحهای کاملتر مؤثر افتاد .

بلیس ، کتابدار قرن بیستم ، که طرح نظام رده‌بندی خود را پس از رانگاناتان ارائه داده است ، مسئله طرح نظام رده‌بندی علمی در غرب را از ریشه انکار می‌کند و نظریات بسیار تندی را ابراز می‌دارد . وی که با مطالعات گسترده در باره افکار کتابداران پیش از خود ، اقوال همگان را دیده و در کتاب خود تحت عنوان «سازماندهی دانش در کتابخانه‌ها ، و دسترسی موضوعی به کتابها»¹ نقل کرده است ، به لاینحل بودن مسئله رده‌بندی در کتابخانه‌ها معتقد است . بهتر است نظر وی را همان طور که جیمز تامپسون در کتاب تاریخ اصول کتابداری آورده است ، نقل کنیم :

1 - The Organization of Knowledge in Libraries, and the Subject - approach to Books.

عقیده بلیس این است که ما نمی‌توانیم به این تصور دل خوش داریم که در این دنیای متحول مسئله دسترسی موضوعی به کتابها در سال ۱۸۷۳ به توسط یک دانشجوی دوره لیسانس (دیوئی)، یا بطور قاطع در سال ۱۹۰۰ به توسط یک سازمان بین‌المللی (رده‌بندی دهدهی جهانی) یا از سوی یک کتابخانه ملی (رده‌بندی کتابخانه کنگره) حل شده است. او به این نظریه اشاره می‌کند که مسئله رده‌بندی در کتابخانه‌ها «اصلا و عملا لاینحل» است، و می‌گوید: «تاریخچه رده‌بندی مشحون از کاربرد روشهای کهنه، محافظه‌کاری یا خشنودی کوتاه بینانه بوده است». او تفسیر خود را از تاریخچه رده‌بندی به این شکل خلاصه می‌کند: «در تاریخچه توالی نظامهای اختیاری هیچ رشد پایداری که بتوان آن را پیشرفت نامید یافت نمی‌شود. بنابر این دلیل کمتری وجود دارد که در گذشته دورتر نیز در این زمینه پیشرفتی حاصل شده باشد. اما در نظام دانش علوم - پیشرفتهایی، رابطه‌ای و احتمالا علی، صورت گرفته است که بررسی آن حائز ارزش انتقادی و فکری است.

بلیس توجه دارد که نظامهای فلسفی ارسطو، گسنر و بیکن تا حدودی در رده‌بندی‌های کالیماخوس، بوییو (سلف برونه)، مرلن، هریس و دیوئی اثر گذاشته، لیکن در تنظیم این رده‌بندیها عامل مهمتر همواره اصل «سهولت عمل» بوده است. وی از لایب‌نیتس فیلسوف یاد می‌کند که نام نخستین سه رده طراحی را که برای

رده‌بندی کتابهای خود داشت - الهیات ، حقوق ، طب - بر دانشکده‌های عمده یک دانشگاه گذاشتند ؛ و باز خاطر نشان می‌کند که چگونه برنامه‌های آموزشی قرون وسطی مواد سه گانه و مواد چهار گانه ، در نظامهای رده‌بندی افرادی چون نوده ، بویی‌یو (۱۶۷۸) ، گارنیه (۱۶۷۸) ، مارتن (۱۷۴۰) ، برونه (۱۸۱۰) و هورن (۱۸۲۵) اثر گذاشت^۱.

عجیب اینکه نویسنده و کتابدار انگلیسی دهه هفتاد (جیمز تامپسون) ، نظریه بلیس را پس از آن همه تعریفها ، تأیید می‌کند و بر گفتار وی صحه می‌گذارد .

اینک در پایان این بحث ، شما را به مرور بر این تأیید فرامی‌خوانیم .

بلیس اظهار می‌دارد که نقص نظامهای رده‌بندی متداول در این است که این نظامها ، که عمدتاً به منظور عملی بودن در شرایط محلی و تاریخی خاص کتابخانه‌های خاستگاه خود ایجاد شده‌اند ، اصول اساسی رده‌بندی را برای سازماندهی دانش رعایت نکرده‌اند .

در تأیید اظهارات بلیس این واقعیت را باید پذیرفت که هیچ انگاره‌ای از پیشرفت در تاریخچه نظامهای رده‌بندی

۱ - همان مدرک ، ص ۱۴۷ و ۱۴۸ .

در کتابخانه‌ها مشاهده نمی‌شود، بویژه اگر در پی نظامی باشیم که در طی قرون متمادی به صورت دقیقتر و جامعتر تحول یافته باشد.^۱

چنین نظریه‌هایی در کتب و مقالات اروپاییان، بسیار به چشم می‌خورد که در این مختصر به اندکی از آن اکتفا شد. قبلاً نیز نظریه هنری اولین بلیس را نقل کرده بودیم که وی ضمن توجه به شباهت میان رده‌بندی دهدهی دیوئی و بیکن، از هر دوی آنها سلب صلاحیت کرده بود.^۲

در مجله پیام کتابخانه بررسی تطبیقی دو طرح (نظریات بیکن و طرح دیوئی) توسط «یانگ» نیز نقل شده است که جدایی بعضی موضوعات در طرح دیوئی را از همدیگر بخوبی نشان داده است.^۳

مارگارت مان در کتاب «اصول فهرستنویسی و طبقه‌بندی»، پس از آنکه محدودیتهای یک طرح طبقه‌بندی را بر می‌شمارد و هر طرحی را که زمانی از آن گذشته باشد، کهنه می‌نامد، می‌گوید:

۱ - همان مدرک، ص ۱۴۸.

۲ - مجله پیام کتابخانه، سال دوم، شماره دوم و سوم، ۱۳۷۱، ص ۹۸، مقاله آقای مهدی داودی.

۳ - همان.

«طرحی که بیست سال پیش از این بنا نهاده شده باشد برای طبقه‌بندی بسیاری از کتابهای امروز جایی نخواهد داشت».^۱
وی کلام خود دیوئی را چنین نقل می‌کند :

مطالعه عمیق هر موضوع ، آشکار می‌سازد که گروه بندی رضایتبخش ، تئوری و در ماهیت چیزها ، غیر ممکن است و یک طرح طبقه‌بندی در عمل فقط برای کسی می‌تواند رضایتبخش باشد که به دشواریهای ذاتی اذعان یابد و بداند که سیستمی دور از مشکلات پر درد سر کاملاً دست نیافتنی است .^۲

خود مارگارت مان در جای دیگری می‌نویسد :

گاه موضوعات آنچنان درهم تداخل پیدا می‌کنند که نمی‌توان دریافت که در کجا حیطه یکی از آنها به پایان می‌رسد و قلمرو دیگری آغاز می‌شود .^۳

وی پس از بحث طولانی در مورد طبقه‌بندی و تعریف و

۱ - اصول فهرست‌نویسی و طبقه‌بندی ، مارگارت مان ، ترجمه هوشنگ ابرامی

ص ۶۱ .

۲ - همان .

۳ - همان مدرک ، ص ۴۷ .

تشریح طرح دیوئی به توصیف سیستم طبقه‌بندی کاتر و کنگره می‌پردازد و در ابتدای کلام خود سیستم کاتر را چنین وصف می‌کند :

بسیاری از نقادان سیستم کاتر را عالمانه‌ترین شیوه گروه بندی کتب دانسته‌اند .^۱

سپس از خود کاتر چنین نقل می‌کند :

در گروه‌بندی گسترش پذیر از نظریه تکامل پیروی شده است . در تاریخ طبیعی ترتیب موضوعات به همان نظمی است که این نظریه وجود آنها را در خلقت معین می‌دارد . این علم از ذره آغاز می‌شود و به ماده و نیرو و زندگی می‌رسد ؛ آغاز رشته جانور شناسی تک سلولها و انجامش انسانشناسی است . . .^۲

اینک اگر لحظه‌ای در نظریه‌های مذکور تأمل شود ، ماهیت بسیاری از مسایل آشکار خواهد شد . این در شرایطی است که امثال کاتر ، دیوئی و کتابداران کتابخانه کنگره ، با بهره‌جوئی از

۱ - همان مدرک ، ص ۹۰ .

۲ - همان .

تمامی امکانات انسانی و غیر انسانی ، در سطح پیشرفته‌ای فعالیت کرده‌اند . چنانچه نویسنده مزبور به دنبال آن سیستم کنگره را تشریح می‌کند و مزایای مهم آنرا چنین بر می‌شمارد :

سیستم کنگره به دست کتابداران تراز اول و برای یکی از بزرگترین مجموعه‌های دنیا تهیه گردیده و از این رو می‌توان با اطمینان و اعتماد کامل آن را بکار برد .^۱

همان طور که پیشتر گفته بود :

در تهیه این سیستم تنها کتابخانه کنگره مورد نظر بوده و هنگام تدوین آن انتظار نمی‌رفته است که کتابخانه‌های دیگر آن را برگزینند . ولی بعداً بسیاری از کتابخانه‌های بزرگ این سیستم را انتخاب کردند . . .^۲

سپس اضافه می‌کند :

بطور خلاصه دو خاصیت مهم یک سیستم طبقه‌بندی ایده‌آل ، یعنی صرفه جویی و خصوصیت حافظه‌ای ، در این سیستم (طرح کنگره) وجود ندارد .^۳

۱ - همان مدرک ، ص ۱۰۹ .

۲ - همان مدرک ، ص ۹۳ .

۳ - همان مدرک ، ص ۱۰۳ .

وی در ادامه سخن بحثی تحت عنوان «محاسن و معایب سیستم کنگره» آورده است. لکن در شمارش محاسن آن مطالبی را عنوان کرده است که به خود سیستم ارتباط مستقیمی ندارد. از جمله در مزیت اول آن سیستم می‌گوید:

نشانه‌ها روی برگه‌های کتابخانه کنگره چاپ می‌شوند.^۱

این امتیاز، توجیهی برای حسن نظام "L. C." نمی‌تواند باشد. چنانچه ذکر بعضی از معایب، نوعی مدح ظرافتمندانه می‌تواند باشد. مانند مورد چهارم از موارد معایب که چنین می‌گوید: «طرح بسیار عظیم است».^۲

به هر حال با مشاهده تناقض گویهای مذکور سؤال این است که آیا ملاک یا ملاکهایی برای انتخاب بهترین نظام رده‌بندی وجود دارد یا نه؟

همان گونه که ملاحظه می‌شود همه آنان بالاتفاق ملاکهایی را در کتب خود برشمرده‌اند و حتی از تعجیل در انتخاب و تغییر

۱ - همان مدرک، ص ۱۰۹.

۲ - همان.

شیوه رده بندی در کتابخانه ها ممانعت کرده به دقت و وسواس توصیه و تأکید می نمایند ، اما عملا طرحهایی را پذیرفته اند که ملاکهای بیان شده توسط خود آنها در آن طرحهای انتخاب شده مثل طرح دیوئی وجود ندارد و اذعان دارند که ناچار بودند برای رفع سریع مشکلات خود ، نظامی را بپذیرند و کار تنظیم کتابها را آغاز کنند .

با توجه به نظریه طراحان سیستمهای مزبور که طرحهای خود را بر اساس نیازهای فوری ، به صورت کاربردی و عملی ، نه به عنوان طرحی منطقی و علمی ، پایه ریزی کرده اند ، و در آن موقع بجز از مشکلات کتابخانه و یا کشور خودشان چیز دیگری را مد نظر نداشتند ، آیا کشورهای دیگر خصوصا کشورهای اسلامی با توجه به مشکلات بی شماری که در تمسک به این نظامها به وجود می آید ، ملزم به پذیرش آنها هستند ؟

خصوصا با وجود طرحهای علمیتز و منطقیتر از طرح دیوئی و کنگره ، آیا می توان صرفا به دلیل اینکه اغلب کتابخانه های دانشگاهی ما این دو نظام را پذیرفته اند ، بدون مطالعه در برابر آنها تسلیم شد ؟

اصلا آیا در خصوص رده بندی ملی مسئولیتی متوجه کتابداران

هست یا نه ؟

اگر جواب منفی باشد، سؤال این است که آیا وظیفه کتابداران فقط به کار بردن طرحهای موجود است و هر چه از سوی غربیها دیکته شده باید پذیرفت و نباید به فکر طراحی نظامی دیگر افتاد؟ یا وظیفه شغلی چنین اقتضائی دارد؟ چگونه است که مردی چون رانگاناتان از کشوری مانند هند که دوست سال مستعمره بریتانیا بود، در برابر طرحهای دیوئی، کنگره و... تسلیم نشد و طرحی کاملتر و علمیتر ارائه داد؟

اینجاست که به پای درد دل کتابداران کشورهای اسلامی و عربی نیز باید نشست و به سخنان آنان نیز باید گوش داد. اما قبل از پایان بردن این بحث (آراء اروپاییان) باید اشاره‌ای به نظریه کتابداران غربی نسبت به طرح رده‌بندی رانگاناتان نیز داشته باشیم. خوب است بدانیم که آنها در توجیه کنار گذاشتن این طرح شرقی چه دلیلی ارائه می‌دهند. و با اینکه به قول پالمر «اثر او به پژوهشهای رده‌بندی حیاتی دوباره بخشیده است»^۱ و یا به قول باتی «نظریات او زیر بنای بسیاری از نظریات رده‌بندی و نمایه‌سازی نوین بوده است»^۲، چرا «هیچ کاربرد عملی در بریتانیا

۱ - تاریخ اصول کتابداری، جیمز تامپسون، ترجمه محمود حقیقی،

ص ۱۵۰.

۲ - همان مدرک.

نداشته است»^۱؟ و باز چه چیزی موجب شده است که «اثر
رائگانانان نتوانسته است جایگزین طرحهای شمارشی متداول و
مورد استفاده در کتابخانه‌ها گردد.»^۲

جواب این سؤال را جیمز تامپسون چنین می‌دهد :

دلیلی بسیار محکمتر از آنچه را از سوی سه یوز در
مخالفت با انطباق رده بندی کتابخانه‌ها با یک رده‌بندی
علمی بیان شد می‌توان در آن دسته از شواهد تاریخی
یافت که در همین بررسی کوتاه تاریخچه طرحهای
مختلف ارائه شده است . طرحهایی که بر اساس نظمی
فلسفی تدوین شده‌اند موفقیت کمتری داشته‌اند ، ولی
طرحهایی که از این اصل پیروی کرده‌اند که سهولت عمل
باید ترتیب موضوعات را تعیین کند - نظیر رده‌بندی
برونه ، رده‌بندی دهدهی دیوئی و رده‌بندی کتابخانه کنگره
- پذیرش و کاربرد وسیعی یافته و مدت زمان طولانی
مورد استفاده قرار گرفته‌اند .^۳

ولی به وضوح می‌بینیم که جواب او نه تنها دلیلی محکم

۱ - همان .

۲ - همان .

۳ - همان مدرک ، ص ۱۴۶ و ۱۴۷ .

ندارد و صرفاً به یک واقعه اتفاق افتاده چنگ زده است (که آن هم عوامل زیادی غیر از سهولت عمل دارد) بلکه منطقی هم نیست. چون خود وی بارها تأکید می‌کند که کتابها در کتابخانه‌ها باید بر اساس موضوع تنظیم شود و اگر این نظم نتواند علمی باشد چه مفهومی باید داشته باشد؟

با وجود اینکه در جای خود، این بحث بیشتر شکافته خواهد شد و فرق بین نظام رده‌بندی علمی با نظام رده‌بندی عملی یا کاربردی تبیین خواهد شد، نباید فرصت را از دست داد و ادله‌ای را که سه‌یرز می‌شمارد و جیمز تامپسون دلیل خود را محکمتر از آنها می‌داند، نقل نکرد.

سه‌یرز چنین نتیجه می‌گیرد که استدلال انطباق طرح رده‌بندی کتابخانه‌ها با یک طرح رده‌بندی علمی این است. که یک رده‌بندی علمی همه علوم را دربر می‌گیرد، و کاربرد آن در کتابخانه‌ها موجب تنظیم کتابها به همان ترتیبی خواهد بود که دانشمندان خود تعیین کرده است (گرچه یکی از مشکلات چنین نظمی این خواهد بود که هر تغییری در رده‌بندی یک علم، باید همراه با تغییر مشابهی در رده‌بندی کتابها باشد، و این کار آسانی نخواهد بود)؛ او دلایل مخالفت با انطباق رده‌بندی کتابخانه‌ها با یک رده‌بندی علمی را نیز چنین خلاصه می‌کند: اولاً، کتابها

را نمی‌توان به تقلید از ترتیب موضوعها منظم کرد ،
 ثانیاً ، یک کتاب سادگی یک موضوع مجرد را ندارد ،
 ثالثاً رده‌بندی علمی ممکن است بسیار مفصل و مشروح
 باشد و نیز می‌تواند زمینه‌هایی را در بر گیرد که در آنها
 هیچ اثری موجود نیست ، و رابعاً ، هدف یک فیلسوف
 (کشف روابط اشیا «نگارنده») با هدف یک کتابدار (تنظیم
 کتابها بر اساس نظمی که به آسانی مورد استفاده مراجعان
 قرار گیرد «نگارنده») متفاوت است .^۱

در حالی که جیمز تامپسون قبلاً وقتی نظریه سه‌یرز را در توجیه
 طرح رده‌بندی دهمی دیوئی نقل کرده بود ، نه تنها با رأی وی
 موافقت نکرده و مؤید وی قرار نگرفته بود ، بلکه این موارد را
 نقایص عملی نظام دیوئی خوانده بود . سخن وی در صفحه ۱۴۱
 همان کتاب چنین است .

آنچه مایه شگفتی است (و این نکته مهم از نظر سه
 یرز به دور مانده است) این است که این نقایص ، که از
 لحاظ عملی در نظام دیوئی مشهور است ، ناشی از
 آن بوده که او در مبنای فلسفی رده‌بندی خود قائل
 به جرح و تعدیل چندانی نبوده است .

بدین ترتیب معلوم می‌شود که کتابداران غربی دو دسته شده‌اند: دسته اول معتقد هستند که باید برای تنظیم کتابخانه‌ها از یک طرح نظام رده‌بندی علمی، فلسفی و منطقی استفاده کرد که در رأس آنها «بلیس» را می‌توان نام برد. دسته دوم بر این باورند که سیستم علمی نه تنها مشکل کتابخانه‌ها را حل نمی‌کند، بلکه مشکلاتی را نیز می‌افزاید. بدین سان آنها استفاده از طرحی ساده و عملی را پیشنهاد می‌دهند که کتابداران به سهولت بتوانند کتابهای کتابخانه‌ها را تنظیم کنند.

طرفداران عقیده دوم در اکثریت می‌باشند و اغلب آنان از کتابداران کشورهای غربی هستند که تحت تأثیر تعالیم آنها، کتابداران سایر کشورها هم نظامهای پیشنهادی این دسته را پذیرفته و به کار گرفته‌اند. برای نمونه ادوارد ادواردز و جیمز تامپسون از نظریه دسته دوم حمایت می‌کنند.

نمونه طرح نظام رده‌بندی علمی در مشرق زمین همانا طرح گولون می‌باشد که توسط پدر بنیانگذار علم اطلاع‌رسانی، بر پایه‌های علمی و منطقی استوار شده است. در مغرب زمین نیز طرح بلیس است که تا حدودی بر پایه علمی، پس از طرح رائگاناتان ارائه شده است. اما نمونه طرح نظامهای رده‌بندی عملی و کاربردی که به تحقیق فاقد استانداردهای جهانی است، در درجه اول طرح دیوئی و ددهمی جهانی بوده و در درجه دوم طرح

کنگره می باشد .

آنچه شایان توجه است اینکه وقتی گفته می شود فلان نظام رده بندی علمی و یا کاربردی است ، منظور علمی بودن و یا عملی بودن نسبت به سایر نظامها می باشد . چون نظام کاملا علمی و یا کاملا کاربردی که تمام مشکلات را حل کرده باشد و یا بخش اعظم مسائل پیچیده را ساده کرده باشد ، تا کنون وجود نداشته است . اما این سخن انکار امکان ارائه چنین طرحی هم نخواهد بود .

نظریه ما بر خلاف رأی دیوئی است . رأیی که پیشتر آن را از کتاب مارگارت مان نقل کردیم . نظریه وی بی شبهات به نوعی اظهار یأس نیست . چون وی دستیابی به طرح ایده آل را غیر ممکن می پندارد . بنابراین واضح است که با چنین اعتقادی، اصلا به فکر ارائه طرح ایده آل نبوده است .

تا اینجا می توان نتیجه گرفت که چهار عامل مهم موجب گسترش و مقبولیت طرحهایی مانند طرح دهمی و کنگره شده است .

الف - نیاز مبرم :

همان طور که پیشتر اشاره شد ، رشد و توسعه کتابخانه در

اروپا پس از رنسانس و همزمان شدن اختراع چاپ و کاغذ با برخی دیگر از اکتشافات و اختراعات که به مرور انقلاب صنعتی و به دنبال آن تحول شهرها را بوجود آورد ، اداره کننده‌گان کتابخانه‌ها را با دو مشکل حاد روبرو کرد .

۱ - فشار روز افزون جامعه برای دریافت کتاب و امکان پژوهشهای بیشتر و عمیقتر .

۲ - ورود بیش از حد کتاب به کتابخانه‌ها که امکان فهرست‌نویسی و بازیابی سریع را از دست‌اندرکاران امور فنی می‌گرفت .

همان طور که اگر یک شهر کوچک در زمان کوتاهی بدون امکانات رفاهی و عمومی و تأسیسات لازم بزرگ شود و جمعیت آن رو به فزونی رود ، درصد کنترل آن کم می‌شود و به همان میزان در اختلال نظام ، ضایعات اجتماعی و تخلفات شهروندان تأثیر می‌گذارد ؛ در کتابخانه‌های با امکانات محدود نیز ورود سیل آسای کتاب و فقدان نیروهای کارآمد ، چنین وضعی را پیش می‌آورد .

با این وصف توقع جامعه و مراجعان نیز بالاتر رفته و انتظار سرویس بهتر و بیشتر از سوی کتابداران بیش از پیش می‌شود .
به همین دلیل کتابداران کتابخانه‌های قرن نوزدهم و بیستم به دنبال شیوه‌ای بودند که هرچه زودتر آنان را از این مخمصه

نجات دهد .

این وضع در کتابخانه‌های آمریکا ، که گذشته‌ای نداشتند ، حادث‌تر و پیچیده‌تر بود . در چنین اوضاع و احوالی ، دیوئی طرح خود را مبنی بر تنظیم ساده کتابها بر اساس موضوعات کلی ارائه داد و نشانه‌های ساده عددی را برای خواندن موضوعات در رده‌های مختلف اتخاذ کرد .

اکنون می‌توان تصور کرد که زمینه برای پذیرش چنین طرحی چقدر آماده بوده است . البته لازم به یادآوری است که طرح مزبور از همان آغاز به شکل امروزی آن نبود ، بلکه سالها طول کشید تا دهها متخصص در زمان حیات خود دیوئی و پس از وی توانستند در رشد آن مؤثر واقع شوند . بنابراین طرحهای غیراستاندارد غربی از شدت نیاز کتابخانه‌ها بهره جستند و به درون آنها راه یافتند .

پس از پذیرش نیز دو عامل ثانوی دیگر مانع دوری کتابخانه‌ها از آن طرحها گردید :

اول : عادت کردن و انس گرفتن . دوم : تکرار هزینه‌ها و خستگی ذهنی .

نیازی نیست که این دو عامل بیش از این شکافته شود و در واقع دست اندرکاران این امر منظور نگارنده را بخوبی درک می‌کنند .

اما پذیرش سایر کشورها ، امثال بریتانیا ، علاوه بر این عوامل مذکور ، تحت تأثیر عوامل دیگر نیز بوده که عن قریب برخی از آنها توضیح داده می‌شود .

ب - مذهب (تعصب کلیسا) :

امروز این موضوع بصورت بارزی بر همه ثابت شده است که یهودیان در لباس صهیونیسم امروزی و مسیحیان در چهره امپریالیسم غربی ، در گذشته دو دشمن خونین بودند . اما از زمانی که دین حنیف اسلام از بطن جامعه‌ای که در نظر متمدنین اصطلاحی ، وحشی و بی‌فرهنگ بودند ، شعاع انوار خیره کننده‌ای به سرتاسر جهان فرستاد و انسان خداجوی فطری را به سوی خود جذب کرد ، سردمداران آن دو قوم منافع خود را در خطر دیده به فکر چاره افتادند . همچنان که سرتاسر تاریخ گویای این حقیقت است که دشمنان زخم خورده ، اتحاد نامقدسی را علیه اسلام و مسلمین به وجود آوردند و در اندیشه نابودی اسلام ، هزاران طرح و نقشه ساخته و بساط انواع دام و تله را با استفاده از هزاران ابزار و امکانات مادی و معنوی چیدند .

با اینکه بارها به دلیل باطل بودنشان نابود شده‌اند ، ولی از طرفی دیگر به شکلی جدیدتر و با سخنانی تازه‌تر ظاهر شده‌اند .

این قضیه هیچ نیازی به بسط و وصف ندارد . همین قدر باید بدانیم که دشمنان اسلام طی جنگهای صلیبی به دو اصل مهم پی بردند و با استفاده از آنها توانستند سروری و آقایی دنیوی خود را حفظ کنند و در سایه آن به رفاه و لذت فراوان ظاهری دست یابند .

آن دو اصلی که رمز موفقیت آنان بود عبارت است از اینکه :

۱ - جهل و نادانی برابر است با فقر و نابودی

۲ - علم و دانایی برابر است با قدرت و آسودگی

بسیار روشن است که آنان علم و دانش را برای خود ، و جهل و نادانی را برای دیگران خواستند و برای پیاده کردن دقیق این دو اصل ، قرن‌ها کوشیدند تا به نتایجی ملموس دست یافتند .

در اینکه کتاب ، علم و دانش مکتوب و مضبوط است و یا کتابخانه منبع و مرکز علوم و دانشهاست ، تردیدی نیست و بی‌گمان ابزار دسترسی به دانش نیز همان رده‌بندی و فهرست‌نویسی می‌باشد . باز ناگفته پیداست که استاد حیل همچنان که ورزش ، هنر ، صنعت و حتی زیباییهای کلمات و شعارها را در راه سودآوری بیشتر به استخدام خود در می‌آورد ، از وسیله‌ای خوب و مطمئن چون کتابخانه به هیچ وجه نمی‌گذرد .

در سرتاسر این کتاب ، خصوصا در همین فصل خواندید که کتابخانه‌ها به اقرار و اذعان کتابداران غربی ، در جوامع با ثبات به وجود آمده و رشد می‌کنند . ایضا همانان گفتند که ثبات شهرها و جوامع ، در قرون وسطایی به وسیلهٔ کلیسا تأمین می‌شد و کتابخانه از تشکیلات سازمانی کلیسا محسوب می‌گردید . نکتهٔ مهم دیگری که از سوی همین کتابداران تصریح شده بود مسئله نفوذ افکار و فلسفهٔ تعصب آمیز کلیسا در ادارهٔ کتابخانه‌ها و حتی طرحهای رده‌بندی علوم بود . این سخن به طوری آشکار بود که جیمز تامپسون به جایگزین شدن قدرت دولت مکان قدرت کلیسا اشاره کرد و بیان داشت که فقط چهره عوض شده است و فی الواقع در ساختار تشکیلاتی کتابخانه‌ها تغییری به وجود نیامده است .

با این وصف پی می‌بریم که عامل مذهب ، آن هم به صورت عقایدی منجمد و تعصب آمیز از سوی کلیسا ، چگونه در جهانی شدن سیستمهای مزبور ، نقش حیاتی ایفا کرده است .

ج - قدرت حاکم (دولت و سیاست) :

نمی‌توان انکار کرد که هر قدرت حاکمی ، برای باوراندن

جامعه‌ای که سرنوشت آن جامعه را به هر نحوی که باشد ، بدست گرفته است ، از کلیه امکانات و ابزارهای ممکن ، بهره می‌جوید و با تلقین صولت خویش پایه‌های حکومت را استحکام می‌بخشد . اما فرق اساسی و روشنی میان حاکمیت حق و حاکمیت کفر و الحاد وجود دارد . و آن اینکه حکام عادل فقط از ابزارها و امکانات مجاز در راه اعلاء کلمة‌الله استفاده می‌کنند و قدرت را به عنوان امانتی گران برای امکان خدمت به خلق می‌دانند ، ولی حکام جور از افزارها و امکانات مجاز و غیر مجاز به منظور سود آوری بیشتر و آسانتر بهره‌مندی شوند . آنان قدرت را نه برای خدمت کردن به هموعان بلکه برای به خدمت در آوردن هموعان ، به چنگ می‌آورند .

تازه از باب «رب کلمة حق یراد بها الباطل» ابزارهای مجاز ، بیشتر و بهتر می‌تواند آنان را در رسیدن به مقصودشان یاری دهد . از این رو کتاب و کتابخانه ، علم و دانش ، مهارت و هنر را همانند سایر تجهیزات مادی و معنوی یا مرئی و نامرئی در اختیار گرفته و بدانها اسب آرزو را از صحرای خیال و رؤیا به مرغزار واقعیتها راندند .

در این خصوص نیز شواهد زیادی از کتابداران غربی نقل کردیم که هیچ نیاز به تکرار آنها نیست و هر عاقلی می‌تواند در رد یا

قبول این نظریه ، منابع بیشماری را مورد تحقیق و کندوکاو قرار دهد . و اگر نتیجه‌ای غیر از این به دست آورد ، ما را نیز خبر کند .

اما جواب این تناقض که چگونه می‌تواند کتابخانه و یا نظام رده‌بندی علوم مورد سؤاستفاده قدرتهای حاکم قرار گیرد ، در حالی که اگر حاصل ایجاد انحراف در کتابخانه و نظم دانش ، منفی باشد ، اول دامن خود آنها را فرا خواهد گرفت و بعد سایر کشورها را شامل خواهد شد و اگر اعمال نفوذهایشان مثبت و مفید باشد ، تمامی کشورهایی که نظام مشترک را به کار می‌گیرند ، از آن فایده خواهند برد ؟

این اشکال ، هم جواب نقضی دارد و هم جواب حلی . جواب نقضی اینکه مگر عقیده به آزادی جنسی و اباحیگری و لاقیدی ، ایجاد انحراف در ساختار اعتقادی فرد ، خانواده و جامعه نیست و اعمال آن در هر جامعه‌ای آن جامعه را به انحطاط و نابودی نمی‌کشاند؟

با اینکه عوارض منفی ناشی از اجرای چنین سیاستی از سوی قدرتهای استعماری ، علاوه بر جوامع محکوم و مستعمرات (چون گاو شیرده) آنان ، دامن خودشان را نیز گرفت ، مع هذا قصد تجدید نظر ندارند و همچنان در استمرار به شیوه ناپسند خود مصر هستند .

آیا حقوق و قوانین ، آداب و رسوم ، عقیده و مذهب ، فرهنگ و هنر ، تجهیزات و مهارتها ، صنایع و معادن به عنوان اهرمهای محکم و افزارهای مؤثر و حتی گاهی به عنوان سوپاپ اطمینان (مثل انقلابهای ساختگی) برای صاحبان زر و زور ، در به زنجیر کشاندن ملتها ، مورد سؤاستفاده قرار نمی گیرد؟ جواب شما به این سؤال و نقض وارد چیست؟

اما جواب حلی اینکه : اولاً فرقی میان محکومیت ملت خودشان با سایر ملل نمی توان دید . آنها همچنانکه مردم کشورهای مختلف را برای سود دهی بیشتر به کار بیشتر و مزد کمتر وادار می کنند ، ملت محکوم خودشان را نیز مجبور به اطاعت و قبول سیاست خود می کنند . ثانیاً ما گفتیم قدرتهای حاکم ، و فرق است میان قدرتهای حاکم و ملت های حاکم .

امروز همه به سادگی می دانند که قدرت در دست جمعی محدود است و آنها به صورت شرکتهای تجاری ، سازمانهای بین المللی ، مراکز فرهنگی ، پایگاههای اطلاعاتی ، ایستگاههای خدماتی و . . . ظاهر می شوند و یکی دیگر از آن چهرههایی که همیشه بدان ظاهر می شده اند حکومت است . اصلاً حکومت ابزاری است برای تأمین خواسته های آنان ، همان طور که شورای امنیت ، سازمانهای بین المللی ، بانک جهانی و . . . ابزار و ادوات زورگوئی

آنان محسوب می‌شود .

ثالثا به همان شکل که چاقو را می‌توان برای اهداف انسانی یا شیطانی «بالامکان» مورد استفاده قرار داد ، موارد و مثالهای مذکور نیز دو وجهی است . وقتی ماشین بخار اختراع شد ، وقتی باروت اختراع شد ، وقتی چاپ اختراع شد ، وقتی ... صاحبان زر و زور ، به سرعت بر آنها تسلط یافتند و چون شمشیر دسته‌اش را در دست گرفته و تیغه تیزش را به دست دیگران دادند .

مثلا اتومبیل یک وسیله نقلیه رفاهی خوبی است ، اما برای خودشان ، و اگر دیگران نیز الزاما از آن استفاده می‌کنند (چون باید در بازار دیگران به فروش برسد تا سودش را دریافت کنند) نباید از عوارضی چون آلودگی هوا ، ترافیک شهرها ، مصرف مواد سوختی و ... مصون باشند . اگر تلویزیون ، سینما ، کامپیوتر و ... به عنوان بهترین وسایل ارتباطی ، آموزشی و ... ساخته شده‌اند و باید در بازارهای جهانی به فروش برسند و همچنان مواد اولیه از منابع همان بازارها به کارخانجات تولید کننده ارسال شود ، باید عوارضی چون فحشاء و فساد را به دنبال داشته باشد تا آنان در معادلاتشان نتیجه بگیرند و به حیات حیوانی خود ادامه بدهند . در خصوص مسئله مورد بحث نیز چنین است .

طرح‌ها و نظام‌های پیشنهادیشان (بدون تعارف) در رده‌بندی علوم مثل نظام‌های اقتصادی، سیاسی و آموزشی‌شان مفید حال خودشان است و برای تأمین خواسته‌های خود آنها طراحی شده است، نه برای خواسته‌های دیگران.

تصور نکنید که مخالف استفاده از علم و دانش، مهارت‌ها و تجارب دیگران هستیم و بر اساس اعتقادی سرد و خشک از آنان گریزانیم. نه، بلکه بر عکس، مصمم هستیم از اندوخته علمی و فنی هر کسی که در دسترس داریم استفاده کنیم. به همان مقدار که تقلید کورکورانه ناپسند است، به همان میزان مخالفت از روی تعصب و میل شخصی نیز (که با جهالت برابر است) زشت و ناپسند می‌باشد. و دستور صریح دین مقدس اسلام است: *الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ حَيْثُ وَجَدَهَا آخَذَهَا.*

بنابراین، دلیل منطقی بر اجتناب از طرح‌های یادشده، ضعف‌های علمی و فنی آنها، مضافاً بر اهداف سیاسی مذکور می‌تواند باشد.



نظریه کتابداران کشورهای اسلامی و عربی

عمر البارودی عقیده دارد که وقتی قبل از یک سده کتابدار جوان آمریکائی طرح خود را ارائه داد ، کسی احتمال جهانی شدن آن را در فکر نمی‌پروراند . این طور نبود که دیوئی با ایمان شدید به ابجد آسان (شمارش دهمی) در دانشگاه مهم و برجسته‌ای چون هاروارد یا در کتابخانه پایه‌دار و قدیمی چون کتابخانه مشهور بوستون کار کرده باشد ، بلکه وی در دانشکده امهرست که یک دانشکده معمولی و تا اندازه‌ای غیر معروف است ، مشغول بود .

این طور هم نبود که طرح دیوئی که متضمن هزار رده در کل می‌شد ، انقلاب و تحولی در تاریخ تطور رده‌بندی به وجود آورد . در واقع طرح وی در مقایسه با خیلی از طرحهای اروپائی و آمریکائی از تطور کمتری برخوردار بود . در حالی که در همان دوره طرحی مانند طرح شلیرماشر که در سال ۱۸۴۷ منتشر شد ، متضمن دوازده هزار و پانصد تقسیم بود .

ناگفته نماند که طرح دیوئی برای اولین بار در قرن نوزدهم به عنوان یکی از طرحهای رده‌بندی الهام گرفته از طرح «کتابخانه‌های پاریس» قدیم که به سده ۱۷ میلادی بر می‌گردد، ظاهر شد. در حالی که طرح برونت معتبرترین طرحی بود که نه فقط در کشورهای اروپایی، بلکه در آمریکا نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت و طرح دهمی دیوئی که به صورت آشکاری بر طرحهای دو همکار خود، یعنی هموطن آمریکائی «ویلیام توری هارس» و طراح ایتالیائی «باتیزاتی» که خود مدیون طرح برونت است، تکیه کرده بود، شهرتی در آن زمان نداشت.

وی اظهار می‌دارد، به نظر بعضی از تاریخدانان طرح دیوئی در استفاده از رمزهای دهگانه از اصالت و ابتکار برخوردار نیست و در واقع این به خاطر این است که دانشمند و طبیعیدان مشهور، «امبیر»، (آمبر) قبل از وی این ایده را جهت استفاده از رمزهای دهگانه برای رده‌بندی علوم که با احتساب هر شماره به عنوان علامت و نشانه‌ای برای ترتیب دادن دانشهاست به کار برده بود. و این مدت زمانی طولانی قبل از دیوئی بود. بالاتر اینکه طرح امبیر به عنوان طرحی ممتاز شناخته شده بود و حتی کتابخانه ملی پاریس سعی داشت این طرح را جایگزین طرح قدیمی و سنتی خود کند که به مدت دو بیست سال از آن استفاده کرده بود.

با این حال در خلال گذشت دو دوره از زمان، رده‌بندی دیوئی

بعنوان یک طرح ایده‌آل برای کتابخانه‌های عمومی ، نه فقط در آمریکا ، بلکه در کل بلاد ، منتشر شد . در واقع تحولی بس شگرف پیش آمد که در وهله اول تفسیر آن بسیار دشوار بود .

البارودی اضافه می‌کند ، وقتی رده‌بندی دیوئی در سطح وسیعی منتشر و شناخته شد ، بر عموم ظاهر شد که طرحی علمی نبوده است ، بلکه مایحتاج علمی آمریکائیان را که در آن زمان نیاز شدید به انتشار علوم از طریق گسترش کتابخانه‌ها به عنوان وسیله‌ای جهت با فرهنگ ساختن ملت خود و رسیدن به وحدت ملی داشتند ، تأمین و برآورده می‌کرد . تصادفی نبود اعلام طرح رده‌بندی دیوئی در سال ۱۸۷۶ ، که همزمان بود با تشکیل اتحادیه کتابخانه‌های آمریکا و کتابخانه ژورنال و باز مصادف بود با سالی که بحثی در باره کتابخانه‌ها در دولت آمریکا مطرح بود . تمامی این عوامل دست به دست داده و همدیگر را کامل کردند تا طرح دیوئی را مقبول ساختند .

بالاخر از همه اینها وی طرح خود را به صورت بسیار ساده ، برای کتابخانه‌هایی ارائه داد که کتب آنها روز بروز در حال افزایش بود و کتابداران با مشکلات گسترده تنظیم و شماره گذاری دست به گریبان بودند .

بنابر این با وجود انتقادات شدید امثال بیرکنز و بسیاری دیگر ، این طرح انتشار یافت و علی رغم اینکه این اشکالات از

جهت تئوری درست و وارد بود ، مورد استفاده همگان قرار گرفت .

البارودی صحت این اشکالات بر طرح دیوئی را چنین تحلیل و بیان می کند : نقادی شدید کتابداران ، بر طرح دیوئی تاخت و معایب بی شمار آن را آشکار کرد ، که از آن جمله است بسیار ملی و نژادگرایی بودن طرح . این ادعا در انتخاب و ترتیب موضوعات ، آشکارا تبلور دارد . همچنین استبدادی که در تقسیم موضوعات به کار برده است بسیار کوتاه بینانه می باشد . از همه مهمتر تعصبی است که در رده بندی کردن ادیان و علوم اجتماعی و زبانها به خرج داده است . باز به همین شکل است عدم توافق طرح با برنامه ای صحیح در ترتیب و انتخاب موضوعات معارف و شناخته های علمی .

از حقایق تاریخی که نمی توان انکار کرد اینکه علی رغم برتری واضح طرحهای رقیب در نقطه نظریاتی که بدان اشاره شد ، مثل طرح براون در انگلستان و طرح بلیس در آمریکا ، طرح رده بندی دیوئی به عنوان طرحی بی رقیب در سطح کتابخانه ها مطرح شد و نه تنها در کشور آمریکا ، بلکه در کشورهای انگلیسی زبان نفوذ کرد .

عمر البارودی در خصوص چاپهای متعدد طرح دیوئی در ظرف یک سده ، با وجود اینکه بیست سال پیش طرحی مرده شناخته

شده بود و حتی مقاله‌ای نیز در رثای آن تحت عنوان «مرثیه‌ای بر یک طرح مرده» منتشر شده بود ، عقیده دارد که شاید این موضوع به نوعی به خود دیوئی بر می گردد .

چون دیوئی همان طور که توانست به عنوان «بیزنس مان» همگام با کلوپ لیک بلاسید ، به خاطر ذوق خاص خودش ، ظاهر شود ، همچنین توانست اسباب و توشه ادامه حیات طرح خود را قبل از مرگش فراهم آورد . به این معنا که وی یک سال پیش از فوت خود موفق شد کتابخانه کنگره را برای استفاده از شماره‌های طرح رده‌بندی خودش و ادار کند تا شماره‌های موضوعی طرح دیوئی را در سر برگه‌های چاپی موضوعات به کار ببرند .

با وجود اینکه دست اندرکاران کنگره تصور نمی‌کردند که زیر بار طرح رده‌بندی دیوئی بروند ، یک مرتبه متوجه شدند که شماره‌های دیوئی در تمامی سر برگهای آنان وارد شده است .

بیست سال پس از وفات دیوئی اتفاق مهم دیگری موجب تجدید حیات رده‌بندی دیوئی شد و آن استفاده بلیوجرافی (کتابشناسی) ملی بریتانیا از شماره‌گذاری طرح دیوئی بود . و این بدین معنا بود که اغلب قریب به اتفاق کتابهای منتشره به زبان انگلیسی ، حامل کد رده‌بندی دیوئی بودند . بی گمان این مسئله امتیاز بزرگی بود که کتابخانه‌ها از این شماره‌های آماده برای تنظیم کتب خود می‌توانستند استفاده کنند .

عمر البارودی با ظرافت خاصی عوامل انتشار جهانی طرح دیوئی و یا مسئله جهانی شدن طرح دهمی دیوئی را بررسی و روشن کرده است. وی معتقد است که بی شک دیوئی نمی‌توانست به این سادگی نظر کاتولیکهای جهان را به طرح خود جلب کند؛ خصوصا اروپاییان را، مگر اینکه حمایت مریدانی چون پل اوتلیت و هنری لافوتن بلژیکی را به خود معطوف دارد.

تصادفی نیست ماندن برخی از واژه‌ها در اذهان به طوریکه تا نیم قرن، بلژیک به عنوان میانجی به ظاهر رقیب، برای لیک بلاسید (کلوپ دیوئی) نقش بازی کرد تا اینکه به نوعی جدایی میان آن دو کشیده شد.

البارودی می‌گوید من مناسب نمی‌بینم که در اینجا راجع به تاریخ رده‌بندی دهمی جهانی و ارتباط آن با رده‌بندی دیوئی صحبتی کنم. طالبان و علاقه‌مندان می‌توانند به اثر جدید و بوید دبوارد (۱۹۷۵) مراجعه کنند که مباحث اصلی و مهم را مطرح کرده است.

وی به این بحث ادامه می‌دهد و به تصحیحات و تغییراتی که آن دو تن بلژیکی با اجازه دیوئی در طرح وی انجام دادند، اشاره می‌کند. حتی تصریح می‌کند که روزگاری انستیتوی آمریکا استفاده از روش دهمی جهانی را به دلیل اشکالاتی که داشت رد کرد. همچنین از اتحادیه پادشاهی نام می‌برد که رأی به عدم

استفاده از این نظام داده بود و این اتحادیه ترجیح می‌داد که رده‌بندی خاصی برای کتابشناسی جهانی طراحی یا انتخاب شود .

امثال البارودی و کسانی که در کتابش از آنها یاد می‌کند با اذعان به اشکالات و معایب طرح دیوئی پیشنهاد می‌کنند که تا زمانی که طرحی بهتر در سطح جهانی یافت نشده ، بناچار باید از این طرح استفاده کرد .

به نظر وی هیچ نظام رده‌بندی دارای «ارزش مطلق» در هیچ زمینه‌ای نیست . از طرفی اگر نظامی برای مقاصد خاص یک کشور یا ملیت و یا مذهب طراحی شده باشد (مثل رده‌بندی دیوئی) در موقع اقتباس برای سایر کشورها و مذاهبها که دارای ارزشهای متفاوتی هستند و معیارها و ملاکهای بسیار فاحشی با آنچه برای آمریکائیان در یک سده پیش مطرح بود ، دارند ، موجب افزایش مشکلات پیچیده‌تری می‌شود .

برای مثال در کشورهای اسلامی ، ادبیات عرب با اندک تعدیلاتی جایگزین ادبیات آمریکا می‌شود . البته با کمی اختلاف از کشوری به کشور دیگر و از کتابخانه‌ای تا کتابخانه دیگر .

به همین جهت امثال استاد کامل عسلی در مجله المکتبة العالمية جلد ۶ ، ۱۹۷۴ ، ص ۱۸۱ پیشنهاد می‌کند که زمان آن رسیده است که نظامی جدید مبتنی بر نیازها و ارزشهای فرهنگی عربها .

تدوین شود.^۱

محمد امین البنهاوی از دوست دیوئی، آرثر الموریوستیک نقل می‌کند که دیوئی در همان جوانی از کتابخانه و کار در آن دست شست، بعد از آنکه سهم خود را در این زمینه ادا کرده بود و به سمت گلوب خود (لیک بلاسید) رفت که در ابتدا به عنوان پایگاهی لب دریاچه به وجود آورده بود. سپس آنجا را به دانشکده‌ای که مساحت آن به چندین مایل می‌رسید تبدیل کرد و ثروتی که به میلیونها دلار تخمین زده می‌شد از این راه اندوخت و...^۲

طلعت هم‌ام می‌نویسد :

از مهمترین اشکالات رده‌بندی دیوئی این است که در هیچ مرحله‌ای از تقسیمات وی نمی‌توان چیزی را بدان افزود این موجب اختلال در امر تنظیم کتابخانه می‌شود. چون کتابدار نمی‌تواند به موضوعات اضافه کند و مجبور است کتاب را به هر موضوعی که تشخیص می‌دهد نزدیک است در ضمن کتب

-
- ۱ - دراسات مختارة فی المكتبات و التوثيق و الاعلام ، اعداد عبدالله عمر البارودی چاپ اول ۱۴۰۳ ، ملخص ترجمة ص ۸۶ تا ۱۰۴ .
- ۲ - التصنيف العملي للمكتبات ، د . محمد امین البنهاوی ، ص ۱۰ و ۱۱ .

آن موضوع قرار دهد . به همین جهت نظام دیوئی دائما در حال تغییر و تعدیل می‌باشد .^۱

در کتاب «تنظیم المكتبة المدرسية» سفارش زیادی به استفاده از رده‌بندیهای معروف جهانی شده و با اذعان به اشکالات چنین نظامهای از روی ناچاری و به دلیل فقدان نظامی دیگر ، سفارش اکید در به کارگیری آنها نموده است . از جمله اشکالاتی که بر شمرده عبارت است از اینکه :

رده‌بندی دیوئی یک نظام کاملا محلی و آمریکائی است که در آن طرح اهمیت بسیار زیادی به موضوعات آمریکایی داده شده است و نسبت به تمدن شرق و علوم شرقیان اهمال و مسامحه گردیده است و راهی به آنان در نظام خود نداده ؛ مگر کوره راه باریکی که باید همه چیز خود را از آن عبور دهند . اشکال مهم دیگر نظام وی این است که لغت (زبان) را از ادبیات جدا کرده است .^۲

۱ - مائة سؤال عن المكتبات و التوثيق و الارشيف الصحفى ، طلعت همام ، ص ۲۷ .

۲ - تنظيم المكتبة المدرسية ، محمد ماهر حمادة و على القاحي ، چاپ سوم ، ۱۴۰۵ ص ۵۹ .

همچنین محمدماهر حمادة در کتاب «علم المكتبات والمعلومات» پس از تمجیدهای فراوان از دیوئی و طرح وی دو اشکال به عنوان دو عیب بزرگ بر طرح دیوئی وارد می‌داند و می‌نویسد :

علی رغم امتیازات طرح دیوئی و شهرت جهانی آن ، دو عیب بزرگ دارد که عبارت است از اینکه اولاً زبان را از ادبیات جدا کرده است و این عمل درستی نیست و از بزرگترین اشکالات وارده می‌باشد . چون لغت و زبان ماده ادبیات است . به طوری که همه این را می‌دانند . ثانیاً یک طرح و نظام کاملاً آمریکایی و منطقه‌ای است و اصلاً توجهی به نیازهای تمدن شرق نشده است و موضوعات علوم شرقیان و قاره آفریقا مهمل مانده است و اصلاً به علوم اسلامی پرداخته نشده است . بنابراین با این وصفی که دارد ، به درد هیچ کشوری به جز آمریکا و اروپای غربی نمی‌خورد .^۱

سپس نام چند تن از کتابداران عرب را ذکر می‌کند که تعدیلاتی در این طرح به عمل آورده‌اند تا حدودی از نیازهای کشورهای عربی را برآورده نمایند .

۱ - علم المكتبات و المعلومات ، محمدماهر حمادة ، چاپ اول ۱۴۰۳ ، ص

نظریه کتابداران ایرانی

آقای مهدی داودی در مقاله‌ای که تحت عنوان «مقدمه‌ای بر جنبه‌های نظری رده‌بندی» نوشته ، پس از تعریف و بیان جنبه‌های رده‌بندی بحث گسترده‌ای در تاریخچه رده‌بندی دارد که در پایان مقاله خود به رده‌بندی‌های قرن نوزدهم و بیستم اشاره گذرایی کرده و می‌نویسد :

اگر چه برداشت ذهنی و پندارگرایانه بر رده‌بندی قرن نوزدهم غلبه داشت - و هنوز هم تا امروز با ما است - اما تجزیه و تحلیل عینی و مادیدگرایانه‌ای را نیز . در همان زمان می‌توانیم مشاهده کنیم . در ۱۸۸۴ م . استانلی چنین نوشت: «اتمها در ملکولها ، ملکولها در توده‌ها ، توده‌های سلولی در اندامواره‌ها (ارگانیسیمها) ، و اینها در جوامع . طبیعت به این ترتیب ترکیبی است از چرخهایی که در داخل هم می‌چرخند» . او رده‌ها را «نظامهای مجتمع» می‌نامد . به جز استانلی ، اشخاصی

مانند شیلدز ، ککوله و انگلس نیز نمایندگان این طرز تلقی از رده بندی علوم هستند . از نقطه نظر رده بندی ، چهره مشخص مفاهیمی که به وسیله اشخاص یاد شده توسعه پیدا کرد این است که پایه ای عینی برای موادی که در گروه های موضوعی مجتمع شده اند باید ایجاد کرد . مثلا حرکت ملکولها برای رده فیزیک . اما مادیون مورد بحث ، در فرموله کردن قوانین تقسیمات بیشتر و فرعیتر علوم ، از رده بندهای ذهن گرا جلوتر نرفتند . آنها تقسیم بندی ابتدایی را بر طبق سطوح ساختمان ماده و شکل های انرژی پیشنهاد کردند و محتوای هر رده را به عنوان «اشکال حرکت» (در وسیعترین معنی) پایه گذاری شده در آن مشخص کردند . اما آنها خود حرکات را رده بندی نکردند و این کار انجام نشده باقی ماند .

رده بندی های که به وسیله کتابداران در اواخر سده نوزدهم و در سده بیستم توسعه یافتند ، از نقطه نظر تقسیمات فرعی که ارائه دادند قابل توجه است . مطالعات بسیاری در باره جزئیات ظریف موضوع های علمی به وسیله رده بندهایی از قبیل دیویی ، کاتر ، براون ، بلیس ، رانگاناتان و کتابخانه کنگره انجام گرفت . اگر چه هنوز مقداری از دیدگاه های ذهنی سده نوزدهمی در رده بندی های این سده نیز دیده می شود؛ ولی سیمای ویژه بسیاری از رده بندی های سده بیستم ، به هر

حال ، تجربه‌گرایی آنها است و در نتیجه فراموش شدن نظریه . چنانکه دونکر دایویس می‌نویسد : «یک رده‌بندی ممکن است در اصول با مقداری از مفاهیم فلسفی و تعدادی از نظام‌های فلسفی موافق باشد ، اما استفاده‌کننده عملی بالاتر از همه می‌خواهد که این رده‌بندی قادر به طبقه‌بندی اسناد و مقالات در یک شیوه مؤثر و کارا باشد .»

به نظر ویکری این برخورد شاید عکس‌العمل سالم و مناسبی در مقابل تئوریهای ذهنی ناقص باشد ، اما خود اعتراف به نقص هم هست . ما نمی‌توانیم نظریه را حذف کنیم . هر فعالیت علمی پایه نظری خود را دارد . حتی تجربیترین جستجوهای واقعیت باید به وسیله این ایده که چه چیزی باید مورد جستجو قرار گیرد ، راهنمایی شود . عدم قبول نظریه‌های ذهنی نباید ما را به ترک جستجو برای یافتن پایه‌ای عقلانی برای رده‌بندی سوق بدهد .^۱

به این موضوع اضافه می‌کنیم ایراد دیگری را که آقای ابراهمی خاطر نشان شده‌اند ، ایشان با نظری واقع بینانه می‌نویسند :

۱ - فصلنامه کتاب ، دوره دوم ، شماره اول ، ۱۳۷۰ ، مقاله مهدی داودی ، مقدمه‌ای بر جنبه‌های نظری رده‌بندی ، ص ۲۹۸ و ۲۹۹ .

در هر دو طرح دیوئی و کتابخانه کنگره که موضوعها بر اساس نظم شمارشی مرتب می‌شوند، سایه‌ای از نفوذ فکری طراحان که شاید بتوان بدان نام تعصب داد نمایان است. مثلاً در رده‌بندی دیوئی مذهب (۲۰۰) تحت تأثیر مذهب پرستان و تاریخ (۹۰۰) تحت تأثیر گرایش انگلوساکسونی است. یا در رده‌بندی کنگره بیش از هر چیزی به نیازهای ایالات متحده آمریکا توجه شده است. مقایسه رده D با رده‌های E - F این واقعیت را روشن می‌کند. با این وجود نمی‌توان این دو رده‌بندی را از این نظر مردود شناخت، زیرا در ابتدا هنگام طرح هیچیک، نظر آن نبوده که در سطح جهانی به کار روند. رده‌بندی دیوئی برای آمریکاییان و رده‌بندی کنگره برای کتابخانه‌ای که در عمل کتابخانه ملی ملت آمریکاست طرح‌ریزی شد. و در هر طرح رده‌بندی این سؤال در پیش است که آیا می‌توان آن را برای همه جهانیان در سطحی هم‌تراز، قرار داد؟^۱

وی در خصوص طرح دیوئی سؤال مهمتری را مطرح می‌کند که اگر شکافته شود کتابی می‌شود. اما خود جوابی به آن نداده

۱ - شناختی از دانش شناسی، هوشنگ ابرامی، انجمن کتابداران ایران،

و به دنبال طرح سؤال ، احترام دیوئی را نیز در خدمتی که انجام داده است ، محفوظ نگه می‌دارد .

طرح دیوئی همچون هر طرح دیگری قراردادی است و در باره آن سؤال فراوان است . مهمتر از همه اینکه آیا زندگی فکری انسان آنقدر ساده و مکانیکی است که بتوان آن را در قالبهای ده ده طبقه‌بندی کرد ؟ اما خدمت دیوئی را ناچیز نمی‌توان شمرد .^۱

مرحوم طاهری عراقی در مقدمه گسترشی که به موضوع دین اسلامی در رده‌بندی دیوئی داده‌اند ، می‌نویسند :

صد سال از تألیف طبقه‌بندی دهدهی ملویل دیوئی (۱۸۵۱-۱۹۳۱) می‌گذرد . و امروز این طبقه‌بندی مشهورترین و رایج‌ترین طبقه‌بندی‌هاست . در ایران نیز دیری است که بسیاری کتابخانه‌ها بر این نظام نظم یافته است . ولی چون طبقه‌بندی دیوئی برای کتابخانه‌های غرب نوشته شده است ، در آن به مباحث و مسائل خاص فرهنگ ملل دیگر- بالاخص شرق- چندان

توجهی نشده است . و از آن گاه که این طبقه بندی را کتابخانه‌های جهان بکار گرفتند ، بسیاری از کشورها را نیاز افتاد که به مقتضای تاریخ و ادب و فرهنگ خود در آن تغییراتی دهند . و دیوئی نیز چنین تغییراتی را روا دانسته است .

قسمتهای مربوط به ایران و جهان اسلام نیز در طبقه بندی دیوئی به سبب عدم احتیاج کتابخانه‌های غربی و یا به علل دیگر ، بسط و تفصیلی ندارد ، و چندان کوتاه است که کتابخانه‌های شرقی و ایرانی را بکار نمی‌آید . قسمت دین اسلام در طبقه بندی دیوئی ، گذشته از کوتاهی از خطا و نقصان نیز خالی نیست ، ترتیب و توالی موضوعات با سنت علمی اسلامی مغایرت دارد و بسیار مباحث ضروری در آن نیامده است .^۱

سپس در پاورقی همان صفحه از کتابدار غربی «جک میلز» چنین نقل می‌کند :

جک میلز می‌گوید قسمت «دین» در طبقه بندی

۱ - رده بندی دهدهمی دیوئی اسلام ، احمد طاهری عراقی ، ویرایش سوم ، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۷۲ ، ص ۱۳ .

دیوئی از اقسام ناهماهنگ و پریشان است . گذشته از آنکه بخش اعظم شماره‌ها به دیانت مسیحی اختصاص داده شده است در خود مسیحیت نیز موضوعات ترتیب منطقی ندارد.^۱

وی در جای دیگری که روش کار خود را بمنظور استفاده بهینه از کتاب توضیح می‌دهد ، اضافه می‌کند :

تقسیمات و فروع این طبقه‌بندی (جز تقسیمات استاندارد) با آنچه در طبقه بندی دیوئی است ، اختلاف فاحش و فرق بین دارد.^۲

شاد روان عراقی در پیشگفتار کتاب دیگری که علوم اسلامی را در رده‌بندی کنگره گسترش داده است ، پس از توضیحاتی در باره علوم و طبقه‌بندیهای جهانی می‌نویسد :

... البته مؤلفان آن طبقه‌بندیها (طبقه‌بندیهای کتابخانه‌یی جهان شمول) کوشیده‌اند تا آثار خود را

۱ - همان .

۲ - همان مدرک ، ص ۱۶ .

چندان جهانشمول و فراگیر سازند تا برای هر کتابخانه‌ای در هر کشوری و اقلیمی از غرب تا شرق سازگار باشد ، ولی هیچیک حتی دو طبقه‌بندی معروف دیوئی و کنگره که امروز در اغلب بلاد عالم رایج است و همواره در تکمیل و اصلاحشان می‌کوشند و ذیلها و مستدرکات بر آنها نوشته‌اند و می‌نویسند هنوز به مرحله‌ای از کمال نسبی نرسیده است و در علوم و معارف خاص ملل نقصها و خطاها دارد.^۱

در کتاب دانستنیهای کتابداری نیز شصت و پنج صفحه در خصوص طبقه‌بندی و انواع و اصول آن بحث شده است . نویسندگان کتاب مزبور ، پس از تعریف و توصیف طبقه‌بندی ، به تاریخ آن پرداخته و پس از ذکر اجمالی از تاریخچه هر کدام از طبقه‌بندیها ، نقدی مختصر نیز دارند . اینک ما نیز به اقتضای هدفی که در این فصل داریم ، فقط نظر و انتقاد آنان را که در پایان هر کدام از طبقه‌بندیها مذکور است ، نقل می‌کنیم .

... با اینکه طبقه‌بندی ارسطو خالی از ژرف اندیشی

۱ - رده‌بندی اسلام ... ، احمد طاهری عراقی ، مرکز خدمات کتابداری ،

۱۳۵۸ ، پیش‌گفتار ، ص ۵ .

و دقت نظر نیست ولی بطور کلی می‌توان ایرادهای زیر را بر آن وارد ساخت :

۱ - علوم و فنون را در یک جدول بدون توجه به وجوه مشخص آنها قرار داده است .

۲ - به علوم نظری محل بسیار محدودی اختصاص داده و علم تاریخ را مطلقاً مورد غفلت قرار داده است .

۳ - این طبقه‌بندی نتوانسته است به حد کافی سه عمل : تفکر ، اراده و ابداع و ایجاد را از هم مجزا سازد زیرا آنها پیوسته با هم رابطه نزدیک دارند و در یکدیگر مؤثرند .

در حقیقت در هر علم نظری کم و بیش جنبه ارادی وجود دارد و در هر علم ارادی و عملی جنبه نظری دخالت و تأثیر دارد و چنین است در علوم شعری که بکلی از تفکر و عمل دور و بیگانه نیست .

نقد طبقه‌بندی بیکن :

... علاوه بر اینکه این طبقه‌بندی (طبقه‌بندی بیکن)

کامل نیست ایرادهای زیر را نیز می‌توان بر آن وارد ساخت :

۱ - هنرها و فنون را چنانکه باید از علوم متمایز نساخته است .

۲- تاریخ مدنی و تاریخ طبیعی را که هیچگونه وجه اشتراک یا مشابهتی با هم ندارند در یک مقوله وارد ساخته است .

۳- بر مبنای فرضیه نادرستی استوار است که گویا در هر یک از علوم فقط یکی از استعدادهای آدمی فعال و مؤثر است .

نقد طبقه بندی آمپر :

... این طبقه بندی (آمپر) در خطوط اساسی خود تا حدی بر پایه محکمی استوار شده است ولی ایرادهای زیر بر آن وارد است :

۱- تقسیمات فرعی را بحد افراط رسانده و آنرا به صورتی تصنعی و قرینه سازی بیرون می آورد .

۲- گاهی در تقسیم تفصیل جنبه بدعت های بی منطبق بخود گرفته و بویژه این امر در وضع اصطلاحات عجیب و غریب و نامأنوس مشهود است .

۳- بیش از آنکه جنبه طبقه بندی داشته باشد ، علوم و دانشهای بشری را قطعه قطعه می کند و عبارت دیگر ربط و بهم پیوستگی واقعی علوم دانشهای بشری را منعکس نمی کند .

نقد طبقه‌بندی آگوست کنت :

... مزیت این طبقه‌بندی (آگوست کنت) آنست که بر اساس یک نگرش و دید کاملاً عینی متکی است و در عین حال رابطه و همچنین سلسله مراتب علوم را معلوم می‌دارد ولی بر این طبقه‌بندی هم ایرادهای زیر وارد است :

۱ - نقص اساسی جدول در اینست که همه دانش‌هایی را که موضوع بحث آنها جهان فکر و اندیشه است یکباره از طبقه‌بندی علوم خارج ساخته و علم روانشناسی را فقط بعنوان مبحثی از علوم زیست‌شناسی یا موضوعی فرعی از مواضع جامعه‌شناسی می‌داند . حتی خود فلسفه را نیز فقط نوعی تنظیم و ترتیب ساده علوم می‌خواند .

۲ - آیا چنان وابستگی و ارتباط نزدیک بین علوم که در تقسیم‌بندی آگوست کنت ملاحظه می‌شود در عالم واقع وجود دارد ؟ مثلاً آیا این اثر قطعی است که علوم فیزیک و شیمی بدون توسل به علم نجوم و کمک گرفتن از آن قادر به هیچگونه توسعه و پیشرفتی نیست ؟

بنابر نظریه عده‌ای از مخالفان مکتب پوزیتیویسم (Positivism) آگوست کنت با قبول این فرضیه که علوم

گوناگون جز از جهت میزان ترکیب و پیچیدگی با هم تفاوتی ندارد دچار خطای فاحشی شده است .
 . . . این طبقه بندی (هربت اسپنسر) به حد کافی روشن و قطعی نیست و بویژه در مورد علوم مربوط به گروه دوم (نیمه انتزاعی) و سوم (مادی) مصادیق مربوطه Abstroit و Concret قابل این است که به درجات بسیار زیادی منقسم گردد.^۱

سپس به طور مفصل به طبقه بندی دیوئی می پردازد و آن را با انواع مثالها توضیح داده و معرفی می نماید . در نهایت نیز ده صفحه از رده بندی دیوئی انتقاد می کند . به منظور پرهیز از تطویل فقط چند سطری از قسمتهای مختلف این نقد و بررسی نقل می شود :

. . . حقیقت این است که «شکل» در همه طرحهای طبقه بندی دیوئی با هر دو مفهوم («شکل درونی» ، «نحوه عرضة مطلب») بسط و توسعه داده شده است و این امر سبب ابهام و پیچیدگی گردیده است . . .

۱ - دانستیهای کتابداری ، ناصر مظاهری تهرانی و محمدهادی فقیهی ، چاپخانه گیلان ، تهران ۱۳۴۸ ، ص ۱۷۴ - ۱۷۰ .

این طبقه (فلسفه در طرح دیوئی) انعکاسی از تقدم فلسفه بر روانشناسی و همچنین قبول روانشناسی بعنوان مبحثی از فلسفه است و حال آنکه روانشناسی آخرین علمی است که از فلسفه جدا شده و خود دارای شعب و رشته‌های فراوانی است .

ترتیب موضوعهای طبقه فلسفه بنحو فاحش و آشکاری جنبه دلخواه به خود گرفته است
ضعف و نارسایی در این طبقه (مذهب در طرح طبقه‌بندی دیوئی) بخوبی مشهود است

با آنکه سیستم‌های مذهبی بعنوان یک حقیقت مورد توجه قرار گرفته است ولی در تجزیه و تحلیل مذهب مسیح برای کلیساهای خاصی که در داخل مسیحیت نماینده سیستمهای مخصوصی می‌باشند ، گاهی این خصوصیت مورد فراموشی واقع شده است .
. . . . بین یک کلیسای خاص و یک آیین و مکتب خاص گاهی اختلاط و ابهام مشاهده می‌گردد .

تقدم مذهب مسیحی در این طرح طبقه‌بندی بر مذاهب و ادیان دیگر شاید برای کشورهای مسیحی مذهب قابل قبول باشد ولی برای مردمی که در کشورهای غیر مسیحی زندگی می‌کنند و پیرو ادیان دیگر می‌باشند این تقدم یک ترتیب غیر منطقی و ناموجه است .

اصولا معلوم نیست که ترتیب تقدم و تأخر مذاهب در جدول طبقه‌بندی بر چه پایه است . قدمت تاریخی ؟

تعداد پروان؟ وسعت کشورهای پیرو؟ یا عوامل دیگر؟^۱

این انتقادات و ایرادات تقریباً در تمام رده‌های اصلی و فرعی طبقه‌بندی دیوئی با دهها مثال و توضیح آورده شده است که اندکی از آن نقل گردید. اکنون اجازه دهید ببینیم که دست اندرکاران امر دبیزش و رده‌بندی در کتابخانه ملی چه نظری دارند. در مقدمه کوتاهی که برای گسترش جغرافیای ایران در رده‌بندی دهدهی دیوئی نوشته شده، چنین می‌خوانیم:

"گسترش جغرافیای ایران در نظام رده‌بندی دیوئی" با توجه به این واقعیت انجام شده است که رده‌بندی‌های گوناگونی که هم اکنون در کتابخانه‌های کشورهای مختلف جهان بکار می‌رود تقریباً همگی از غرب برخاسته و طبعاً با دیدی متفاوت به مسائل نگریسته و در پاسخ به نیازهای فرهنگی شرق و مسائل کشورهای این سوی جهان کمبودها و نارساییهایی دارند. شایع‌ترین این رده‌بندیها رده بندی کنگره و دیوئی و دهدهی جهانی است و هر سه در مورد کمبودی که گفته شد وجوه مشترکی دارند. و این وظیفه طبعاً بر دوش

کتابداران این سوی جهان است تا نقائص کار را در این زمینه‌ها بر طرف سازند.^۱ بخش تقسیمات جغرافیایی ایران در نظام رده‌بندی دیوئی نیز از این نقص کلی مبرا نیست. بنابراین گسترش جغرافیای ایران به قصد رفع کمبود و نارسائی طرح و در پاسخ به نیازی که در این زمینه احساس می‌شد تهیه شده است.^۲

همچنین در «دفتر کتابداری» نیز عیوب و نواقصی را بر رده‌بندی دیوئی - طی مقاله‌ای که توسط آقای هوشنگ اعلم ترجمه شده است وارد دانسته‌اند. اینک مناسب است که آن را نیز نقل کنیم:

... مثالهایی که قبلا ذکر کردیم نشان می‌دهد همینکه بخواهیم تقسیم فرعی اندیسها را کمی ادامه بدهیم، چه مشکلات و ابهاماتی حاصل می‌شود. عیب دیگر طبقه‌بندی دیوئی اینست که شماره گذاری در یک خط و به صورت افقی به عمل می‌آید و

۱ - در مورد اینکه آیا کتابداران این سوی جهان با گسترش دادن شاخه‌ها و رده‌هایی از ساختمان و پیکره اصل رده‌بندی‌های غربی وظیفه و مسئولیت خود را ایفاء می‌کنند یا مسئولیتی بزرگتر متوجه آنان است، در فصلهای بعدی بحث خواهد شد.

۲ - رده‌بندی دهمی دیوئی جغرافیای ایران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲، ویرایش سوم، مقدمه، ص ۹.

لذا فقط امکان یک نوع تقسیم فرعی وجود دارد ، یعنی تطویل صف ارقام که عقلا نهایی ندارد . این قضیه سبب صعوبت قرائت می گردد و تقسیم اندیسهها به قطعات سه رقمی این مشکل را کاملا حل نمی کند .

دیگر اینکه ترازوی و تقارن موضوعات متشابه را همواره نمی توان دقیقا رعایت کرد ، و این اشکال ترتیب و تقارن و نظم سلسله ارقام را بر هم نمی زند (می زند) و گاهی نه تنها کمکی به حافظه نمی نماید ، بلکه حافظه را مشوش می سازد .

دیگر اینکه تقسیم بندی های فرعی که با صفر (*) شروع می شود ، چنانکه دیدیم ، کار آسان و ساده ای نیست و گاهی متأسفانه سبب خلط مفاهیم و موضوعات می گردد .

آخرین و مهمترین اشکال طبقه بندی دیوئی اینست که رجوع از موضوعی به موضوع دیگر (یعنی "Cross reference") که نیازی به بیان فایده و لزوم آن در اینجا نداریم ، مسیر نیست . «تقسیم فرعی مشترک دال بر نسبت و رابطه» که با اندیس ۱۰۰۰ نشان داده می شود ، آنقدر سنگین و غیر عملی بود که استعمال آن متروک گردید .^۱

۱ - نشریه کتابداری ، دفتر دوم ، ترجمه متن گزارش مجمع پاریس در باره طبقه بندی دهگانه به سال ۱۹۶۰ ، هوشنگ اعلم ، تحت عنوان «نظریاتی در باره طبقه بندی دهگانه» ، ص ۹ .

نباید این فصل را بدون نقل «نقد و نظر» آقای پرویز اذکائی به پایان برد. وی که تجربه سی ساله خود را در «کتابشناسی همدان» به ظهور رسانده، مسائلی چند را نقد کرده است که در مجله «آینه پژوهش» تحت عنوان کتابشناسی نوین (طرح و تدوین) به چاپ رسیده است. بخشی از آن که در باره «رده‌بندی علوم» (طبقات موضوعی) باشد، یاور و ناصر آن دسته از کتابدارانی است که به نظر آنان نظام‌های موجود رده‌بندی علوم نه جامعیت لازم را دارند و نه صلاحیت جهانی شدن را، بلکه اصلاً و اساساً پایه‌ای منطقی ندارند که بتوان بر آنها نام «سیستم» نهاد، تا چه رسد که در سطح جهانی قادر به رفع نیازهای ملل و اقوام مختلف باشند. حتی نظرگاه کتابداران غربی را ملاحظه فرمودید که رده‌بندی‌های غربی را کاملاً تعصبی و محلی معرفی کرده و زمینه‌های پیدایش غیر اصولی آنها را بوضوح تشریح کرده بودند. اینک نظر یکی از کتابداران و کتابشناسان هموطن خود را نقل می‌کنیم تا بیشتر به ریشه‌های غلتیده در خاک رده‌بندی‌های غربی پی ببریم.

راقم سطور، چون روی سخن با اهل فن دارد، بدون تمهید و بی‌تفصیل به اصل مطلب می‌پردازد. طبقه‌بندی‌های علوم در دنیا متعدد بوده، و هنوز هم

حسب مکاتب مختلف تعددی دارند. زیرا، اصولاً هر طبقه‌بندی علم، اساسی نظری و بنیانی منطقی - فلسفی داشته و دارد، فلذا هر طبقه‌بندی علم در جهان بر مبنای نظری یک مکتب معین فلسفی پدید آمده، که بدان منسوب است. در یونان باستان، چنانکه دانسته است، علم معین فلسفه بود، و در اصل، فلسفه، ام‌العلوم و (به قول فارابی) فن‌الفنون هم بوده است. ارسطو وقتی حکمت را به نظری، عملی و ادبی تقسیم کرد، در حقیقت علوم متداول عصر را طبقه‌بندی نمود. پس از آن هم، با تشعب در علوم و تخصص‌یابی آنها، حتی با استقلال بالمره یا بالطفرة علوم از فلسفه، هرگز مبنای فلسفی-منطقی تقسیم و طبقه‌بندی آنها، الی یومنا هذا، از بین نرفت و نخواهد رفت.

اینک، اگر کسی سخن ما را بپذیرد، باید گفت که با توجه به مقدمات منطقی پیشگفته در باب طبقه‌بندی «علوم مکتوب»، یعنی کتابها، همانا دو اسلوب متداول و مشهور امریکایی طبقه‌بندی کتب در عالم، یعنی «روش دیویی» (-دهدی) و «روش کنگره» (-حروفی) هیچگونه مبنای فلسفی، نظری، علمی و منطقی نداشته و ندارند. در نتیجه این دو طبقه‌بندی کذایی، نه معقول‌اند و نه منطقی، داستان، چنان که همه می‌دانند، از این قرار است که یک کشیش امریکایی

به نام «چارلز کاتر / Charles Amis Cutter» (۱۸۳۷-۱۹۰۳م) که کتابدار بود، بانی و واضع این طبقه‌بندیها شد، که مؤسس بر هیچ مبنای فلسفی-منطقی نباشد، سهل است، پندارگرایی (Idealism) مسیحی آن کشیش کتابدار کار به دست عالمیان داد. روشی که می‌توانست، اگر مبتنی بر نظامی عقلی و منطقی متکی به مکتبی فکری و فلسفی می‌بود، اساسی معقول بیابد، بعدها با اقتدار فزاینده امپریالیسم امریکایی، که تمام اسالیب علوم و فنون و فرهنگ و زندگی سرزمینی خود را با وسائل و اهرمهای اعمال قدرت و نفوذ در سراسر جهان ترویج و تبلیغ و بل تحمیل کرده و می‌کند، این روش کتابداری نیز به مانند نظام آموزشی «واحدی» که در دانشگاهها از همان «ینگه دنیا» دیکته شد، به کتابخانه‌ها و حوزه‌های کتابشناسی ممالک عقب مانده تحت سلطه تحمیل گردید.

... «ملویل دیویی / Melvill L. K Dewey (۱۸۵۱-»

(۱۹۳۱م) که همکار کاتر سابق الذکر بود، روش خود را ملهم از طبقه‌بندی آن کشیش ابداع کرد، و آن چنان که دانسته است، طبقه‌بندی تصنعی و متکلفانه اعشاری باشد؛ بدین نحو که دانشهای آدمی را تنگ نظرانه در ده طبقه کلی محدود کرد (و هر طبقه را نیز به ده طبقه فرعی دیگر...) که به ترتیب عبارت است از: (۱) کلیات، (۲) فلسفه، (۳) مذهب، (۴) اجتماعیات،

(۵) زبان شناسی ، (۶) علوم ، (۷) فنون ، (۸) هنرها ،
 (۹) ادبیات ، (۱۰) تاریخ- جغرافی . اشکال اساسی و جعل
 غیر منطقی و غیر معرفت شناختی (Non - Epistemologic) در
 این طبقه بندی ، چنان که پیشتر اشاره رفت ، اینکه
 حسب پندار بافیهای مسیحی گری ، پس از کلیات (۰۰۰)
 مرتبه اول به «فلسفه» و مرتبه ثانی به «مذهب»
 اختصاص یافته است .

دانسته است که دانشها مرتبت‌هایی از «معرفت» اند ،
 و سیر معرفت آدمی هم علی التحقیق از «عین» (Object)
 به طرف «ذهن» (Subject) بوده باشد ، صرفنظر از این که
 در روند «شناخت» تأثیر متقابل دارند . فلسفه و
 مذهب ، بی تفاوت ، معارفی ذهنی هستند ، زیرا که با
 مقولات انتزاعی و مجردات سر و کارشان باشد . پس
 طبیعی ، و هم منطقی چنان خواهد بود که در رده بندی
 دانشها ، هم از مبادی عینی ابتدا شود ، و بالمره با تنازل
 کلیت عینی (یا عینیت‌ها) به مبانی ذهنی اقتراب گردد .
 اینک ، غافل از سنگ لغزشی که آن کشیش پندارگر در
 بنای فکری ما نهاده ، با این همه دعوی مسلمانی که
 داریم ، حکم قرآنی مصرّح است به این که «سنرهم
 آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم» (فصلت / ۴۱ ، ۵۳) .

خداوند هرگز نفرموده است که نخست بدایع
 حکمت را (بنا به تفسیر جلالین) در «انفس» یعنی
 عوالم ذهنی ، سپس عوالم عینی (-آفاق) را به ایشان

خواهیم نمود . بل حکم الهی نیز قائل به سیر معرفت اندوزی ، نخست ، از مبادی عینی به طرف مفاهیم ذهنی است . عبرت آمیزتر آیاتی است که مکرر فرماید : «قل سیروا فی الارض فانظروا کیف بدأ الخلق / کان عاقبة ... / الذین من قبل . . .» (۱۷/۶ ، ۷۷/۲۷ ، ۱۹/۲۹ ، ۴۱/۳۰) . آشکارا دلالت دارد بر اینکه ، ساده بگویم ، اول «جغرافی» یاد بگیرید ، بعد «تاریخ» بفهمید . اما بالعکس ، مرحومان کاتر و دیویی ، چنان که مکرر گذشت ، سوار بر ابرهای پندارآمیز مسیحیگری یکسره از آسمان به زمین می‌نگرند ، و به سختی با نردبان ده پله‌ای خودشان پای بر این خاکدان می‌نهند ، چه ، در طبقه‌بندی پیشگفته ، جغرافیا- یعنی زمین‌پیمایی و طبیعت‌نگری که دانش بخش بزرگی از عالم عین است ، در آخرین رده جزو تاریخ قرار گرفته ، و تراجم احوال رجال را هم سفیهانه جزو زیر رده‌های جغرافیا به شمار آورده‌اند .

ارسطوی صاحب المنطق ، معلم اول ، و استاد بزرگ رده‌بندی علم در سراسر اعصار هم در طبقه‌بندی مقولات عشر که با «جوهر» آغاز نموده ، عین را مقدم داشته ، سپس اعراض را (-حسب تعبیرخود) به ترتیب تنازل در جه عینیت آنها مقوله بندی کرده است همچنین ارسطو در تقسیم حکمت (-علم) همان «طبیعت» (=فیزیک) - یعنی عالم عین را مقدم بر ما بعد

طبیعت (= متافیزیک) یا عالم ذهن آورده است. معلم ثانی، حکیم فارابی ایرانی هم در «منطقیات»، «احصاءالعلوم» (= رده بندی دانشها) و جز اینها و همه جا، طبیعت را بر ما بعد طبیعت، یعنی عینیات را بر ذهنیات مقدم داشته است. فرانسویس بیکن (۱۵۶۱-۱۶۲۶م) صاحب الاستقراء، ضد حکمت مشاء، و ارسطو ستیز مشهور انگلیسی نیز در طبقه بندی خود از علم، اگر چه ناقص و ناجور، باز «طبیعی» و «مدنی» و «تاریخ» را مقدم یاد کرده، علوم منسوب به عقل را مؤخر آورده است. معروف است که رده بندیهای کاتر و دیویی درست بر عکس طبقه بندی این بشیر و نذیر علمی مغربزمین است، و همانا «خلاف رأی اولوالالباب».

طبقه بندیهای علم توسط حکمای فرانسوی سده های ۱۸ و ۱۹، مانند آمپر و کُنت، که معقول ترین و منطقی ترین طبقه بندی هاست، اساسا بر شالوده دو مقولۀ «عینی» و «ذهنی»، تقدم دانشهای آن یک و تأخر دانشهای این یکی بنا گردیده است. ولی طبقه بندیهای مورد بحث ما، بویی از آن رواج علمی فرانسوی نشنیده اند. و از این روست که در ابتدای بحث در جواب به سؤال مقدر گفتیم که رده بندیهای مزبور با هیچیک از طبقه بندیهای حکیمانۀ و مقبول علم مطابقت ندارد. ناگفته نماند که روش طبقه بندی حکیم

و ریاضی دان هند شیالی رانگاناتان (Shiali R. Ranganathan) (۱۸۹۲-۱۹۷۲م) که صرفاً کتابدارانه است ، ضمن آنکه طبیعیات را مقدم بر مابعدها داشته ، نظر به تحلیلی- ترکیبی (Analytico-Synthetic) بودن آن ، بسا که علمی- فنی ترین طبقه بندیها در جهان باشد ؛ منتها چون شادروان رانگاناتان از یک سرزمین فلکزده آسیایی مثل هندوستان برخاسته ، و سیاست کشورش برد امپریالیسی نداشته ، متأسفانه روش نبوغ آسای وی فقط در چند ایالت هند و بعضی از کتابخانه های آسیایی کاربرد محدودی پیدا کرده است .

باری ، بی معنی ترین ، غیر عقلایی ترین و تصنعی ترین طبقه بندیها همانا طبقه بندی کتابخانه کنگره امریکا (ال . سی) است ، که در عین حال مشهورترین و رایجترین آنها در جهان باشد ، خصوصاً پس از جنگ جهانی دوم همروند با توسعه نفوذ امپریالیستی امریکایی و تشدید استعمار نوین ، این نظام کتابداری همراه با سایر نظامات فرهنگی و دانشگاهی ینگه دنیایی دیگر به کشورهای تحت سلطه و نفوذ ، چنانکه عرض شد ، وارد و تحمیل گردید . گفتن ندارد ، همه می دانند که طرح رده بندی کنگره حسب ترتیب حروف الفبای لاتینی (در ۴۴ رده) تدوین شده ، ولی باید دانست که بر گرتۀ همان کاتر کشیش خیالباف شالوده یافته است . دوست دانشمند و دانش شناس ، آقای هوشنگ اعلم ، که خود

سالها در آن دیار (کتابخانه هاروارد) کارشناس و فهرست نگار بخش‌های مختلف بوده ، ضمن تأیید مراتب پیشگفته اظهار می‌دارد که البته در نظر بانیان طرح مذکور ، جنبه‌های عملی و کاربردی بسی بیش از جوانب نظری مورد توجه بوده است ، و خلاصه آن که ضرورت ایجاب می‌کرده که در آن سرزمین عملگرایان (Pragmatics) یک طرح عملی و فوری برای سازماندهی به امور کتاب و خدمات کتابداری و اطلاع‌رسانی فراهم شود ، و منتظر نماندند تا حکما در مبانی عقلی-فلسفی و منطقی امر امعان نظر کنند .»

... ترتب طبقات اصلی به قاعده معروف اگوست کنت فرانسوی (۱۷۹۸-۱۸۵۷م) در طبقه‌بندی‌اش از علم صورت پذیرفته ، که در درسهای «فلسفه اثباتی» خود مطرح نموده ، و عبارت است از «کلیت متنازل و تفصیل / ترکیب متزاید / متصاعد» ، که البته ترتب طبقات فرعی نیز مبتنی بر همین اصل باشد . اگر چه این قاعده به نام اگوست کنت اشتهار یافته ، باید گفت که در نزد حکمای ایرانی دوره اسلامی سابقه دارد ؛ چنانکه ابن سینا در تقسیم بندی دانشها ظاهراً به تبع از فارابی گوید : «آغاز از علم برین کرده شود ، و به تدریج به علمهائ زبرین شده آید ، به خلاف آن که رسم و عادت است .» (دانشنامه ، ص ۴) . مصطلحات ابن سینا در این تقسیم بندی که آشکارا ناظر به عوالم علوی

(=زیرین) و سیفلی (=زیرین) است ، گویا ملهم از نگرهٔ ارسطو در باب مراتب «کلّیت» اصول اولیه و ثانویهٔ علمها باشد .

روش «نمایه سازی زنجیری» (Chain Indexing)- منسوب به حکیم ریاضی و دانش شناس هندی «رانگاناتان» (سابق الذکر)- دقیقاً مبتنی بر همان قاعدهٔ معروف «اگوست کنت» فرانسوی است ، ولی تا آنجا که اطلاع یافته‌ام ، ندیده‌ام که کسی در بیان تاریخ و تکوین «روش زنجیری» بدین نکته اشارتی کرده باشد . اما روش زنجیره‌ای که گویند بر اساس نظریات رانگاناتان در باب رده‌بندی چهارپاره‌ای (Faceted classification) پدید آمده ، در واقع سلسله مراتب یا پایگان (Hierarchy) مناسبات کلی به خاص ، یا کل به جزء می‌باشد ؛ بدین سان که شناسه‌های موضوعی (الفبایی) از مرتبهٔ کلی با فروع و ترتیبی شبه مرتبهٔ خاص‌تری تنازل می‌یابند و نمایه می‌شوند .^۱

۱ - آینه پژوهش ، سال سوم ، شماره ۱۶ ، ص ۱۴ - ۱۰ .

فصل سوم

ضوابط

نظام جهانی رده بندی

علوم

پیش نیاز

هر طرحی که برای جهانی شدن آماده و تدوین گردد ، شرایط ویژه‌ای را می‌طلبد که اگر در سطح تابعان یک کشور یا مذهب می‌بود ، شاید چنان شرایطی را نیاز نداشت .

از این شرایط ، تعبیرهای دیگر نیز می‌توان یافت که تحت عنوان «اصول» ، «ملاکها» و «معیارها»ی لازم در یک نظام رده‌بندی علوم به منظور استفاده عمومی و جهانی ، بحث شده است . ابتدا معیارهایی که پیشینیان متذکر شده‌اند ، شمرده می‌شود ، سپس آنچه از غربال نقد به دست آید ، برای طرح آینده برگزیده گردد .

سعید احمد حسن در کتاب المکتبة العامة و الوعي الثقافي پس از تعریف و بیان اهمیت رده‌بندی علوم و طبقه‌بندی کتب ، عناصری را که بایسد در انتخاب بهترین نظام رده‌بندی مورد توجه قرار داد ، به این ترتیب ذکر کرده است :

- ۱ - نظام رده‌بندی که برای یک کتابخانه عمومی برگزیده می‌شود ، باید شامل جمیع فروع دانش بشر باشد .
- ۲ - باید آنچنان قابل گسترش باشد که همپای گسترش دانش بشری پیش رود .
- ۳ - امکان اضافه کردن فروع جدید از دانش بشری در رده های آن وجود داشته باشد .
- ۴ - باید گسترش دادن برخی از رده‌های فرعی که از پیش بوده ، ولی با پیشرفت علم و دانش ، مستقل و وسیع شده ، مجاز باشد .
- ۵ - باید بر اساس موضوعات مرتب شده باشد و آن ترتیب منطقی باشد و از عام به خاص (کل به جزء) و اصل به فرع تقسیم شود .
- ۶ - شامل مواد دیگر کتابخانه نیز بشود و قابل اتساع باشد .
- ۷ - باید رموزی برای نشان دادن رده‌های اصلی و فرعی و . . . داشته باشد^۱

همچنین دکتر محمد ماهر حمادة در کتاب علم المكتبات والمعلومات

۱ - المكتبة العامة و الوعي الثقافي ، سعيد احمد حسن ، چاپ دوم ، ۱۴۰۶ ، مؤسسة الرسالة ، بيروت ، صفحة ۸۲ .

همین شرایط را با اندک تغییر و اضافه ذکر کرده است . به این معنا که عناصر مذکور در شماره‌های سه و چهار را در ضمن عنصر شماره دوم به صورت تفریعاتی ادغام کرده است و به جای آن دو ، در انتهای شرایط لازم ، دو شرط یا عنصر دیگر را برای نشان دادن کارایی نظام بهتر پیشنهاد نموده است . بمنظور پرهیز از تکرار ، فقط آن دو مورد ذکر می‌شود .

۶... - بهترین نظام رده‌بندی علوم باید در وهله

اول دو جایگاه جهت موضوعات کلی و اقسام شکلی

(چهریزه‌ای) داشته باشد . . .

۷ - طرح مزبور برای سهولت استفاده باید چاپ

شده و دارای فهرست نسبی باشد . . .^۱

وی در کتاب دیگری که به نام تنظیم المكتبة المدرسية با

همکاری دکتر علی القای نوشته ، همین عناصر را آورده است .^۲

همچنین طلعت همّام ، امتیازات نظام رده‌بندی متکامل را

به این ترتیب ذکر می‌کند :

۱ - علم المكتبات و المعلومات ، محمدماهر حمادة ، ص ۱۳۵ - ۱۳۲ .

۲ - تنظیم المكتبة المدرسية ، محمدماهر حمادة و علی القای ، ص ۵۶ .

- ۱ - شمول داشته باشد ۲ - انعطاف پذیر باشد ۳ -
- برخوردار از پایه منطقی باشد ۴ - استعمال واژه‌ها و
- اصطلاحات ثابت باشد ۵ - داشتن رموز و علائم ۶ -
- داشتن فهرست کشف ابجدی ۷ - جایگاهی برای کلیات
- ۸ - توحید ارقام موضوعات متشابه^۱.

تقریبا تمام معیارهای مذکور را کتابداران ایرانی نیز در کتابها و نشریات خود ذکر کرده‌اند. این ملاکها ابتدا از سوی کتابداران غربی عنوان شده است. رده بندها و کتابدارانی که طرحهای رده‌بندی علوم را نقد کرده‌اند، معیارهایی برای انتخاب بهترین و مناسبترین طرح رده‌بندی برشمرده‌اند که عموما مورد استفاده کتابداران سایر کشورها قرار گرفته است.

از آنجا که نقل همه آن شرایط از منابع مختلف، تکرار غیر ضروری خواهد بود، لذا به همان مقداری که پیشتر بیان شد، اکتفا می‌شود.

اکنون زمان آن رسیده است که بدانیم کدامیک از معیارهای اتخاذ شده درست است و کدامیک زائد؟ همچنین آیا معیارها و

۱ - مائة سؤال من المكتبات و التوثيق و الأرشيف الصحفى ، طلعت همام ،

ملاکهای دیگری نیز وجود دارد که ذکر نشده و یا از آن غفلت گردیده است ؟

البته همچنانکه عنقریب شرایط پیشنهادی در این مدخل را خواهید خواند و به فرقه‌های اساسی آنها با آنچه قبلاً خوانده بودید ، پی خواهید برد ، متوجه خواهید شد که ممکن است برخی از کتابداران شرایط خاصی را برای طرح جامع رده‌بندی در نظر داشته باشند که در لابلای مباحث مختلف تکرار می‌کنند ، اما شاید در محل خاص مورد بحث که باید ملاکهای پیشنهادی را بشمارند به چشم نخورد . مثل اصل «سهولت و سادگی» که جیمز تامپسون ضمن نقل از چند کتابدار ، خود نیز بارها آن را تکرار می‌کند .

راقم سطور پس از فحص و تتبع از کلیه اصول و ملاکهای ممکن ، در خصوص رده‌بندی علوم موارد مشابه را در هم کرد و تحت عنوان یک ملاک در آورد و افزودنیها را افزود تا به ده نکته مهم دسترسی پیدا کرد که ابتدا شمارش و سپس توضیح داده می‌شود .

اساسیترین شرایط لازم در نظام جهانی رده‌بندی علوم عبارت است از :

- ۱ - تناسب طبیعی با دانشها و شناختها .
- ۲ - عدم وابستگی .
- ۳ - برخورداری از اصول علمی و منطقی .
- ۴ - عملی و کاربردی بودن .
- ۵ - آسان کردن دسترسی به کتاب .
- ۶ - شمول و جامعیت داشتن .
- ۷ - انعطاف و گسترش پذیری .
- ۸ - سهولت استفاده از آن طرح .
- ۹ - ترقیم و کد گذاری .
- ۱۰ - پشتیبانی .

تناسب طبیعی با دانشها و شناختها

طرحی که به نحوه حصول و رشد معرفت انسان بی توجه باشد و نتواند دانش بشری را بر اساس تناسبات طبیعی مرتب نماید ، تصنعی و ناهنجار خواهد بود .

فقدان تناسب طبیعی موجب می شود که تطابق نظام رده بندی علوم با واقعیت های خارجی ناممکن یا دشوار شود . همچنین امکان تجمع فروع و یک موضوع در زیر چتر رده

اصلی از آن موضوع ، کم می شود .

در واقع این مسئله با شرط سوم (برخورداری از اصول علمی) ارتباط تنگاتنگی دارد . به این معنی که نسبت بین این دو شرط عموم و خصوص مطلق است . یعنی اگر طرحی از اصول علمی و منطقی برخوردار بود ، حتما تناسب طبیعی با دانش بشری نیز دارد ، اما چنین نیست که اگر نظامی تناسب طبیعی داشت ، حتما از اصول علمی نیز برخوردار باشد . چون یکی از اصول علمی که باید هر طرح ایده آل واجد آن باشد ، همین شرط اول است و ممکن است که طرحی همین شرط اول را دارا باشد و در عین حال فاقد سایر اصول لازم از جمله شرط سوم نیز باشد .

منظور از تناسب طبیعی - که بعدها تأکید بیشتر بر آن خواهیم داشت - تشابه و تطابق صورت ذهنی علوم و دانشهای ترتیب یافته با واقعیتهای خارجی در اندوختن و شناخت پیدا کردن به آن دانشهاست .

وقتی در یک نظام رده بندی علوم ، گفته می شود : «که باید مثلاً جغرافیا قبل از تاریخ قرار گیرد» ، باید یک نمود واقعی هم داشته باشد .

منظور از دارا بودن نظام رده‌بندی علوم ، یک نوع پایه فلسفی برای تقسیم موضوعات نیست . چون ممکن است حتی تقسیمات نیز در حد بسیار قابل قبولی درست انجام شود ، ولی ترتیب قرار گرفتن موضوعات از جهت جایگاه طبیعی همیشه ملزوم تقسیم عقلی نیست . لذا بسیاری از رده‌بندیهای یاد شده به دلیل فقدان ترتیب طبیعی (منطقی) ، مناسب با واقعیت عینی دانش بشر نیست . شاید بر اساس نظریه دو ارزشی بتوان علوم را به انتزاعی و غیر انتزاعی یا نظری و عملی . . . تقسیم کرد ، اما نکته مهم اینجاست که کدامیک مقدم بر دیگری است و این تقدم بر چه اساسی می‌تواند باشد ؟

در جای خود اساس ترتیب یافتن موضوعات در رده‌بندی علوم ، که همانا مناسبت داشتن با روند شناخت انسان است ، واری و موشکافی خواهد شد .

عدم وابستگی

نظر به اینکه بنیان و شالوده مباحث این کتاب در جهانی بودن یا نبودن نظامهای موجود است ، باید این موضوع به خوبی شکافته شود تا عدم صلاحیت به کارگیری آنها در

کتابخانه‌های اسلامی روشن گردد .

پر واضح است که اگر نظامی برای نیازهای منطقه خاصی از جهان و یا برای مردم و ملت محدودی طراحی و تدوین شده باشد ، الزام استفاده از آن به بهانه اینکه همه از آن استفاده می‌کنند ، نه تنها تحکم و تهکم است ، بلکه موجب تعویث در رشد و نمو اطلاع‌رسانی نیز هست . کدام منطق حکم می‌کند که چون همه ، نظام آمریکایی را پذیرفته‌اند ، باید همان نظام جهانی شود ؟ و استانداردی نخواهد بود غیر از آن ؟ !

این سخن مثل این می‌ماند که گفته شود : چون بازارهای جهانی فعلاً در دست آمریکا و یا امپریالیزم غرب است ، لذا باید همسو و همگام با سیاست اقتصادی آمریکا ، نظام اقتصادی کشورها پایه‌گذاری شود .

اگر کسی با امعان نظر به این نتیجه رسید که نظامهای غربی صرفاً برای تأمین خواسته‌های جمعی مشخص به وجود آمده‌اند و برای کسانی که در زیر پرچمی واحد یا مذهبی واحد و یا دایره‌ای از ایده سیاسی واحد ، اجتماع می‌کنند ، تدارک و پشتیبانی می‌شود ؛ بر اساس کدام منطق باید فهم خود را کنار نهد و یافته‌اش را به دور اندازد و گوش و هوش خویش را

به تبلیغات گسترده غرب و عمال غربی بسپارد ؟

بنابر این کسی که مدعی است که نظامهای غربی از استانداردهای بین‌المللی برخوردار است ، باید بر سر تاس نشیند و استانداردهای جهانی را یک به یک تعریف نماید و سپس وجود آنها را در این نظامها نشان دهد . وانگهی باید دانست که شرایط استاندارد بودن را چه کسی دیکته می‌کند ؟ آیا اجازه می‌دهند دیگران نیز بیندیشند و بر اساس درک خود استاندارد جهانی را بپذیرند ، یا هر چه غریبها بگویند همان استاندارد است والا فلا ؟

به همین جهت بر عدم وابستگی طرح نظام جهانی رده‌بندی علوم باید پافشاری کرد تا حقیقتاً قابل استفاده مردم همه جهان ، با هر دین و مذهب و اعتقادی که باشند ، واقع شود .

دقیقا به موجب این شرط ، بسیاری از نظامهای رده‌بندی علوم فاقد صلاحیت استفاده عمومی و جهانی هستند . اما چه می‌شود کرد که باورها بر این قرار گرفته است که هر چه همه کردند ، همان خوب است . در حالی که نظامهای نامبرده کاملا وابسته هستند . وابسته به نژاد و ملیت آنگلوساکسونی . وابسته به تعصب خشک مسیحیگری . وابسته به مذهب پروتستان . وابسته

به خط لاتین . وابسته به زبان انگلیسی . وابسته به کشور آمریکا .
 وابسته به سیاست نظامیگری آمریکا . وابسته به دانش توسعه
 طلبانه آمریکا . وابسته به سیاست زورگویانه آمریکا .

بر خورداری از اصول علمی و منطقی

یک طرح خوب و مطلوب ، طرحی است که علم پای آن را
 توشیح کند و منطق آن را بپذیرد . علی الخصوص طرحی که
 برای سازمان دادن به علم و دانش آماده می شود ، نمی تواند
 بدون پایه علمی و منطقی باشد .

رده بندیهایی که مطالبی چند در باره آنها خواندید و درست از
 نظرگاه خود کتابداران به عمق آنها نگریستید ، بالجمله نتوانستند
 این شرط را حایز شوند . فقط برخی از آنها به نظر برخی از
 کتابداران پایه علمی و منطقی داشت و آن دسته نیز غیر از
 رده بندیهای معمول در سطح جهان بودند . بر این اساس می توان
 گفت که رده بندیهای غربی معمول در جهان فاقد این شرط و
 ملاک نیز هستند .

البته کسانی بودند که اهمیت به «کاربردی» بودن نظام رده بندی
 علوم می دادند و ارزش چندانی به بود یا نبود پایه علمی

نمی‌دادند ، اما سخن آنان تا چه حدی قابل قبول است ؟
 آیا یک نظام رده‌بندی علوم بدون داشتن پایه علمی و منطقی
 درست ، می‌تواند عملی و کاربردی نیز باشد ؟
 اگر احیاناً کسی جواب مثبت به این سؤال داد ، باید از او
 پرسید که اگر همان نظام از پایه و اساس علمی و منطقی نیز
 برخوردار بود ، آن وقت تا چه میزان کیفیت کاربردی و عملی
 بودن آن بالا می‌رفت ؟
 اصولاً باید معلوم شود که بین علمی بودن یک طرح با
 عملی بودن آن چه نسبتی وجود دارد ؟ آیا می‌تواند طرحی
 علمی نباشد ، ولی عملی باشد و یا عملی نباشد و علمی
 باشد ؟ !

عملی و کاربردی بودن

ناگفته پیداست که چون سازمانبخشی به دانش بشری ، پیدایش
 طرح رده‌بندی علوم را ضروری کرده است ، پس الزاماً برای
 به کار بستن و استفاده عملی بردن لباس هستی بر تن کرده
 است . در نتیجه معیار و ملاک عملی بودن طرح اهمیت پیدا
 می‌کند . بدین ترتیب طرحی که کاملاً کاربردی با ساختار

منطقی باشد ، مطلوب خواهد بود .

البته فرق است بین کاربردی بودن یک طرح با بکار نگرفتن آن . از اینکه به برخی از طرحها نسبت داده می شود که عملی نیست ، باید هوشیار بود و دانست که ممکن است طرح کاملا عملی باشد ولی به دلایلی (از جمله تعصب ، فرار از زیر بار کار و عدم تحمل هزینه مجدد) به بهانه کاربردی و عملی نبودن ، رد شود .

آسان کردن دسترسی به کتاب

عموما اندیشه پیاده کردن طرح طبقه بندی کتب و تنظیم و ترتیب آنها بر اساس نظامی خاص از آنجا ناشی شده است که پژوهندگان دریافته اند که در کندوکاو از یافتن منابع مورد نیاز خود در محیطی بی نظم ، عمر گرانتیست را از دست می دهند و زمان کمتری برای تفکر و تحقیق برایشان باقی می ماند . اگر کتابها بی نظام انباشته گردد ، بجز تحمیل هزینه ، ثمره ای نخواهد داشت .

بر این پایه بشر مصمم شد که دانش مکتوب را منظم نماید تا هدف از ثبت و ضبط - که امکان دستیابی و استفاده از آن دانش

ضبط شده است - به سرعت تأمین شود .

این مسئله نه تنها در مورد علوم و دانشها ، و به تبع آن کتابها و نوشته‌ها صدق می‌کند ، بلکه در هر چیزی که به منظور دستیابی مجدد ، نگهداری و بایگانی می‌شود ، لازم است . باز این موضوع به عصر و زمان پیدایش چاپ اختصاص ندارد . از همان آغاز حیات زمینی آدمیان ، ضرورت تنظیم و طبقه‌بندی اشیا و افکار وجود داشته و بی شک انسان نخستین نیز بدان دست یازیده است ؛ اما فروغ نور تاریخ تا کجا توانسته تاریکیهای دور دست زمان را روشن کند ، خود جای سؤال است .

با این باور ، طرح خوب باید جای کتاب را به سرعت نشان دهد و در عین حال ارتباط موضوعات را نیز حفظ کند .

شمول و جامعیت

منظور از شمول ، وسعت و گستردگی طرح در سطح دانش بشری است . یعنی طرح جهانی باید شامل تمامی زوایای دانش و معرفت بشری بشود . و اگر نتواند دامنه دانش انسان را در خود جمع نماید ، نمی‌تواند نظامی مطلوب برای همه جهانیان باشد .

اما منظور از جامعیت ، فراگیری تمام فروعیات یک موضوع در پوشش ردهٔ مربوطه است . اگر افراد فرعی یک موضوع نتوانند ردهٔ مستقلی برای ارتباط با آن پیدا کنند و بناچار از روی تشابه و یا تقارن به موضوع ردهٔ دیگری نسبت داده شوند ، طرح فاقد جامعیت خواهد بود . همچنین طرحی که شمول و جامعیت نداشته باشد ، به کار نمی آید . نظامهای رده بندی غربی نیز به اقرار اکثریت قریب به اتفاق کتابداران ، شمول و جامعیت ندارند ، با این حال کتابخانه های جهان محکوم به استفاده از آنها شده اند . چرا ؟

انعطاف و گسترش پذیری

هر چیزی که قابل اتساع و گسترش باشد ، انعطاف پذیر نامیده می شود . با توجه به اینکه دانش بشر مدام در حال رشد و کمال است و هر لحظه مجهولاتی معلوم و روابطی از هستی آشکار می گردد ، که نامی جدید و موضوعی تازه دارد ، و از سوی دیگر رده بندی علوم به صورت ایده آل باید گویای مکانیت هر علم و دانشی باشد ، بی هیچ نقاری باید انعطاف پذیر و قابل توسعه باشد .

همان گونه که پیشتر گفته شد ، طرح دیوئی و کنگره فاقد این

ضابطه بودند . طرح دیوئی که به هیچ وجه قابلیت توسعه در رده‌های اصلی ندارد و کاملاً خشک و استبدادی است ، اما طرح کنگره اندکی نرمش نشان داده و تا حدودی گسترش پذیرست . لیکن طرح کاملاً انعطاف‌پذیر نیست .

سهولت استفاده

بدیهی است که با تحمل زحمات فراوان طرحی تدوین و آماده می‌شود تا مگر نیازهایی را بر طرف یا خواسته‌هایی را بر آورده نماید ، ولی اگر به دلیل پیچیدگی و نامفهومی قابل استفاده نباشد ، نقض غرض خواهد شد . اهمیت سهولت و سادگی چنین طرحهایی وقتی بیشتر می‌شود که توجه به استفاده کنندگان از آنها و کسانی که درگیر کار عملی در طبقه‌بندی کتب هستند ، داشته باشیم .

بسیار پیش می‌آید که در حین تفکر و بررسی ذهنی ، فرمولی برای پاسخ به داده‌های مسئله که در بادی امر کارساز و مفید جلوه می‌کند ، ارائه شود ، اما پس از آنکه به اجرا گذاشته می‌شود ، ممکن است دچار مشکلات فراوان گردد . مثل قوانین که در زمان تصویب ، تصوری از آن می‌توان داشت و پس از کاربرد آن در جامعه ، تصوری دیگر .

همان طور که قانونگذار باید مشکلات مجریان قانون را درک کند و نتیجه برخورد قانون با جامعه را مورد توجه قرار دهد ، همچنین بنیانگذار یک نظام نیز باید به مشکلات کار مجریان طرح توجه کند و خود را به جای استفاده کننده از طرح ، تصور نماید و از آن دریچه اظهار نظر نماید . رعایت این نکات موجب می شود که طرح کاملاً ساده و سهل باشد و برای عموم قابل استفاده گردد .

توقیم و کد گذاری

امروزه استفاده از رموز و کدها در بیان مفاهیم علمی یا عادی دامنه بسیار گسترده ای پیدا کرده است . البته ابراز معانی و مفاهیم به وسیله رمز ، سابقه دیرینه ای دارد و انسانهای نخستین از همان دوران اولیه ، جهت امکان ارتباط میان یکدیگر ، رموز و علایمی را قرار داده بودند که قابل فهم برای آنها بوده است . در واقع زبان ، نوعی کد و رمز قراردادی است که جمعی از انسانها در میان خود آن را پذیرفته اند و توسط آن زبان با همدیگر سخن می گویند . لیکن اگر رمزی آن قدر استعمال شود که در سطح وسیعی برای جامعه قابل فهم گردد ، از حالت قراردادی به نوعی

انس فطری گرایش پیدا می کند که دیگر نمی توان به آن نام رمز داد .

در زمان ما نیز جهت رساندن بسیاری از مفاهیم به صورت کوتاه ولی گویا ، از رمز و کد استفاده می شود و اتخاذ چنین شیوه ای کمک قابل توجهی در صرفه جویی از وقت برای انسان دارد .

خیلی از چیزها می توانند به عنوان رمز مورد استفاده قرار گیرند . مثلاً استفاده از نور به صورت ممتد یا قطع و وصلهای کوتاه نوعی کد و رمز محسوب می شود . همچنین شدت و ضعف نور می تواند حامل پیامی قرار دادی بین دو یا چند نفر باشد . ایضا چکیدن یا جاری شدن آب و وزیدن یا نوزیدن باد (مصنوعی) تصاعد دود سیاه یا دود سفید و صدها شیء طبیعی دیگر می تواند همین نقش را ایفا کند .

اما آنچه بسیار مهم می باشد ، فراوانی مورد انتخاب و سهولت استفاده از آن و امکان ترکیب بیشتر می باشد . یعنی اگر چیزی به عنوان رمز اتخاذ گردید ، باید بوفور در دسترس باشد . از آن گذشته ، باید به آسانی و بدون تحمیل کمترین مشقتی به کار آید . از همه مهمتر ، برای بیان مفاهیم بیشتر ، ترکیبات بیشتری داشته باشد .

منظور از تکاثر ترکیب ، داشتن ارزشهای بیانی بیشتر است .

مثلا شدت و ضعف نور فقط حاوی دو مفهوم مثبت و منفی می‌تواند باشد ، یا وجود دود و فقدان آن بیشتر از دو ارزش بیانی ندارد . در حالی که برای مفاهیم بیشتر به رموز قابل ترکیب بیشتری نیاز هست و به همین جهت بشر علایمی را ابداع کرده و مفاهیمی برای آنها مقرر ساخته است که قابلیت ترکیب تا بی‌نهایت را داشته باشد .

با این بیان معلوم می‌شود که خط نیز مثل زبان ، ابتدا مثل رمز قراردادی با تمام مراحل تکاملی که داشته مورد استفاده قرار گرفته است و با گذشت زمان آنچنان با طبیعت انسان سازگار آمده است که اصلا میان نویسنده و خواننده فاصله‌ای احساس نمی‌شود .

حتی برخی از نویسندگان اظهار می‌دارند که هنگام نوشتن ، گویا مخاطبین خود را می‌بینند و در حضور آنان سخن می‌گویند . برای این نوع نویسندگان صاحب ذوق ، نوشته به مانند سخن و کاغذ به مثل تابلویی است که مخاطبین خود را در آن می‌بینند . حتی برخی خوانندگان نیز چنین هستند و در هنگام مطالعه کتابی ، گویا نویسنده آن را می‌بینند و شخصیت صاحب قلم را از روی نوشته‌اش تشخیص می‌دهند . هر چند که حتی یک بار هم در تمام زندگانی روی او را ندیده باشند .

به هر حال آدمی ، حروف ، ارقام ، علایم ریاضی و علایم

دیگر را به همین منظور ابداع کرد و در طول حیات زمینی ، تغییرات فزاینده‌ای بر اساس رشد فکری خویش بدان بخشید . در رده‌بندی علوم نیز به جای تلفظ و یا تحریر موضوع می‌توان علامتی را بدان اختصاص داد . این علایم قراردادی می‌تواند فقط عدد باشد و یا فقط حرف و یا فقط علایم ریاضی و گرافیکی و نوشتاری ، و یا ترکیبی از یک یا چند نوع عدد ، حرف و علامت .

قبلا دیدید که دیوئی از عدد ، و کنگره از حرف و عدد ، و رانگاناتان از حرف ، عدد و علامت برای خواندن و نوشتن موضوعات به زبان مصنوعی (رمز) استفاده کردند . ما نیز در فصل پنجم برای استفاده بهتر از رموز ، پیشنهادی ارائه خواهیم کرد که اکنون جای تفصیل آن نیست .

پشتیبانی

آخرین و مهمترین نکته در نظامهای رده‌بندی علوم ، پشتیبانی از آنها در برابر نیازهای روز افزون و خواسته‌های پیش‌بینی نشده است . اگر نظامی نتواند همپای رشد جامعه پیش رود ، به زودی کهنه شده و از حیث انتفاع ساقط می‌گردد ؛ درست مانند دین که باید نیازهای هر روزه جامعه را جوابگو باشد ، وگرنه جامعه از

آن گریزان خواهد شد .

اما لازمه برخورداری از پشتیبانی قوی این نیست که حتماً یک نظام رده‌بندی غربی انتخاب شود . چون در واقع امریکاییان همان گونه که در سایر زمینه‌ها با بهره‌گیری از محصول افکار ، عقول و بازوان دیگران بر اساس سیاست تسلط و استثمار بهره می‌برند ، در رده‌بندی علوم نیز بار بیشتر به دوش مردمانی است که برای نیازهای خودشان ناچارند رده‌هایی از پیکره اصلی رده‌بندی دیوئی یا کنگره را با تحمل هزاران مشقت گسترش بدهند و تازه پس از آن همه رنج بردن باید همراه صدها دلیل به خدمت آن دسته از صاحبان قدرت بفرستند که مهر تأیید بر پای طومار رنگین از سالها خون دل این زحمتکشان بزنند تا اعتبار یابد .

جای بسی تعجب است که اگر توشیح کنندگان خود قادر به تشخیص چنین موضوعاتی نیستند تا آنها را بر اساس خواسته‌های همان جامعه گسترش بدهند ، پس از کجا صلاحیت تأیید آن را دارند ؟ و اگر تشخیص می‌دهند ، پس چرا خود زحمت گسترش آنها را نمی‌کشند ؟

لابد پاسخ این است که هدف ، تشخیص یا گسترش نیست ، بلکه هدف ، تأیید از این جهت است که این پاره گوشت از آن پیکره محسوب شود و آنها فقط خون این دو را آزمایش می‌کنند تا ببینند گروه خون این جزء با آن کل یکی است یا نه ؟

فصل چهارم

نقد و بررسی

سیستمهای رده‌بندی

علوم

نظم و ترتیب

جهان هستی با تمام پیچیدگیهایش بر پایه نظم استوار است .
نظم همچنان که موجب استقرار جامعه می گردد ، موجب استقرار
ماده نیز می گردد .

ممکنات ، چه جماد باشند و چه نبات و یا حیوان ، در سایه
نظم به حیات خود ادامه می دهند . نظم از هر کجا رخت بر بندد ،
خیر از آنجا برخاسته است و هر جا که خیر نباشد ، شرّ است . خیر
وجود است و شرّ عدم . پس هر جا نظم نباشد بی نظمی پیش
می آید و بی نظمی یعنی شرّ و شرّ یعنی نیستی و نابودی .

نظم ضد تشویش و پراکندگی است . هر آنچه به ترتیب مرتب
شود نظم پذیرفته است و چون نظم پذیرفته ، بقا یافته است و هر چه
بقا یافت ، شخصیت دارد و هر چه شخصیت دارد ، احترام دارد .
بر این اساس انسان که اشرف مخلوقات است تا زمانی احترام
دارد که پایبند نظم باشد . پس هر مقدار که از دایره نظم و قانون ،

پای را فراتر نهاد ، رو به سوی بی‌نظمی رفته است و هر که به بی‌نظمی روی آورد به نیستی نزدیک شده است و هر که نیستی طلب کند ، حرمت خود ضایع کرده است .

همان طور که محیط زندگی انسان سراسر نظم است ، افکار و اندیشه‌اش نیز باید با نظم باشد . فکر و اندیشه نیز نمی‌تواند منظم باشد ، مگر با فهم و معرفت (دانش) . فهم و معرفت (دانش) نیز نیست ، مگر صورت ذهنی اشیا و کشف روابط علت و معلول و پی بردن به حقایق معنوی و آگاهی از روابط حاکم بر جهان هستی . و صورت ذهنی اشیا (در علم حصولی) حاصل نمی‌شود ، مگر به تشخیص وجوه تشابه و اختلاف اشیا . و تشخیصی صائب است که قادر به طبقه‌بندی و دسته‌بندی باشد . پس چون سخن از دانش است ، باید که دانش نیز مرتب شود و کتاب که دانش مضبوط است ، تابع آن خواهد بود .

انواع نظم

کتابها را به صورتهای مختلف می‌توان به نظم آورد و این ، بستگی به نوع آن مجموعه از کتاب و مدرک دارد . هستند کتابخانه‌هایی که بر اساس الفبای نام مؤلفین و پدیدآورندگان منظم شده‌اند . یا بر اساس الفبای عناوین کتابها ترتیب داده شده‌اند .

بسیارند کسانی که معتقدند کتابخانه باید بر حسب موضوعات کتب ترتیب داده شود. ترتیب کتب بر حسب قطع و اندازه نیز طرفدارانی دارد. ترتیب کتابها بر حسب زبان، نوع و رنگ جلد، حجم، پایه سواد استفاده کننده و تاریخ تألیف، تاریخ تولد دانش، تاریخ چاپ، تاریخ ورود کتاب، شماره ثبت، ناشر، پدیدآورنده و ترکیبی از دو یا چند از موارد مذکور نیز می تواند باشد.

هر انتخابی دلایلی دارد که توجیه ترتیب اتخاذ شده را همراه خواهد داشت. رده بندیهایی که پیشتر معرفی شدند به قصد تنظیم کتب بر اساس موضوع، پدید آمده اند. هدف از تنظیم موضوعی، جمع کردن کتابهای هم موضوع در یک جاست، تا بدین وسیله ضمن دستیابی به منابع یک موضوع، به سرعت و سادگی، ارتباط علوم حفظ شود و جایگاه آنها روشن گردد. اما آیا در عمل چنین بوده است؟

در فصلهای گذشته گفتیم که دیوئی دانش بشری را به ده طبقه تقسیم کرده است و هر آنچه غیر از این ده رده اصلی باشد باید در فروع آنها قرار گیرد. لازمه این عمل، ادغام کردن موضوعی در موضوع دیگر است و نتیجه همین ادغام، مخفی داشتن موضوعی به وسیله موضوع دیگر است.

طرحی کامل است که به هیچ وجه محدودیت نداشته باشد. هر

موضوع جدیدی باید امکان استقرار در میان رده‌های اصلی داشته باشد. همچنین هر موضوع فرعی که به دلیل رشد و تکامل و با گذشت زمان مستقل شد، باید بتواند در صف طبقات اولیه قرار گیرد.

رده‌بندی دیوئی فاقد این شرط است و همان طور که کتابداران گفتند، این فقدان انعطاف، موجب اختلال و بی‌نظمی در رده‌بندی وی شده است.

در رده‌بندی کنگره این مسئله تا حدودی ملاحظه شده و تعداد موضوعات در رده‌های اصلی بیش از بیست و سه موضوع می‌تواند باشد. لیکن باز هم محدود است و بالاخره پنج حرفی که برای موضوعات احتمالی دیگر پیش بینی شده است، اگر مورد استفاده قرار گیرد، ناکافی است.

اصلا محدودیت در رده‌های اصلی موجب طول اندیسیها به دلیل طول فروعات موضوعات، می‌شود. در حالی که هر چه طبقات اصلی بیشتر باشد، تفریع کمتر خواهد بود و تقلیل تفریع، تقصیر ترقیم را به دنبال دارد و بدیهی است که مطلوبترین نظام رده‌بندی نظامی است که ضمن دارا بودن سایر شرایط، از علایم و رموز کوتاهتری برخوردار باشد.

امارده‌بندی گولون در سطح قابل قبولی این مشکل را حل کرده

است. چون با ترکیب و تحلیل موضوعات می‌توان مستمراً موضوع سازی کرد و علایم هر موضوع را بدان اختصاص داد. لیکن به دلیل فقدان پشتیبانی لازم و مهجوریت طرح از صحنه جهانی که حتی تدریس آن نیز در شرف انقطاع است، مشکل تعلیم و تربیت پیش می‌آید.

اشکال دیگری که پیش آمده، ترکیبات پیچیده علایم، اعداد و ارقام است. بیشتر کتابداران بر این عقیده هستند که صعوبت تحلیل و ترکیب - برای تشخیص و تعیین کد موضوعات - امکان استفاده بهنگام طرح را از آن سلب کرده است. پس یکی از اغراض تنظیم موضوعی کتابها که دسترسی سریع به کتاب است، با توجه به اشکالات سابق‌الذکر، در نظامهای موجود رعایت نشده است و بسا که سبب نقض غرض نیز گردیده است.

همچنین نظامهای موجود نتوانسته است کتابهای هم موضوع را همیشه کنار هم جمع نماید. بلکه به نظر اکثر بزرگان این رشته، هم چنانکه طبقه‌بندی موضوعی موجب تجمع کتب هم موضوع می‌شود، سبب جدایی کتابهای هم موضوع از همدیگر نیز می‌گردد. چون بسیاری از کتابها دو یا چند موضوع را در عرض همدیگر مورد بحث قرار داده‌اند و قرار دادن کتاب در رده هر کدام از موضوعات، باعث می‌شود که در جایگاه و رده سایر موضوعات

بحث شده در کتاب ، دسترسی به همان کتاب غیر ممکن شود .
 بعضی با توجه به این مشکل حتی معتقدند که باید از این نوع کتابها
 به تعداد موضوعات مورد بحث خریداری شود و هر یک در رده
 موضوع مربوطه تکرار گردد .

همچنین اگر موضوعی از جهات (چهریزه) مختلف مورد توجه
 نویسندگان قرار گیرد و مطالب کتاب در جهات بحث شده تشخیص
 پیدا کند ، قرار دادن کتاب در رده ای که جهت غالب را دارد ،
 دسترسی از جهات دیگر را مشکل خواهد کرد .

مثلا اگر موضوع کتابی «ریاضی دانان ایران در قرن چهارم هجری»
 باشد . و کتاب در رده علوم پایه و موضوع فرعی آن ریاضیات قرار
 گیرد ، رده شرح حال و تراجم از این کتاب بی بهره خواهد بود . و
 اگر در میان کتب شرح حال قرار گیرد ، با توجه به اینکه مباحث
 ریاضی بسیار زیادی نیز در آن کتاب مورد بحث و نقد قرار گرفته ،
 طبقه ریاضیات فاقد این کتاب خواهد بود . ایضا اگر پژوهنده ای
 بخواهد از چهریزه مکان (ایران شناسی) به تحقیق بپردازد و یا از
 چهریزه زمان (علوم در قرن چهارم) وارد شود ، مشکل خواهد
 داشت .

رانگانان این مسئله غامض را با چهریزه های پنجگانه جواب گفته
 است . اما فقط از جهت کد گذاری معمارا حل کرده است . ولی از

جهت جایگاه ، طبیعی است که چنین کتابی نمی‌تواند به غیر از یک جا باشد و مشکل همچنان لاینحل می‌ماند .

درست است که رده‌بندیهای مورد بحث فهرستهای نسبی و نمایه دارند . اما این فهرستها فقط با مراجعه به آنها می‌تواند راهگشا باشد ؛ در حالی که طراحان این نظامها ، هدف سرویس با قفسه باز را تعقیب می‌کنند و در واقع می‌خواهند مراجعه کننده را از درگیری با برگه‌دان و کاتالوگ غنی سازند ، ولی در عمل بسیار باشد که مسئله عکس شود .

رده‌بندی علوم

رده‌بندی علوم و یا طبقه‌بندی کتب را همزاد دانش انسان می‌دانند که ضرورت درک و شناسایی اشیا و حقایق ، بشر اولیه را وادار به طبقه‌بندی کرده است .^۱ کتاب نیز شیئی از اشیاء است که به تبع رده‌بندی علوم نظم و ترتیب می‌یابد . آنچه بشر امروزی از گذشته طبقه‌بندی علوم می‌داند ، کلیاتی بیش نیست . صفحات فصلهای آغازین تاریخ ، مندرس شده و از بین رفته است . فقط نامی از طبقه‌بندی علوم توسط هندیان ، چینی‌ها ، فینیقی‌ها ، آشوریان ،

۱ - دانشنیهای کتابداری ، ناصر مظاهری تهران و محمدهادی فقیهی ، ص ۱۶۰ .

کلدانیان ، مادها ، مصریان ، ایرانیان و یونانیان ، در صفحات باقی تاریخ بجا مانده از حیات بشر ، دیده می شود . آن مقدار کم از صفحات باقی مانده نیز گویای جزئیات شیوه های طبقه بندی و پایه فلسفی یا علمی رده بندی آنان نیست .

پس از ظهور دین مبین اسلام و گسترش آن در اقصا نقاط جهان ، مسلمانان در همان صدر اسلام به پیروی از توصیه ها و سفارشهای رهبران دینی و در اثر ارج نهادن اسلام و قرآن به دانش و دانشمند ، به فراگیری علوم و فنون روی آوردند . در قرون دوم ، سوم و چهارم ، مشعل فروزان دانش در شهرهای متمدن اسلامی برافراخته بود و مردان فرهیخته ای از بستر پر نور مشرق برخاستند که بعنوان استوانه های جاودان دانش برگزیده شدند و الگوی فهم و درک آیندگان گشتند .

چقدر مناسب خواهد بود که به قصد تبرک ، چند آیه و روایت در مقام و ارزش علم و عالم یا دانش و دانشمند نقل شود . هر چند که آیات و روایات این باب از حجم یک کتاب قطور افزونتر است لکن از باب «مالایدرک کله لایترک کله» به نمونه هایی بسنده می شود .

باری تعالی در قرآن مجید با ظرافت خاصی نابینا را با بینا مقایسه می کند ، به مانند مقایسه ظلمت و نور . در سوره وعد آیه ۱۶

می خوانیم :

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ؟

بگو ای پیامبر ، آیا نابینا با بینا مساوی است؟ همچنین آیا

تاریکی و تیرگی با روشنایی برابر است؟

این نوع سؤال انکاری ، بسیار مؤثر و نافذ است . با اینکه در

آیه‌های دیگری (۲۲ - ۱۹) از سوره فاطر جواب این سؤال را فرموده

است :

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ وَلَا الظُّلُّ وَلَا النُّورُ
وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ .

و هرگز کور و بینا برابر نیست و تاریکی هم با روشنایی یکی

نیست و هرگز آفتاب و سایه یکسان نخواهد بود و ابدأ زندگان با

مردگان مساوی نیستند .

بدین ترتیب خداوند متعال ، انسان را با تأکیدهای بسیار زیادی

متوجه این نکته می کند که کوری با بینایی یکسان نیست و سپس

بینیان را به زندگان و کوردلان را به مردگان تشبیه می کند . و از

آنجا که در آیات و روایات دیگر نور بودن و هادی بودن علم و دانش

را بیان کرده است ، نهایتاً این سؤال را مطرح می کند که :

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ بگو آیا آنانکه می دانند

با آنانکه نمی دانند برابرند؟ و به دنبال آن اضافه می کند ، إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ

أولوا الألباب همانا فقط صاحبان عقل و درایت می توانند متوجه و متنبه شوند.^۱

و نیز روایات بسیاری از ائمه هدی (سلام الله عليهم اجمعين) در تحریص به فراگیری علم و دانش وارد شده که از آن جمله است :

اطلبوا العلم ولو بالصین ، فان طلب العلم فريضة على كل مسلم . ﴿بهار، ج ۱، ص ۱۸﴾

طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة . ﴿بهار، ج ۱، ص ۱۷۷﴾

طالب العلم بين الجهال ، كالحی بين الاموات . ﴿بهار، ج ۱، ص ۱۸۱﴾

ان الملائكة لتضع اجنحتها لطالب العلم حتى يطاء عليها رضا به . ﴿بهار، ج ۱، ص ۱۷۷﴾

طبقه بندی علوم نیز یکی از دانشهای استخوان داری بود که مسلمانان به آن توجه خاصی پیدا کردند . هر چند که با وجود اتصال به سرچشمه پاک و زلال وحی می توانستند آسان تر و در عین حال پخته تر به عمق اسرار این دانش نیز پی ببرند ، لیکن به دلایلی ، از جمله روند انتقال دانش یونانی به وسیله مترجمان عرب ، به سوی فلسفه یونانی کشیده شدند . این امر باعث رشد و احیای علوم می شد که پس از قرون وسطی ، اروپاییان مجدداً

صورت پردازش یافته آن را از دست مسلمانان دریافت کرده ، پایه دروس دانشگاهی خود قرار دادند .

آقای دکتر سجادی در مقدمه کتاب طبقه‌بندی علوم در تمدن اسلامی می‌نویسد :

مسأله طبقه‌بندی علوم در تمدن علمی اسلامی بدنبال نقل علوم عقلی و منطقی از یونان به عالم اسلام مورد توجه دانشمندان اسلامی واقع شد .

در منطق صوری که میراث یونانیان است نخست مسأله معرفت و حدود آن مورد بحث قرار می‌گیرد و سپس طبقه‌بندی مسائل و قضایا و تصورات و تصدیقات و بالاخره قیاسات و بدنبال آن در مقدمه کتب فلسفی با توجه به مفاهیم کلی ، نوعی تقسیم بندی و طبقه‌بندی از علوم بشری به حکمت عملی و نظری دیده می‌شود و سپس مباحث دیگر به عنوان فصول یا کتاب مورد توجه واقع می‌شود .^۱

اینطور نیست که برای اولین بار یونانیان علوم را طبقه‌بندی کرده باشند ، بلکه سرتاسر کتب کتابداران غربی گویای این حقیقت

۱ - طبقه‌بندی علوم در تمدن اسلامی ، سید محمد صادق سجادی ، مقدمه

است که طبقه بندی علوم در دنیای باستان توسط همه ملل متمدن انجام گرفته است و حتی بسیاری از مسایل کلی آن طبقه بندیها را توضیح داده اند که در «تاریخچه رده بندی» در مقدمه ، نمونه هایی از این سخنان را خواندید.^۱

بلکه علوم و دانشهای ملل مختلف ، از جمله یونانیان ، در تلاقی اسلام با آنان به دست مسلمانان افتاد و آنها با عشق و علاقه این علوم را در کشورهای اسلامی بسط و گسترش دادند و به اوج کمال رساندند . سپس نتیجه این تلاش به صورت غذای کاملاً آماده طی جنگهای صلیبی در دسترس اروپاییان قرار گرفت و پس از رنسانس ستونهای علمی و صنعتی اروپا را بوجود آورد .

پس وقتی امثال مرحوم طاهری عراقی می گویند :

طبقه بندی علوم که نخست فلاسفه یونان بدان پرداخته بودند ، در تمدن اسلامی نیز مورد توجه حکما قرار گرفت و علم طبقه بندی علوم ، که طامش کبری زاده آن را با نام «علم تقاسیم العلوم» یکی از علوم سیصد گانه می شمرد ، یکی از فروع فلسفه شد .^۲

۱ - مقدمه و بخش اول کتاب هنوز آماده چاپ نشده است و چون باقتضا.

ضرورت ، بخش دوم آن آماده چاپ شد ، فرصت تغییر جملات پیش نیامد .

۲ - رده BP اسلام ، احمد طاهری عراقی ، مقدمه ، ص ۱۷ .

بی‌گمان منظورش نخستین طبقه‌بندی است که به دست مسلمانان افتاد و همین معنا مراد نویسنده محترم این سخن نیز هست: «ارسطو اولین فیلسوفی است که علوم را طبقه‌بندی کرد.»^۱ چون همین نویسنده در جای دیگری طبقه‌بندی علوم را در کتابخانه آشوربانیپال یادآور شده^۲ و این گفته را که «نظم اولین قانون آسمانی است»^۳ به شدت تأیید و تصدیق می‌کند.^۴ همچنین وی معتقد است که بالضروره انسان اولیه دست به طبقه‌بندی اشیا زده بود و در اثبات این سخن، این جمله را از ریچاردسون^۵ نقل می‌کند: «طبقه‌بندی میمون را به انسان مبدل ساخت.»^۶ بنابر این مسلم و مبرهن است که فلسفه یونانی از فیلتز مسلمانان عبور کرده و بدست اروپاییان رسیده است. حتی این مسئله با فاصله زمانی بسیار طولانی در بین رده‌بندی ارسطو و رده‌بندیهای معروف قرن پانزدهم و شانزدهم نیز به وضوح مشاهده می‌شود. جیمز تامپسون علاوه بر بررسی تاریخی رده‌بندی و فهرستنویسی در دروه باستان و سخن از

۱ - دانستنیهای کتابداری، ناصر مظاهری تهرانی و محمدهادی فقیهی، ص ۱۶۹.

۲ - همان مدرک، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.

۳ - همان.

۴ - همان.

5 - Richardson

۶ - همان.

رده بندی علوم در کتابخانه آشوربانیپال ، نینوا ، اسکندریه و کالیماخوس ، اولین طرح رده بندی علوم را (همان طور که قبلاً بیان شد) به کنراد گستر نسبت می دهد . در حالی که فاصله میان گستر و ارسطو بیش از هزار و هفتصد سال است . همچنین فاصله میان ارسطو و بیکن (که فلسفه طرح وی ، پایه طرحهای بعدی قرار گرفته است) از فاصله مذکور نیز بیشتر است .

توجیه این فاصله زمانی همان است که پیشتر تبیین شد . یعنی در این برهه از زمان ؛ تاریخ ، وضع اروپا را به صورت مللی منحط ثبت کرده ، در حالی که همان زمان در مشرق جهان ، انفجاری رخ داد و شعاع نور معرفت به اطراف و اکناف تابید و مسلمانان به رهنمودهای این نور پرتلاش ، گوهر دانش را یافته و به ابزار خرد سفتند و آنگاه که در اثر بی کفایتی زمامداران خودسر ، به قهر دشمنان کینه توز پراکنده شدند ، اندوخته های خود را به غاصبان غالب واگذاشتند . آنها نیز آنچه را که به کارشان می آمد بردند و الباقی را سوزاندند .

انواع رده بندی

تمهیدی که گذشت برای این منظور بود که بگوییم هرچه در

لابلای اوراق مربوط به رده‌بندی علوم و یا شناخت‌شناسی در تمدن اسلامی یا غیر اسلامی تفحص کنیم ، علی‌الظاهر همچنان به یک منبع می‌رسیم و همگان یک خانه را نشان می‌دهند و آن فلسفه یونانی است که ریشه در همه رده‌بندیهای علوم دوانیده است . به نظر استاد جعفر سبحانی^۱ «وقتی مسلمانان دویست مسئله فلسفی را از یونانیان گرفتند و به بیش از هفتصد مسأله ، افزایش دادند، با وجود ابداعات بسیار ، هیچ تغییری در ساختار و بافت فلسفه ندادند» ، باین وصف یافتن رد پای فلسفه یونانی در رده‌بندیهای دوره اسلامی ، بسیار ساده خواهد بود . آقای سجادی . نیز به عنصر فلسفه یونانی در رده‌بندی علوم در تمدن اسلامی توجه دارد . وی می‌نویسد :

اما کوشش مسلمین برای طبقه‌بندی علم از قرن سوم با کار «الکندی» آغاز شد . البته همانطور که ذکر شد ، بیشتر ، طبقه‌بندی ارسطویی پایه و اساس بوده است همانطور که تحقیقات فلسفی مسلمین در ابتدا بر اساس فلسفه ارسطو قرار داشته است .^۲

-
- ۱ - هستی شناسی در مکتب صدرالمألهین ، استاد جعفر سبحانی ، چاپ دوم ، ص ۱۲ .
- ۲ - طبقه‌بندی علوم در تمدن اسلامی ، سید محمد صادق سجادی ، ص ۷۶ ، ۸۲ و ۸۳ .

در حقیقت فارابی نخستین کسی است که در اسلام علوم را به طریق امروز طبقه بندی کرده است و حدود هر یک را نشان داده است. این کتاب (احصاء العلوم) پا را از دنیای اسلام فراتر گذاشته و در مدارس مختلف غربی تدریس می شده است. . . به هر حال چون اساس و بنیای کار بیشتر حکما و مخصوصاً متقدمین بر طبقه بندی ارسطویی بوده است و بیشتر دانشمندان، علوم فلسفی و یا بطور کلی علوم را بدو دسته نظری و عملی تقسیم نموده اند، فارابی نیز همان روش را در مواردی که مربوط به علوم دخیله یعنی علوم غیر عری و شرعی بوده است ملحوظ داشته و حتی در بخش حکمت نظری، الهیات را در مرتبه سوم و پس از طبیعیات آورده است یعنی دقیقاً روش ارسطو را که مابعدالطبیعه را پس از طبیعیات قرار داد عمل کرده است.^۱

بدین ترتیب در تمام طبقه بندیها، حتی آن دسته از طبقه بندیهایی که دانشمندان و فلاسفه اسلامی مثل ابن سینا، بیرونی، خوارزمی، کبری زاد، تهانوی و . . . طرح کرده اند، نشانی از طبقه بندی ارسطویی می توان یافت.

البته خانه ای دیگر نیز وجود دارد که بسیار غنیتر و با گنجینه های نفیستری می تواند مایه های علمی عرضه کند. ولی در

۱ - طبقه بندی علوم در تمدن اسلامی، سید محمد صادق سجادی، ص ۷۶،

یافتن آن خانه چندان دقتی نشده است . علت آن نیز برای آگاهان روشن است . منظور ما از آن خانه دیگر ، همان خانه «وحی» است . آقای دکتر سجادی نیز به این نکته اشاره کرده است :

علماء و فیلسوفان اسلامی نیز از همان ابتدای تکوین فرهنگ عمیق اسلامی با اهمیت طبقه بندی و ایجاد سلسله مراتب علمی پی برده و بواسطه بسط همه جانبه علوم عقلی و نقلی و با توجه به اینکه فیلسوف بناچار باید در تمامی علوم عصر خود ممتاز باشد ، آنرا طبقه بندی کرده و مرحله به مرحله توضیح داده‌اند .

سلسله مراتب معرفت و علم در اسلام همیشه دارای یک محور و یک فراز وابسته به شعب گوناگون علمی بوده است بدین معنی که علمای اسلامی همواره از دیدگاه «وحی» و «نبوت» و «وحدانیت» به مراتب علوم می‌پرداختند و از بالاترین و عظیم‌ترین نمودهای معرفت که همانا «معرف به ذات حق و وحدانیت او» است شروع می‌نمودند و با یک سیر نزولی که در خلال آن وحدت علوم نیز بوضوح به چشم می‌خورد پلکان معرفت را می‌پیمودند . اما عارف را از این معنا استثنا می‌کنیم چرا که تنها اوست که تمام کائنات را در مقام یک «اشعه» و یک «نمود» منبعث از «بود» حقیقی می‌داند و همه چیز را به همان صورت موجود می‌بیند

و خود را مستغنی ازین مقولات می‌داند و وحدت حقیقی و اساسی خود را می‌جوید.^۱

در اینجا نه قصد تأیید کلام ایشان را داریم که می‌گوید: «...» .
با یک سیر نزولی که در خلال آن وحدت علوم نیز به وضوح به چشم می‌خورد، پلکان معرفت را می‌پیمودند» و نه تخطئه نظر آن جناب را اراده کرده‌ایم، بلکه صرفاً به ریشه‌های ممکن الوجود در رده‌بندیهای مطرح شده نظر داریم که یا از «فلسفه ارسطویی، سرچشمه گرفته و یا از «وحی» بهره برده است.

اما طرح رده‌بندی علوم، که فقط از مایه‌های پاک وحی سیراب شود، تاکنون به عرصه ظهور نرسیده و یا به دست نگارنده نرسیده است.

ناگفته نماند که ممکن است در طرحهای رده‌بندی چینیها و یا روسها پایه‌های دیگری نیز نمود داشته باشد، لکن به دلیل کمبود منابع قابل دسترسی، اطلاع دقیقی از آن شیوه‌ها در دست نیست. چنانچه رده‌بندی گولون نیز که ارمغان هند است، تا حد قابل ملاحظه‌ای از پایه فلسفی یونان دور است، اما در نشانه گذاری و ترقیم، حروف لاتین را که میراث یونانیان است، نیز

۱- مدرک سابق، ص ۷۵ و ۷۶.

برگزیده و همراه سایر علایم عمومی مورد استفاده قرار داده است .

اکنون پس از معلوم شدن وجود صبغه‌ای از فلسفه یونانی در کلیه طرحهای رده‌بندی علوم ، نکته پیش گفته‌ای یادآوری می‌شود . و آن اینکه از زمان ارسطو تا طرح بیکن ، چه در غرب و چه در شرق ، هرکه طرحی جهت طبقه‌بندی علوم ارائه داده است ، الهیات و فلسفه را در صدر جدول قرار نداده ، مگر آنان که با روح کلیسایی چشم گشوده و زبان باز کرده‌اند .

این دسته ، اغلب در قرون وسطا طرحهای خود را پایه گذاشته‌اند که اوج قدرت کلیسا و عصر تعصبات مذهبی و اختلافات نژادی بود . اما همان طور که از دیگر کتابداران ایرانی و غیر ایرانی نقل شد ، در فلسفه ارسطو طبیعیات مقدم بر مابعدالطبیعه می‌باشد و موضوعاتی چون فلسفه و الهیات در صدر جدول قرار ندارد . عمده طرحهای مسلمانان نیز در همین چارچوب با ابداعات بیشتر تدوین شده بود که از آن جمله است طرح فارابی ، الکندی ، خوارزمی ، تهانوی ، کبری‌زاده و طبقه‌بندی که اخوان الصفا آراسته بودند . لیکن از زمانی که هاریس طرح بیکن را وارونه کرد ، در همه طرحهای متأخر از هاریس ، فلسفه را مبتنی بر طرح وی در صدر جدول قرار دادند .

علل گرایش به فلسفه یونان و ارتباط آن با طبقه بندی علوم

می دانیم که طبقه بندی علوم و به تبع آن طبقه بندی کتب ، به نوعی با فلسفه ارتباط دارد . منشأ این ارتباط نه به این خاطر است که بقول امثال کنت و اسپنسر ، علوم از فلسفه زاییده شده اند و یا به قول دکارت ، حس را راهی به سوی درک حقیقت نیست و فلسفه مشعل فروزان راه وصول به حقیقت است . حتی کسانی که برای فلسفه وظیفه تعیین می کنند و می گویند : «وظیفه خاص فلسفه هماهنگ کردن سایر رشته های دانش برای مرتبط ساختن علوم در یک کل واحد است» ،^۱ نمی توانند این ارتباط را به روشنی نشان دهند .

نظریه «تنه و شاخه»^۲ نیز که فلسفه را خلع سلاح کرده است و برای هر علمی موضوعی خاص معرفی کرده و فلسفه را پدری

۱ - گزیده ای از مقالات استیس ، والتر تونس استیس ، ترجمه عبدالحسین

آذرنگ ، ص ۶۱ - ۶۰ .

۲ - همان .

بی‌فرزند می‌داند که تربیت یتیم‌های بی‌پدر را به عهده دارد، باز نمی‌تواند در بیان ارتباط فلسفه با طبقه‌بندی علوم سهمی داشته باشد. شاید تصور شود که مردود شناخته شدن ظاهری نظریه‌های قرن هیجدهم و نوزدهم در نزد فلاسفه معاصر که در اواخر قرن بیستم به فرضیه‌های جدیدی در سایه تکنولوژی دست یافتند، کمکی در حل این معما باشد و در این میان نظریه والتر استیس که با زبان ساده و مردم‌پسند، نظریه اسلاف خود را سخیف می‌شمارد، جلب توجه کند، اما قول به اینکه «فلسفه به جستجوی اصول غایی است»^۱ و یا موضوع آن «ارزشیابی» است، که به نوعی اصلاح یافته آراء به خاک سپرده شده گذشتگان می‌تواند باشد، گویای منشأ این ارتباط نیست.

اگر کسی وسواس به خرج دهد و در میان حکما و فلاسفه معاصر، کشکول به دست بگردد و برای باز کردن قفل ارتباط، کلید نهایی نظریه‌های هر کدام را دریافت کند، محصولش بجز بار سنگینی بر دوش نخواهد بود. البته لازمه این سخن فرار از بحث یا القاء یأس نیست، بلکه غرض نشان دادن تشتت آرائی است که گاهی به جای راهنما شدن، راه بند می‌شود.

اگر کسی سؤال کند: نظر نگارنده چیست؟ جواب خواهد

شنید : نگارنده فیلسوف نیست .

این سؤال و جواب بسیار ساده برگزار شد . چون مسئله بسیار ساده است . و آن اینکه فلاسفه همیشه بر این نکته تکیه دارند که عامه مردم تصویر روشنی از فلسفه و فیلسوف ندارند و هر قشری از مردم ، تفسیری افسانه‌ای از فلسفه بافته است . حتی برخی سخن را ارتقا داده و می‌گویند : « کسانی که تحصیلات عالی دارند . . اگر فلسفه را با کف بینی یا علوم خفیه خلط نکنند ، به هر حال بر سبیل عادت آن را مبهم ، گزافه گو ، یا نوعی مجادله مغلطه‌آلود ، یا گونه‌ای پرسش وسیع ، ابهام‌دار و شاید پاسخ ناپذیر در باره جهان بشمار آورند . »^۱ بر این اساس آنچه فیلسوف می‌گوید برای غیر فیلسوف قابل درک نیست و آنچه غیر فیلسوف می‌گوید ، فیلسوف را به کار نیاید . پس بعید نیست که کلید معما در قعر شکافی افتاده باشد که میان فیلسوف و غیر فیلسوف به وجود آمده است .

اما کسی سؤال نمی‌کند که منشأ وجود این شکاف چیست ؟ آیا فیلسوف از غیر فیلسوف فاصله می‌گیرد یا غیر فیلسوف از قافله فلاسفه (که شاید در پی کشف حقیقت هستند) عقب می‌ماند .

عجیب اینکه فلاسفه آشکارا بر عقل تکیه می‌کنند و کاری به عالم غیب ندارند. با این همه در نظر آنها هیچ عاقلی به پای آنان نمی‌رسد، و پیامشان را درک نمی‌کند. ولی انبیاء از عالم غیب می‌گویند و پیامشان برای همه قابل درک است. چرا میان نبی و غیر نبی فاصله‌ای و شکافی نیست؟

تصور نشود که از موضوع سخن دور شدیم. چون برای یافتن ارتباط طبقه‌بندی علوم با فلسفه، آن هم فلسفه یونانی، چاره‌ای جز کشف علل گرایش به فلسفه نداریم.

از داستان طولانی که محمدعلی فروغی پس از سیر در حکمت دو هزار و پانصد ساله اروپا نقل می‌کند، می‌توان به نشانه‌هایی چند در زمینه عوامل گرایش به فلسفه، دست یافت. هر چند که دهها کتاب دیگر نیز این استفاده را ممکن می‌سازد، ولی رسیدگی به همه آنها در این مختصر، رشته سخن را از کف برون می‌کند.

اگر قبل از بیان شواهد گفته شود که فلسفه طی قرون متمادی ماهیت خود را از دست داده و به یک حوزه بی‌محتوا مبدل گشته و جذابیت فریبنده، جایگزین چهره واقعی آن گردیده است، تصور شود که این سخن نیست مگر از روی بدبینی و سرچشمه‌اش همان ابهام در شناخت فلسفه می‌باشد. لذا بدون تصدیق هیچ پیش فرضی، حداقل از پنجره‌ای که

مرحوم فروغی به حوزه فلسفه نگریسته ، نگاهی بسیار گذرا ، ولی ضروری ، به سوی این ارمغان کهنه خواهیم داشت :

دیدگاه فروغی

فاصله زمانی ظهور حضرت عیسی و حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیهما السلام) به طول انجامید . رهبران دینی یهودیان به فساد گراییدند و در دین یهودی دست به تحریفات وسیعی زدند . در بسیاری از نقاط متمدن جهان ، دین از متن جامعه رخت بسته بود و در میان پیروان ادیان نیز رنگ باخته بود . جهان در یک خلأ فکری بسر می برد . آنان که هنوز از فطرت سالم برخوردار بودند به رسول باطن (عقل) پناه بردند .

فروغی سخن خود را از حدود ششصد سال پیش از میلاد مسیح آغاز می کند و می گوید : کسانی در یونان به عرصه ظهور رسیدند «که در پی بیان آثار طبیعت ، درک حقیقت عالم آفرینش و در جستجوی وجود اصیلی بوده اند که تظاهرات او عالم کون و فساد و تغییرات را پدیدار می سازد .»

فلسفه در جستجوی حقیقت

اما آنها که از ارتباط نزدیک با وحی محروم بودند ، بناچار

از جانشین شرع ، که همان عقل است ، بهره گرفتند . و هر کدام بر حسب کشش و ظرفیت خویش نظریه‌هایی ابراز داشتند . بعضی مانند ثالث ملطی ، رطوبت (آب) را «ماده‌المواد» یا مایه حقیقی موجودات پنداشت ، و بعضی مثل انکسیمانوس ، هوا را و برخی دیگر مانند هرقلیطوس ، آتش را و امثال فیثاغورس ، که در ریاضیات تبحر داشت ، عدد را اصل وجود پنداشتند و همه امور را نتیجه ترکیب اعداد و نسبت‌های آنها دانستند . تا نوبت به انبذفلس رسید که تحت تأثیر افکار اطباء ، عناصر چهارگانه را مایه حیات و حقیقت جهان خواند . ذیمقراطیس معتقد بود که جهان و همه اجسام مرکب از «ذرات کوچک تجزیه ناپذیر» است . بعد از او انکساغورس نظر بدیعی داد و گفت : «هر چیزی تخمه‌ای دارد و تخمه همه اشیا در همه اشیا موجود است و ناظم امور عالم عقل است .» این سخن ، به نظریه «ژنتیک» امروز نزدیکتر می‌باشد . اما جستجوی حقیقت همچنان ادامه داشت تا هرقلیطوس چنان مستغرق عالم بی‌قراری و تغییر گردید که وجود را نفی کرد و «حرکت» را اصل و حقیقت عالم پنداشت . تا بالاخره کسینوفانوس ظاهر شد و خداوندان متعدد یونانیان و آراء ناپخته حکمای قبل از خود را به استهزا گرفت . او همه را به سوی خدای یگانه دعوت کرد و کاملاً موحد بود . ولی همچنان که ادیان آسمانی از خطر تحریف و تغییر

مصون نمی‌ماندند، نظریه‌ها و کاخ زیبای عقایدی که او ساخته بود با گذشت زمان ویران شد. در آن زمان حدود دویست سال یونانیان بدون دسترسی به پیغمبری، تحت تأثیر فطرت خداجوی خود، تلاشهای علمی فراوانی کردند، تا اینکه در اواخر سده پنجم قبل از میلاد کسانی از یافتن حقیقت مایوس گردیدند و طایفه «سوفسطایی» که در ابتدا مردمی «دانشور» بودند، پدیدار گشت. بعضی از سران شناخته شده آنها امثال افرودیقوس، گورگیاس و پروتاغورس منکر حقیقت شدند.

این وضع سخت افکار را آشفته کرد تا در سده چهار پیش از میلاد سقراط، افلاطون و ارسطو قدم به عرصه وجود نهادند. در دیگر نقاط جهان نیز وضع به همین منوال بود که رسیدگی به همه آنها کتابی دیگر می‌طلبد.

هر سه حکیم، دانش حکمای پیش از خود را گرفته و بدقت مورد توجه قرار دادند و به تدریج اصول و قواعدی را استخراج کردند که مایه و پایه شناخت آنان از اسرار جهان هستی شد. اما طولی نکشید که به دنبال آنان باز دوره فترت رسید و امثال کلیسا، رواقیان و شکاکان مسیر تحقیقات را از جامعه به بیابانها بردند و از تعقل به نوعی عرفان کشاندند و ریاضت را جانشین تفکر کردند.

این زمان بگذشت و خالق عالم از روی رحم و شفقت

راهنمای بزرگی به سوی مردم فرستاد. حضرت عیسی (ع) رنج فراوان برد تا دین خدا را رواج بخشید. اما پس از او انجیل هم سرنوشت تورات را پیدا کرد و بازیچه دست مشتی دنیاطلب واقع شد و همان افکار چند خدایی به صورت «تثلیث» ظاهر شد.

قریب پانصد سال پس از میلاد، امپراتوری روم غربی که در اثر تهاجمات پی در پی بربرها و ژرمن‌ها به دو ناحیه غربی و شرقی تقسیم شده بود، سقوط کرد. از این تاریخ به مدت تقریباً هزار سال، ظلمت جهل جای نور دانش را در غرب گرفته بود و کلیسا که به دلایلی محل امن بود، می‌خواست در آن واحد، هم پای خود را در جای پای دانشمندان بگذارد و هم خلأ قدرت امپراتوری از دست رفته را پر کند. اما کلیسا به راهی که انتخاب کرده بود، نه ایمان داشت و نه در کسب آن توانا بود. همین احساس عجز و ضعف به عقده سنگینی تبدیل شد که هزار سال اروپا را کوبید.

در این زمان طولانی بندرت مردانی در اروپا یافت می‌شدند. که اندکی از فلسفه یونان بهره برده بودند آن هم بدست کلیسا می‌افتاد و گردانندگان کلیسا، همچنان که حق دخالت در هر امری حتی امور شخصی مردم را برای خود حفظ کرده بودند، با نادانی، فلسفه‌ای برای آرمانهای خود ساختند که چهره‌ای

کریه و غریب داشت .

نتیجه همین کوبیدن دانش و دانشمندان ، تفتیش عقاید ، تبعیدها ، شکنجه‌ها و زنده زنده سوزاندن متفکرین مانند وائینی ایتالیایی ، پیرلارامه ، راموس فرانسوی ، اتین دوله ، جیور دانوبرونه و . . . موجب پیدایش انقلابی بزرگ شد که «رنسانس» نام گرفت .

فلسفه جدیدی که در پس این تحولات پدیدار شد ، دست به دست گشته بود و خوب یا بد ، آن چیزی نبود که انسان سرگشته را از میان خدایان متعدد به سوی خدای یگانه بخواند . این بار فلسفه چه چیزی بود و در پی کدام حقیقت تلاش می‌کرد ، به همان مقدر برای فلاسفه روشن گردید که در تعیین موضوع فلسفه می‌توان دید .

به نظر می‌رسد انتقال میراث یونانیان به مسلمانان نیز به این سادگی نبوده است . یعنی نمی‌توان باور کرد که آنها به خاطر کشف حقیقت و درک رمز بقا و یا به منظور تفسیر ماهیت خالق عالم و در پی دسترسی به اسرار جهان هستی ، به فلسفه یونانی رو آوردند . اگر از ما بپذیرید باید بگوییم ، خلفای عباسی در قرن دوم و سوم به این نتیجه رسیدند که فقط با زور و کشتار نمی‌توان پایه‌های حاکمیت خود را حفظ کرد و کم کم پی به ارزش دانش و دانشمندان بردند . اما همان طور که حق حکومت الله را انکار کرده و حق خلافت را از ائمه طاهرین

علیهم السلام گرفته بودند ، نمی‌توانستند دانش را نیز فقط در خانه‌های آنان ببینند . لذا جمعی از باسوادهای یهودیان ، نسطوریان و صابثیان حران را که به زبانهای یونانی عبرانی و سریانی تسلط داشتند و از اواخر خلافت امویان ، برای حفظ افکار تابعان خود در پی تراشیدن پیغمبری و اصولی بودند ، حمایت کرده و به ترجمه کتابهایی که در علوم طبیعی ، ریاضیات ، نجوم و طب بودند ، وادار کردند . این هدف را تا جایی تعقیب کردند که شخصیت‌هایی چون حجاج بن یوسف (سده دوم) ، ابوزید حنین بن اسحاق عبادی نسطوری (م ۲۶۴ق) و فرزندش اسحاق بن حنین (م ۲۹۸ق) ، ثابت بن قره صائبی حرانی (م ۲۸۸ق) ، سنان بن ثابت ، ابراهیم بن سنان و بنوموسی را مثل ائمه مذاهب اربعه ، به عنوان دو منبع بزرگ تأمین کننده نیازهای اساسی جامعه اسلامی در زمینه تفکرات عقلی برای اصول عقاید ، و رفتارهای عبادی برای آرامش دل ، جلوه دادند . برای نمونه ، ثابت بن قره به تنهایی بیش از سی کتاب از یونانی به عربی ترجمه کرده است .

بد نیست بدانیم که هانری گرین تأکید فراوان دارد بر اینکه امثال الکندی (معاصر با ثابت بن قره و اولین فیلسوف عرب) ، تحت تأثیر متون یونانی که به عربی ترجمه می‌شد ، بنای فلسفه خود را پایه گذاری کرد . حتی خود او مترجمان مسیحی و یهودی را به خدمت گرفته بود و با امکانات مالی فراوانی که خود و

پدرش در ارتباط با خاندان عباسی (مأمون و معتصم) داشت ، به روند این انتقال سرعت بخشید .

معلوم نیست چرا هانری کربن اصرار دارد که مهمترین معلم و استاد «فارابی» در علوم را «یوحنا بن حیلان» مسیحی رئیس بیت‌الحکمة (مرکز ترجمه متون یونانی) معرفی کند . البته هر کس به این سادگی نمی‌تواند شخصی چون فارابی را تربیت شدهٔ مکتب یونان و به دست اساتید مسیحی بداند ، ولی آثار وی به نظریهٔ هانری کربن یاری می‌رساند . ما اگر آراء اروپاییان را در مورد وجود فلسفهٔ یونان به عنوان نوعی مقابلهٔ ناشناخته با مکتب وحی در میان مسلمانان باور نکنیم ، حداقل نمی‌توانیم از تحقیقات و نظریه‌های اکابر و سران مسلمانان در این زمینه به سادگی گذر کنیم ، اما نه در حد افراط و بدبینی ، بلکه اگر برداشت صحیحی داشته باشیم ، دور نیست که بگوییم : علاوه بر جذابیت‌های علمی ، اغراض سیاسی و مذهبی درونی و برونی آن عصرها در امر ترجمهٔ متون یونانی بی‌تأثیر نبوده است .

اکنون برمی‌گردیم به اروپا در سدهٔ شانزدهم و شاهد ترجمه آثار یونانی از عربی به لاتین (به دلیل ناقص بودن زبان‌هایی چون انگلیسی ، آلمانی و فرانسه در آن زمان) می‌شویم . اما هیچ تشابهی میان فلسفهٔ بعد از رنسانس با فلسفهٔ عصر ظلمت

(قرون وسطی) و فلسفه قبل از میلاد با فلسفه بعد از میلاد نمی‌توانیم پیدا کنیم. یا نمی‌توانیم این تشابه را تشخیص دهیم و یا شاید فلاسفه این دوره (اسکولاستیک) نمی‌توانند فلسفه خود را گویا عرضه کنند. چقدر تفاوت هست در انتقال فلسفه از یونان به مسلمانان با انتقال آن از مسلمانان به اروپاییان!

اینجاست که می‌بینیم گویا فلسفه نیز می‌خواهد مانند تحولات سریع فنون و صنایع، یا مثل تغییر جامعه فئودال به تجارت و بازرگانی جهانی و شرکتهای چند ملیتی، و یا همچون تغییر چهره شهرها، چهره خود را عوض کند و لااقل به قول خود فلاسفه این دوره، تبدیل به یک واژه غیر قابل فهم شود و تنها کاری که می‌تواند بکند، نوعی دخالت در هر رشته از علوم باشد؛ آن هم بدون تعیین حد و مرز.

شاید فلسفه در دوره بعد از رنسانس تحت تأثیر دخالتهای کلیسا و یا حتی تحت تأثیر دخالتهای سیاسی و فیزیکی استعمارگران که نمی‌خواهند میدان دانش را خالی کنند، به ابزاری جهت دخالت در رشته‌های علمی گرایش یافته است. به قول ویل دورانت: «تمام اینها نشانه آن است که مسیحیت به همان سرعت رو به زوال می‌رود که دین یونانی پس از ظهور سوفسطاییان و «عصر روشنایی یونانی» می‌رفت. ولتر، پروتاگوراس بود و دیدرو ذیمقراطیس، کانت افلاطون بود و اسپنسر ارسطو و آنتون

فرانس ایپکور. زمان ما عصر شام و غروب خدایان است.»^۱
 اکنون پس از گشت و گذاری در پی ادوار فلسفه یونانی، گمان می‌رود اگر کسی مدعی شود که رابطه طبقه‌بندی علوم با فلسفه نیز از همین نوع رابطه‌هاست، تعجب نکنیم و سخن او را غریب نشماریم، اما فلسفه را هر طور که معنا و تعریف کنند، به تنهایی راه گشای مشکل ما نخواهد بود و ما در فصل آینده دست به دامن اولیای دین اسلام، که معدن اسرار خداوندگار عالمیان هستند، خواهیم شد. ان شاء الله.

معیار رده‌بندی علوم

مسئله مهمی که باید در بررسی رده‌بندی علوم مورد توجه قرار گیرد، این است که آیا تقسیم علم به شعبه‌های متعدد، در نظام‌های مورد بحث بر اساس معیار و مقیاسی مشخص قرار گرفته است یا همچنان دل بخواه و بی‌ملاک بوده است؟ در جواب به این سؤال باید گفت که بیشتر طبقه‌بندی‌های تأثیر پذیرفته از فلسفه ارسطویی، تقسیم علوم را با معیار شناخت

۱ - لذات فلسفه، ویل دورانت، ترجمه دکتر عباس زریاب خویی، چاپ.

سنجیده‌اند. به عبارت دیگر ابزارهای شناخت را منشأ تقسیم علوم قرار داده‌اند. حتی در فلسفه ارسطو که علم به نظری و عملی تقسیم می‌شود، اساس تقسیم، ابزار شناخت است. چون حصول شناخت در این مبنا، یا به وسیله ابزارهای حسی است و یا به وسیله عملیات ذهنی که نتیجه آن علم حصولی و علم حضوری می‌باشد. این نوع تقسیم بندی همان تقسیم‌بندی دو ارزشی است که در تمام مراحل، بین نفی و اثبات، علوم را تا آخرین جزء تقسیم می‌کند. شاهد بر این سخن نظریه آقای داودی است که رأی خود را با تأیید چند تن کتابدار غربی استحکام می‌بخشد. وی می‌نویسد:

در باره نظریه رده‌بندی، فلاسفه و کتابداران بزرگ نظرهای مختلفی ارائه کرده‌اند که در اینجا فشرده‌ای از بعضی از این نظریه‌ها بیان می‌شود. ارسطو را شاید بتوان نخستین متفکری دانست که در باره رده‌بندی نظر داد. به قول جان برنال: «بزرگترین و در عین حال خطرناکترین کار او همان اندیشه طبقه‌بندی بود که در سرتاسر کار او ظاهر گشت و در بن منطق او نیز خود نمائی کرد. او تنظیم اشیاء بر حسب تشابه و افتراق را که هنوز استعمال دارد ابداع کرد.^۱ ... اندیشه‌های قدیمتر در باره رده‌بندی کتاب

۱ - فصلنامه کتاب، دوره دوم، شماره اول تا چهارم، ص ۲۷۷.

همچنین به مقدار زیاد مدیون قوانین رده‌بندی است که به وسیله علمای منطق تدریس می‌شد. قانون اصلی این بود که رده‌بندی باید با کلیت دانش آغاز شود و سپس آن را می‌توان به رده‌ها تقسیم کرد. این فرایند تا تقسیم بندی کامل ادامه پیدا می‌کرد، اما تنها دو رده باید در هر مرحله از تقسیم بندی ظاهر می‌شد و یکی دیگری را نفی می‌کرد.

... این روش قرن نوزدهمی قطعاً محدودیتهایی را بر رده‌بندی کتاب تحمیل کرد. با وجود این برخی از این عقاید هنوز برای ما ارزشمند است.^۱

علاوه بر نظامهای دو ارزشی بازگفته شده، امثال بیکن، نیروهای معنوی را منشأ تقسیم علوم قرار می‌دهد که منجر به تقسیم علم به سه قسمت تاریخ، هنر و فلسفه می‌گردد. تا آنکه نوبت به دیوئی می‌رسد. او با عنایت به مسئله غامض انبوه کتابها، ناچار می‌شود طرح ویلیام توری هاریس را با اندک تغییری اقتباس کند و مبنای تقسیم را در واقع فقط نیاز روز قرار دهد. چون پیش فرض وی در کدگذاری استفاده از مبنای ده بوده است لذا بدون هیچ دلیل عقلی دیگر و یا پایه علمی قابل نقد، دانش را به ده طبقه تقسیم کرد.

۱ - همان مدرک، ص ۲۸۲.

چون تقسیم بندی دو ارزشی امکان تنظیم کتابها را با دقت و سهولت بدست نمی‌داد، به همین جهت در سده‌های نوزدهم و بیستم، هم نیاز فوری (آن هم نیاز آمریکاییان) مبنای تقسیم علوم واقع شده است و هم اهداف کلیسایی - که از قرون پیشتر رسوب داشته - و هم نیازها و خواسته‌های سیاسی. بنابراین رده‌بندیهای موجود به هیچ وجه معیار و ملاک علمی قابل نقد و بررسی ندارند. به طور مثال در طبقه‌بندی دیوئی معلوم نیست که آیا دانش بشر را یک مرتبه به ده قسمت تقسیم کرده و یا ابتدا به دو قسمت و سپس آن دو قسمت را به دو قسمت دیگر تا به ده رده اصلی قابل استخراج دست یافته است؟

گفته می‌شود که اصلا وی چنین فکری نداشته است، و اساسا دست به تقسیم‌بندی نزده است. فقط ده عنوان از موضوعات علوم را انتخاب کرده است. این سخن وقتی قابل توجه می‌شود که بار دیگر نگاهی به جدول مقایسه طرح دیوئی با طرحهای هاریس و بیکن داشته باشیم. با این مقایسه روشن می‌شود که وی فقط عنوان چند علم را اصلاح و جای آنها را عوض کرده است. پس در طرح دیوئی اگر قرار است مبنای علمی جستجو و نقد شود، همان مبنای بیکن است که قبلا مورد نقد کتابداران و غیر آنها قرار گرفت. خلاصه آن اینکه بیکن نمی‌تواند اثبات کند که علوم، فقط از آن سه نیروی

مذکور سرچشمه می‌گیرند. در حالی که اولاً نیروها در حصول علوم برای انسان، نقش مشترک دارند و ثانیاً در ابزارهای شناخت خواهد آمد که انسان برای شناخت، طرق متعددی دارد. وی اصلاً حواس را که ابتدایی‌ترین ابزار شناخت است، مورد توجه قرار نداده است. در حالی که فلسفه وی مبتنی بر حواس بود. همچنین قلب یا دل آگاهی که یکی از مهمترین ابزارهای شناخت می‌باشد، در طبقه‌بندی وی نقشی ندارد. در مورد حافظه نیز باید گفت که حافظه ابزار شناخت نیست، بلکه ابزار تخزین دانش است. با این بیان روشن می‌شود که پایه فلسفی بیکن مخدوش و غیر قابل قبول می‌باشد.

و با توجه به اینکه این پایه به ظاهر فلسفی در طرح دیوئی و ددهمی جهانی نیز موجود است، لذا آن دو نیز در ضعف و اشکال مانند طرح بیکن هستند. مضافاً اینکه طرح بیکن را معکوس کرده‌اند و علوم عقلی را مقدم بر علوم عملی و مادی و کاربردی نموده‌اند و در نتیجه به طرحی نامطلوبتر دست یافته‌اند.

اشکال دیگر طرح دیوئی این است که خشک و شکننده می‌باشد. اصولاً چرا باید دانش بشری در ده طبقه رده‌بندی شود؟ و چرا بیشتر یا کمتر نشود؟

این در حالی است که می‌بینیم امثال آمپر، آگوست گنت و اسپنسر، معیار بهتری اتخاذ کرده‌اند. مثلاً آمپر همان معیار دو ارزشی را به شیوه خاص خودش به کار گرفته و علوم را به جهانی و عقلانی تقسیم کرده و سپس هر دو را به چهار نوع دیگر تقسیم نموده که هر کدام نیز مجدداً به چهار شعبه و همین طور تا ۱۲۸ علم می‌شود. آمپر علوم جهانی را به علوم عقلانی مقدم می‌دارد. هر چند که اشکالات فراوانی در این طبقه‌بندی نیز به دلیل مبنای فلسفی ناستوار وجود دارد - که قبلاً نقل شد - ولی از طبقه‌بندی بیکن، هارس و دیوئی جامعتر است.

اما آگوست گنت تاریخ جدا شدن علوم از فلسفه را مد نظر قرار داده است. هر چند که به نظر بعضی وی قانون کلیت متنازل و تفصیل و پیچیدگی متصاعد را مبنای طبقه‌بندی خود قرار داده، ولی این امر جای گفتگو دارد. به طور مثال وی ریاضیات را مثل آمپر در صدر جدول قرار داده است و معیار این تقدم سادگی ریاضیات در نزد وی است، در حالی که اثبات سادگی ریاضیات از هیئت که در طبقات نازلتر قرار گرفته است، تکلف لازم دارد. با این همه، وابستگی هر علمی، به علم ماقبل خودش در محدوده علوم عقلی، به عنوان یک امتیاز، در طبقه‌بندی گنت کاملاً مشهود است.

اسپنسر با انتقاداتی که بر طبقه بندی کنت دارد ، روح طبقه بندی وی را در طرح خود رها نکرده است . وی علوم را به سه دسته قابل انتزاع ، نیمه انتزاعی و عینی تقسیم کرده است . و علوم انتزاعی را قبل از نیمه انتزاعی قرار داده و سپس در آخر جدول علوم عینی را آورده است . اگر طبقه بندیهای آمپر و اسپنسر را با طبقه بندی کنت مقایسه کنیم ، تشابه زیادی در میان آنها مشاهده خواهد شد:

طبقه بندی آمپر :	طبقه بندی آگوست کنت :	طبقه بندی اسپنسر :
۱- علوم ریاضی	۱- ریاضیات (جبر، حساب، هندسه)	۱- منطق
۲- علوم فیزیک	۲- هیئت	۲- ریاضیات
۳- علوم طبیعی	۳- فیزیک	۳- مکانیک (علم الحیل)
۴- علوم طبی	۴- شیمی	۴- فیزیک
۵- علوم فلسفی	۵- زیست شناسی	۵- شیمی
۶- علوم زبان و هنر	۶- جامعه شناسی	۶- ستاره شناسی
۷- علوم نژاد شناسی		۷- زمین شناسی
۸- علوم سیاسی		۸- زیست شناسی
		۹- روانشناسی
		۱۰- جامعه شناسی

اولاً در هر سه طبقه‌بندی جدایی علوم از فلسفه مطمح نظر بوده است. ثانیاً هر سه رده‌بند دانشهای موجود را که تدریس می‌شده است مورد توجه قرار داده‌اند و بی‌هیچ توجهی به طبقه‌بندی دانش بما هو دانش - بدون تعلق به قیودات خارجی - علم و دانش را در کمتر از ده طبقه محصور کرده‌اند. و پرواضح است که طرح رده‌بندی علوم باید جامع تمامی دانشها باشد، حتی علمی که هنوز پیراهن وجود، به تن نکرده‌اند. البته ممکن است در رده‌های فرعی بتوان با تعدیلهایی، رشته‌های جدید را قرار داد، لیکن مهم، امکان گسترش رده اصلی می‌باشد.

معیار ترتیب علوم

معیار و ضابطه ترتیب یافتن علوم اگر مهمتر از پایه تقسیم بندی علوم نباشد، کمتر از آن نخواهد بود. لذا باید گفت که مسئله دیگر در طرح رده‌بندی علوم تقدیم و تأخیر علمی بر علم دیگر است. به عبارت دیگر باید دانست که کدام دلیل، موجب ترتیب علوم در رده‌های اصلی می‌شود؟

در طرحهای قدیمی، که از فلسفه ارسطو تبعیت کرده‌اند، عینیات مقدم شده است. علت این تقدیم این بوده که در منطق

ارسطویی تعریف علم چنین است : حصول صورة الشئ فی العقل . او فی الذهن . و این بیشتر با ابزارهای حسی سر و کار دارد و لذا عینیات تقدم یافته است . چون شناختهای ابتدایی توسط حواس حاصل می شود . ارسطو نیز مباحث طبیعی را پیش از مباحث متافیزیک^۱ مطرح کرده است .

ولی در طرحهای قرون وسطایی به صرف اینکه علوم مربوط به شناخت خدا ارزش والایی دارند ، حق تقدم یافته اند . یعنی مبنای تقدیم و تأخیر (ترتیب علوم) ، ارزش و درجه علو آنها بوده است . بر همین اساس در این نوع طرحها همیشه الهیات و فلسفه قبل از هر علمی قرار می گیرد .

امثال آمپر ، کنت و اسپنسر نیز عنصر تاریخ-زمان جدایی علوم از

۱ - Metaphysics (انگلیسی) یا Metaphysique (فرانسسه) در لغت به معنی ماوراءطبیعت می باشد که عربها به مابعدالطبیعه معنی کرده اند . متافیزیک کلمه ای است مرکب از Meta به معنی ماوراء - بعد، و Physics به معنی ماده طبیعت . از آنجا که ارسطو و پیروان او در کتابهای خودشان مباحث فلسفی در پیرامون وجود را پس از مباحث طبیعی آورده اند ، در زبان لاتین قرون وسطی ، اروپاییان با الهام از ترجمه عربی (مابعدالطبیعه) اصطلاح متافیزیک را در انگلیسی میانه به کار برده اند و حرف "S" را به آخر Metaphysic اضافه کرده اند . امروزه متافیزیک به علم حکمت یا فلسفه اولی اطلاق می گردد . که شامل مسائل شناخت شناسی ، وجود و الهیات است .

فلسفه- را معیار ترتیب علوم قرار داده‌اند؛ هرچند به ارزش علم مقدم نیز توجه داشته‌اند. به این معنا که مثلاً ریاضیات ضمن اینکه پیش از سایر علوم از فلسفه جدا شده است، ارزش والاتری نیز نسبت به سایر دانشها دارد. حتی امثال دکارت این ارزش را برای ریاضیات آنچنان بالا برده است که می‌گوید: «روزی فرا خواهد رسید که علم عبارت خواهد شد از یکنوع ریاضیات کلی و عمومی...»^۱ اما بطلان این نظریه و امثال آن بر صاحب نظران، ظاهر است. همان طور که فلیسین شاله پس از نقل این نظریه، محال بودن آن را خاطر نشان ساخته است.

در قرن بیستم نیز یک بازگشت قهقرائی به این تفکر - تقدم علوم عقلی - وجود داشته که دیوئی و امثال آن طرح خود را با الهام از آن تفکر ترتیب داده‌اند. اما روشن نیست که چرا و بر اساس چه معیاری در طرح دهدهی، زاناشناسی باید بعد از جامعه شناسی قرار گیرد و ادبیات پس از علوم خالص، فنون عملی و هنرهای زیبا؛ یعنی یک رتبه به آخر و در طبقه نهم واقع شود.

با یک نگاه به طرح دیوئی می‌توان دریافت که هیچ نوع منطقی در ترتیب علوم رعایت نشده است و بعضی از علوم نیز که نباید

۱ - شناخت روشهای علوم یا فلسفه علمی، فلیسین شاله، ترجمه یحیی

مهدوی، چاپ سوم ۱۳۳۱، ص ۵۹.

در یک رده قرار گیرند ، بالا جبار در همدیگر ادغام شده‌اند . مثل تاریخ ، جغرافیا ، سفرنامه‌ها و شرح‌حالتها که تحت عنوان تاریخ واقع شده‌اند . یا تمامی علوم محض تحت طبقه علم قرار گرفته‌اند . همچنین روانشناسی - با اذعان به جدایی از فلسفه - گویا مجدداً برگشت داده شده و در طبقه فلسفه قرار گرفته است .

مورد مهم دیگر ، در تقسیم‌بندی موضوع ادیان مشاهده می‌شود . وقتی وی «ادیان» (۲۰۰) را به ده طبقه فرعی دیگر تقسیم کرده ، «مذهب طبیعی» (۲۱۰) را در صدر جدول قرار داده است . و پس از آن «انجیل» (۲۲۰) را و دو طبقه پس از آن ، «وظایف رهبران مذهب مسیح» (۲۵۰) ، «کلیسای مسیحی» (۲۶۰) و «کلیساهای فرقه‌های مسیحی» (۲۷۰) قرار گرفته است و در آخر این طبقه که خود ، فرعی از فروع «ادیان غیر مسیحی» (۲۹۰) می‌باشد ، «اسلام» (۲۷۹) واقع شده است . معنای این تقسیم‌بندی ، یعنی قرار گرفتن اسلام در طبقه هفتاد و نهم از رده‌ادیان .

این مسئله تعصب بسیار تند و خصومت بسیار شدید با اسلام را نشان می‌دهد . چنین استبدادی موجب از بین رفتن نظم و منطق در طرح دیوئی شده است . چون اگر تاریخ ظهور ادیان معیار ترتیب باشد ، چرا دین یهود را پس از دین مسیح قرار داده است؟ و اگر جمعیت تابع دین ملاک تقدم باشد ، پس چرا طبیعیون را مقدم کرده است؟ و اگر ارزش دین در توجه به نیازهای مادی و معنوی انسان

در طول زندگی ، معیار تقدم باشد ، چرا اسلام را در آخر از همه قرار داده است؟

بهتر است همین جدول ادیان را در اینجا بیاوریم تا خواننده خود توجهی به بی نظمی و تعصب آن داشته باشد .

۲۰۰ - ادیان

۲۱۰ - مذهب طبیعی (طبیعیون)

۲۲۰ - انجیل

۲۳۰ - خداشناسی نظری

۲۴۰ - خداشناسی عملی

۲۵۰ - وظایف رهبران مسیح

۲۶۰ - کلیسای مسیحی

۲۷۰ - تاریخ کلیسا

۲۸۰ - کلیساها و فرقه‌های مسیحی

۲۹۰ - ادیان غیر مسیحی

۲۹۵ - زرتشتی (مزدا ، پارسیان)

۲۹۶ - دین یهود

۲۹۷ - اسلام و مشتقات آن^۱

۱ - راهنمای کتابداران ، فرنگیس شفا «امید» ، ص ۹۸ .

البته عربها این همت را داشته‌اند که در جدول «دیانات» («۲۰۰») تغییراتی بدهند و شماره «۲۱۰» را به جای «۲۹۷» به «اسلام» اختصاص دهند. ولی آنها نیز در تقسیم سوم وقتی شماره «۲۷۰» (فقه المذاهب الاسلامیة) را تقسیم کرده‌اند، تعصّب به خرج داده‌اند. در ذیل، جدول مزبور آورده می‌شود:

۲۷۰ - فقه المذاهب الاسلامیة

۲۷۱ - الفقه علی المذاهب الاربعة

۲۷۲ - فقه المذهب المالکی

۲۷۳ - فقه المذهب الشافعی

۲۷۴ - فقه المذهب الحنفی

۲۷۵ - فقه المذهب الحنبلی

۲۷۶ - فقه المذهب السنیة الاخری

۲۷۷ - فقه الفرق الاسلامیة الاخری

۲۷۷/۱ شیعه

۲۷۷/۲ خوارج

۲۷۷/۳ فرق اخری

۲۷۸ - الفتاوی الاسلامیة

۲۷۹ - غیر مستخدم

تعصب در این تقسیم بندی ، کاملاً هویدا است و حتی معیار زمان که در ترتیب مذاهب به کار گرفته شده است ، در مذهب حنفی که مقدم بر شافعی است ، رعایت نشده است . مضافاً اینکه شیعه از جهت زمانی قبل از هر چهار مذهب می باشد و کاملاً واضح است که با وجود ظهور مذهب مالکی در اواخر قرن دوم هجری قمری ، تعصب اجازه نداده است که تشیع را در صدر جدول قرار دهند ؛ بلکه سعی کرده اند که در این جدول جایی برای شیعه نباشد و در جدول تفریعات چهارم ، شماره «۲۷۷» (فقه المذاهب الاسلامیه الاخری) را به «شیعه» «۱/۲۷۷» و «خوارج» «۲/۲۷۷» تقسیم کرده اند .^۱

اما کتابداران ایرانی همان رقم «۲۹۷» را برای اسلام پذیرفته اند و سپس گسترش موضوعات علوم اسلامی را با اعشار و شماره های بسیار طولانی انجام داده اند ؛ به طوری که اغلب موضوعها ، بیش از هفت رقم دارند و گاهی طول اندیسها از ده کاراکتر نیز تجاوز می کند . مشابه این قضیه در گسترش اسلام از رده بندی کنگره (BP) نیز وجود دارد .

به عبارت روشنتر طرح رده بندی کنگره نیز در تقسیم دانش

۱ - تصنیف دیوبی العشری و الکشاف النبی ، چاپ بیستم ، تعدیل یونس احمد اسماعیل الخاروف و قاسم محمد محمود الخالدی ، جلد اول .

بشری ، هیچ پایه علمی به کار نبرده است و هیچکس نمی تواند منطق مشخصی را از ترتیب علوم به دست آورد . جالبتر اینکه چون کنگره آمریکا با امور نظامی و دریانوردی و تاریخ کشورها و علوم سروکار داشته است ، آنها را برای نیازهای خود ، در جدول اول و رده اصلی قرار داده است . حتی به تاریخ ، سه رده اختصاص داده و به ترتیب «تاریخ علوم» "C" ، «تاریخ کشورهای جهان جز آمریکا» "D" و «تاریخ آمریکا» "E-F" در جدول اصلی و پس از «فلسفه و دین» قرار گرفته است .

با جمع بندی مطالب پیشین به این نتیجه می توان رسید که رده بندی امثال دیوئی و کنگره نه بر اساس پایه علمی به وجود آمده و نه بر اساس منطق صوری . نه ترتیب مطلوب دارد و نه تقسیم درست . نه بر اساس نیازهای جهانی تدوین شده و نه بر اساس خواسته های ملل عالم . نه جامعیت دارد و نه شمول . نه مناسب با دانش بشری است و نه موافق با وجود فیزیکی کتب . و صرفاً به دلیل اینکه آمریکایی هستند باید خوب باشند !

با این وصف سؤال این است : که آیا وظیفه حکم می کند که تابع این نظامها باشیم و برای خاطر نیازهای ملی و مذهبی خود در رده بندیهای مذکور تعدیل و تصحیحاتی صورت دهیم ؟ به عبارت دیگر دست به گسترش بعضی رده های آن نظامهای غربی بزنیم ؟ و یا اقدام به طرحی نو و نظامی جدید می تواند حق دانش و فرهنگ اسلامی را ادا نماید ؟

طراحی نظامی جدید یا گسترش رده‌های وابسته؟

شاید در بادی امر چنین به نظر برسد که طراحی نظامی جدید کاری صعب و طاقتفرسا است ، اما گسترش دادن رده‌هایی از نظام‌های موجود ، نیازها را در حد فعلی بر طرف می‌کند . بنابراین این چه لزومی برای طرح رده‌بندی علوم می‌توان یافت .

در حالی که دست اندرکاران این امر خود بهتر می‌دانند که اگر گسترش دادن یک رده بیش از طرح اولیه زحمت نداشته باشد ، کمتر از آن نخواهد داشت . از سوی دیگر در گسترش دادن رده‌ای از رده‌های طرحی که تناسب با نیازها و دانش‌های یک منطقه ، زبان و یا مذهب ندارد ، به مراتب سخت‌تر و با محدودتر از ریختن طرحی جدید است . چون در استوار ساختن طرح جدید ، از ابتدا دست رده‌بند باز است . گذشته از این می‌دانیم که وابستگی علمی ، مثل وابستگی اقتصادی یا نظامی ، فقرآور است ؛ خصوصاً اگر در ساختار نظام رده‌بندی انتخاب شده ، اهداف

سیاسی نیز منظور شده باشد . (با ادله قطعی آن اهداف سیاسی و مذهبی تعصبگرایانه را خواندید) در رده بندی دیوئی و کنگره ، تعصب و مذهبگرایی بوضوح دیده می شود ؛ به طوری که اصلا وقتی به سایر ادیان گذاشته نشده است . همچنان در زبان ، ادبیات و تاریخ نیز ملاحظات علمی و نیازهای جهانی و اصول منطقی مراعات نشده است .

مسئله بسیار مهمتر از آنچه ذکر شد این است که گفته شود : چه فرقی دارد که دین اسلام رده مستقل داشته باشد و یا در یکی از شعب فرعی رده های اصلی نظامی کاملاً استبدادی قرار گیرد ؟ یا زبان فارسی و عربی در چندمین رده فرعی واقع شود و زبان انگلیسی در رده اصلی ؟

جواب اینکه آنها به تحقیر دیگران می پردازند و ارزشی به خواسته های سایر ملل و مذاهب قایل نمی شوند و همیشه سعی دارند در کنار مسائل فرهنگی اهداف سیاسی خود را تأمین نمایند . در این راستا نیز از القاء هرگونه فرهنگ التقاطی کوتاهی نکرده اند .

اهداف سیاسی آمریکا ، حتی در امور بسیار ساده مثل ورزش ، بازرگانی ، کمکهای اقتصادی و مالی به کشورهای عقب افتاده هوید است . چه رسد به رده بندی علوم که نقش اساسی در بازیابی اطلاعات دارد و یکی از پایه های مهم نظام اطلاع رسانی در هر

کشوری می‌باشد .

گذشته از این ، آنها فرهنگ خاصی را به کشورهای آسیایی و . . . تحمیل می‌کنند که آن فرهنگ ، باور سهولت در مصرف و دشواری در ابداع است . امروزه همگان برای رقابت سعی در مصرف و تقلید دارند . زیرا این تفکر که «ابداع و تحقیق زمان و هزینه می‌خواهد پس مقرون به صرفه نیست» در نزد محققین هر رشته‌ای ، یک اصل شده است . به همین جهت با هزار تأسف دیده می‌شود که جامعه به سوی مصرف‌گرایی و تقلید سوق داده می‌شود و با گذشت زمان از ابداع و ابتکار دور می‌گردد . کشورهایایی که بازارهای جهانی را در دست دارند می‌گویند : اگر از صفر شروع کنید به جایی نمی‌رسید . درحالی که اگر در هر امری آنچه را که آمریکاییان زحمت تحقیق و ابداع آن را کشیده‌اند پذیرفته باشید ، به سرعت می‌توانید از آن بهره‌مند شوید و تازه همیشه پشتیبانی که فاکتور مهمی است ، به دنبال این انتخاب وجود دارد . مثلاً اگر بخواهید پتروشیمی بسازید ، چند سال صرف ساختمان و بعد تجهیزات و . . . می‌شود . نهایتاً نیز به تجربه‌ای خواهید رسید که آمریکاییان حاضر هستند به سهولت آن را در اختیار شما قرار دهند پس شما از محصولات آنها بهره‌مند شوید ، به شرطی که دست به ابداع نزنید .

پایه‌ریزی پروژه‌های صنعتی و اقتصادی مادر که به طور طبیعی

زمان و بودجه سنگینی را می‌طلبد ، گاهی با این نوع افکار سرکوب می‌گردد . در ریختن طرح رده‌بندی علوم نیز بسا پیش می‌آید که گفته می‌شود : تا ما بخواهیم خودمان را جمع و جور کنیم ، زمان از دست می‌رود و از قافله عقب می‌مانیم و مهم‌تر از اینها ، از امتیاز پشتیبانی بی‌بهره می‌شویم .

به چشم ظاهر بین زود باور ، شاید چنین استدلالی خوش آیند باشد ، ولی کدام عاقل نتیجه خودکفایی و استقلال را ، که هرچند دور و با زحمت حاصل شود ، بالذت زود گذر تقلید و وابستگی عوض می‌کند .

این استدلال مثل این می‌ماند که گفته شود بیایید بودجه چند میلیاردی کشور را به جای صرف در سد سازی به محصولات آماده کشاورزی بدهیم که آمریکا به ارزانترین قیمت در اختیارمان قرار می‌دهد . او آن قدر شیر دارد که آنها را می‌خرد و به دریا می‌ریزد تا گاوداران آمریکایی متضرر نشوند . پس چرا به قیمت نازل به ما نفروشد . همچنین سایر محصولات کشاورزی و دامداری . . . ، چرا چند سال گرانی و فقر را تحمل کنیم در حالی که به نصف این هزینه همه چیز به کمترین قیمت حاصل می‌شود .

اما چه کسی این استدلال را می‌پسندد ؟

به هر حال راهی نیست بجز ریختن طرحی درست و اصولی پایدار برای رده‌بندی علوم و دانش بر اساس نیازهای جهانی و طبیعی و فرهنگ غنی دینی و ملی ما. اما دیگران می‌پذیرند یا نه، مهم نیست؛ بلکه مهم آن است که نیازهای خودمان در درجه اول بر طرف می‌شود، و ثانیاً مستقل می‌شویم و ثالثاً از نوعی تحقیررهایی می‌یابیم و رابعاً در صورت واقعاً علمی و کاربردی بودن طرح، زمان و واقعیتها، ارزش آن را به دیگران نیز خواهد رساند.

مسئولیت طرح رده‌بندی علوم متوجه کیست؟

با توجه به اینکه باید طرح رده‌بندی علوم بر اساس پایه‌ای علمی و منطقی برای رفع نیازهای ملی و مذهبی کشور اسلامی ایران با حفظ اصول جهانی صورت انجام پذیرد، این سؤال پیش می‌آید که چه کسی و یا چه کسانی و یا کدام نهاد و ارگان و وزارتخانه باید این مهم را به عهده بگیرد؟ آیا اصلاً یک فرد می‌تواند چنین کار بزرگی را به تنهایی انجام دهد؟ یا کادری متخصص از رشته‌های مختلف لازم است؟ آیا در مدت

یکی - دو سال می‌توان به نتیجه رسید یا سالهای زیادی طول خواهد کشید؟

جواب این سؤال را با سؤال متقابل می‌توان پاسخ داد. به این معنا که می‌بینیم آمریکاییان با وجود طرحهای علمیتز از طرح دیوئی و کنگره در آن زمان، دست به کار طرح نظام جدید شدند. طرحها و نظامهای موجود در آمریکا، اروپا و آسیا، با وجود نظامهای معمول در کتابخانه‌ها به وجود آمده‌اند. آیا آن طرحها ظرف یکی - دو سال نتیجه دادند یا زمان زیادی طول کشید؟ آیا آنها را یک نفر به تنهایی به اتمام رساند یا کار گروهی بوده است؟

هر پاسخی که برای سؤالی فوق بدهید، جواب سؤال از این طرح جدید پیشنهادی نیز می‌تواند باشد. به نظر می‌رسد که نباید به امید ظهور یک شخصیت استثنائی روزگار سرکرد. چون توفیق دستیابی به بهترینها، همیشه در پی عمل بوده است و این همان رمز پیشرو بودن است که خانم پوری سلطانی، انجمن کتابداران ایران را بدان توصیف می‌کند.^۱

نگارنده مقاله خانم نوش‌آفرین انصاری را در دست ندارد تا

۱ - فصلنامه کتاب، دوره سوم، شماره اول تا چهارم، ص ۲۷۰.

بداند که چه پاسخی به سؤال خانم پوری سلطانی داده است .
 سؤالی که (چرا ما رانگاناتان نداریم؟) از روی درک واقعیتها
 مطرح شده است . سؤالی که لازم است ولی مانع نیست . بهتر
 است در اینجا رشته سخن را به دست خانم پوری سلطانی
 به سپاریم و پای درد دل ایشان بنشینیم .

مشغله من در آن موقع این بود که واقعاً «چرا ما
 رانگاناتان نداریم؟!» یعنی از این مسأله تعجب
 می‌کردم . اما به نظر می‌رسد که امروز دیگر تعجیبی
 ندارم . شاید به این علت که کم و بیش دلیلش برایم
 روشن شده است .^۱

گمان می‌رود که منظور وی فراهم شدن زمینه باشد .
 زمینه‌ای مناسب در فراخور چنین کار بزرگ ، بدست همه
 کتابداران و با اعلام فرصت از سوی همه مسؤلان .
 آری نامبرده با ناباوری می‌گوید :

آن موقع محال بود چنین روزی را باور داشته باشم .

آن روزها در این اندیشه بودم که اگر امروز رانگاناتان نداریم ، ده دوازده سال دیگر مسلماً خواهیم داشت . دریغ که بیست سال گذشت . . . باشد که در سالهای دورتر بهتر و بارزتر از رانگاناتانها داشته باشیم^۱ .

اشتباه نشود ، نگارنده هم نمی گوید رانگاناتان پیدا شده است ، بلکه می گوید باید دستها در دست هم قرار گیرند و با صمیمیت بار بزرگ و سنگینی را که بی شک یک نفر در زیر آن خرد می شود ، از زمین بردارند . همان طور که رانگاناتان نیز چنین کار سترگی را به تنهایی انجام نداد . بسیاری از متفکران هندی و حتی بریتانیایی وی را کمک کردند . دیوئی نیز تنها نبود و با یاری دهها استاد دانشگاه و کتابدار متخصص طرح خود را از هیچ به جایی رساند . طرح کنگره چهل سال طول کشید و در به وجود آوردن آن گروههای بسیار زیادی از متخصصین ، دانشمندان ، تکنسینها و کتابداران سهیم بودند .

خانم پوری سلطانی می گوید :

در هند با همه فقر ناشی از ازدیاد جمعیت که واقعا

دل آدمی را به درد می‌آورد ، رانگانان تنها نبود و تنها نیست . دهها نفر با او کار می‌کردند ، نظریاتش را دنبال می‌کردند و همپای او می‌نوشتند و تدریس می‌کردند .^۱

باید پرسید چرا در ایران چنین اجتماعی نشود و چرا کتابداران زحمتکش و دانش‌دوستان ایران با آن همه افتخارات ، قوای خود را در به وجود آوردن نظامی که یک ضرورت است نه انتخاب ؛ متمرکز نسازند ؟

در جواب با اطمینان می‌توان گفت که کتابداران دلسوز ایرانی با جدیت تمام در پی فرصتی هستند تا دین خود را به اسلام و ایران ادا کنند . هر چند که تاکنون نیز با همین قصد و بدون کمترین چشمداشتی خدمت کرده‌اند ، لیکن این بار عزمی راسختر برای کاری بزرگتر خواهند داشت . ان شاءالله .

سخن در این نیست که چه کسی و یا چه کسانی باید پا پیش نهند و یا کدام کتابخانه باید جلودار این قضیه باشد ، بلکه مهم شروع به کار و مطالعه در باره این حقیقت است که به همکاری همه کتابداران و همه کتابخانه‌ها و بلکه با یاری

همه مراکز و سازمانهای علمی و فرهنگی ، باید نظام رده‌بندی علوم ، به بهترین وجه و شیوه ، طراحی و تدوین شود .

در اینجا باید خاطرنشان شد که برخی از کتابداران اصرار دارند تا کتابخانه ملی را به عنوان مسؤول این امر معرفی نمایند . ولی آنان باید بدانند که کتابخانه ملی هم مثل هر تشکیلات و کتابخانه دیگری درگیر مشکلات داخلی خودش می‌باشد . به نظر می‌رسد که احاله تمام مسؤولیت - در این مسئله - به عهده کتابخانه ملی دور از انصاف باشد و نوعی فرار از مسؤولیت تلقی می‌شود . تازه باید ابتدا کتابداران این مهم را بعهدہ بگیرند تا مسؤولین دلسوز نظام مقدس جمهوری اسلامی نیز امکانات کتابخانه‌ها را در اختیارشان بگذارند . چون بار مسؤولیت این امر قبل از هر کس به دوش کتابداران است و در واقع کتابخانه‌ها و گردانندگان آنها امکانات انسانی نظام اطلاع‌رسانی هر کشوری محسوب می‌شوند که یکی از آنها هم کتابخانه ملی ایران می‌باشد .

همانطور که کتابداران زمانی در راستای وظایف شغلی مصمم به ایجاد مرکز خدمات کتابداری شدند و موفقیتی نیز کسب نمودند و یا پیشنهاد ادغام آن را در کتابخانه ملی دادند که عملی هم شد ، اکنون نیز باید کتابداران برای طرح و تدوین

نظام رده‌بندی علوم بر اساس ملاکهای عالی، علمی و عملی اقدام کنند و به موفقیت خودشان نیز امیدوار باشند.

اجازه دهید همین جا، قسمتهایی از سخنان خانم پوری سلطانی را در رابطه با عوامل پویایی کتابخانه‌ها و امکانات لازم در سازماندهی مدارک نقل کنیم.

ضعف کتابخانه‌های کشور بیش از همه معلول فقدان کتابداران متخصص بود و این امر طبیعتاً نارسائی‌های سازماندهی مدارک را موجب می‌شد. لذا حتی اگر کتابخانه‌ها یا مراکز اطلاعاتی جدیدی هم بر مبنای نیازهای روز بوجود می‌آمد، به علت نداشتن نظم و سازمان صحیح نمی‌توانست به اهداف خود دسترسی بیابد. به همین جهت مرکز مدارک علمی هم نمی‌توانست بدون برخورداری از خدمات فنی مدرن به حیات و خدمات خود ادامه دهد. با روشن شدن این مطلب همزمان با تأسیس مرکز اسناد و مدارک علمی، مرکز خدمات کتابداری نیز توسط وزارت علوم و آموزش عالی با هدفی زیر تأسیس شد...

وی در ادامه سخن اضافه می‌کند که کتابخانه ملی نیز به عنوان کتابخانه مادر دارای مشکلاتی در نوع خود می‌باشد. اکنون با

توجه به تحلیل وی از اوضاع کتابخانه ملی ، می توان جواب آن دسته را که انتظار اقدام کتابخانه ملی ، برای طرح رده بندی علوم را دارند ، از متن این گفتار ، به دست آورد :

... با اینهمه آنچه قبل از انقلاب همیشه مایه تأسف کتابداران متخصص بود دور نگهداشتن کتابخانه ملی ایران بود از کلیه پیشرفتهای کتابداری . کتابداران بخوبی می دانستند تا زمانی که کتابخانه ملی مملکت وظایف و اهداف خود را بدرستی انجام ندهد بهبود کتابخانه های دیگر ظاهری و بی ثبات است . چطور می شد مادر کتابخانه های کشور ضعیف و ناتوان باشد ولی بتواند کتابخانه های برومند و معتبر پرورش دهد . مرکز خدمات کتابداری دقیقاً به این خاطر بوجود آمده بود که ضعف های کتابخانه ملی را جبران کند . ولی متأسفانه این مرکز نوپا نتوانست در کتابخانه ملی که بندرت کتابدار متخصص در آن راه یافته بود نفوذ کند . مشکل اساسی مرکز خدمات کتابداری دسترسی نداشتن به مجموعه کتب فارسی و عربی منتشر شده در ایران بود که طی سالها در کتابخانه ملی جمع آوری شده بود . لذا غالباً مجبور بود برای انجام تحقیقات خود به منابع دست دوم مثل کتابشناسی ها و فهراس موجود که البته کامل نبود ، پناه ببرد .

... هنوز یک سال از انقلاب اسلامی ایران نگذشته بود که پیشنهاد ادغام مرکز خدمات کتابداری در کتابخانه ملی ایران مطرح و به وزیر فرهنگ و آموزش عالی وقت تقدیم شد.^۱

وانگهی این انتظار وقتی صحیح است که کتابخانه ملی امکانات انسانی و غیر انسانی جهت این امر را داشته باشد. تا پاپای رشد سریع کتابداری و اطلاع‌رسانی قدم بردارد. در حالی که نه تنها به اذعان کتابداران، چنین کادری را نداشته، بلکه کارهای پیچیده با توجه به وظایف سنگین آن کتابخانه مانع به روز رساندن امور فنی می‌شده است. لذا هنوز مشکلات فراوانی وجود دارد که ظاهراً به آنها بیشتر اولویت داده می‌شود. این موضوع را از مقاله آقای فرامرزمسعودی رئیس مرکز خدمات فنی کتابخانه ملی می‌توان استنباط کرد. وی تحت عنوان «مروری بر فعالیتهای کتابخانه ملی»، گزارشی از وضعیت فعلی کتابخانه ارائه می‌دهد تا مگر در تدوین برنامه‌های آتی کتابخانه ملی، رسیدگی به آن موارد در اولویت قرار گیرد. آقای مسعودی اظهار می‌دارد:

۱ - فصلنامه پیام کتابخانه، سال اول، شماره اول، ۱۳۷۰، ص ۳۲ و ۳۳.

یکی از وظایف مهم کتابخانه‌های ملی دنیا ، از جمله کتابخانه ملی ایران ، تدوین و اجرای فهرستنویسی و رده‌بندی منابع اطلاعاتی ، تدوین کتابشناسی‌های ملی و موضوعی و فهراس منابع مختلف و تهیه استانداردهای لازم به منظور هماهنگی و یکدست کردن فهراس کتابخانه‌هاست .

... بنابراین انتظار می‌رفته است که کتابخانه ملی ایران کانونی برای مطالعه و بررسی انواع رده‌بندی‌ها و شیوه‌های ضبط اطلاعات بوده و با توجه به ویژگیهای ملی ، زبانی ، دینی و فرهنگی ایران شیوه‌های مناسب فهرستنویسی و رده‌بندی را تدوین و ارائه کرده کتابخانه‌های کشور را از این لحاظ راهنمایی و هماهنگ سازد . گذری بر تاریخچه تحولات و شیوه‌های فهرستنویسی ، رده‌بندی و فنون کتابشناسی در ایران نشان می‌دهد که کتابخانه ملی در این میان نقشی انفعالی داشته است.

... در سده‌های اخیر ، به ویژه در قرن بیستم ، شیوه‌های جدیدی برای رده‌بندی و فهرستنویسی در دنیا عرضه شد که عمدتاً از سوی محافل و مجامع کتابداری غرب بوده است . کتابخانه ملی که در بدو تأسیس و حتی پیش از آن (۱۳۰۲ شمسی به نام کتابخانه معارف) امر فهرستنویسی و رده‌بندی را از وظایف اصلی خود می‌دانست ، در سالهای بعد در مقابل این یافته‌های

جدید علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی موضوعی منفعل و بی‌تفاوت اتخاذ کرد و به همان شیوه‌های سنتی بسنده نمود. در سالهای بعد دانشگاه تهران تدریس این شیوه‌ها را در دروس کتابداری خود گنجانید و مرکز خدمات کتابداری از سال ۱۳۴۷ عملاً به فهرستنویسی و رده‌بندی کتب با شیوه‌های جدید پرداخت. به تدریج کتابخانه‌های ایران از طریق آموزشهای دانشگاه تهران و مرکز خدمات کتابداری این شیوه‌ها را به کار گرفتند. کتابخانه ملی تا سال ۱۳۶۲ از به کارگیری شیوه‌های جدید پرهیز می‌کرد، اما هیچ دلیلی برای پرهیز خود بیان نکرد و با توجه به رواج و ابداع این شیوه‌ها در کشورهای دیگر خصوصاً کشورهای غربی هنگام تأسیس کتابخانه ملی در ایران، کتابخانه ملی نزدیک به ۴۶ سال در مقابل این شیوه‌ها سکوت اختیار کرد. سرانجام هنگامی که در سال ۱۳۶۲ با ادغام مرکز خدمات کتابداری در کتابخانه ملی، رده‌بندی‌های کنگره و دیویی به کتابخانه ملی ایران راه یافت، این کتابخانه ناگهان با حجم انبوه کتابهای فهرست نشده که در مدتی نزدیک به ۱۳۰ سال گرد آمده بود مواجه گشت. و به این ترتیب کتابخانه ملی نه تنها پیشتاز جریان سازماندهی در ایران نگردید بلکه سرانجام با ۲۰ سال تأخیر دنباله‌رو برخی نهادهای ذریبط در ایران گردید. انتظار می‌رفت پس از پذیرش شیوه‌های جدید در کتابخانه ملی، این کتابخانه کار سازماندهی را در دو

بعد جاری و گذشته به انجام رساند ، یعنی هر ساله ضمن سازماندهی منابع جدیدالورود ، بخشی از منابع پیشین را نیز سازماندهی کند تا به تدریج و پس از چند سال مجموعه کتابها سازمان یابد و کار فهرستنویسی به روز برسد . لیکن متأسفانه عکس این جریان اتفاق افتاد . بدین معنی هر ساله بخشی از منابع جدیدالورود به صورت فهرست نشده باقی ماند و به این ترتیب ، به جای اینکه هر ساله از مقدار مجموعه فهرست نشده کاسته شود به آن افزوده شد ، به گونه‌ای که در حال حاضر بیش از $\frac{2}{3}$ مجموعه کتابخانه به صورت فهرست نشده باقی مانده است .

در خصوص سازماندهی منابع غیر کتابی و غیر چاپی وضع از این هم بدتر است ، به طوری که می‌توان گفت در این حوزه تقریباً هیچ کاری انجام نشده است . در حوزه استاندارد سازی فهرستنویسی و طبقه‌بندی و نیز انطباق رده‌بندیهای غربی با اختصاصات ملی ، مذهبی و فرهنگی ایران ، و قبل از ادغام این مرکز صورت گرفته و پس از ادغام این مرکز در کتابخانه ملی ، چیزی به آنها افزوده نشده و حتی تداوم و ویرایش همان مقدار نیز توسط کتابخانه ملی با دشواری روبرو گردیده است .

در حوزه ماشینی کردن فهرس کتابخانه‌ها در ایران که از دهه ۱۳۵۰ آغاز شده بود نیز اگر چه انتظار می‌رفت

کتابخانه ملی ایران موضعگیری مناسبی داشته باشد و جریان کامپیوتری کردن کتابخانه‌ها را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد و هدایتگر کتابخانه‌ها در این خصوص باشد، همان موضع انفعالی رخ نمود و در این مدت بسیاری از مراکز اطلاعاتی و کتابخانه - درست یا غلط - کامپیوتر را در فعالیتهای خود وارد کردند. کتابخانه ملی با زمانی حدود ۲۰ سال تأخیر نسبت به کتابخانه‌های ایران و زمانی طولانی‌تر نسبت به ورود کامپیوتر در عرصه جهانی، سرانجام در سال ۱۳۷۰ نخستین تجربه خود را در این زمینه آغاز کرد. هم اکنون نیز جریان کامپیوتری کردن فهارس کتابخانه با مشکلات و دشواریهای جدی روبروست.

... حوزه اطلاع‌رسانی به مقدار زیادی متکی و مرتبط با حوزه‌های گردآوری و سازماندهی منابع است. وقتی کتابخانه ملی مجموعه درخوری را جمع‌آوری نکرده باشد و همین مقدار اندک منابع را نیز بدرستی سازمان نداده باشد طبیعی است که نمی‌توان انتظار ارائه خدمات اطلاعاتی مناسب و شایسته‌ای را داشت. علی‌رغم قدمت زیاد کتابخانه ملی، در طول این مدت سازمانهای دیگری در ایران پا گرفتند و هر یک بخشی از فعالیتهایی را که می‌بایست توسط کتابخانه ملی انجام گیرد، به اشکال مختلف دنبال کردند.

... کتابداری و اطلاع‌رسانی در جهان امروز

پیشرفت فراوان کرده است و امروز اطلاعات مساوی با قدرت است . جامعه ایران مدتهاست به اهمیت روزافزون اطلاعات ، منابع اطلاعاتی و اطلاع رسانی توجه پیدا کرده است و نیازهای جدیدی در این حوزه طرح شده است . کتابخانه ملی ایران به عنوان معظم ترین کتابخانه کشور و با وظایف سنگین ، تاکنون نتوانسته است آن گونه که شایسته ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران است نقش خود را در توسعه فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی ایفا کند . در برنامه پنج ساله دوم بایستی کتابخانه ملی را برای ایفای نقش خود و مواجهه با مسائل و نیازهای ایران امروز و ایران فردا آماده کند و آن را به جایگاه واقعی خود ارتقاء دهد .^۱

با توجه به این نوع مسائل ، کتابداران نباید خود را درگیر مشکلات اجرایی کنند و انتظار به پایان رسیدن گرفتاریها و نارساییها در کتابخانهها را داشته باشند ، که قطعاً با رشد روز افزون جامعه ، پایان پذیر نخواهد بود .

لذا نگارنده با اذعان به بی بضاعتی ، حسب وظیفه ، این

۱ - فصلنامه پیام کتابخانه ، سال دوم ، شماره چهارم ، ۱۳۷۱ ، ص ۱۱۳ ، ۱۱۴ و

مجموعه را به عنوان گام آغازین در بهینه‌سازی کتابخانه‌ها در سه بُعد مهم (سازماندهی ، رده‌بندی ، فهرستنویسی) به منظور ارائه‌ی عالیت‌ترین شیوه‌ی اطلاع‌رسانی متناسب با نظام جمهوری اسلامی ایران تقدیم می‌دارد و نباید تصور شود که این طرح کلی ، افکار نهایی است و غیر از این هیچ تغییری در آن راه نخواهد یافت ، بلکه چون گام اول است ، باید با اظهار نظر از سوی صاحب‌نظران کامل شود و بهانه‌ای برای برداشتن گام‌های بعدی در تدوین «طرح جامع رده‌بندی علوم» باشد .

بر این اساس ، آنچه در فصل آینده خواهد آمد ، نیازمند نقد و بررسی از سوی صاحب‌نظران است . چون این مقدار ، محصول تجارب ، مطالعه و پژوهشی است از یک شخص در یک کتابخانه . وقتی به دنبال این سخن نظریات انتقادی جمع‌آوری شود ، محصول تراوش فکری دهها تن از دهها کتابخانه و مرکز علمی به دست خواهد آمد که می‌تواند در پیکره‌ی عظیم نظام رده‌بندی علوم به کار آید .



تمهید

پرواضح است که تعیین جایگاه «رده‌بندی علوم»، تأثیر بسزایی در کیفیت مباحث اصلی خواهد داشت. همچنین می‌توان گفت که یافتن جایگاه رده‌بندی علوم متوقف به بررسی مفهوم علم و دانش می‌باشد. و سخن از بازشناسی مفهوم علم و دانش، مبحث پرگفتگوی شناخت و ادراکات انسانی را به دنبال دارد. چون همه دانشها به نوعی در بارهٔ تفسیر جهان هستی بحث می‌کند و هر مفسری نهایتاً از یک نظریه به عنوان جهان‌بینی مایه می‌گیرد. از سوی دیگر کثرت نظریه‌های گوناگون و گاهی ضد و نقیض در تفسیر جهان هستی و مسئلهٔ شناخت، تفکر فلسفی را در ادوار تاریخ، دچار اضطراب و تزلزل کرده است.

نظریه‌هایی که منتهی به پندارگرایی، شکاکیت، سفسطه، مثالیه، عقلگرایی، تجربه‌گرایی، تحصیل‌گرایی، انتزاع، اصالت و سیله، اصالت عمل، درونگرایی، رفتارگرایی، روانگرایی، فردگرایی، جامعه‌گرایی، ماده‌گرایی،

نسبیت فردی، نسبیت ذهنی، نسبیت غیر ذهنی، نسبیت تکاملی، ایدئالیسم فلسفی، ایدئالیسم فیزیکی، ایدئالیسم فیزیولوژیکی،^۱ شده، موجب بروز مکاتبی در طی تاریخ بشر گشته است که طراحان سیستم رده بندی علوم در هر دوره، تحت تأثیر برخی از این جهان بینیها، طرح خود را پایه گذاشته اند.

خوشبختانه همه این نظریه ها در تلاقی علمی، همدیگر را خنثی کرده و ارزش خود را از دست داده اند و سران هر کدام از این مکاتب در استدلال به اثبات نظریه خود، خط بطلان بر نظریه دیگران کشیده است. در این میان، پاره ای از این نظریه ها به دلیل رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط، دوام آورده و هنوز هم هسته مرکزی مباحث فلسفی را تشکیل می دهند.

لذا در بررسی چگونگی پایه علمی نظام رده بندی علوم، بحث

۱- این نظریه ها را به تعبیری مختلف از امثال نامبردگان ذیل نقل کرده اند: گورگیاس، پرهون، افلاطون، سقراط، ارسطو، ذیمقراطیس، جان لاک، کانت، دکارت، دیوید هیوم، جان استوارت میل، استاد آیر، بارکلی، گارل پیرسون، ادینگتون، موریس کونفورت، تشاگین، پاولف، فروید، داروین، انگلس، هگل، مارکس، مائو، ژرژگارودی، ویلیام جیمز، برکسون، شلمیر، جان دیوئی و... علاقه مندان می توانند به کتابهای فلسفه، شناخت، جهان بینی، روح، متافیزیک، اندیشه، انسان شناسی، روان شناسی، و... مراجعه کنند.

از دانش و شناخت آغاز خوبی خواهد بود . به همین جهت نکاتی چند در تقریب مقصود ، پیشاپیش سخن اصلی چیده می شود . این نکات که در ابتدای فصل پنجم آورده می شود ، ولو به ظاهر دور از موضوع کتاب جلوه می کند ، لکن بر صاحب نظران روشن است که مباحث مربوط به شناخت و ادراکات انسانی ، پایه و اساس نظریه رده بندی علوم را می سازد. بنابراین بدون تعیین مبنا در این مورد نمی توان نظر صائب ارائه داد .

تعریف علم

تعریف علم معرکه اقوال و آراء بزرگان و دانشمندان است . بعضی علم را غیر قابل تعریف می دانند و دلیلشان این است که معرف باید اجلی از معرف باشد و اجلی از علم چیزی نباشد . و بعضی دیگر آن را صفت خوانده اند و برخی علم را وجود مجرد می دانند و برخی دیگر آن را با ادراک یکی دانند .

اگر انواع تعاریف در این مختصر ذکر شود ، ملال و خستگی بار آورد . کافی است که بدانیم دو تعریف مهم از آن در دست است . یکی را به حکما و فلاسفه نسبت دهند به طور مطلق ، و دیگری را به فلاسفه اسلامی به طور مقید .

تعریف علم در نزد فلاسفه چنین است : «العلم حصول صورة الشیء»

فی العقل» و تعریف علم در نزد فلاسفه اسلامی چنین است: «العلم حضور المعلوم عند العالم».

تعریف اول مخدوش است. چون علم حضوری را در بر نمی گیرد. اما حکمای اسلامی تعریف دوم را به دلیل شمولش بر هر دو علم حضوری و حصولی، جامع و مانع می دانند.

البته در تعریف علم و بیان حقیقت آن به بیانی که گذشت، سخن بسیار است. برخی آن را از مقوله اضافه پنداشته و برخی دیگر از مقوله عرض. بعضی علم را فوق مقوله می دانند و بعضی دیگر عین نفس. بعضی علم را نوعی تذکر می دانند و بعضی علم را - به انضمام عمل - نفس ناطقه انسان بیان می دارند.

اما همه آنان در اینکه علم، نور و روشنایی است و هر چه باشد انسانیت انسان بدان بستگی دارد، اتفاق نظر دارند. همه فلاسفه و دانشمندان بر این نکته مصرند که هر چه دانش انسان افزون شود، مراتب انسانیت او بالاتر می رود و هر چه در جهل و نادانی غوطه ور شود، به ادنی مراتب حیوانیت نزدیکتر می شود. خدای تعالی نیز این معنا را در زیباترین قالب لفظ بیان فرموده است:

ما دوزخ را برای بسیاری از جن و انس آفریدیم که

دل‌های نفهمی دارند و چشمانی دارند که حقایق را بدان

نمی‌بینند و گوشه‌هایی که با آن نمی‌شنوند . آنها مانند چهارپایانند و بلکه از آنها هم بدتر و گمراه‌ترند . آنها همان مردمان غافل هستند^۱ .

به هر حال ، علم و دانش ، نوعی روشن‌بینی نسبت به واقعیت‌های خارجی و حقایق مجرد است که معرفت و شناخت بر آن مترتب می‌گردد و آدمی را به سوی کمال مطلق رهنمون می‌سازد.

موضوع علم

موضوع هر علمی آن مسائل و موضوعاتی است که در بارهٔ عوارض ذاتی آنها بحث می‌کند . موضوع رده‌بندی علوم ، «دانش‌شناسی» است که دو عنوان از آن منتزع گشته و جوهرهٔ مباحث آتی را بوجود می‌آورد : ۱ - معرفت یا شناخت ۲ - دانش

تمایز علوم

در تعیین معیار تمایز علوم نیز اقوال و آراء بسیاری وجود دارد .

۱ - ترجمهٔ آزاد آیهٔ ۱۷۹ سورهٔ اعراف (علاقه‌مندان معنای دقیق آیه ، به تفاسیر مراجعه کنند) .

در این خصوص ، مجموع صاحب نظران را به دو طایفه ممتاز می توان تقسیم کرد : یک دسته که در رأس آنها اصولی بزرگ و مجتهد جامع ، مرحوم آخوند خراسانی قرار دارد ، به عالیترین وجه ، نظر خود را ابراز داشته اند و آن اینکه «تمایز علوم به اغراض»^۱ است ، نه به مسائل آن علم و نه به موضوعات آن علم . هر چند که مرحوم نائینی به عنوان جلودار دسته دوم از متأخرالمتأخرین ، این عقیده را رد کرده است و همان قول مشهور قدما را مبنی بر اینکه تمایز علوم به موضوعات و مسایل آن است ، اتخاذ فرموده است . ولی شاگردش آیت الله العظمی خوئی (رحمة الله علیه) جواب مستوفی به ایشان داده است ، ولو اینکه خودش نیز در آخر قایل به تفصیل شده است . ولی تمایز علوم را در مقام تدوین به همان اختلاف اغراض دانسته است .

فرق بین «دانش رده بندی علوم» با سایر دانشها نیز در این است که دانشجویان و دانش پژوهان در هر رشته می خواهند آگاهی خود را در خصوص موضوعات رشته مربوطه گسترش دهند ، ولی «رده بندی» ضمن گسترش دادن دانش خود در زمینه دانش شناسی ،

۱ - «إِنَّ تَمَایزَ الْعُلُومِ إِنَّمَا هُوَ بِأَخْتِلَافِ الْأَغْرَاضِ الدَّاعِيَةِ إِلَى التَّدْوِينِ لِأَلْمَوْضُوعَاتِ وَ لَا الْمَحْتَمَلَاتِ وَ الْأَكْثَانَ كُلُّ بَابٍ بَلْ كُلُّ مَسْئَلَةٍ مِنْ كُلِّ عِلْمٍ ، عِلْمًا عَلِيَّةً كَمَا هُوَ وَاضِحٌ لِمَنْ كَانَ لَهُ ادْنَى تَأَمُّلٍ» . كَفَايَةُ الْأَصُولِ ، ج ۱ ص ۵۰ ، با
 حواشی مرحوم مشکینی از انتشارات
 اسلامیه .

می‌خواهد دانشهای موجود را نیز دسته‌بندی و مرتب نماید .

فوق علم با سایر ادراکات

گر چه مفهوم علم روشن و وجود آن روشنتر است ، با وجود این ، سخن در باره آن بسیار است . از آن جمله گاهی علم را با سایر ادراکات انسان یکی دانسته‌اند و گاهی تفاوت‌هایی را میان علم و دیگر جنبه‌های روح آدمی برشمرده‌اند . مثلاً به ابن سینا نسبت می‌دهند که حقیقت «علم» و «عقل» را از یک «قوت» و «داننده» را همان «پذیرنده» و «پذیرنده» را همان «داننده» می‌داند . یا می‌گویند که افلاطون علم و دانش را نوعی تذکار و یادآوری می‌دانست که بر این اساس نباید فرقی میان علم و درک و فهم و یقین و ... قایل شود .

اما از معانی متنوع الفاظ متعدد به کار رفته در کلام نورانی . خدا به وضوح دریافته می‌شود که قول به عدم فرق میان علم و عقل مردود است . هر چند تفسیر دقیق آن «کتاب هدایت» در نزد «راسخین» در «علم» است ، ولی با مراجعه به «اهل الذکر» می‌توانیم فهم خود را از کلام خدا به یقین تبدیل کنیم .

از باب نمونه می‌بینیم که ماده «علم» همراه با مشتقات آن ، ۸۵۴ بار در آیات مختلف قرآن کریم استعمال شده است . آیا

همه آنها به یک معنا می باشد ؟

همچنین کلمات و الفاظ بسیار زیادی که ثلاثی مجرد آنها به ترتیب الفبا در ذیل آورده می شود ، که در لغت برای معانی متعددی وضع شده و در قرآن بکار رفته است ، آیا به همان معنای علم استعمال شده اند ؟

بصیرت	←	بصر	۱۴۸ بار	صدر	۴۶ بار
حسیان	←	حسب	۱۰۹ "	ظن	←
تخیل	←	خیل	۹ "	معرفة	←
ذهن	←	حفظ	۴۴ "	عقال	←
ادراک	←	درک	۱۲ "	فأد	←
درایت	←	دری	۱۵ "	فقه	←
تذکر	←	ذکر	۲۹۲ "	تفکر	←
ذکی، ذکاوت	←	ذکو	۱ "	قلب	
رؤیت، رؤیا	←	رئی	۳۲۸ "	لُب	←
روح			۵۷ "	نطق	
زعم			۱۷ "	نفس	
زکی	←	زکو	۵۹ "	نهی	←
شعور	←	شعر	۱۴ "	یقین	←
				یقن	←

روشن است که در استعمال هر کدام از این تعبیر، غرض خاصی منظور شده است. کما اینکه روایات ذیل نیز ناظر بر

همین تعدد معانی است.

الْعِلْمُ لِقَاحُ الْمَعْرِفَةِ. مِيزَانُ الْحِكْمَةِ، ج ۶، باب المعرفه.

الْعِلْمُ مِصْبَاحُ الْعَقْلِ. هان.

الْعِلْمُ مُجِيبُ النَّفْسِ وَمُنِيرُ الْعَقْلِ ... هان.

ثَمَرَةُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ. هان.

الْعِلْمُ أَوَّلُ دَلِيلٍ وَالْمَعْرِفَةُ آخِرُ نَهَائِيَةٍ. مِيزَانُ الْحِكْمَةِ، ج ۶، باب المعرفه.

غَايَةُ الْمَعْرِفَةِ الْخَشْيَةُ. هان.

الْمَعْرِفَةُ بِالنَّفْسِ أَفْضَلُ الْمَعْرِفَتَيْنِ، مِنْ عَرَفَ نَفْسَهُ قَدِ انْتَهَى إِلَى غَايَةِ كُلِّ

مَعْرِفَةٍ وَعِلْمٍ. هان

لِقَاحُ الْمَعْرِفَةِ دِرَاسَةُ الْعِلْمِ، لِقَاحُ الْعِلْمِ التَّصَوُّرُ وَالْفَهْمُ. هان.

الْمَعْرِفَةُ نَوْرُ الْقَلْبِ. هان

الْعَقْلُ غَرِيذَةٌ تَزِيدُ بِالْعِلْمِ وَالتَّجَارِبِ. مِيزَانُ الْحِكْمَةِ، ج ۶، باب العقل ص ۴۲.

الْعَقْلُ وِلَادَةٌ وَالْعِلْمُ إِفَادَةٌ. مِيزَانُ الْحِكْمَةِ، ج ۶، باب العقل ص ۴۳.

ثَمَرَةُ الْعَقْلِ الْإِسْتِقَامَةُ ... مِيزَانُ الْحِكْمَةِ، ج ۶، باب العقل ص ۴۴.

همچنین صاحب «میزان الحکمه» از علامه طباطبائی در این

خصوص مطلبی نقل کرده است که خلاصه آن آورده می شود .

الفاظی که در قرآن کریم برای ادراک استعمال شده

زیاد است ، گاهی بالغ بر بیست لغت می شود . مثل

ظن ، حسبان ، شعور ، ذکر ، عرفان ، فهم ، فقه ،

درایت ، یقین ، فکر ، رای ، زغم ، حفظ ، حکمت ،
 خبیره ، شهادت ، عقل و . . .

ظن به معنی تصدیق راجح است ولی به حد قطع
 نمی‌رسد و حسابان هم قریب به این معناست ، اما استعمال
 حسابان در ادراک ظنی به صورت استعاره است . شعور
 معنای درک دقیق را می‌دهد (باریک بینی) که از باریکی
 مو گرفته شده است و در محسوس استعمال می‌شود .
 ذکر به خاطر آوردن چیزی است که قبلا حفظ شده بود .
 معرفت تطبیق صورت قابل درک با محفوظات ذهنی
 است و لذا گفته می‌شود : معرفت درک دانسته‌هاست .
 فهم نوعی انفعال ذهن است از آنچه در آن نقش می‌بندد .
 فقه درنگ و تثبیت صورتی است که در ذهن نقش بسته
 است و به معنی استقرار در تصدیق آن است . درایت
 تعمق در همان تثبیت و استقرار است به حدی که مزایای
 معلوم ، روشن شود . یقین شدت بخشیدن به درک ذهنی
 است ، جوری که دیگر زوال ناپذیر شود . فکر نوعی
 مرور بر دانستنیهای موجود در ذهن است برای تحصیل
 لوازم کشف مجهول . رأی تصدیق محصول فکر باشد .
 زغم تصدیق صورت ذهنی است ، اعم از راجح و جازم .
 اما علم ادراکی است که مانع از نقیض می‌شود . حفظ

ضبط صورت معلوم است و حکمت صورت علمیه اتقان یافته است ...^۱

اریاب لغت نیز معانی متعددی برای این کلمات و الفاظ ذکر کرده‌اند. از این گذشته می‌دانیم که در هر زبانی مشترک معنوی و لفظی وجود دارد و در عربی این موضوع دامنه وسیعتری دارد. با وجود این کسی به اشتراک لفظی یا معنوی در این میان قایل نشده است.

نه تنها هر کدام از الفاظ مذکور برای معنای مستقلی وضع شده، بلکه برخی از آنها به تنهایی چندین معنا را در بر می‌گیرد. هر چند که امثال علم، معرفت، یقین، فهم و ... می‌توانند به دلیل تناسب معانی، به جای همدیگر استعمال شوند.

بعضی از لغویها، کتابهای مفصلی در فرق میان لغتهای قریب‌المعنی نوشته‌اند و از آن جمله است ابوهلال عسکری که خلاصه ترجمه آزاد باب چهارم کتاب «الفروق اللغویة» ایشان را می‌آوریم.

۱ - میزان الحکمة، محمدی ری شهری، ابواب عقل، به نقل‌الامیزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبایی، جلد ۲، ص ۲۴۷.

فرق میان دانش و شناخت این است که شناخت اخص از دانش است . چون شناخت دانستن شیء است همراه تمییز آن از غیر آن ، ولی دانستن می تواند هم مجمل باشد و هم مفصل . «زهري» نیز گفته که خدا را نمی توان عارف نامید . . . پس در هر شناختی دانش نیز نهفته است . اما هر دانشی شناخت نیست . . . در حالی که دانش اعتقاد داشتن به شیء است بر سبیل ثقة ، به همان طوری که هست .

و اما یقین آرام گرفتن نفس و از التهاب افتادن صدر است نسبت به آن چیزی که قبلا دانسته شده است . به همین جهت خدا را با لفظ یقین توصیف نمی کنند .

. . . شعور نیز نوعی باریک بینی است ، مثل باریکی مو . . . اما عقل ، علم اول است . آن چنان علم و دانش ذاتی که انسان را از ارتکاب قبایح منع می کند . و لذا خداوند متعال به صفت عاقل متصف نمی شود . . . ولی لب از مراحل عالی و خالص عقل است . . . و نهمی آخرین مرحله شناخت عقل است (که بازدارنده انسان است از هر چه غیر اوست) . . . و فطنت ، توجه به معناست و ضد آن غفلت است . اما ذكاء ، پایان یافتن توجه است .

فهم نیز دانستن معنای سخن است در وقت

شنیدن . . . و فقه دانستن مقتضای کلام است توأم با تأمل . و لذا نمی‌توان گفت : ان الله یفقه . چون خدا نیاز به تأمل ندارد . اما ادراک نیاز به اشیاء و ابزارهای مخصوص دارد ، در حالی که علم این طور نیست . . . از این گذشته علم به معدوم نیز تعلق می‌گیرد ، ولی فقط موجود قابل درک است نه معدوم . . . به همین دلیل نمی‌گویند انسان خودی خود را حس می‌کند ، بلکه درک می‌کند . اما بصیرت تکامل دانش و شناخت است . . .^۱

عبدالرزاق لاهیجی نیز در باره شناخت و دانش چنین می‌نویسد :

شناختن و دانستن و دریافتن در فارسی ، و معرفت و علم و ادراک در عربی ، همه به یک معنا اطلاق می‌شود و گاه هر یک به معنای جداگانه ، اما نزدیک باشند به هم . . .^۲

۱ - الفروق اللغویة ، ابو هلال عسکری ، مکتبة بصیرتی ، ص ۷۱ - ۶۲ .

۲ - گزیده گوهر مراد ، عبدالرزاق لاهیجی ، باهتمام صمد موحد ، چاپ اول ،

تهران ۱۳۶۴ ، ص ۲۸ .

علامه محمدتقی جعفری در کتاب شناخت از دیدگاه علمی و از دیدگاه قرآن فرق میان علم و معرفت و جزم و یقین و . . . را بیان کرده است . همچنین استاد جعفر سبحانی در کتاب هستی شناسی در مکتب صدر المتألهین فرق فلسفه و علم را بیان می کند ، ولی بیشتر ، علم به معنای قرن بیستم که از راه تجربه حاصل شود ، مطمح نظر قرار گرفته است . استاد شهید مرتضی مطهری و سایر بزرگان و صاحب نظران ، فرقهایی برای انواع ادراکات انسان ذکر فرموده اند که نقل آنها موجب تطویل غیر ضروری می شود .

مفهوم علم

به گفته استاد جعفری مفهوم علم «سرگذشت پرماجرایی دارد» و کمتر اتفاق می افتد که در معنای اصلی خودش ، «انکشاف صد درصد واقعیت» استعمال شود .

به نظر بعضی از بزرگان وزان علم همان وزان وجود است . در صورت پذیرفتن این رأی ، باید دید که آیا مفهوم علم و وجود مشکک است یا متواطی . یعنی آیا صدق علم و وجود کلی به افرادش از جهت شدت و ضعف ، تفاوت دارد یا بالتساوی صدق می کند ؟

از آنچه در تعریف علم گفته شد ، استنباط می شود همان طور

که در وجود ، شدت و ضعف متصور نیست ، در علم هم شدت و ضعف نیست . وقتی انسان چیزی را دانست دیگر دانستن شدید یا ضعیف معنا ندارد ، بلکه گفته می شود که فلانی بیشتر از فلانی می داند و یا اعلم است . به این معنا که شخص چیزهای بیشتری می داند . نه به این معنا که مثلاً دانشمند ، ایستادن زید را محکمتر و شدیدتر از غیر دانشمند می داند . شاید خلط بین مفهوم و مصداق موجب چنین شبهه‌ای شده است . ولی باید دانست که تشکیکی بودن مفهوم علم ، ناشی از اختلافی است که در مفهوم وجود مشاهده می شود . در این میان بهترین استدلال بر اینکه وجود نیز مفهوم مشکک نیست ، از خواجه نصیر طوسی و شارح بزرگ کتاب وی ، علامه حلی می باشد :

بعضی تصور کرده که «وجود» زیادت و نقصان و ضعف یا شدت را می پذیرد ، لکن آنها اشتباه کرده اند . چون پس از وجود اگر چیز زائد ، ایضا وجود باشد ، «اجتماع مثلین» لازم می آید که محال است . و اگر آن چیز زائد ، وجود نباشد ، «اجتماع نقیضین» که باز هم محال است لازم می آید . و در رد قول به امکان قبول شدت گفته اند : اگر بعد از شدت چیز جدیدی حادث نشود اشتداد رخ نداده است و اگر چیز جدیدی حادث

شده باشد ، باید دید آن حادث جدید همان وجود قبلی است یا وجود جدید ؟ اگر وجود جدیدی غیر از وجود اول باشد پس باز هم اشتداد واقع نشده بلکه باید گفت دو چیز هست ، یکی وجود قبلی و دیگری وجود جدید . اما اگر وجود جدید چیز دیگری نیست بلکه همان وجود اول است پس باز هم اشتدادی رخ نداده است . همان است که بود . در مورد نقصان هم همین سخن جاری است . و این دلیل رد می کند آنان را که می گویند اعراض قبول شدت و ضعف می کنند .^۱

۱ - «المسئلة السادسة :»

«قال : و لا تزيد فيه و لا اشتداد»

«اقول : ذهب قوم الى ان الوجود قابل للزيادة و النقصان و فيه نظر لان الزيادة ان كانت وجوداً لزم اجتماع المثليين و الا لزم اجتماع النقيضين و اما نفى الاشتداد فهو مذهب اكثر المحققين . قال بعضهم : لانه بعد الاشتداد ان لم يحدث شئ آخر ، لم يكن الاشتداد اشتداداً بل هو باق كما كان . و ان حدث ، فالحادث ان كان غير الحاصل ، فليس اشتداداً للموجود الواحد بل يرجع انه حدث شئ آخر معه و الا فلا اشتداد و كذا البحث في جانب النقصان و هذا الدليل ينفي قبول الاعراض كلها للاشتداد و النقص .»

كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد ، علامة حلی «حسن بن مطهر» ، مكتبة

مصطفوی ، ص ۱۱ .

البته از این جهت که اگر صدق کلی به افرادش به طور مساوی باشد، متواپی و اگر به طور غیر مساوی باشد، مشکک گفته می‌شود، اختلافی در کار نیست، بلکه اختلاف در تعیین مصادیق است که آیا صدق کدام کلی به افرادش تشکیکی است و کدام کلی به توائی و تساوی؟ از صدرالمآلهین در خصوص مفهوم وجود، قول به تشکیک نقل شده است. البته دلیل وی بر تشکیکی بودن مفهوم وجود، شدت و ضعف نیست، بلکه از جهت اولویت وجود علت بر معلول است. متأخرین نیز این نظر را تأیید کرده‌اند و این اختلاف به مفهوم علم نیز سرایت کرده است. به هر حال منظور از علم، مقدار و یا افراد آن نیست، بلکه معنای عمومی آن مراد است. همان معنایی که در فارسی با «دانستن» ابراز می‌شود.

مفهوم شناخت

«شناخت» در عربی همان «معرفت» است. شناخت مرحله‌ای بالاتر از علم است، به طوری که هر کس شناخت و معرفت پیدا کرد، علم نیز پیدا کرده است، ولی این طور نیست که اگر کسی علم داشت، معرفت نیز دارد. دلیل بر این مدعا سخن دَرِّبَارِ حضرت علی (ع) است که می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» یعنی هر کس خودش را شناخت، همانا خدایش را شناخت.

در حالی که خود شناسی و خداشناسی بدون علم و آگاهی نمی‌تواند باشد، پس همراه معرفت، علم و دانش نیز هست. چنانکه پیشتر روایاتی در این خصوص نقل شد.

با عنایت به آن دسته از روایات که سابقاً گذشت، باید گفت که دانش دامنه‌ای وسیع دارد، اما شناخت از آن اخص است و درست به همین خاطر است که رشته‌های جدیدتری به نام «دانش شناسی» و «شناخت شناسی» به عرصه ظهور رسیده‌اند.

همان طور که علم به مفهوم عام آن مورد بحث بود، یعنی شامل مطلق تصور و تصدیق - در مقابل جهل - شناخت نیز به مفهوم عام آن مورد نظر می‌باشد. برخی در تعریف شناخت چنین گفته‌اند: «شناخت حرکتی است از ماده به شعور و از شعور به ماده.» این تعریف جامع افراد نیست. چون شناخت منحصر در حرکت از شعور به ماده نمی‌باشد و شناختهایی که با ماده ارتباطی ندارد از تعریف خارج است. مانند شناختهای قلبی، الهام و وحی. همچنین این تعریف مانع اغیار هم نیست. چون حرکت از شعور به ماده در نگاه به شبیحی که از دور می‌آید نیز وجود دارد، ولی شناخت در چنین نگاهی وجود ندارد.

به همین جهت در مفهوم شناخت - که حقیقتاً نمی‌شود آن

را تعریف کرد - فقط می‌توان گفت: نوعی تحلیل، درک و فهم از دانستیها و دانشهای اندوخته شده می‌باشد.

علم و دانش پایه‌شناخت و معرفت است و شناخت و معرفت پایه‌تفکر و اندیشه‌شکل یافته می‌باشد. شناخت بدون دانش ممکن نیست، چنانکه اندیشه بدون شناخت و دانش نیز تخیل یا رؤیاست. اما دانش بدون شناخت ممکن است. همان طور که اندیشه بدون دانش نیز ممکن است. دانش بدون شناخت و اندیشه، دانش حیوانی است - گاهی پهنه دانش بدون تحلیل (غریزه) آنها از دانش ارادی انسان وسیعتر است - و اندیشه بدون شناخت و دانش نیز خیال باطل خواهد بود، چنانچه شناخت بدون دانش یعنی جهل مرکب.

شناخت، ضروریترین نیاز روحی انسان

چقدر این معنا را حضرت امیر(ع) عالی بیان فرموده است:

«مِنْ حَرَكَةِ الْأَوَانَتِ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ» یعنی هیچ حرکتی نیست مگر اینکه تو در آن نیازمند به شناخت هستی. منظور از این شناخت، شناخت به مفهوم عام آن می‌باشد.

کمال معرفت، غایت خلقت

به نظر بسیاری از مفسران ، هدف از آفرینش جهان ، علم و معرفت بوده است . به طور مثال در ذیل آیه ۱۲ از سوره طلاق ، در تفسیر پیام قرآن چنین آمده است : «... آیه به وضوح این حقیقت را می‌رساند که یکی از اهداف آفرینش جهان ، آگاه ساختن انسانها از علم و قدرت خداوند و معرفت ذات و صفات اوست ، و این با صراحت امکان معرفت را در سطح وسیع بازگو می‌کند.»^۱ سپس روایتی از امام حسین (ع) نقل کرده که چنین فرموده است : «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ...» یعنی ای مردم ، خداوند متعال بندگان را نیافرید مگر برای اینکه او را بشناسند . . .

در آیه ۵۶ سوره الذاریات هم می‌خوانیم: مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. أَيُّ لِيَعْرِفُونِ.

بنابر این هدف از آفرینش ، کمال معرفت به ذات حق پیدا کردن است و نیل به کمال معرفت ، ابزارها و امکاناتی لازم دارد که ایزد منان آنها را در اختیار بشر گذارده است .

۱ - پیام قرآن (تفسیر نمونه موضوعی) آیت الله ناصر مکارم شیرازی ، جلد

اول ، ص ۶۰ .

اکنون که در باره مفهوم شناخت اطلاعاتی به دست آمد ، باید دید چه رابطه‌ای بین دانش و شناخت هست ؟ از آن پس ابزارهای شناخت چه چیزهایی می‌تواند باشد ؟

رابطه دانش با شناخت

گفتیم دانش ، سنگ بنای شناخت و معرفت است . چون هدف از آفرینش ، معرفت به ذات حق پیدا کردن است و چنین معرفتی حاصل نمی‌شود مگر انسان دانش داشته باشد ، بر این اساس دانستن اولین گام شناخت است . به همین جهت گفته‌اند نسبت میان دانش و شناخت ، عموم و خصوص مطلق است . یعنی هرشناختی دانستن است ، اما هر دانستنی شناخت نیست .

اما دانستن نیز همیشه به خودی خود ممکن نیست ، بلکه نیاز به ابزارهایی دارد . تمام قوای معنوی ، اعم از حافظه ، ذهن ، عقل ، قلب و . . . ابزارهای دانش و شناخت است . همان طور که چشم ، گوش ، بینی ، دهان و دست نوعی ابزار برای ارتباط درون با بیرون است . به همین سبب باید ابزارهای دانش و شناخت را بیشتر بررسی کنیم .

ابزارهای شناخت

حواس:

حواس پنجگانه ابزار با واسطه شناخت است . از باب مثال انسان توسط حس بینایی می تواند رنگها ، شکلهای ، اجسام و مواد را ببیند و پس از یک سلسله عملیات مغزی قادر است با استفاده از انواع ابزارهای نامرئی داخلی ، مثل عقل ، درک ، ذهن و حافظه ، پرونده ای برای هر شیء ، رنگ ، شکل و . . . بسازد و نگهدارد . با تکرار مشاهدات و مراجعه به پرونده های ذهنی و تطبیق و تحلیل آنها ، کم کم قدرت شناسایی پیدا می کند و قادر به دسته بندی می شود . در دسته بندی اشیا و دانشها ، علاوه بر وجوه تشابه و تفاوت ، انتزاع قواعد کلی از جزئیات محسوس بر پایه بدیهیات و قضایای اولیه نیز دخالت دارد . اگر یک کودک شیرخوار را تصور کنیم ، متوجه می شویم که او هم همه اشیا را پیرامون خود را می بیند ، ولی قدرت شناسایی رنگها ، شکلهای و . . . را ندارد . چون هنوز مخزن

اطلاعات و آگاهیهای او خالی است و با گذشت زمان توسط حواس خود، اشیا، پدیده‌ها و حالت‌های محیط زندگی را جمع آوری و تحلیل می‌کند تا به معلوماتی مشخص دست یابد.

انسان در این نوع ابزارها با حیوان وجه مشترک دارد و این نوع دانش بسیار ابتدائی است؛ همچنان که این نوع شناخت نیز ابتدائی است. حتی بعضی از حیوانات، از حواس بسیار قویتری از انسان برخوردار هستند و گاهی قدرت تشخیص آنها، به مراتب بیشتر از انسان است. مانند نیروی حس بینایی عقاب و یا نیروی حس بویایی سگ و نیروی حس شنوایی خفاش یا بعضی از ماهیها و... که در مقایسه با حواس انسان از دقت عمل بالاتری برخوردارند.

در صورت از دست دادن هر کدام از حواس پنجگانه و همچنین ابزارهایی که سپس بیان خواهد شد، نقصان شناخت از همان ناحیه روی خواهد داد. بزرگان گفته‌اند: من فقد حساً فقد علماً.

خود آگاهی

شاید کسی سؤال کند که اگر تمام حواس انسان ناقص

شود، پس چگونه برای وی دانش حاصل می‌شود و از چه راهی به سوی معرفت دست می‌یابد. در جواب این سؤال، مثال معروفی است که گفته‌اند حتی اگر انسان قدرت دیدن، شنیدن، چشیدن، بوییدن و لمس کردن را از دست بدهد (یعنی هیچ چیز خارجی برای وی قابل درک نباشد) باز هم راهی برای دانستن و شناختن دارد، که آن «خودآگاهی» است. زیرا خود آگاهی از «بدیهیات» است و هیچ نیازی به این نوع ابزارها و واسطه‌ها ندارد. همین انسان مفروض که رابطه‌ای با غیر خود نمی‌تواند داشته باشد، وجود خود را درک می‌کند. این درک «خودی» خود یا «خویشتن» خود نیز نوعی ابزار برای شناختن خالق و آفریننده خود است.

این نوع دانستن و شناختن در حیوان وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد، برای بشر ثابت نشده است.

دکارت با استفاده از همین مسئله، شکاکان و سوفسطاییان عصر خود را جواب گفته است. «من می‌اندیشم، پس من هستم» جمله معروف وی در اثبات حقیقت وجود موجودات می‌باشد. هر چند که مخالفین وی از حسیون، این جمله را باز کرده و به صورت شکل اول از اشکال اربعه در آورده و سپس اشکال کرده‌اند، اما هم دکارت و هم دیگران به آن

ایرادها جواب گفته‌اند. به هر حال خودآگاهی به عنوان یکی از ابزارهای شناخت از مسلمات است و این نوع «فضایای بدیسی» از «ام‌القضایا» محسوب می‌شود.

تجربه

یکی دیگر از ابزارهای شناخت، تجربه است. تجربه تکرار یک دانستنی است و دانستن محصول نوعی عمل یا فعالیت جسمی و روحی است. مثلاً انسان تا زمانی حرارت آتش را نمی‌داند، ولی وقتی بارها در اثر تماس با آتش می‌سوزد و یا سوختن دیگران را می‌بیند، پی به حرارت آن می‌برد. این دانستن و شناختن تجربی است. یعنی تاکنون هیچ علمی نتوانسته توجیهی برای شعله و حرارت داشته باشد تا به وسیله آن، قبل از اینکه آدمی آتش را دیده و یا تجربه کرده باشد، بگوید که اگر چنین شود چنان می‌شود. بنابر این، اگر دو کودک را طوری بزرگ کنند که یکی آتش و حرارت را ندیده و لمس نکرده باشد و فقط فورمولهای علمی در باره آن را یاد گرفته باشد، و کودک دیگر اصلاً از چنین فورمولهای علمی بی‌خبر بماند ولی بارها آتش و حرارت را دیده و لمس کرده باشد، سپس آن دو را در جوار آتش

شعله‌ور قرار دهند ، کودکی که آتش را ندیده و لمس نکرده ، به سوی آن می‌رود که آن را بیازماید ، ولی کودک دیگر سراغ آن نخواهد رفت . چون قبلاً آن را آزموده است .

پس تجربه و آزمون ابزار خاصی برای دانستن و شناختن است .

بعضی گفته‌اند علت اینکه کودک آتش ندیده سعی در آزمون سوزندگی و یا شعله و حرارت دارد ، عدم علم او به حرارت آتش نیست ، بلکه کنجکاوی باعث می‌شود که دست به این کار بزند . اما جواب این ایراد واضح است ، و آن اینکه کنجکاوی بدون آزمایش علم نمی‌آورد . پس کنجکاوی ابزار شناخت نیست ، بلکه انگیزه برای شناخت می‌باشد . ما در بحث انگیزه‌های شناخت ، کنجکاوی را از انگیزه‌های قوی برای شناخت خواهیم شمرد .

به عبارت روشنتر کودکی که از روی علم به حرارت آتش پی‌برده است ، سوزندگی آن را می‌داند ولی سوختن را به هیچ وجه درک نمی‌کند . وقتی در اولین آزمون ، درد سوختن را حس کند ، می‌تواند تا پایان عمر به معنای حقیقی سوزندگی ، شناخت پیدا کند . همان طور که شاید همه مردم درد و رنج مادر بودن را می‌دانند ، اما مادامی که کسی مادر

نشده است ، رنج مادر بودن را درک نخواهد کرد .

خرد آگاهی

خرد یکی از مهمترین ابزارهای شناخت است . دانستن روابط علت و معلول ، امتناع اجتماع مثلین و ارتفاع نقیضین و بطلان دور و تسلسل ، قبح ظلم و حُسن احسان و ... به وسیلهٔ عقل و خرد است و از آن به «خردآگاهی» تعبیر می‌کنند . این نوع دانستن و شناختن یکی از ویژگیهای انسان است . تازه در بین انسانها هم کسانی به این دانستنیها می‌رسند که از عقل درستی برخوردار باشند .

البته منظور از «خردآگاهی» فقط انتزاع احکام کلی از قضایای عینی جزئی و معلومات حاصل از محسوسات خارجی نیست ، بلکه مقصود قضایای عقلی و معانی غیر مادی نیز می‌باشد . مانند دانستن اینکه : نصف شیء با نصف دیگر آن برابر است ، طول محیط دایره بیش از قطر آن است ، نتیجه کسر مقدار مساوی از دو عدد مساوی همان تساوی است ، و مثل دانستن وجود عقل ، ذهن ، شعور ، لذت ، درد ، شادی ، غم ، و ...

استقراء

از ابزارهای شناخت در نزد برخی استقراء است که آن نیز گونه‌هایی دارد. استقراء دو نوع است: استقراء تام و استقراء ناقص. استقراء تام علم‌آور است. انسان در اثبات یا نفی چیزی بارها توسل به استقراء جسته است. هر چند که از عنوان علمی کاری که انجام می‌داده است بی‌اطلاع بوده.

استقراء به نوعی تفحص و جستجو گفته می‌شود که در پی آن وجود یا عدم شیئی برای انسان معلوم می‌شود. در این نوع علم و شناخت، از جزئیات به یک کلی پی برده می‌شود. به این معنا که پس از تحقیق و بررسی در جزئیات متعدد، حکم واحدی که در همه جزئیات مشاهده می‌شود، انتزاع می‌گردد و سپس همان حکم به صورت کلی و به عنوان یک قاعده مطرح می‌شود. مثلاً با مشاهده همه انسانها که ایستاده راه می‌روند، می‌توان حکم کلی «الْإِنْسَانُ مُسْتَوِي الْقَائِمُ» را به دست آورد. و یا مشاهده حرکت فک زیرین حیوانات در هنگام جویدن، به حکم کلی «كُلُّ حَيْوَانٍ يَحْرِكُ فِكَّهُ الْأَسْفَلُ جِنْدَ الْمُضْغِ» می‌توان دست یافت. هر چند که در مواردی استثناء هم پیش می‌آید. مانند تمساح در مثال مذکور.

نتیجه اینکه استقراء دانستن و پی بردن به یک مجهول کلی است که از طریق جزئیات معلوم به دست می آید .

به نظر می رسد که استقراء و تمثیل نمی تواند ابزار مستقل به حساب آید . چون دانش بدست آمده از طریق استقراء و تاحدودی تمثیل نیاز مبرم به حواس دارد . غایت امر اینکه استفاده از حواس ، اغلب غیر ارادی و غیر منظم می باشد . در صورتی که بخواهیم از حواس پنجگانه به طور منظم و متمرکز برای کشف یک مجهول کلی استفاده کنیم ، استقراء به وجود خواهد آمد .

تمثیل - قیاس

در اصطلاح منطقی انتقال از یک متباین به متباین دیگر ، «تمثیل» خوانده می شود ولی در اصطلاح فقهی به صدور حکم از شباهت چیزی به چیز دیگر «تمثیل» گفته می شود . یعنی وجه اشتراک بین دو شیء موجب سرایت حکم ، از یکی به دیگری می شود . مثلاً می دانیم که خمر مسکر است و حرام . از طرفی می بینیم که آبجو نیز مسکر است . وجه شباهت خمر و آبجو ، در مسکر بودن است که حکم حرمت به آبجو نیز سرایت می کند .

قیاس منطقی «مجموعه‌ای فراهم آمده از چند قضیه است که به صورت یک واحد درآمد و به نحوی است که لازمه قبول آنها، قبول یک قضیه دیگر است»^۱ اما قیاس فقهی همان الحاق کردن فرعی است در اصلی به حکمی که جامع بین آن دو باشد.

قیاس منطقی دو نوع است: قیاس اقترانی، قیاس استثنائی و قیاس فقهی یا منصوص العلة است و یا مستنبط العلة. در حجیت قیاس و استقراء، حکما و فقها اختلاف نظرهایی دارند، اما تقریباً در حجیت قیاس منصوص العلة از طریق شارع، اتفاق نظر وجود دارد.

دل آگاهی

الهام یا دل آگاهی یکی از مهمترین ابزارهای شناخت است. دل در عربی همان قلب است. قلب در ظاهر به عضو صنوبری شکل گفته می‌شود که وظیفه تلمبه کردن خون را به عهده دارد. در اینجا منظور از قلب، مرکز احساسات عاطفی می‌باشد که حالاتی چون قهر، غضب، کینه، مهر، عشق و... از آن مرکز برمی‌خیزد. این نوع شناخت هیچ نیازی به سایر

۱- آشنایی با علوم اسلامی، مرتضی مطهری، ج ۱، ص ۸۶.

ابزارها ندارد و بسیار اطمینان‌آور است . بسا باشد که انسان بدون هیچ مقدمه‌ای احساس کند که چیزی را دوست دارد و یا از چیزی متنفر است . آن نوع شناختی که از این طریق به انسان دست می‌دهد ، دل آگاهی نامیده می‌شود .

از معلوماتی که توسط قلب برای انسان حاصل می‌شود ، به احساسات نیز تعبیر می‌کنند . و حتی انسان در حُسن ابراز این نوع معانی درونی نیز ، کلمه احساس را همراه آن لفظِ مبرزِ معنا ، به کار می‌برد . مثلاً انسان می‌گوید : احساس رقت می‌کنم . احساس تنفر دارم .

بسیاری از بزرگان الهام را غیر از احساسات می‌دانند . در واقع الهام از درون انسان سرچشمه نمی‌گیرد ، بلکه از خارج وارد قلب می‌شود . اما بدون هیچ واسطه‌ای در قلب انسان جای می‌گیرد . به نظر بعضی ، الهام نوعی بسیار ضعیف از ارتباط انسان با عالم غیب شمرده می‌شود . بسا اتفاق می‌افتد که افرادی از مرگ خود خبر می‌دهند . مثلاً می‌گویند : احساس می‌کنم این آخرین دیدار ما باشد . احساس می‌کنم که از این سفر زنده برنخواهم گشت و ...

اما در اینجا تعبیر «دل آگاهی» را که عنوان جامع احساسات درونی و الهامات غیبی می‌تواند باشد ، آورده‌ایم و لذا هر دو نوع

ذکر شده تحت عنوان دل آگاهی از ابزارهای شناخت می باشد .
 خداوند متعال نیز در قرآن برای این نوع آگاهی اهمیت
 زیادی قائل شده است . از آن جمله در آیات ذیل می خوانیم :
 مَا كَذَّبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ ۚ مَا جَحَلَ اللَّهُ
 لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ ۚ ۱ إِنَّ فِيْ ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِّمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ ... ۲

وحی

بالاترین و مطمئنترین نوع شناخت و آگاهی به حقایق
 جهان هستی از طریق وحی است . ماهیت وحی برای انسانهایی
 که از آن طریق به معلوماتی دست نیافته اند ، قابل درک
 نیست . به همان مقدار که فهم پیامهای رسیده از طریق وحی
 برای عموم بشر کاملاً ساده به نظر می رسد ، درک حقیقت
 وحی مشکل می باشد . به عبارت روشنتر ، حقیقت وحی و
 کیفیت آن فقط برای کسانی که از طریق وحی با خداوند متعال

۱ - النجم ، ۱۱ .

۲ - الانفال ، ۲۴ .

۳ - الاحزاب ، ۴ .

۴ - ق ، ۳۷ .

ارتباط دارند قابل فهم است ، و آنها فقط پیامبران و اوصیای الهی هستند . اما آنچه به وسیله وحی در اختیار معصومین (ع) قرار می گیرد ، تعلیماتی است قابل درک برای عامه مردم .

این را هم همگان می دانند که پیامبران الهی و ائمه معصومین (ع) به واسطه وحی با خدای متعال ارتباط داشتند . حتی ماتریالیستها هم با وجود انکار صنایع عالم ، به وجود وحی اعتراف دارند ، منتهی آن را به شعور آگاه یا شعور مرموز و امثال آن توجیه می کنند .

در اینجا از بحث در اقسام ، طرق و صور مختلف وحی صرف نظر می شود . چون ناچار از طرح این مسئله هستیم که بسیاری از پژوهندگان میان ماهیت وحی و منطوق آن خلط کرده اند . به همین جهت باید گفت آنان که در صدد انکار وحی برآمده اند ، قادر به تفکیک محل نزاع نبودند . در کتاب عقل و وحی در قرون وسطی ، نوشته آتین ژیلسون ، ترجمه شهرام بازوکی ، مسئله اعتقاد به وحی در قرون وسطا به خوبی مورد مطالعه قرار گرفته است . اما در کل کتاب و تحقیقات وی ، مرزی میان ماهیت وحی و منطوق وحی نمی توان به دست آورد . ژیلسون تمام سخن خود را در سه فصل به ترتیب «برتری ایمان» ، «برتری عقل» و «هماهنگی میان عقل و وحی» بیان می دارد و سیر تفکر غربی

را به سه دوره عمده تقسیم می‌کند: دوره اول «عصر فلسفه یونان»، تحت عنوان «عصر معجزه یونانی»، دوره دوم «عصر قرون وسطی»، تحت عنوان «عصر ظلمت» و دوره سوم «رنسانس»، تحت عنوان «اصالت انسان» که تفکر صرفاً تحصیلی در آن عصر حاکم است و از اواخر قرن پانزدهم میلادی که همزمان با اوج اختراعات و اکتشافات است، رشد می‌کند. به نظر ژیلسون در عصر معجزه یونانی اصلاً مسئله اعتقاد به وحی وجود نداشت. بزرگان آن عصر، مثل سقراط، افلاطون و ارسطو از معرفت عقلی برخوردار بودند و حتی به نظر وی ارسطو منکر وجود مشیت خدا بود. یا حتی امثال رواقیان و اپیکوریان در دوره‌ای از آن عصر حاکم شدند که قائل به اصالت ماده بودند. آن وقت روح حاکم بر قرون وسطی را روحی عصیانگر و تند علیه افکار فلسفی و استدلال‌های عقلی می‌داند. وی البته نتایج قابل توجهی را از بررسی آثار هر سه عصر به دست می‌دهد، اما به نظر می‌رسد که وحی را از دیدگاه مستقل و از حوزه‌های اصیل آن مورد توجه قرار نداده است. هر چند که در معرفی دومین طبقه از متفکران «عصر ظلمت» (ابن رشد‌های لاتینی) به نظریه‌های قابل قبولی نزدیک می‌شود. آنجا که نظریه ابن رشد را تحلیل می‌کند و می‌گوید: «اعتبار دین نزد ابن رشد

خیلی بیش از اعتبار فلسفه است. دین عملکرد اجتماعی معینی دارد که حتی فلسفه از عهده آن بر نمی آید و این دقیقا معنای بخشهایی از آثار اوست که در آنها قرآن را به عنوان کتابی که واقعا «معجزه» است، تحسین می کند.» وی اضافه می کند: «دلیلی ندارد که ما این کلام (معجزه بودن قرآن و اعتبار بیشتر دین از فلسفه) را به جد نگیریم.»

با اینکه امثال این پژوهشگر به افراطی بودن افکار قرون وسطی علیه عقل و معرفت عقلی، به همان مقدار اذعان و اعتراف دارند که به افراطی بودن افکار دوره رنسانس علیه مذهب، دین و معرفت دینی، اما همچنان در تحلیلهای پیچیده در باره هماهنگی عقل و وحی دچار خلط می شوند و نمی توانند قابل درک بودن ماهیت وحی را به تضاد معرفت دینی با عقل نسبت ندهند.

به هر حال تنقیح دشواریهای معرفت دینی و عقلی در ماوراء طبیعت از حوصله این کتاب خارج است و غرض از اشاره به این نوع افکار، دوری جستن از هر نوع احتمال غیر لازم در خصوص وحی است. لذا آنچه از وحی در رابطه با ابزار شناخت مطمح نظر است، نوعی شناخت غیر عادی و نادر است که بی نیاز از هر تمپیدی امکان رؤیت واقعی اسرار هستی را فراهم می سازد.

انگیزه‌های شناخت

جبر طبیعت (ترس)

انسان محجور و به دور مانده از اصل و اصالت خویش در مواجهه با حوادث و رخداد‌های پیرامون حیات زمینی که علم و آگاهی از علل پدید آمدن آنها ندارد، دچار خوف و ترس می‌شود.

به نظر بسیاری از روانشناسان مشهور، ترس از نادانی و ناآگاهی سرچشمه می‌گیرد. وقتی انسان محیط خود را شناخت و در حد قدرت و توان خود به ماهیت اشیا پی برد، دیگر ترسی از آنها نخواهد داشت. حتی اگر به خطرناک بودن چیزی آگاهی داشته باشد، در واقع به جای ترسیدن از آن، درصدد مهار کردن آن شیء خطرناک خواهد بود و این دلیل بر ترسیدن نیست، بلکه دلیل بر قدرت کنترلی انسان است که می‌خواهد به ماهیت همه چیز پی ببرد و سپس آنها را به کنترل و استخدام خود در آورد.

انسان نخستین و یا هر انسانی که ولو در عصر ما زندگی می‌کند ، اگر از علل پدید آمدن رعد و برق ناآگاه باشد ، دچار ترس خواهد شد . حتی هراس انسان از تاریکی را با فقدان شناخت از محیط ، به دلیل نبود نور ، توجیه می‌کنند . یعنی آدمی با اینکه در اتاقی زندگی می‌کند که با تمام اشیا و ابزارهای موجود در آن فضای کوچک مانوس است ، مع‌ذکب به محض رخت بر بستن نور از آن فضای محدود و نامرئی شدن اشیا ، وضعیتی ترس‌آور به او دست می‌دهد . یا در مواجهه با شبحی که نمی‌تواند آن را بسرعت شناسایی کند ، دچار هراس می‌شود .

مثالهای بسیار زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد انسان برای غلبه بر ترس ، می‌خواهد هر چه را در پیرامون خود می‌بیند و می‌شنود ، بشناسد . البته انگیزه‌ای به نام ترس ، فقط موجب ترغیب آدمی برای دانستن است ، اما از چه ابزاری برای شناسایی محیط خود استفاده می‌کند تا میزان تأثیر آن در رفع ترس سنجیده شود ، امری دیگر خواهد بود . بسا باشد که پس از استدلالی منطقی ، مجهولی برای انسان معلوم می‌گردد ، ولی ترس زایل نمی‌شود ، مگر پس از آنس با آن معلوم در پی تجاربی چند . مثلاً اگر کسی حیوانی را که در عمر خود ندیده ، برای اولین بار ببیند

و از آن بترسد ، زمانی با اطمینان به آن حیوان نزدیک خواهد شد که خطرناک نبودن آن را تجربه کرده باشد . اما اگر کسی برای وی استدلال کند (که چون این حیوان وسیله‌ای مانند پنجه و دندان تیز برای دریدن و یا نیش زدن ندارد ، پس بی خطر است) نمی‌تواند ترس را از او برطرف کند . به هر حال ترس به عنوان یکی از عوامل وادار کننده برای شناسایی و یادگیری شمرده شده است .

کنجکاو

کنجکاو یکی از قویترین عوامل شناخت می‌باشد . انسان ذاتاً کنجکاو آفریده شده است و بی هیچ وقفه‌ای در صدد کشف مجهولات و شناسایی ناشناخته‌هاست . قدرت کنجکاو در برانگیختن انسان برای شناختن و دانستن به حدی است که در راه آن هر گونه خطری را به جان می‌خرد . بسا اتفاق افتاده است که انسان فقط برای دانستن محل و مکان سرچشمه رودخانه‌ای جان خود را از دست داده است .

کشف بسیاری از رودها ، چشمه‌ها ، کوهها ، دشتها ، غارها ، کانه‌ها ، شهرها ، قبیله‌ها ، و حتی قاره‌ها ، از روی کنجکاو بوده است . کنجکاو یک نیروی نامرئی درونی است که

انسان را برای تفحص و تحقیق ، تحریک و وسوسه می کند .
 چیرگی انسان بر زمین ، دریا و آسمان ، مرهون کنجکاو
 اوست . آدمی به منظور ارضای حس کنجکاو دست به
 ماجراجوییهای زده و از خطرناکترین سفرها استقبال کرده
 است .

کنجکاو در دوران کودکی شکل نیافته است و هر کودکی با
 اشتیاق میل به یادگیری و فهم هر چیزی را دارد . لیکن بتدریج با
 مفاهیمی آشنا می شود که برای هضم آنها احساس عجز می کند
 و مکرر از بزرگترها می شنود که هنوز برای فهم این مسائل زود
 است . زمانی می رسد که کودک می داند بدون تحصیل بعض
 مقدمات نمی تواند همه چیز را درک کند . لذا زمینه فراگیری
 دانش به طور مستمر و مرتب در وجود وی فراهم می گردد . با
 آغاز دوره تحصیل و دانش آموزی ، حس کنجکاو نیز صورت و
 شکل منظمی به خود می گیرد تا با گذشت زمان و بمرور مرحله
 کنجکاوهای علمی یا تفریحی فرا می رسد . در این موقع استفاده از
 نیروی حس کنجکاو ، براساس اغراض مشخص و مقاصد معین
 ارادی خواهد بود که نوعاً نتیجه بخش نیز می باشد .

به هر حال ، اختلافی در عامل شناخت بودن کنجکاو وجود
 ندارد و دومین انگیزه و عامل شناخت ، حس کنجکاو است .

حب ذات (عامل ادامه حیات)

یکی دیگر از عوامل شناخت که به طور فطری و بر اساس حکمت متعالی در وجود انسان به ودیعه گذارده شده است ، عامل حب ذات است که عامل ادامه حیات نیز خوانده می شود .

از آنجا که بشر باید به حیات طبیعی خود در کنار مسئولیتهای انسانی استمرار بخشد ، بناچار باید از نیروهای بسیار قوی -جهت تحریک برای استقامت در برابر شداید و سختیهای زندگی- برخوردار باشد که از آن جمله است .
حب ذات .

اگر پرسیده شود مگر انسان بدون نیروی حب ذات ، میل به بقا و ادامه حیات خود ندارد ؟ جواب داده می شود : نه انسان بدون حب ذات به هیچ وجه حاضر به ادامه زندگی نیست و باید گفت منشأ خلجیان این سؤال به ذهن انسان ، انس به وضعیت فعلی است . به عبارت روشنتر ، چون ما آدمیزاد را موجودی علاقه مند به زندگی و مایل به حفظ جان خود می بینیم و به چنین حالتی از وی انس پیدا می کنیم ، بدون توجه به علت این علاقه ، تصور می کنیم که بشر در هر حال میل به زندگی دارد . در حالی که اگر نیروی حب ذات از آدمی سلب شود ، دیگر حاضر به تحمل هیچ نوع فشار و سختی در زندگی نخواهد

بود . چون مردن به مراتب از تحمل بسیاری از رنجها و دردها آسانتر است .

اکنون که دانستیم نیروی بسیار قوی به نام حبذات در وجود آدمی نهفته است ، این نکته نیز گفتنی است که انسان به وسیله آن می خواهد خودش را در هر شرایطی حفظ کند و همیشه در دفاع از موجودیت خویش مستعد و آماده باشد و گاهی این دفاع ، مقدماتی را لازم دارد .

مثلا انسان برای حفظ سلامت خود نیاز به انرژی دارد و آن تأمین نمی شود مگر با غذا و آب . غذا و آب هم خود به خود به دست نمی آید . پس انسان رنج بردن را جهت تهیه خوراکی می پذیرد . همچنین در برابر سرما و باد که کالبد آدمی را متلاشی می کند ، احساس نیاز به پوشاک پیدا می کند و برای تهیه آن نیز زحمت می کشد .

اما در رابطه با دانش اندوزی و شناخت باید گفت همان طور که حفظ جان از انواع خطرات طبیعی به حکم نیروی حبذات - برای انسان ضرورت پیدا می کند ، حفظ روح نیز وقتی در معرض تهاجمات معنوی قرار می گیرد ، ضرورت پیدا می کند . مثلا همان حبذات حکم می کند که انسان نباید تحقیر شود . و چون احساس برتری نیاز به دانایی دارد تا توانایی کسب کند و در سایه

آن احساس برتری نماید ، لذا سختی و رنج دانشجویی را بر خود هموار می‌سازد . این گونه است که انسان در پی رفع کلیه نیازهای جسمی و روحی خود ، حاضر و قادر به تحمل هر نوع ناهمواری می‌شود .

البته عوامل دیگری نیز به عنوان انگیزه و عامل شناخت ذکر شده است ، لکن اگر کمی دقت شود ، معلوم می‌گردد که همه اینها ریشه در یکی از عوامل سه گانه مذکور در فوق دارند . مانند «اخلاق» ، «ایمان» ، «اعتقاد» ، «اشتیاق ذاتی» ، «عشق» ، «سودجویی» ، «حسادت» و امثال ذلک . تمامی این عوامل استقلال ندارند و به نوعی به یکی از سه عامل نامبرده شده برمی‌گردند .

بنابر این در باره موارد یاد شده بحثی نخواهیم داشت ، فقط تأکید می‌کنیم که نیروی حب‌ذات یکی از قدرتمندترین عوامل شناخت است و بی شک در پشت چنین صفات مذکور در فوق نیز که به نظر برخی عامل شناخت مستقل می‌باشد ، عامل حب‌ذات وجود دارد .

انس

به نظر می‌رسد انس نیز ریشه در حب‌ذات داشته باشد ، ولی قدرت احساس انس آن قدر زیاد است که گاهی انسان نمی‌تواند

این نیرو را از عوامل مستقل شناخت بشمارد .

حب ذات باعث می شود که انسان به ادامه زندگی علاقه پیدا کند و به حیات خود استمرار بخشد ، ولو این زندگی انفرادی و در عزلت باشد . چرا که بقای آدمی ، ملزوم اجتماع نیست ، بلکه حیات اجتماعی لازمه زندگی آسان و مرفه است . بنابر این انسان می تواند به تنهایی و به دور از جامعه نیز به حیات خود ادامه دهد ، ولی نمی تواند زندگی مرفه و آسوده ای را که یک بشر اجتماعی دارد ، داشته باشد .

انس موجب می شود که انسان علاوه بر میل به زندگی ، میل به اجتماع هم داشته باشد . پس انس عامل دیگری است که در نهاد آدمی برای زندگی اجتماعی ، که خود مقدمه ابقای حیات است ، به ودیعه گذاشته شده و می توان آن را از این جهت ، نیرو و عامل دیگری برای شناخت به حساب آورد .

اما توجیه چگونگی سببیت انس در شناخت اینکه : انسانها برای ارضای حس انس گرد هم می آیند و چون گرد آمدند ، میل به ارتباط پیدا می کنند و وقتی می خواهند ارتباط برقرار کنند ، نیاز به ابزار ارتباط احساس می شود و چون می خواهند از ابزارهای ارتباط جمعی (اعم از طبیعی و مصنوعی) استفاده کنند ، محتاج دانش و شناخت می شوند و در نتیجه ، دانش ابزار ارتباط جمعی و رسانه های

گروهی به وجود می‌آید و با رشد معنوی و علمی انسان رشد می‌کند .

بر این اساس ، انس نیز عامل شناخت محسوب می‌شود . به عقیده برخی ، عشق نیز عامل مستقل محسوب می‌گردد . چرا که انسان حتی گاهی جان عزیز خویش را به پای عشق فدا می‌کند و ذره‌ای از این عمل خود پشیمان نمی‌شود .

دلیل بر عدم پشیمانی ، تأیید سایر انسانهاست . به این معنا که فداکاری و ایثار در راه عشق (البته نوع پاک آن) در نزد هیچکس نکوهیده نیست . با اینکه حفظ عشق موجب از دست دادن زندگی می‌شود ، ولی کسی عاشق جان باخته را سرزنش نمی‌کند . با این حساب عشق نیرویی است وادار کننده انسان به سوی دانش و شناخت که می‌خواهد در سایه آن عشق خود را نسبت به معشوق زنده و محفوظ نگه دارد .

اما دلیل بر استقلال این نیرو از حبه ذات اینکه گاهی تضاد آشکاری میان حفظ عشق و حفظ جان دیده می‌شود و بسا باشد که نیروی عشق غالب آید و این خود دلیل روشنی بر استقلال نیروی عشق از حبه ذات است .

ولی به نظر می‌رسد دقت لازم نشده است . چون آنچه در ظاهر تضاد دیده می‌شود ، در واقع نه تنها تضاد نیست ، بلکه

عین توافق است . چون عاشق جان باخته در راه عشق به ظاهر جان خود را حفظ نکرده ، ولی روح خود را حفظ کرده است . بنابراین نه تنها با حبه‌ذات متضاد نیست ، بلکه انسان دقیقاً متأثر از نیروی بسیار قدرتمند حبه‌ذات در صدد برمی‌آید که بزرگترین خطر را استقبال نماید و جان شیرین خود را در راه حفظ عشق نشأت گرفته از روح - که بُعد دیگر (و بلکه والاتر) بقای حیات آدمی است - می‌بازد .

شایان ذکر است که از چهار عامل گفته شده فقط حس کنجکاو در حیوان وجود ندارد ، ولی سه نیروی دیگر در حیوانات نیز هست ، لیکن تفاوت‌هایی نیز دارد . مثلاً حیوانات نیز می‌ترسند و همین ترس باعث یادگیری روشهای حفظ جان می‌شود ، همچنان که آنها نیز بر اساس حبه‌ذات میل به ادامه زندگی دارند و در پی آن راههای دفاع از وجود خود را می‌آموزند . و یا میل به انس با هم‌نوعان دارند و حتی بعضی حیوانات زندگی اجتماعی نیز دارند . لکن تمامی موارد یاد شده در حیوانات از روی غریزه است و هیچ افزایشی بر اصل فطرت و غریزه در طول زندگی آنها مشاهده نمی‌شود و همین مایه تفاوت مهمی بین انسان و حیوان است . در حالی که انسان با استفاده از همین غریزه مشترک ، افزودنیها را بر دانش خود می‌افزاید و

بتدریج به کمال معنوی والایی نایل می شود .
 اما حس گنجگاو در حیوان وجود ندارد و حیوان هیچ وقت
 به صرف اینکه بخواهد چیزی را بداند ، دست به کاری نمی زند .
 به عبارت دیگر حیوان به منظور رفع نیازهای جسمی خود
 تحرک و فعالیت دارد ، نه به خاطر دانستن یا شناختن بیشتر .

موانع شناخت

ترس

ترس همچنان که عامل شناخت است ، مانع شناخت نیز می تواند
 باشد و این موضوع نیازی به توضیح ندارد .

تقلید

تقلید نیز از موانع شناخت است . بسیاری از وقتها انسان به دلیل
 آسان بودن تقلید میل به شناخت ندارد و می خواهد از این راه
 زودتر و سهلتر به مقصود برسد .

نقصان

هر نوع نقصی در انسان ، نقص در دانش و شناخت از آن ناحیه را به دنبال دارد . منظور از نقص ، نقص عضوی نیست ، بلکه نقص در ابزارهای شناخت است . نقصان در ابزار شناخت و یا کمبود عوامل شناخت ، موجب کاهش دانش بشر می شود که آن نیز به نوبه خود موجب کاهش شناخت آدمی از همان ناحیه است .

مثلا انسانی که بینایی خود را از دست می دهد (منظور نیروی دیدی است که از مغز تولید می شود) و نمی تواند خارج ذهن خود را ببیند ، از دانش و شناخت رنگها و مناظر و زیباییها محروم می شود . همچنین اگر کسی حس لامسه را از دست بدهد ، قادر به تشخیص زمختی و نرمی اجسام نخواهد بود . بدین ترتیب نقصان از موانع شناخت محسوب می شود .

انحراف

انحراف نیز در شمار موانع شناخت خواهد بود . هر چند که سایرین انحراف را از موانع شناخت نشمرده اند و به جای آن ، «هوی و هوس» ، «ظلم» ، «شرک» ، «کفر» و . . . را از موانع شناخت

دانسته‌اند ، اما باید دانست که اینها به نوعی از مصادیق انحراف هستند . از آن گذشته ، ما در شناخت خاص بحث نمی‌کنیم ، بلکه شناخت به معنای عام آن را مورد بحث قرار داده‌ایم ؛ چنان که دانش را نیز به معنای عام آن مورد توجه قرار داده‌ایم .

اما در توجیه اینکه انحراف چگونه می‌تواند مانع از شناخت آدمی بشود ، باید گفت که انسان (چه آگاهانه و چه ناآگاهانه) وقتی از جاده اصلی و راه درست هر چیز به بی‌راهه منحرف می‌شود ، به مقصودی غیر از مقصدی که باید می‌رسید ، می‌رسد ، و اگر ناآگاهانه باشد ، قاصر است (مثل جهل یا جهل مرکب) ، و اگر ناآگاهانه باشد مقصر است .

مثلا تسلط بر برخی از پدیده‌ها و یا ابراز نوعی از اعمال و رفتارهای خارق العاده از طریق اندوختن حکمت و پی بردن به اسرار طبیعت ، راه درست دانش و شناخت است . اما تحصیل آن قدرت ، از راه ریاضتهای شاق غیر منصوص و غیر مأثور انحراف است . همچنین پی بردن به اسرار جهان هستی و رسیدن به قرب الهی از راه عبادتهای مشروع و با کسب معرفت دینی ، راه درست دانش و شناخت می‌باشد ، اما نیل به این منظور از راه مکاشفات وهمی که در نتیجه تلقینهای مکرر و تمرینهای مرتب در پی خلسات و نشئه‌های مصنوعی پدید می‌آید ، انحراف است .

انحراف ، هر طور که معنی بشود و هر قدر که مصداق داشته باشد ، به تنهایی می تواند مانع شناخت انسان بشود .

مراحل شناخت

شناخت انسان از جهان هستی را می توان در سه مرحله مشخص بیان کرد .

- الف - مرحله ابتدایی (حسی) .
- ب - مرحله عالی (عقلی) .
- ج - مرحله متعالی (اعتقادی یا ایمانی) .

مرحله ابتدایی (حسی)

در این مرحله انسان با استفاده از ابزارهای حسی شناخت می تواند اطلاعات و آگاهیهایی از محسوسات کسب کند و سپس با یک سلسله عملیات مغزی ، شروع به شناسایی و دسته بندی آنها نماید . این نوع شناخت اجتناب ناپذیر است . حواس انسان در مواجهه با محسوسات ، پیامهایی را در رابطه با کمیتها و کیفیتهای ظاهری اشیا و گفتارها به مغز ارسال می کند و در صورت فعال و سالم بودن مغز ، متقابلا دستوری در همان رابطه دریافت می دارد و بر همین

اساس انعکاس رفتاری بوجود می آید . همین شناخت ابتدایی (حسی) ، شالوده شناخته های مراحل بعدی را می سازد . چون انسان وقتی متولد می شود ، هیچ دانش و شناختی با خود همراه ندارد (وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ...) و در برخورداری از غرایز طبیعی نیز ضعیفتر از حیوان می باشد . بنابر این نیل به مراحل عالیتر شناخت - در راستای هدف آفرینش - متوقف بر شناخته های حسی توأم با تحلیلهای عقلی است .

این نوع شناخت ، از محیط شناسی آغاز می شود و بتدریج به جغرافیا ، تاریخ ، زبان ، زیست شناسی ، و سایر دانشها گسترش می یابد و با گذشت زمان ، آگاهی انسان از محسوسات جهان هستی بیشتر و بیشتر می شود ؛ به طوری که با معلوم شدن گام به گام مجهولات ، دانشی از دانش قبلی متولد می شود . بر این اساس هیچ مجهولی بدون مقدمه و بی واسطه دانستنیهای قبلی ، معلوم نمی شود .

اینکه بعضی می گویند نیوتن بی مقدمه - با افتادن سیب از درخت - پی به نیروی جاذبه زمین برد ، صحیح نمی باشد . چرا صدها نفر که هر روز افتادن اشیا را از آسمان به زمین می دیدند ،

به این موضوع پی نبردند و فقط نیوتن متوجه این قضیه شد ؟
 پر واضح است که نیوتن در مورد اجسام و وزن آنها ،
 استحکام و شکل آنها ، مطالعه می کرد و معلومات فراوانی در
 باره اجسام و خواص آنها تحصیل کرده بود . در مسئله مذکور
 هم دانش وی مبنی بر جاذبه زمین از افتادن سیب ، بر اساس
 دانستنیهای او از اجسام بود که در واقع منتهی به کشف یک
 رابطه حاکم بر اجسام شد که نام «جاذبه» به خود گرفت .

در واقع دانش و شناخت حسی ، کلید دانشها و شناختهای مترقیانه تر
 انسان می باشد و این چنین روند یافتن شناخت از هر انسان
 طبیعی به وضوح مشاهده می شود .

هیچکس یک مرتبه دست به تحقیق در اسرار هستی نمی زند و
 بی مقدمه به علوم عقلی نمی پردازد . به عبارت دیگر هیچ دانشمند و
 حکیمی از روز اول دانشمند و حکیم نبود و هیچ فیلسوفی از روز اول
 به تفکر در ماوراء طبیعت نپرداخت . انسان ابتدا از محسوسات آغاز
 کرد ؛ آن هم از محسوسات موجود در اطراف خودش . این موضوع از
 رفتارهای طبیعی انسان کاملاً هویداست . مثلاً اگر کسی در اثر
 حادثه ای ، حافظه خود را از دست بدهد ، به محض اینکه پس از حادثه
 به هوش می آید ، می پرسد : من کجا هستم ؟ اینجا کجاست ؟ من
 کیستم ؟ و اگر کسانی در اطرافش باشد ، می پرسد : اینها کیستند ؟

مشابه این سؤالها را ، کلیه کسانی که نسبت به محیط خود بی اطلاع هستند ، می پرسند . مثلا کسی که چشم بسته به جایی منتقل شود و نداند مکان جدید کجاست و چه کسانی در اطراف وی هستند ، همین سؤالها را ، به استثنای «من کیستم» ، خواهد پرسید .

حتی کودکان نیز که از هر گونه آگاهی به وقایع و موجودات در پیرامون خود بی بهره هستند ، با چنین پرسشهایی سعی در شناختن محیط خود دارند .

افزون بر مطالعه رفتارهای طبیعی انسان ، خداوند متعال نیز دعوت به سوی کمال معرفت را از این مرحله آغاز می کند . به صراحت آیات ذیل توجه کنید :

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْآيَاتِ كَيْفَ خُلِقَتْ • وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ • وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ • وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ^۱ .
 أَوَلَمْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ الَّذِي أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسُكَّتْ بِهِ الشَّجَرُ وَبَلَغَ الْأَرْضُ بِمَاءِهِ الْحَبْلَ • وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ • إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ^۲ .

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ • إِنَّا مَصَّبْنَا الْمَاءَ صَبًّا • ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا • فَأَنْبَتْنَا

۱ - العاشیه ، ۲۰ - ۱۷ .

۲ - الملک ، ۱۹ .

فِيهَا حَبَابٌ ۖ وَعِثْبًا وَقَضْبًا.^۱

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ۖ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ.^۲

خداوند متعال ، ابتدا انسان را به تفکر و توجه در اطراف خودش راهنمایی می کند و از موجوداتی که مخاطب به طور طبیعی در زندگی روزمره با آنها روبروست ، آغاز می کند و می فرماید : آیا مردم در خلق شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است و به انوار با عظمت آسمان نگاه نمی کنند که چه نیکو برپا شده است . و به کوههای بر افراشته نمی نگرند که چگونه نصب شده است و به زمین که چسان مسطح و هموار گشته است ؟

آیا مرغان هوا را نمی نگرند که بالای سرشان پر گشوده ، گاه بی حرکت و گاه با حرکت بال پرواز می کنند ؟ جز خدای مهربان کسی آنها را بر فراز آسمان نگاه نمی دارد . چون بر همه چیز بیناست .

آدمی باید به غذای خویش به چشم خرد بنگرد که ما آب فراوانی از آسمان فرو ریختیم ، آنگاه زمین را از هم شکافتیم و

۱ - عبس ، ۲۸ - ۲۴ .

۲ - الطارق ، ۶ - ۵ .

حبوبات فراوان برای غذا برویانیدیم و انگور و سبزی بسیار و درخت زیتون و نخل خرما و باغهای پر از درختان کهن و انواع میوه‌ها و علفها و مرتعها آفریدیم تا شما آدمیان و چهارپایانتان از آنها بهره‌مند شوید .

انسان (مغرور) بنگرد که از چه آفریده شده است ؟ از آب جهنده‌ای که از پشت (صلب) پدر و سینه مادر آمده است . البته که او بر زنده کردن مجدد (پس از مرگ) قادر است .

خداوند متعال در آیات دیگری انسان را به تدبیر بیشتر در دور دستها فرا می‌خواند و در پایان هر دعوتی جهت مطالعه در جهان هستی ، شناخت خالق هستی را مورد تأکید قرار می‌دهد . شالوده‌آیاتی چون : لملکم تعقلون ، لملکم تفکرون ، افلا تعقلون ، افلا تفکرون و ... بر آیاتی مبتنی است که خالق جهان در آن آیات ، انسان را با مثالها و یادآوری نشانه‌هایی ، وادار به دانستن حقایق و اسرار هستی می‌کند :

فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُخْفِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا^۱
وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ^۲

۱ - الروم ، ۵۰ .

۲ - الذاریات ، ۲۱ - ۲۰ .

سُتْرِبِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ.^۱

و این چنین آیات و نشانه‌های خود را از آفاق و انفس بر مردمان نشان می‌دهد که در آیه‌های مذکور در ذیل ملاحظه می‌کنید :

إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَخْلُقُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. ﴿حجید ،

﴿ ۱۷ ﴾ .

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْقَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. ﴿ مؤمن ، ۶۷ ﴾ .

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَ أَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ. ﴿ السجده ، ۲۷ ﴾ .

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ. ﴿ شعرا ، ۷ ﴾ .
أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ. ﴿ اعراف ،

﴿ ۱۸۵ ﴾ .

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَ زَيَّنَّا وَ مَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ. ﴿ قن ، ۶ ﴾ .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِالْحَقِّ. ﴿ ابراهیم ، ۱۹ ﴾ .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ. ﴿ الحج ، ۶۵ ﴾ .

- آلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَرْجِي سَحَابًا. ﴿ نور، ۴۳ ﴾ .
- آلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ. ﴿ فرقان، ۴۵ ﴾ .
- آلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ. ﴿ لقمان، ۲۹ ﴾ .
- آلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً. ﴿ حج، ۶۳ ﴾ .
- آلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٍ. ﴿ فاطر، ۲۷ ﴾ .
- قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ. ﴿ عنكبوت، ۲۰ ﴾ .
- وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا... ﴿ نحل، ۷۸ ﴾ .
- وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ. ﴿ مؤمنون، ۷۸ ﴾ .
- قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ... ﴿ يونس، ۱۰۱ ﴾ .
- إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ. ﴿ بقره، ۱۶۴ ﴾ .
- وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا... وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالنَّهَارِ وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاءَ وَكُمٍ مِنْ قَضِيهِ... وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا... وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ... ﴿ روم، ۲۵-۲۰ ﴾ .

چه کسی در صراحت این آیات در امر به دانستن و شناختن از محسوسات و موجودات در پیرامون زندگی تا درک ناموس هستی و غایت آفرینش ، شک می کند ؟

با عنایت به چنین منبع صددرصد اطمینان آور که به مرحمت خالق عالم به عنوان معجزه‌ای جاودان در اختیار ما قرار گرفته ، چرا باید به سوی ایده‌ها و نظریه‌های پوسیده و مندرس شده‌ای که با رنگ و روغن الفاظ و اصطلاحات جدید ، جلا و جلوه یافته ، گردن دراز کنیم و نظام رده‌بندی دانشهای با ارزش و غنی خود را بر پایه‌های نا استوار قرار دهیم ؟ !

بنابر این ما قادر خواهیم بود با الهام از نور بزرگترین و جازمترین منبع دانش (قرآن و عترت ، آیات و روایات) به عنوان چراغی پرفروغ و عصایی مستحکم در فرا راه پیچیده‌دسته‌بندی و ترتیب دانش ، موفقیت قاطعی را کسب کنیم که دسترسی به دانش بشری را در لابلای اوراق کتابها به آسانترین وجه ممکن سازد .

راقم سطور امیدوار است که کتابداران مسلمان این مسئله مهم را از نظر دور ندارند و بدانند که اصل دانش از الطاف علام الغیوب است و او بهترین راهنما به سوی حکمت و معرفت می‌باشد که همه دانستنیها باید منتهی به شناخت ذات او گردد ورنه حجاب خواهد بود . پس با تکیه به رهنمودهای فراوانی که

از این سوی در اختیار ما قرار دارد ، می‌توانیم کتابهای موجود در کتابخانه‌ها را درست به همان ترتیبی که با طبیعت دانش و شناخت هماهنگ باشد ، نظم بخشیم و نظام رده‌بندی علوم در کتابخانه‌های کشور جمهوری اسلامی را بر اساس نظمی که خدا نشان می‌دهد ، بنیان گذاریم . ان شاءالله .

مرحله عالی (عقلی)

انگلس در اثر مشهور خود ، آنتی دورینگ ، می‌گوید : «ماتریالیسم نوزاد طبیعی بریتانیای کبیر است .» وی نوپینالیس را «اولین شکل ماتریالیسم انگلیسی بیکن»^۱ می‌داند . به نظر وی ، بیکن معتقد بود «که فلسفه طبیعی تنها فلسفه حقیقی است و فیزیک مبتنی بر تجربه حواس ، عمده‌ترین بخش فلسفه طبیعی است .» انگلس اضافه می‌کند که تمام علوم در نزد بیکن مبتنی بر تجربه بوده و عبارتند از «تحت اختیار گذاشتن اطلاعاتی که توسط حواس به دست می‌آیند به یک شیوه منطقی» . شخصیت

۱ - فرانسیس بیکن (۱۵۶۱ - ۱۶۲۶) ، تاریخ نام وی را در شمار افراد فاسد و رشوه‌خوار ثبت کرده است . علاقه‌مندان به دایرةالمعارف فارسی ، فرهنگ معین ، لغت‌نامه دهخدا و سیر حکمت در اروپا مراجعه کنند .

بعدی در نزد وی «هوس» است که «ماتریالیسم بیکن را سیستماتیزه می‌کند.» و «شناخت مبتنی بر حواس، شکوفه شاعرانه خود را از دست می‌دهد و به صورت تجربه انتزاعی ریاضیدان در می‌آید و هندسه ملکه علوم اعلام می‌شود.» ولی هوس آن طور که توانست در بنای ماتریالیسم خرابی به وجود آورد، نتوانست بنای بهتر بر پا کند. این «لاک» بود که به نظر «مارکس» توانست اثبات کند «که منشأ تمام دانشهای بشر از جهان، حواس است.» ولی شاید باور نکنید که سخن لاک تکرار همان سخن سوفسطاییان در دو هزار سال قبل از وی بوده است.

افراط و تفریط عجیبی در تعیین ارزش حواس و عقل در تمام دوره‌های پیش از میلاد، پس از میلاد و عصر جدید دیده می‌شود. «ویل دورانت» می‌گوید: «بدین گونه روزگار فلسفه با بازی عقل و حس سپری می‌شد تا آنکه رومیان و یونانیان از صحنه کنار رفتند و اروپا را برای مسیحیت و کلیسا خالی گذاشتند؛ احکام الهی راهبر مردم گشت و انکار حواس امری مقدس شمرده شد... حتی دکارت خود اسیر آن چیزی شد که مردم را از آن رهانید و از فلاسفه بخواست که قطعی بودن حواس را انکار کنند و چیزی را جز اندیشه واقعی نشمارند.

دنیای جدید دوباره حواس را به تاج و تخت خود برگردانید ؛ پیشقدمان این کار در فلسفه بیکن و در علوم گالیله بودند . . . پس از آن جنگ سختی میان انگلستان و اروپا در گرفت . لایبتیز و کانت و هگل در حواس شک کردند و گفتند عقل تنها داوری است که می تواند در باره مدرکات حسی قضاوت کند . هابز و لاک و میل گفتند که اگر عقل به خود جرئت جستجوی حقیقت در ورای محسوسات بدهد کار بیهوده ای می کند . اما کانت گفت که ریاضیات مستقل از محسوسات است و حقیقتی است پیش از تجربه . . . میل ، در پاسخ گفت چنین نیست ؛ اگر دو دوتا می شود چهار ، برای آن است که تجربیات دائمی روزانه ما و تجربه نوع انسان که به وراثت از اسلاف به اخلاف منتقل می شود آن را تصدیق می کند . لاک گفت که هر گونه معرفتی از راه حس حاصل می شود و حتی عالیترین برهانهای ریاضی موقتا نامحقق است تا آنکه به تصدیق حواس برسد .

وی می افزاید : هیچ مناقشه ای نتیجه ای شگفت تر از این نداشت . آپریوریسم ، یا ادعای حقایق مستقل از تجربه در اروپا رو به زوال رفت و به انگلستان منتقل شد ؛ ایمان به تجربه و ارجاع هر معرفتی به حواس ، در انگلستان از میان رفت و از

آمریکا سر درآورد . . . در اینجا سنت تجربی و استقرایی انگلیسی از نو برای جوانان زنده شد؛ پراگماتیسم [فلسفه مصلحت اندیشی] نامی نو برای شیوه کهن از اندیشه گشت و رأی بیکن را تأیید کرد . . . بدین گونه باز به سوفسطاییان برگشتیم و به نتیجه‌ای که آنها رسیده بودند رسیدیم . . . پس در این منطق عامیانه ما که عقاید بی پایه عامی‌ترین مردم را تأیید می‌کند جای عقل و استدلال کجاست؟^۱

ما بی آنکه در جواب این سؤال به دست و پا بیفتیم و یک از صد سخن ناراست این و آن را قرض کنیم، سراغ دریای علم و دانش، پیکره همیشه جاوید شناخت و عرفان، امیرالمؤمنین علی (ع) را می‌گیریم و سخن دَرِّبارشان را زمزمه می‌کنیم که: «العقل رقی الی اعلی علیین» عقل رساننده انسان است به اعلی علیین. و یا گوش به سخن ششمین اختر تابناک آسمان علم و حکمت فرا می‌دهیم که به مفضل می‌فرماید: هر که تعقل نکند رستگار نگردد و تعقل نکند کسی که نداند . . .^۲ ما از این دو حدیث شریف دو مرحله بیان شده را به خوبی به دست می‌آوریم که انسان باید

۱ - لذات فلسفه، ویل دورانت، ترجمه دکتر عباس زریاب خویی، چاپ

هفتم، ۱۳۷۱، ص ۲۶ - ۲۲.

۲ - اصول کافی، کتاب العقل، حدیث ۲۹.

ابتدا قدم در پله اول نهد و به کسب علم و دانش (که در مرحله ابتدایی بیان شد) پردازد و سپس تعقل کند (مرحله عالی) که عقل او را به درجات عالیتر می‌رساند و رستگار می‌شود. و آن مرحله سوم است (مرحله متعالی) که به زودی بحث در باره آن خواهد آمد.

امام موسی بن جعفر (ع) در حدیث مفصلی هشام بن حکم را مخاطب قرار داده، می‌فرماید: «... خدا اینها (نشانه‌های بی‌شمار در جهان هستی) را دلیل بر شناسایی خود قرار داده که مسلماً مدبری دارند...» سپس آیاتی چند را که ما قبلاً نقل کردیم، تلاوت فرمودند. آیاتی که نشانه‌های خدا را برای مردم به زبان ساده بیان می‌کند و سپس مردمان عاقل را به تدبر و استدلال می‌خواند. اما عاقل کیست؟ خود امام (ع) در ادامه سخن می‌فرماید: «ای هشام عقل همراه علم است» سپس این آیه را تلاوت فرمودند: «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ»^۱ این مثلها را برای مردم می‌زنیم، ولی جز دانشمندان کسی تعقل نمی‌کند.»^۲ عقل و استدلال در اسلام جایگاه بلندی دارد.

۱ - العنکبوت، ۴۳.

۲ - اصول کافی، کتاب العقل، حدیث ۱۲.

و به عنوان «رسول حق» معرفی شده است. «العقل رسول الحق»^۱ عقل در سایه اسلام از زنجیر عقاید باطل رهایی می‌یابد تا دروازه حکمت را به روی بشریت بگشاید؛ چون فرموده‌اند: «عقل راهنمای مؤمن است».^۲ و اما حکمت که به دنبال دانش و تدبر و عمل حاصل می‌شود، همان چیزی است که خدا فقط به بندگان خاص خود عطا می‌فرماید: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذُكَّرُ إِلَّا الْأُولَاءُ الْأَلْبَاب»^۳

این حقیقت را بجز خردمندان عالم متذکر نمی‌شوند که «حکمت» خیر کثیر است و عطای آن به دست خداست.

با عنایت به گرفتاری عقل در دنیای خارج از اسلام - که شمه‌ای از آن را خواندید - می‌توان به پایه‌های علمی، عقلی و فلسفی کسانی پی برد که به خیال برخی حق تعیین استانداردهای جهانی در نظام رده‌بندی علوم را دارند. و با توجه به آیات و روایاتی که ارزش عقل را در دایره اسلام نشان می‌دهد، می‌توان محدوده مرحله دوم از شناخت را به تعبیری که پیشنهاد شد، تعیین کرد و استاندارد جهانی را از خالق جهان گرفت.

۱ - غررالحکم .

۲ - العقل دلیل المؤمن .

۳ - بقره ، ۲۶۹ .

اگر بخواهیم در باره عقل و استدلالهای عقلی جهت درک و فهم اصول عقاید فردی و اجتماعی، که ضامن نجات انسان از زندان تن و هواهای نفسانی است، به آنچه در اسلام آمده تمسک جوئیم، به بیش از سیصد آیه و هزار روایت برمیخوریم که با تعبیری بسیار عالی، ماهیت و وظیفه عقل را بیان داشته‌اند. بنابر این علاقه‌مندان تحقیق را به کتاب خدا و اصول کافی و نهج البلاغه و... ارجاع می‌دهیم و بیش از این عقل خود را در پیچ و خمهای تاریکی که لائیکها، اسکولاستیکها و

-
- ۱ - Laic در لغت به معنای عامی می‌باشد. ریشه آن Laos (یونانی) به معنی مردم است. بعدها در زبان لاتینی به Laicus یعنی غیر روحانی، تلفظ شده است. این لفظ وقتی داخل زبانهای اروپایی مثل انگلیسی شده، بصورت Laic در آمده است. در اصطلاح به کسانی گفته می‌شود که افکاری علیه مذهب (مسیحی) در سر می‌پروراندند و به انفصال دین از سیاست معتقد گردیدند. امروزه اصطلاح لائیک به ضد مذاهب اروپایی اطلاق می‌شود. **فرهنگ سخنرا، دایرة المعارف فارسی و سایر منابع محلی.**
- ۲ - Scholastic یعنی مدرسه‌ای و Skholastikos یعنی دانشگاهی، برگرفته شده از لغت یونانی Skhole به معنی مدرسه می‌باشد. در اصطلاح به فلاسفه‌ای گفته می‌شود که در قرون وسطی تعلیمات خود را در مکتبها و مدرسه‌های وابسته به کلیسا و دیرها گذرانده‌اند و تسامحاً به فلاسفه اروپایی که در سده‌های پس از قرن دوازده میلادی به عرصه گیتی پانهاده‌اند، نیز گفته می‌شود. **همان.**

آنگلو ساکسونها^۱ پیش پا می‌نهند ، خسته و درمانده نمی‌کنیم . چه می‌توان گفت ، شاید وقت آن رسیده باشد که ما اصول خود را از کتابی مقدس اخذ کنیم «ذلك الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین - ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم»^۲ که دیگران آرزوی داشتن آن را حسرت می‌برند و از کجا می‌توان مطمئن شد که امروز همان روز نیست .

۱ اصطلاح آنگلو ساکسون (Anglo - Saxons) یادآور دو نژاد ژرمنی است که پس از اتحاد در سده‌های پنج و شش میلادی به خاک بریتانیا تاختند و قوم انگلیس را در آن سرزمین بوجود آوردند . این اصطلاح تقریباً پس از قرن شانزده میلادی به سکنه غیر سلت بریتانیا اطلاق گردید . لیکن در سده‌های اخیر توسعاً به تمام مردم بریتانیا اعم از نورمانها ، اسکاتلندیها و ایرلندیها گفته می‌شود . کلمه انگلستان نیز مأخوذ از نام نژاد آنگل می‌باشد . زبان انگلیسی نیز ریشه در زبان همان اقوام مهاجم ژرمنی (آنگلو ساکسون) دارد . این زبان تا قرن یازده میلادی استمرار داشت و در اصطلاح «انگلیسی کهن» نامیده می‌شد که آثار «ادبی کهن انگلیسی» را بدان زبان پدید آورده‌اند . بعدها جای آن را «انگلیسی میانه» و در نهایت «انگلیسی جدید» پر کرد . انگلیسی جدید اقتباسی است از زبانهای لاتینی ، اسکاندیناوی ، آلمانی ، فرانسوی ، نورمانی ، همراه با بعضی واژه‌های دخیل شرقی که تا حدودی از لهجه مردم لندن جدا شده است . **کان** .

۲ - بقره ، ۱ - الاسراء ، ۹ .

مرحله متعالی (اعتقادی یا ایمانی)

درک بعضی چیزها آن قدر مشکل است که گاهی در هیچ مکتب و آیینی نمی‌توان راهی به سوی آن یافت. مگر بسیار بسیار باریک، حساس و خطر آفرین. شاید عقل بتواند خوب بودن احسان و بد بودن ظلم را درک کند و یا بداند که کل از جزء بزرگتر است، همچنین در یک زمان و مکان، شیء واحد هم موجود و هم معدوم نمی‌تواند باشد و دهها مسئله بدیهی دیگر که در کتب مربوطه به تفصیل ذکر شده است. ولی آیا می‌تواند در حقیقت لذت، درد، عشق، غضب، کینه، جن، فرشته، روح و از همه بالاتر، ذات باری تعالی نظر صائب داشته باشد؟ اگر می‌تواند در این وادی نیز نظر بدهد، آن رأی چیست و در کجا توانسته انسان را از این ناحیه آرام کند؟ تصور نکنید که با آن همه سرزنش کردن دیگران، عقل را با احترام به خانه آوردیم و اکنون می‌خواهیم با بی‌احترامی از خانه بیرون کنیم، نه، می‌خواهیم بگوییم مهمان عزیز است، ولی هر مهمانی در خانه جای خاصی دارد. نمی‌توان علم را در جای عقل و عقل را در جای علم نشانند؛ همچنان که نمی‌توان آن دو را در تکیه گاه ایمان، که عرصه بس بلندی است، جای داد.

هیچ دیده‌اید که خدا بندگان خود را بدون مقدمه و بدون

راهنمایی به سوی علم و دانش و پس از آن بدون تعقل و تدبر ، برای ایمان به چیزهایی که درک آنها مشکل است بخواند ؟

اینکه خدا در برابر سؤالهای بی شمار مردم از رسول الله (ص) در باره روح ، می فرماید : «آنگاه که از تو در باره روح سؤال کردند ، بگو از امر خداست و نداده ایم به شما از علم و دانش مگر اندکی» ،^۱ بیان واقعیتی^{نهفته} است که نمی توان از آن فرار کرد . انسان با تمام استعدادها و قوایی که دارد از ظرفیت نامحدود بر خوردار نیست . لذا تا جایی می تواند در وادی درک پیش برود که بنیه او توان کشش آن را داشته باشد و بیش از آن مقدار شاید امکاناً نتوان پیش رفت .

این قضیه در همین جوابی که خدا از خواسته بعضیها داده روشن می شود و از آن نیز آشکارتر درخواست قوم بنی اسرائیل مبنی بر رؤیت خدا می باشد . آن قضیه را خداوند متعال به پیغمبر اکرم (ص) چنین نقل می کند :

(ای پیغمبر) اهل کتاب از تو درخواست می کنند که از آسمان برای آنها کتابی فرود آوری در حالی که از موسی بالاتر از این درخواست کردند . آنها گفتند : خدا را به چشم ما آشکار بنما . پس آنها را به سبب این تقاضا که از روی جهل و

۱ - البقره ، ۵۵ و ۱۴۳ - الفرقان ، ۲۱ - النساء ، ۱۵۳ .

سرکشی کردند ، صاعقه سوزان در گرفت . . .^۱
 این همان واقعه‌ای است که در آیه ۵۵ سوره بقره ، طی
 داستان حضر موسی و نقل جریان محاجه حضرت ایشان با قوم
 بنی اسرائیل می خوانیم :

به یاد آرید وقتی که گفتید : ای موسی ما به تو ایمان
 نمی آوریم مگر اینکه خدا را آشکارا ببینیم . پس صاعقه سوزان
 بر شما فرود آمد و آن را به چشم خود دیدید .^۲

واقعه سوختن آن دسته از قوم بنی اسرائیل که درخواست
 رؤیت خدا را کرده بودند ، به خاطر این نبود که خدا دیدنی
 است و آنها حق چنین تقاضایی را نداشتند ، بلکه به این خاطر
 بود که انسان ظرفیت رؤیت و یا تحمل هر چیزی را ندارد . آیا
 انسان طاقت ضعیفترین نور از نوع لیزری را دارد تا بتواند خدا
 را که نور آسمانها و زمین است (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)^۳ ببیند ؟
 اگر چنین امکانی وجود داشت چرا پیغمبر اولوالعزم که افتخار
 سخن گفتن با خدا را داشت به چنین آرزویی نایل نشد ؟ آنجا
 که می فرماید :

۱ - النساء ، ۱۵۳ .

۲ - البقره ، ۵۵ .

۳ - النور ، ۳۵ .

و زمانی که موسی در وقت معین به میعادگاه ما آمد و خدا با وی سخن گفت . موسی عرض کرد : خدایا خود را به من آشکار بنما که جمال تو را مشاهده کنم . خدا در پاسخ او فرمود : مرا تا ابد نخواهی دید (نه در دنیا و نه در آخرت) ، و لیکن در کوه بنگر ، اگر کوه طور به جای ماند ، مرا خواهی دید . آنگاه که نوری از تجلی خدا بر کوه تابش کرد ، کوه متلاشی و منفجر گردید و موسی بیهوش افتاد . چون به هوش آمد عرض کرد : خدایا تو منزّه و برتر از تصور ما هستی . به درگاه تو ، توبه کردم و من اول کسی هستم که ایمان دارم .^۱

این همان مرحله‌ای است که عقل قدرت درک آن را ندارد ، ولی ایمان قلبی می‌تواند آن را به خوبی درک کند و بدان آرامش گیرد .

ایمان چیست؟

ایمان عبارت از پیوندی است که بین نفس و یک مطلب برقرار می‌شود یعنی اگر پیوند و گره که از آن به عقد تعبیر می‌شود . بین نفس و یک مطلب برقرار

شود ، آن نفس را معتقد به آن مطلب و یا مؤمن به آن می گویند.^۱

«ایمان» از ماده «امن» به معنی اطمینان یافتن ، آرام شدن ، اعتماد پیدا کردن ، پناه بردن و از التهاب و تشنج افتادن و سکون پذیرفتن است که همراه سایر مشتقات آن ، ۸۷۹ بار در قرآن استعمال شده است . «اعتقاد» از ماده «عقد» به معنی بستن ، گره زدن ، گرویدن ، اتصال دادن ، تکیه کردن و تعلق یافتن است . در مرحله اول از شناخت که به مرحله ابتدایی و حسی تعبیر شد ، انسان جهان را احساس می کند و لذا از آن به «جهان احساسی» نیز تعبیر کرده اند . اگر کسی این مرحله را از بدایت احساس به نهایت آن رساند ، کم کم به «جهان بینی علمی» دست می یابد . اما پرواضح است که جهان بینی علمی نمی تواند ابتدا و انتهای هستی را تفسیر کند و لذا در این مرحله اضطراب و تزلزل وجود دارد . آنان که از مرحله «جهان احساسی» بالاتر نرفته اند ، مشمول آیه اولیٰکَ کَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ...^۲ هستند . خدا در جای دیگر

۱ - شناخت شناسی در قرآن ، آیت الله جوادی آملی ، چاپ دوم ۱۳۷۲ ، ص

۲ - آنان مانند بهایم هستند و بلکه از آنها نیز فروترند . (الاعراف ، ۱۷۹)

تعبیر زیبایی دارد که می‌فرماید: «ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ...»^۱. دلیل بر تساوی این مرحله با احساس حیوانی و یا کمتر از آن بودن، همان نقطه قوه داشتن حیوانات در «جهان احساسی» است. اگر کسی از پل جهان احساسی گذشت به سکوی «جهان شناسی» یا «جهان بینی فلسفی» دست می‌یابد که می‌تواند با برهان و استدلال بر روی چند جا پای کلی استقرار یابد. جهان بینی فلسفی هر چند روشن و دقیق نیست، ولی همانند جهان بینی علمی نیز متزلزل و ناپایدار نمی‌تواند باشد.

در این مرحله است که انسان لذت استقرار و سکون را درمی‌یابد و با قدرت استدلال و برهانی که بتدریج کسب کرده و توانمند شده، می‌خواهد به اطمینان واقعی و سکون محض برسد. به همین خاطر از سکوی «عقل» به خانه «امن» وارد می‌شود و آن وقت از خانه مرتفع «ایمان» که دیدگاه وسیع و زاویه بارزی دارد، جهان هستی را سراسر تجلی نور خدا می‌بیند. «فَإِنَّمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ»^۲ (و به هر سو که رو کند با خدا روبرو می‌شود.)

اما این طور نیست که همه بتوانند ایمان صحیح و درستی

۱ - النجم ، ۳۰ .

۲ - البقره ، ۱۱۵ .

داشته باشند . چه بسا که انسان به چیز باطلی دل خود را گره می‌زند و پناهگاه ناامنی را برای خود بر می‌گزیند که نتیجه آن ایمان باطل و اعتقاد فاسد است .

«ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنْ مَا يُدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ»^۱
 «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنْ مَا يُدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ»^۲

مراحلی که ما ، در چند صفحه ، در نهایت تنگی قافیه بازگو کردیم ، در کلام خدا که معجزه جاودان است ، در سه کلمه بسیار مختصر و با سه اصطلاح معروف تبیین شده است . آن سه اصطلاح قرآنی عبارت است از :

«علم اليقين»^۳ ، «عين اليقين»^۴ و «حق اليقين»^۵

۱ - الحج ، ۶۲ .

۲ - لقمان ، ۳۰ .

۳ - التكاثر ، ۵ .

۴ - التكاثر ، ۷ .

۵ - الواقعة ، ۹۵ .

رده بندی علوم بر پایه شناخت

دور نیست که گفته شود شناخت‌شناسی تنها شیوه صحیح و تنها محور قابل تکیه در رده بندی علوم است. با وجود اینکه شناخت‌شناسی اثباتاً از بسیاری از علوم متأخر است، و لیکن ثبوتاً بر همه دانشها مقدم است.^۱ ناگفته پیداست که تا انسان دیدگاه مشخصی نسبت به معرفت و شناخت از جهان هستی نداشته باشد، هرگز نمی‌تواند، نظام دانش‌شناسی را بر اصول پایدار بنیان نهد. حسوبون، مادیون، شکاکان، لادریون، تحصیل‌گراها، پندارگراها، ایده‌آلیستها و... اگر نتوانند معضل شناخت را حل کنند و مادام که معتقد باشند، «جهان هستی غیر قابل شناخت است» و یا جهان‌شناسی صرفاً علمی و یا فلسفی داشته باشند، هرگز به جایگاه رفیع معرفت و شناخت توحیدی که امکان وسعت دید نسبت به جهان هستی و دانش بشری فراهم می‌کند، نخواهند رسید.

۱ - شناخت‌شناسی در قرآن، آیت الله جوادی آملی، چاپ دوم ۱۳۷۲، ص

از آنجا که تقلید در جهان بینی ناصواب است^۱، لذا ابتدا در باره منابع، موانع و مراحل شناخت سخن به میان آمد و بالضروره، شناخت شناسی به عنوان مطلوبترین شیوهٔ سنجش برای رده بندی علوم، ملاک اتخاذ گردید. چون سرنوشت شناخت شناسی با هستی شناسی و دانش شناسی به هم گره خورده و مادام که مبانی قابل قبول در این سه وادی حاصل نشود، سخن از طبقه بندی علوم و یا ترتیب دانشها گزافه خواهد بود.

در این شیوه ضمن حفظ ارتباط علوم، تسلسل منطقی دانش بشری نیز ملحوظ می شود. مهمتر از این، ویژگی طبیعی بودن رده بندی علوم یا به تعبیر بهتر مرتب سازی دانش بشر در جدول اصلی لحاظ خواهد شد. از سوی دیگر اختلافهای ناشی از ملیت، مذهب، زبان و کشور تقلیل خواهد یافت.

در این روش صرفاً شناخت آدمی از جهان هستی به عنوان یک محور اساسی مورد توجه قرار می گیرد و به دنبال آن پا به پای معرفت شکل یافتهٔ انسان از هستی که مسبوق به دانش، از یافته های وجودی است، می توان پیش رفته و دانشها را به نظم درآورد. به همین جهت باید روشن شود که حرکت انسان به سوی

۱ - شناخت شناسی در قرآن، آیت الله جوادی آملی، چاپ دوم ۱۳۷۲، ص ۵۴

به نقل از علم الهدی (ره) و شیخ طوسی (قدس سره).

دانش‌اندوزی و شناخت از جهان هستی از کجا و چگونه آغاز می‌گردد؟ به طور طبیعی و اغلب چه چیزهایی را باید بداند و برای درک چه چیزی باید تلاش کند؟

طبقه بندی طولی دانش

پیشتر این موضوع تنقیح گردید که شناخت انسان از جهان هستی سه مرحله دارد و با استفاده از آیات قرآن روشن شد که در مرحله اول فعالترین ابزار شناخت، حس است. اما نه به معنای تحرک کاملاً حسی بدون دخالت سایر قوا و ابزارها، بلکه توأم با فعالیتهای عقلی و قلبی می‌باشد. در مرحله دوم نیز محور درک انسان، عقل است، لکن همراه با فعالیتهای حسی و قلبی. و در مرحله سوم قلب انسان در سایه شناخت به امنیت و سکون می‌رسد که از حواس و عقل نیز بهره می‌برد.

بنابر این در طبقه بندی طولی دانش، سه طبقه قابل تصور می‌باشد: طبقه اول شامل تمام دانشهای علمی، حسی و تجربی انسان می‌تواند باشد که اولاً ساده است و ثانیاً عمومی و همگانی و ثالثاً پله‌ای برای طبقات بعدی محسوب می‌شود.

برای اینکه حیطة طبقه اول از دانش بشری روشن شود، علاوه بر آیاتی که پیشتر یادآور شده بودیم. چند آیه دیگر نیز

اضافه می‌کنیم .

خداوند متعال در آیه ۹۹ از سوره انعام می‌فرماید :

اوست آن کس که از آسمان آب را فرو فرستاد . ما بدان گیاهان را رویانیدیم و سبزه‌ها را از زمین خارج گردانیدیم و دانه‌های درهم پیچیده را از شکوفه‌ها پدید آوردیم و از شکوفه نخل خوشه‌های به هم پیوسته برانگیختیم و باغهای شبیه به هم و یا مختلف از انگور و زیتون و انار ایجاد کردیم . میوه‌های آنها را آنگاه که به ثمر می‌نشینند و به رشد می‌رسند ، به چشم تعقل بنگرید . به درستی که در همه آنچه برای شماست نشانه‌هایی برای آنان که ایمان آوردند (پس از تعقل) وجود دارد .^۱

و (خدای بزرگ) چهارپایان را خلق کرد تا با استفاده از مو و پشم آنها خود را از گزند سرما محافظت نموده و بهره ببرید و از شیر و گوشتشان بخورید و هنگامی که آنها را هر بامداد به چرا برده و یا در شامگاه که از چرا بر می‌گردانید ، از زیبایی منظر آنها لذت ببرید . آنها بارهای شما را به شهرها می‌برند در حالی که اگر بهائم نبودند ، با زحمت بسیار باید آنها را حمل

می‌کردید . به درستی که پروردگار شما مهربان و رحیم است .
و اسب و استر و الاغ را خلق و مسخر شما کرد تا بر آنان
سوار شوید و از زیبایی آنها استفاده کنید و خداوند اموری
دیگر را نیز می‌آفریند که شما نمی‌دانید .^۱

در آیات فوق عینیاتی به عنوان مثال ، که در محیط زندگی
انسان وجود دارند ، مورد توجه قرار گرفته است و خداوند
متعال در واقع انسان را به مطالعه و شناخت جهان هستی
دعوت می‌کند و آن را از نزدیکترین و سهل‌الوصول‌ترین
موجودات پیرامون آدمی ، که هر روز در تماس با آنهاست ، و
یا در برخورد با آنها از وجودشان بهره‌مند می‌شود ، آغاز کرده
است . اما در عین حال به مسئله تعقل و ایمان قلبی نیز اشاره
شده است .

در طبقه دوم ، علوم عقلی و نظری که بیشتر با مجردات
سروکار دارد ، قرار می‌گیرد . دانشهای بسیار متنوع که با
ریاضیات ، حرکت ، نیرو و زمان سر و کار دارند در این طبقه
خواهند بود .

نمونه‌ای از دانستنیهای این طبقه از قرآن کریم نقل می‌شود :

خورشید بر مدار معین خود بی هیچ اختلافی در گردش است و این تقدیر خداوند عزیز حکیم است و ماه در منازل معین گردش می کند . تا آنکه هلال ماه همچون شاخه نازک خرما دیگر بار به منزل اول باز می گردد . نه خورشید را شاید که به ماه رسد و نه شب را امکان آنکه بر روز پیشی گیرد و هر یک در مدار خاص خود در حرکت است .^۱

اوست خدایی که خلق را زنده گرداند و بمیراند و اختلاف شب و روز (حرکت زمین و ماه و منظومه شمسی) به امر اوست ، آیا شما عقل خود را به کار نمی بندید تا (از جهانشناسی) به خداشناسی برسید .^۲

در طبقه سوم علوم قرار دارند که ضمن ارتباط با حواس و عقل ، از شناخت قلبی بیشتر بهره می برند . از این نوع شناخت به شناخت شهودی نیز تعبیر می کنند که همان ایمان قلبی است . برای نمونه آیاتی نیز جهت این طبقه نقل می گردد :

مَا كَذَّبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى .^۳

اغلب مردم از امور ظاهری و زندگی دنیوی (مانند صنعت ،

۱ - یس ، ۴۰ - ۳۸ .

۲ - المؤمنون ، ۸۰ .

۳ - النجم ، ۱۱ .

تجارت و غیره) آگاهند و از عالم آخرت بکلی غافلند . آیا در نفوس خود تفکر نکردند . خدا آسمانها و زمین و هر چه را در بین آنهاست ، جز به حق و به دقت و حد معین نیافریده است . و بسیاری از مردم به شهود لقای خدا بکلی کافر و بی عقیده هستند .^۱

خداست که در جوف زمین دانه و هسته را می شکافد و زنده را از مرده و مرده را از زنده پدید آرد . آنکه چنین تواند کرد ، خداست . چرا به دروغ نسبت خدایی به آنان که این کار نتوانند ، دهید ؟

خداست شکافنده پرده صبحگاهان و شب را برای آسایش خلق مقرر داشته و خورشید و ماه را به نظمی معین به گردش درآورده است . این به تقدیر خدای عالم مقتدر داناست .

و اوست که چراغ ستارگان را برای راهنمایی شما در تاریکیهای بیابان و دریا روشن داشته است . و ما هر آیات و نشانه‌های خود را برای آن دسته که اهل علم و دانش و فکر و شناخت هستند به تفصیل بیان کردیم .

هم اوست خدایی که همه شما را از یک تن در آرامگاه (رحم) و ودیعتگاه (صلب) بیافرید . ما آیات و نشانه‌های خود را برای

اهل بصیرت و فهم، نیکو و مفصل بیان نمودیم.^۱

علم و دانش سکوی شناخت و آن دو مقدمه ایمان صحیح و علم و معرفت و ایمان برای عمل صالح و درست است که انسان بتواند با طی این منازل به کمال انسانی و به مقام خلیفه الرحمانی نایل شود. لذا در ابتدا خدا مردم را متوجه دانش کرد و سپس شناخت از هستی را متذکر شد و از آن پس ایمان به غیب و آخرت و حقیقت ذات باری تعالی را مورد تأکید قرار داد که: **ذُلِّكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.**^۲ آنگاه فرمود:

آیات و نشانه‌های الهی و کتب آسمانی (در هر دوره و عصری) که سبب بصیرت شماست، البته از طرف خدا آمد. هر کس بصیرت یافت به سعادت رسید و هر کس کور بماند، خود در زیان افتاد و من نگاهبان شما از عذاب خدا نیستم.^۳

پس از این اتمام حجتها (فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ) دستورات لازم را در باره احکام عملی، اخلاق عملی و حقوق عملی صادر فرمودند که آیات زیادی حاوی آن است.

۱ - الانعام ، ۹۸ - ۹۵ .

۲ - الانعام ، ۱۰۳ - ۱۰۲ .

۳ - الانعام ، ۱۰۴ .

۴ - الانعام ، ۱۴۹ .

ترتیب علوم بر پایه شناخت

اکنون به جایی رسیدیم که باید دانشها را در سه طبقه مذکور ترتیب دهیم . لازم به ذکر است که خداوند متعال دانشهای هر طبقه را در عرض همدیگر بر شمرده است و این از اختلاف انسانها و محیطهای زندگی ناشی می شود . چون شرایط مختلف مکانی ، زمانی و محیطی گامهای اول دانش را متنوع می سازد . به همین خاطر ابتدا باید در حد امکان دانشها را در کلیتهای خاصی مرزبندی کنیم و سپس از هر مرزی تا مرز دیگر می توان علوم مربوط را ترتیب داد .

در اینکه انسان از محیط خود آغاز به یادگیری می کند ، شکی نیست . لکن گاهی به ظواهر در پیرامون خود از موجودات و مخلوقات مختلف می نگرد و دانستنیها را کسب می نماید که از آن به «محیط شناسی» تعبیر می شود گاهی هم به عمق موجودات می پردازد و در ترکیب یا اجزای آنها به مطالعه می پردازد که به «ماده شناسی» تعبیر می شود . این سیر تا مرز «علم الیقین» که همان «رابطه شناسی» است ادامه پیدا می کند . رابطه شناسی که همان یافتن

رابطه پدیده‌ها و به مبنای عامتر آن یافتن رابطه مخلوقات با همدیگر و رابطه میان خالق و مخلوق می‌باشد، سر از «جان شناسی»، یا «روح شناسی» درمی‌آورد و از آن پس مسئله «راهنما شناسی»، مطرح می‌گردد که نهایتاً به مرز «حقوق شناسی»، ختم می‌شود.

در این جایگاه نیز مثل رابطه شناسی، حقوق مخلوقات بر همدیگر و حقوق خالق بر مخلوق مطرح می‌باشد. این مرز می‌تواند همان «عین الیقین»، تلقی شود که واصلین به آن در ادای حق خالق و مخلوق تردیدی به خود راه نمی‌دهند.

اما شناخت در اینجا پایان نمی‌یابد و آدمی در پی آن مراحل و آموخته‌ها به جایی می‌رسد که احساس می‌کند باید در جهان درون خود غوطه‌ور شود و این بار به «جهان شناسی درونی»، می‌پردازد. در متون اسلامی از جهان شناسی درونی به «خودشناسی» تعبیر شده است: *وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ*^۱.

خود شناسی نیز به نوبه خود انسان را به «خدا شناسی»، رهنمون می‌شود: *مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ*^۲. و وقتی کسی خداشناس شد، به «حق الیقین» رسیده است. آنان که به این مقام منبع

۱ - الذاریات، ۲۱.

۲ - میزان الحکمة، جلد ششم، ماده عرف.

می‌رسند ، حقیقت هستی را درک می‌کنند و «حقیقت شناسی» از این مرز آغاز می‌شود و باز هم این راه ادامه دارد و آدمی در مدار دانش ، مسیر دایره گونه‌ای را طی می‌کند که انتها ندارد ، ولی عمق دارد . یعنی این طور نیست که اگر کسی به رتبه حق الیقین رسید ، دیگر سر و کارش با آسمانیان است و به زمینیان نمی‌نگرد ، بلکه او چون به آن درجه از معرفت می‌رسد ، به حقیقت حق و حاق هستی پی می‌برد و آنگاه به خاک بر می‌گردد ، و این گردش دورانی همچنان ادامه دارد . اما همه مراحل آن یکی نیست و گاهی به اوج معرفت می‌رسد و لحظه‌ای به حضيض دانستن بر می‌گردد . این حقیقت را در زندگی پیامبران نیز به وضوح مشاهده می‌کنیم . لکن رسیدگی به آن اکنون میسر نیست .

نشانه گذاری

فلسفه وجودی رده‌بندی علوم ، علاوه بر ایجاد سهولت در بازیابی کتاب و بازکاوی دانش ، به دست آوردن سنخیت‌های مشابه یا تفاوت‌های آشکار و نهان علوم و معارف از جهت جایگاه ارزشی ، کاربرد تعلیم و تربیتی نیز می‌باشد . اصولاً به دست آوردن شناسه‌های قابل شناخت دانشها از نظر محدوده زمانی ،

محدوده جغرافیایی ، حیطة بیان دانش و اشعار رابطه عرضی یا طولی هر دانش با سایر موضوعات ، از اهداف رده بندی علوم محسوب می گردد .

امروزه ما شاهد بیشترین استفاده از رده بندی علوم در کتابخانه ها هستیم . کتابها که ظروف دانشها به شمار می آیند باید با نظم و ترتیب خاص در قفسه ها چیده شوند . دانش (انکشاف و اقعیتها) که مقدمه «جهان شناسی» و «شناخت ذات حق» برای وصول به «کمال مطلق» است ، دامنه ای بس وسیع و گسترده دارد . با توجه به گستره دانش و انبوه کتابها و با عنایت به ضرورت نظم جهت بازیابی سریع ، و نام بردن یک موضوع به صورت اختصاری و رمزی در پیکره عظیم رده بندی علوم الزامی می شود .

به عبارت روشنتر باید هر موضوعی نام رمزی خاص خود را داشته باشد که با دیدن و یا خواندن آن نشانه و یا علامت اختصار ، به سرعت به موضوع مربوطه منتقل شویم . این عمل همان نامگذاری یا کد گذاری به یک زبان قراردادی و مصنوعی است .

استفاده از رموز قرار دادی که از ویژگیهای انسان است ، پیشینه دیرینه ای دارد . ضرورت ابداع و اختراع رمز و قرار داد آن به عنوان وسیله ارتباطی ، از نیازهای اجتماعی بشر سرچشمه می گیرد .

هر چند که به شهادت قرآن ، حضرت آدم (ع) ، عالم بدون معلم بود و تمامی علوم و دانشها را یکجا و با خواست آفریدگار فرا گرفت (وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا) ^۱ و همچنین کلیه پیامبران مبعوث از سوی خدا ، تحت تعلیمات مستقیم و نورانی خداوندی بودند (...يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...) ^۲ و پیروان هر پیامبری نیز علوم و دانشها (خصوصا علوم انسانی ، اخلاقی و احکام عملی) را از پیامبران و اوصیای آنها آموخته و گسترش داده‌اند ، لیکن در اینجا انسان بما هو انسان مورد توجه می‌باشد . وقتی گفته می‌شود انسان نخستین ، نظر به عصر حجر و امثال ذلک نیست ، بلکه در عصر فعلی نیز با توجه به پیشرفت خارق‌العاده علوم تجربی ، فنون و صنعت ، انسان طبیعی بدون ملاحظه شرایط خارجی به همان اوصاف و قوای ذاتی مزین است که انسان نخستین مزین بود و هیچگونه تفاوتی در انسانیت آن دو از نظر ذات و خلقت نمی‌توان یافت .

بنابر این به جای اینکه بگوییم انسان نخستین جهت رفع

۱ - بقره ، ۳۱ .

۲ - بقره ، ۱۲۹ - آل عمران ، ۱۶۴ - جمعه ، ۲ .

نیازهای خود با هموعان طرح دوستی ریخت و زندگی اجتماعی را بنا گذاشت ، می‌گوییم انسان طبیعی طوری آفریده شده بود که همواره میل به یافتن هموع و زندگی دسته جمعی او را وادار به داشتن ابزارها و وسایل زندگی اجتماعی می‌کرد .

وقتی چند نفر از چند نقطهٔ جهان در سرزمینی که غیر از آنها کسی نباشد ، دور هم جمع شوند ، به شدت احساس نیاز به همدیگر پیدا خواهند کرد . در آن صورت (که زبان همدیگر را نمی‌دانند و یا اصلا قادر به تکلم رشد یافته یک زبان نیستند) برای امکان ارتباط با همدیگر صداهایی را همراه با اشاره و تکان دادن سر و دست ، ایجاد می‌کنند تا منظور و مراد خود را به یکدیگر بفهمانند . این روش تا جایی ادامه پیدا می‌کند که یک «زبان» در میان آنان به وجود آید . سپس با گذشت زمان نیاز به نگه داشتن اندوخته‌های علمی پیدا می‌کنند . یعنی میل دارند آنچه را می‌دانند برای انتقال به نسل بعدی حفظ کنند . بدین ترتیب فرآیند اعمال و کارهای روزانه داشتن وسیلهٔ ثبت و ضبط وقایع یا محاسبات را ایجاد می‌کند . به دنبال چنین ضرورت‌هایی «خط» به مانند «زبان» بوجود می‌آید و رشد می‌کند تا به صورت یک زبان نوشتاری کامل

ظهور می‌یابد .

این مقدمه را بدین خاطر تکرار کردیم که به قراردادی بودن حروف و علایم و ارقام به عنوان علایم اختصاری تأکید کرده باشیم .

در جهان امروز نیز شاهد استفاده گسترده از علایم اختصاری هستیم . اکثر شرکتها ، تجارتخانهها ، کارخانهها ، سازمانها ، انجمنها ، جمعیتها و ... نام مفصل خود را با علایم اختصاری ، کوتاه و سریع الفهم می‌کنند .

تمامی رموز و علایم اختصاری قراردادی می‌باشند و در واقع با توافق در میان یک جمع به وجود می‌آیند . به همین جهت هر نوع تغییری نیز در آنها با اطلاع همان جمع که از آن رموز و علایم استفاده می‌کنند ، مجاز خواهد بود .

از جمله موارد استعمال علایم اختصاری یا رموز رشته‌های مختلف دانش بشری می‌باشد . مانند علایم مرس ، نشانه‌های نقطه‌گذاری ، نشانه‌های ریاضی ، نشانه‌های زیست شناسی ، نشانه‌های نجومی و نشانه‌های ارتباطی . برای نمونه در ذیل چند نوع از علایم اختصاری مزبور نقل می‌شود تا مقدمه‌ای باشد برای آشنایی بیشتر در عمل نشانه‌گذاری جهت رده‌بندی علوم .

		<u>نشانه های مرس فارسی</u>			
.....	۲	ض		
.....	۵	..-	ط		الفبا
....-	۶	---	ظ	..-	الف
...-	۷	---	ع	...-	ب
..---	۸	...-	غ	...-	پ
.....	۹	..-	ف	-	ت
-----	۰	ق	..-	ث
	<u>نقطه گذاری</u>	..-	ک	---	ج
.....	نقطه	..-	گ	---	چ
..-.-.	ویرگول	...-	ل	ح
..-.-.	نقطه ویرگول	---	م	...-	خ
.....	دو نقطه	..-	ن	..-	د
...-	علامت سؤال	---	و	...-	ذ
..-.-.	علامت تعجب	..-	ه	..-	ر
..-.-.	سر سطر	..	ی	...-	ز
.....	خط فاصله		<u>عددها</u>	..-	ژ
-----	خط کسری	---	۱	...	س
..-.-.	خط زیر عبارت	...-	۲	---	ش
..-.-.	پراکنش	۳	..-	ص

نشانه‌های نقطه‌گذاری (آئین نگارش)

نشانۀ پایان جمله	نقطه	.
نشانۀ شرح و بیان	دو نقطه	:
نشانۀ مکث کوتاه	ویرگول	,
نشانۀ نیم جمله یا عبارت	نقطه ویرگول	;
نشانۀ آغاز نقل قول	گیومه باز	»
نشانۀ پایان نقل قول	گیومه بسته	«
نشانۀ ندا یا شگفتی	علامت تعجب	!
نشانۀ پرسش	علامت سؤال	?
نشانۀ آغاز توضیح یا مطلب	پرانتز باز)
نشانۀ پایان آن	پرانتز بسته	(
نشانۀ بیان مطلبی بیرون از متن	کروشه، قلاب	[]
نشانۀ بیان چند سطر یا مطلب مربوط به یک مقوله	اکولاد، ابرو	{ }
نشانۀ جدا کردن طلبها	خط تیره	-
نشانۀ جدا کردن واژه‌های مرکب	نیم‌خط	-
نشانۀ حذف یا تعلیق	چند نقطه	...

			نشانه‌های عددی رومی مطابق حروف ابجد		
L	ن	۵۰			
LX	س	۶۰			
LXX	ع	۷۰	I	الف	۱
LXXX	ف	۸۰	II	ب	۲
XC	ص	۹۰	III	ج	۳
C	ق	۱۰۰	IV	د	۴
CX	قی	۱۱۰	V	هـ	۵
CXI	قیا	۱۱۱	VI	و	۶
CXC	قص	۱۹۰	VII	ز	۷
CC	ر	۲۰۰	VIII	ح	۸
CCC	ش	۳۰۰	IX	ط	۹
CD	ت	۴۰۰	X	ی	۱۰
D	ث	۵۰۰	XI	یا	۱۱
DC	خ	۶۰۰	XII	یب	۱۲
DCC	د	۷۰۰	XV	یه	۱۵
DCCC	ض	۸۰۰	XIX	یظ	۱۹
CM	ظ	۹۰۰	XX	ک	۲۰
M	غ	۱۰۰۰	XXX	ل	۳۰
MCCCLXIX	غشسط	۱۳۶۹	XL	م	۴۰

نشانه‌های ریاضی

بی‌نهایت	∞	عمود	\perp	جمع	+
قدر مطلق	$ $	موازی	$ $	منها	-
رادیکال	$\sqrt{\quad}$	قوس	(\quad)	ضربدر	\times
لگاریتم	\log	درجه	$^\circ$	خط کسری	$\frac{\quad}{\quad}$
تابع	f	دقیقه	'	میز	/
حاصل جمع جمله‌ها	Σ	ثانیه	"	دو نقطه، نفاهانه تقسیم	:
حاصل ضرب جمله‌ها	Π	مدد بی	π	تقسیم بر	\div
بنا بر این	\therefore	قطاع	\cap	مساوی	=
زیرا	\because	قطعه	\cup	نامساوی	\neq
درصد	%	سینوس	\sin	بلاوه منها	\pm
سکانت	\sec	کسینوس	\cos	منها بلاوه	\mp
کسکانت	\csc	تانژانت	\tan	اتحاد	\equiv
نمو	Δ	کوتانژانت	\cot	غیر اتحاد	$\not\equiv$
انگراول	\int	مکمل مجموعه‌ها	\complement	کوچکتر	<
مجموعه	\cup	تقریباً مساوی	\approx	کوچکتر نیست	\nlessdot
جزء	\subset	معادل است با، هم‌ارز است با	\equiv	بزرگتر	>
زیر مجموعه	\subseteq	تجمع یک با چند کمیت	\cup	بزرگتر نیست	\nlessdot
و	\wedge	اجتماع بیش از یک پراکنز	\sqcup	کوچکتر یا مساوی	<
با	\vee	اجتماعی بیش از یک آکولاد	$\{ \}$	بزرگتر یا مساوی	>
اگر	\supset	نفاهانه	\sim	بسیار کوچک	\ll
اگر... آنگاه	\Rightarrow	نسوی در مناسب	\therefore	بسیار بزرگتر	\gg
فقط و فقط اگر	\Leftrightarrow	تناسب هندسی	\propto	کوچکتر یا بزرگتر	\lessdot
فقط و فقط وقتی که	\Leftrightarrow	تفسیری می‌کند مناسب با		زاویه	\angle
متناظر است	\leftrightarrow	میل می‌کند به سوی	\rightarrow	زاویه قائم	\perp
با... یا	\vee	بخش پذیر است	$ $	زاویه‌های مساوی	\sphericalangle
بدون	\setminus	بخش پذیر نیست	\nmid		

● نشانه‌های زیست‌شناسی

ازدواج با	×
وراثت جنسی	⊙
وراثت اتوزمی	■
دو جنسیتی	♀
جنسی	♀
ماده	♀ ! ○
نر	♂ ! □
یکساله	⊙
دو پایه	♂ : ♀
دو قلوهای تک	⎓
تخمکی نر	⎓
دو قلوهای دو	⎓
تخمکی نر	⎓
ازدواج، فرزند نر	□ ⊙
ازدواج، هم خون	□ ⊙
ازدواج	□ ⊙
مرگ، نر	⊠
جنسیت نامعلوم	◇
همیشه سبز	△
چندساله	⌘

● نشانه‌های نجومی

دوساله	⊙
تک پایه	♂-♀
دو سویه	♂ ♀
با مادگی	♀
بی مادگی	♂ ! ♂
خورشید	⊙
ماه نو	●
تربیع اول	☾
بدر	○
تربیع ثانی	☾
عطارد	♁
نور	☿
جوزا	♊
سرطان	♋
زهره	♀
زمین	⊕
مریخ	♂
مقتری	♃
زحل	♄

اورانوس	♅
عقرب	♏
قوس	♐
جدی	♑
نپتون	♆
پلوتون	♇
ستاره	☆
ستاره دنباله‌دار	☄
دایره کهکشان	○
سحاب منظومه‌ای	⊙
اسد	♌
سنبله	♍
میزان	♎
کهکشان	☾
مقارنه	♏
مقابله	♐
گره صعودی	♊
گره نزولی	♋
حمل	♈
دلو	♉
حوت	♏

ایجاد ، ابداع و همچنین تغییر علایم و رموز ، گاهی تعیینی است و گاهی تعینی . همچنان که وضع الفاظ بر معانی یا تعیینی است و یا تعینی . بنابر این تنها فرق رمز (به آن معنایی که در ذهن عموم نقش بسته است) با حروف و آواهای یک زبان در تعداد جمعیت پذیرنده آن می تواند باشد . چون حروف نیز اگر در بین جمعیت قلیلی باشد که سایرین از آنها اطلاع نداشته باشند ، به صورت یک رمز جلوه خواهد کرد . لذا برای از بین بردن تصویری که از رمز به وجود آمده و تقریب میان مفهوم رمز اصطلاحی با رمز به معانی واقعی ، تعریفی در ذیل ارائه می شود .

تعریف رمز

مجموعه‌ای از نشانه‌های حرکتی ، صوتی ، نوشتاری و یا شکلی که حامل پیامی قابل فهم از سوی ابرازکننده به مخاطب مطلع از آن مجموعه باشد ، رمز نامیده می شود .

بر این اساس ، مثلاً حروف زبان فارسی یا لاتینی ، اعداد ، علایم ریاضی ، گرافیکی و ادبی نوعی رمز می تواند باشد ، لکن چون در سطح وسیعتری مورد استفاده قرار گرفته است و از آنجا که زندگی روزانه به وسیله آنها گذران دارد ، نهایت انس را با طبیعت انسان پیدا کرده است و به همین خاطر وقتی گفته می شود که

حروف و اعداد مورد استفاده شما ، نوعی رمز قراردادی است ، موضوع خنده آوری جلوه می کند .

بدین گونه نتیجه می گیریم که استفاده از حروف و اعداد (از هر زبان و خطی که باشد) در رده بندی علوم ، نوعی استفاده از رموز قراردادی می باشد . اعداد در طرح دیوئی ، حروف بزرگ و کوچک و اعداد در طرح کنگره و همچنین حروف ، علائم و اعداد در طرح کولون یک ماهیت مشترک دارد و آن عبارت است از به کار بردن نشانه جهت نامگذاری و صدا کردن سریع الفهم موضوعات .

اکنون باید دید شیوه استفاده از این نشانه ها در رده بندی علوم چگونه بوده است و بهتر است چگونه باشد ؟

ملویل دیوئی ، طرح خود را فدای ساده بودن نشانه ای کرده است که در بین تمام مردم جهان شناخته شده می باشد . وی به دلیل استفاده از «اعداد» در مبنای «دهدهی» ناچار به طبقه بندی علوم در ده رده شده است . این سخن نشانگر یک واقعیت دیگر نیز می تواند باشد ، و آن اینکه دیوئی هیچ نوع تقیدی به پایه علمی و یا منطقی در طبقه بندی علوم نداشته و یا از آن غفلت ورزیده است . به همین جهت طبقه بندی علوم را تابع نشانه گذاری کرده است .

به عبارت روشنتر ، چون تعداد نشانه های عددی در مبنای ده ، ده واحد می باشد (۹ - ۰) لذا دیوئی علوم را در ده طبقه محصور کرده است و همان طور که پایه دهدهی اعداد ، در ترکیب با

همدیگر تا بی نهایت می تواند استمرار یابد ، تفریع هر طبقه از علوم به ده طبقه دیگر نیز با همان روش تا بی نهایت ادامه پیدا می کند .
 انگیزه استفاده دیوئی از نشانه عددی از مبنای ده ، به توصیفی که وی از علاقه خود به عدد ده در اثر ولادت در دهم ما دسامبر ، ابراز داشته است . جمله معروف ژوزف پرودوم (Joseph Prudhomme) را به خاطر می آورد که به فرزند خود می گفت :

فرزند عزیز ، احتیاط و حزم خداوندگاری را بستای
 که مسیر رودخانه ها را از میان شهرها عبور داد .^۱

آیا دیوئی به نحوست و قداست اعداد معتقد بود و از آن دسته نویسندگانی تقلید می کرد که اعتقاد داشتند : «عدد ده کاملترین همه اعداد است .»^۲ ؟

عمل و توصیفی که دیوئی از آن به دست می دهد ، جواب این سؤال را روشن می کند و هر کس دیگری هم که باشد از گفتار وی ، جواب مثبت به این سؤال را برداشت می کند . در این صورت

۱ - تاریخ ریاضیات ، مارسل بل ، ترجمه روح الله عباسی ، انتشارات صائب ،

چاپخانه شرق ، تهران ۱۳۳۴ش ، ص ۱۲ .

۲ - همان مدرک ، ص ۱۱ .

جوابی که هموطن وی مارسل بل ، داده است مناسب خواهد بود .
 مارسل بل پس از طرح مسئله خرافات در پیرامون اعداد و نقل
 ایده مذکور که بعضی «تقسیم بندی و اشکال انتهایی دستها و
 پاهای ما بدین صورت (ده انگشتی) و استفاده همه مردم جهان از
 شمارش بر پایه ده را» به کامل بودن عدد ده نسبت می دهند ، چنین
 پاسخ می دهد :

این عددشناسی و این جفر و جاودی عددی مدت
 زیادی پیشرفت فکر را به عقب انداخت : بطور کلی
 سحر و افسون ویژه اعداد - که از زمانهای قدیم بر روی
 افکار انسان تأثیر داشته اند - مانع اصلی و اساسی
 بنیان گذاری تئوری دسته جمعی اعداد یعنی «علم
 حساب» بوده است . . . ما دیگر از چنگال این افکار
 ساده لوحانه و کودکانه که از شصت قرن پیش تاکنون
 بهیچ نتیجه ای نیاورده است رهائی یافته ایم^۱

دانش در بستر تاریخ

بر حسب اعتراف مورخین ، ما از گذشته تاریخ به همان مقدار

ناآگاهی که از موجودات سایر کرات . با این تفاوت که تعداد زیادی شواهد عینی و ادله قاطع در باره کشف کلیات تاریخ باستان در دست است ، اما در باره موجودات سایر کرات هنوز به چنین شواهد عینی و یا علمی دست نیافته‌ایم . با وجود چنین تفاوتی ، افکار ناباورانه کاتب تاریخ از حوادث واقع شده (که کمتر چهره واقعی آنها ثبت شده است) بیشتر جلب توجه می‌کند تا تفکر عمیق در حال گذشتگان از اسلاف خود .

همچنین با وجود پیشرفت سریع دانش و تکنولوژی ، برخی از دانشمندان علوم تجربی با تکیه بر دریافتهای تجربه‌گرایانه ، نظریه‌هایی در مورد گذشته انسان ابراز می‌دارند که در سستی و اضطراب از تئوریهای ناشیانه در باره جهان هستی و پیشینه کرات و کهکشانشانها ، پیشی گرفته است .

ویل دورانت می‌گوید : « . . . عقیده ساده‌لوحانه مکانیکی در فلسفه و زیست‌شناسی و روانشناسی و فیزیولوژی و حتی در خود فیزیک رو به شکست است . » وی از لویون نقل می‌کند که گفته است : « به رغم مساعی هزاران نفر ، فیزیولوژی از بیان ماهیت قوای به وجود آورنده حیات ناتوان است . . . »^۱

ویل دورانت در جای دیگری می‌گوید : « زیست‌شناسی » امروز

۱ - لذات فلسفه ، ویل دورانت ، ترجمه دکتر عباس زریاب خوئی ، ص ۸۱ - ۸۲ .

در حال رکود است زیرا بیشتر با مرده سروکار دارد تا با زنده ؛ مسئله مطالعات آن در حیواناتی است که در الکل نگهداری می شوند . . . »^۱

نظریه‌هایی چون «اصل تبدل انواع»، «اصل تنازع بقاء» و . . . از امثال داروین و پیروان او و آراء بسیاری از دانشمندان تحصیل‌گرا و فلاسفه ماده‌گرای اروپا نباید غیر مستقیم در مایه افکار ما داخل شود . چون ما بر خلاف تجربه‌گرایان ، علاوه بر اینکه آیات و روایات اسلامی را به عنوان دو منبع بسیار غنی علمی در دست داریم ، می‌توانیم از روی شواهد عینی نیز به کلیاتی از پیشینه تاریخی دسترسی پیدا کنیم و اصول شناخت و ارزش آنرا نیز در رابطه با رده‌بندی علوم ، از کتاب آسمانی قرآن برگیریم .

قرآن کریم آثار اولین تمدن انسانی را در جزیره العرب (که اکنون در مرکز خاورمیانه قرار دارد) نشان می‌دهد : *إِنَّ أَوَّلَ تَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ*^۲ هر چند که توجیه علمی قاطعی در باره موقعیت جغرافیایی و اقلیمی سرزمین مکه به عنوان پایگاه تمدن و خانه‌سازی و اجتماع در دست نیست (حداقل نگارنده در اختیار ندارد) لیکن مرکزیت مکانی آن را نسبت به بیشتر اراضی خشک

۱ - همان مدرک .

۲ - آل عمران ، ۹۶ .

جهان می‌توان به سادگی درک کرد. همچنین استمرار تمدن و زندگی در سرزمین مزبور جز دلیل تبعدی و ایمانی به اضافه واقع شدن آن نقطه در سر راه غرب و شرق نمی‌تواند توجیه دیگری داشته باشد. به همین جهت ظهور و بعثت پیامبران از هلال اخضر، که نزدیکترین اراضی حاصلخیز و قابل سکونت شهری به محدوده جغرافیایی سرزمین مکه هستند، معنا و مفهوم قابل توجیه علمی را پیدا می‌کند.

می‌دانیم که آب مایه حیات موجودات زنده است (وجعلنا من الماء کل شیء حی) و به دلیل فقدان مقدار مطلوب آب آشامیدنی و کشاورزی در شبه جزیره عربستان، انسانها در اثر توالد و تکاثر، به سوی سرزمینهای قابل سکونت و زیست اطراف مکه مهاجرت کردند. از آن زمان (که قریب به ده هزار سال می‌تواند باشد) سرزمینهایی که در اطراف رودخانه‌های پر آب و قدیمی واقع شده بودند، شاهد به وجود آمدن تمدنهای بشری در اطراف خود شدند. از آن جمله در امتداد رودخانه‌های دجله و فرات در بین‌النهرین از شمال به جنوب شرق، نیل در شرق افریقا از جنوب به شمال، کارون در جنوب غربی ایران، رودهای اردن و لیتانی در شرق دریای مدیترانه از شمال به جنوب و رودخانه‌های فصلی واقع در جنوب

غربی جزیره العرب (یمن فعلی) - که نزدیکترین مناطق رشد حیات به انسان اولیه بود - قدیمیترین تمدنها پا گرفتند . پس از آن مهاجرتها استمرار یافت و پراکندگی جمعیتها از اطراف رودخانه‌های مذکور به سوی سرزمینهای دیگر و تملک اراضی حاصلخیز در مغرب زمین و شرق دور (هند و چین) نیز به همین شباهت بود .

آنچه مسلم است ، پدیدار شدن دانشها در این مکانهای جمعیتی بوده است . بنابر این جای تعجب نیست که وقتی می‌شنویم علمی را فینیقی‌ها ، و دانشی را هندیها و فنی را چینیها و اخلاقی یا ادبیاتی را عربها و علم یا صنعتی را مصریها ، دانش یا هنری را ایرانیان و آثاری را سومریان و . . . در میان خود پرورده‌اند و سینه به سینه و نسل به نسل به آیندگان رسانده‌اند . چون آثار باقیمانده گویای تکامل علوم و دانشها در تمدنهای مزبور می‌باشد و قرآن نیز بر این موضوع صحه می‌گذارد .

منظور ما از نقل این جریان ، صرفاً یک بازگویی تاریخی نبود ، بلکه می‌خواستیم این سؤال را مطرح کنیم که آیا انسان در ابتدا کدام دانش را در تمدنهای باستان ، بنیان گذاشت ؟ آیا اول طبقه بندی موجودات در ذهن انسان نقش بست ؟ یا ابتدا به فکر اختراع زبان و خط افتاد ؟ شاید هم قبل از هر چیز به فکر ابزارشناسی و تهیه وسیله دفاع افتاد ؟ یا پدیده طبیعی شب و روز انسان را متوجه علم

زمان (گاه‌شناسی) و تقویم کرد؟ و یا مقدم بر همه اینها، علم عدد و حساب را به وجود آورد؟ نکند احساس گرسنگی انسان را به پایه‌گذاری دانش کشاورزی و دامپروری واداشت؟ یا مسئله جان‌پناه، آدمی را به سوی معماری و مهندسی سوق داد؟

از این دست سؤالات آن قدر زیاد است که حتی کودکان نیز از روی کنجکاوی مطرح می‌کنند. ولی در اینجا پاسخ صحیح یافتن به این پرسشها برای ارضای حس کنجکاوی نیست. بلکه در تعیین اصالت طبقه‌بندی یا نشانه‌گذاری، نقش اساسی را بازی می‌کند. دور نیست که یک پاسخ کوتاه خیال ما را راحت کند و آن اینکه همه این دانشها در عرض هم به وجود آمدند و رشد کردند. ولی این پاسخ اختلاف تقسیم دانش به چند طبقه و انتخاب نشانه‌گذاری با اندیشه‌های مشخص را حل نمی‌کند.

بر فرض اگر کسی پرسد: چه اختلافی میان مسئله طبقه‌بندی علوم و نشانه‌گذاری وجود دارد که موجب پیش آمدن چنین بحثی شده است؟!

جواب داده می‌شود که اصولاً این موضوع مورد غفلت کسانی بوده است که تاکنون در این زمینه به تألیف یا تدوین و یا طراحی دست یازیده‌اند. اگر بار دیگر به آنچه در ابتدای این مبحث به آن اشاره کردیم، توجه شود، خواهیم دید که امثال دیوئی و طراحان سیستم‌کنگره، نشانه‌گذاری را اصل قرار داده‌اند و طبقه‌بندی علوم را با

زبان نشانه گذاری تفسیر کرده اند و لذا تعداد طبقات ، تابع اندیسه های انتخاب شده در طرح آنان می باشد .
 به منظور پرهیز از چنان خلط فاحش و لغزش آشکار ، شایسته است مسئله نشانه گذاری و استفاده از رمز عددی در طبقه بندی علوم تنقیح گردد .

قدرت شمارشی انسان

قدرت محاسبه ، تطبیق و شمارش ، همان طور که در برخی از حیوانات بوضوح مشاهده شده است ، در انسان طبیعی نیز شاید به مراتب ضعیفتر^۱ از حیوان وجود داشته است . با این تفاوت که انسان دارای یک نیروی فوق العاده قابل اتساع و گسترش به سوی کمال مطلق به نام «روح خدایی» (نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي)^۲ می باشد . لذا حیوان در قالب همان غریزه ثابت باقی می ماند ، ولی انسان آن ذره استعداد را پس از شناسایی تا بی نهایت تقویت کرده ، به رشد می رساند .

۱ - تعبیر به ضعیف با لحاظ اصل غریزی آن قوه است . چون در اکثر غرایز

طبیعی انسان از حیوان ضعیفتر است .

۲ - الحجر ، ۲۹ ، ص ۷۲ .

زمانی که پرندگان به دقت مضاعف طبیعی ، تخمهای خود را در لانه‌های ساخته شده با اصول مهندسی بسیار عالی و تعداد آنها را در صورت کم شدن (بیش از دو عدد) و یا زیاد شدن (بیش از سه عدد) تشخیص می‌دادند ، شاید انسان نیز به فهم «زوج» بودن شب و روز قادر بود . یا دو (زوج) بودن بال پرنده و سه (فرد) بودن برگ بعضی گیاهان (شبدرد ، گشنیز و . . .) و چهار بودن پاهای حیوانات (اسب ، سگ ، گربه و . . .) و پنج بودن انگشتان دست (که قدیمتر از عدد دو ، سه ، چهار ، پنج بودند) توجه انسان را جلب کرده است .

همین توجه و قدرت تشخیص موجب انتقال از قدرت تناظر به قدرت شمارش و از عدد اصلی به عدد ترتیبی شده است . تحقیقات امثال تویاس دانترینگ ، هاورد و . ایوز و مارسل بل در زمینه تاریخ ، اصول و مبانی ریاضیات ، با استفاده از آراء و نظریه‌های دانشمندان رشته‌های مختلف ، نشانگر این حقیقت است که انسان اولیه پس از پدید آوردن علم حساب و شمارش ، درصدد اختراع دستگاه عددنویسی برآمد . و سنبلهای طبیعی ، راهنمای انسان در این زمینه بوده است .

آنان از پایه‌های عددی دودویی ، سه‌سای ، چهارچهاری ، و پنج‌پنجی

نام می‌برند و حتی آثاری از گذشتگان و انسانهای معاصر به عنوان دلیلی روشن در به کارگیری مبانی مذکور در زبان ، محاسبات و تجارت و . . . نشان می‌دهند که تحت تأثیر چنین مبانی عددی شکل یافته است .

همچنین استفاده از مبنای دوازده دوازدهی ، بیست بیستی و شصت شصتی نیز به دلیل وجود آثار باقیمانده مشهور در متن زندگی انسان ، غیرقابل انکار است .

هرکدام از مبانی نام برده شده امتیازهایی دارد که شاید در سایر مبانی وجود نداشته باشد .

آنچه موجب تفوق مبنای دهمی بر سایر مبانی عددی گردید ، سهل الوصول بودن ابزار شمارشی آن بود . به این معنا که هر پایه عددی بر اساس تفکر انتزاعی از طبیعت به وجود می‌آمد . به طور مثال مبنای شصت که هنوز در تقسیم زمانی (هر ساعت به شصت دقیقه) فعالیت مؤثر دارد از مضروب شصت که قریب به تعداد روزهای سال بود سرچشمه می‌گرفت و شاید هم نظر کسانی صائب است که می‌گویند ریشه انتخاب مبنای شصت وجود بیست انگشت سه مفصلی در دست و پهای انسان می‌باشد . چنین ابزار طبیعی امکان شمارش تا شصت واحد را

میسر می‌سازد .

مبنای بیست که در میان قبایل معاصر هنوز استفاده‌ی روزمره دارد (تعیین رتبه علمی) ، از روزگار پابرهنگی انسان حکایت دارد که انگشتان پا و دست خود را اندیسه‌های شمارشی قرار داده بود . مبنای دوازده ، به عنوان واحد بازرگانی در دوجین و قراض ، به شناخت انسان از سیارات و ستاره شناسی که بیشتر مورد نیاز دریانوردان و بازرگانان جهانی بود ، می‌تواند اشاره داشته باشد . مبنای دوازده در واحد پول و وزن نیز مورد استفاده است (دوازده پنی یک شلینگ ، دوازده اینچ یک فوت ، و دوازده اونس یک پوند است .)

انسان در مبنای ده ، با وجود پیشرفت بسیار زیاد ، هنوز از انگشتان دو دست (در شمارش‌های غیر ماشینی) استفاده می‌کند و مبنای پنج ، پنجه دست چپ را به خاطر می‌آورد که به وسیله دست راست و با قرار دادن اسلحه در زیر بغل دست چپ ، جهت شمارش از انسان نخستین به یادگار مانده است . همچنین سایر مبانی هر کدام الگویی طبیعی دارد که انسان در مواجهه با آن سعی در استفاده مؤثر برای اختراع و یا ابداع دستگاه عددنویسی دارد .

بی شک مناسب بودن انگشتان دو دست انسان ، جهت شمارش سریع ، بهترین دلیل بر برنده شدن دستگاه عددنویسی دهدهی گردید . بنابر این اگر کسی مبنای دهدهی را (که به دلیل عادت بیش از حد به آن ، تغییر محاسبات روزمره انسان به مبنای دیگر را غیر ممکن می نماید) در رشته های علمی و یا صنعتی کنار گذاشت و به جهت تناسب مورد مربوطه یکی از مبانی نام برده شده دیگر را انتخاب کرد ، نباید مورد سرزنش قرار گیرد . همان طور که کاربرد وسیع مبنای دودیی در کامپیوتر ، مرهون سادگی آن جهت تعریف منطقی به دستگاه بی جان است .

شایان ذکر است که استفاده از حروف در زبانهای مختلف جهان ، نیز ، همین داستان تکراری را همراه دارد و لذا از مطرح کردن آن صرف نظر می شود .

اکنون اگر سؤال شود که کدام مبنای عددی برای طبقه بندی علوم مناسب می باشد ، چه باید گفت ؟ اصولاً چه نوع نشانه گذاری با طبقه بندی علوم تناسب دارد ؟

سمبل سازی

غیر قابل انکار بودن تنوع و تعدد سمبلها در گویش ،

شمارش و نگارش ، امکان ابداع هر نوع سمبل جدید برای نیازهای جدیدتر را نفی نمی‌کند و بلکه زمینه را جهت قرارداد کردن رموز بدیع و ویژه در کتابداری ، فراهم می‌سازد . رده‌بند هوشیار خود را در حصار یک پایهٔ عددی و یا دستگاه عددنویسی مانند «دهدهی» و یا «بیست‌بیستی» ساده قرار نمی‌دهد ، بلکه با استفاده از علایم و نشانه‌های مختلف حرفی ، عددی و یا حتی سمبلهای جدید ابداعی ، نشانه‌گذاری را به خدمت رده‌بندی علوم در می‌آورد . به همین خاطر نباید انتظار داشت که در یک طرح جامع جهانی ، اعداد یک پایه ریاضی و یا حروف یک زبان انتخاب شود . چون این عمل هر قدر هم که ترکیبی باشد ، باز هم محدودیت ایجاد می‌کند ؛ در حالی که موضوعها در ردهٔ اصلی حتی الامکان نباید محدود باشند .

از سوی دیگر پایه‌های عددی فوق دهدهی ، اصالت خود را از دست داده و تابع یکی از زبانهای متداول دنیا شده‌اند . مانند مبنای شانزده که علایم و نشانه‌های اصلی آن پس از ۹ - ۰ حروف انگلیسی A - f می‌باشد . لذا پایهٔ عددی بیست و یا شصت با نمادهای حروفی نمی‌تواند کدگذاری ایده‌آل برای طرح جهانی محسوب شود . و استفاده از سمبلهای حرفی نیز بدلیل وابستگی حروف به زبانهای خاص ، موجب اختلاف نظر در تقدیم و تأخیر

موضوعات علوم وابسته می شود و همچنین خود طرح را به یکی از زبانهای متداول دنیا وابسته می کند. در حالی که علاقه شدید همه ملل جهان در قرار گرفتن حروف زبان مادری آنها در عطف کتابها، مانع از فدا کردن طرح برای خاطر میل خاص انسان می گردد. بنابر این انتخاب سمبلهای وابسته (مثل حروف یک زبان) برای رده های اصلی، موجب ترجیح بلامرغ خواهد بود.

آیا همه آنان که با حروف فارسی و عربی می خوانند و می نویسند، مایل نیستند که در کلیه کتابخانه های جهان، حروف مانوس آنان در عطف کتابها دیده شود؟ کدام مرجع موجب انتخاب یکی از سمبلهای وابسته، می شود؟

با توجه به اختلاف فاحش زبانها، امتیازسنجی جهت انتخاب حروف یک یا چند زبان ضرورت پیدا می کند. برای نمونه بسیاری از زبانشناسان معتقدند که زبان فارسی، علایم بیشتری دارد و به تبع آن ترکیبهای صوتی بیشتری را فراهم می سازد. و یا به جهت قرابت با نژاد هندی، اصالت نامگذاری اعداد را بیشتر حفظ کرده است. در نتیجه حروف فارسی نشانه مناسبی برای رده بندی علوم محسوب می شود. از باب نمونه به

تلفظ اعداد ذیل توجه کنید :

اعداد	سنسکرت	فارسی	یونانی قدیم	لاتینی	آلمانی	انگلیسی	فرانسه	روسی
۱	اکا	یک	ان	unus	eins	one	un	один
۲	دوا	دو	دودو	duo	zwei	two	deux	два
۳	تری	سه	تری	tres	drei	three	trois	три
۴	چهار	چهار	تترا	quatuor	vier	four	quatre	четыре
۵	پانچ	پنج	پنت	quinque	funf	five	cing	пять
۶	شش	شش	هگس	sex	sechs	six	six	шесть
۷	شش	هفت	هپتا	septem	seven	seven	sept	сем
۸	آشتا	هشت	اوکتو	octo	acht	eight	huit	восем
۹	نوا	نه	اینا	novem	neun	nine	neuf	девять
۱۰	دعا	ده	دکا	desem	zehn	ten	dix	десять
۱۰۰	دکا	صد	اکازون	centum	hundert	hundred	cent	сто
۱۰۰۰	سہاوتتر	ہزار	کسیلیا	millie	tausend	thousand	mille	тысяча

۱- عدد زبان علم ، دانتریگ توپاسس ، ترجمہ عیاس گوسن ، چلب سوم ، چلیانہ سپہر ، تھران ۱۳۶۱ ، ص ۲۳ - تلفظ اعداد فارسی در اینجا اضاء شدہ است و در اصل مدرک وجود ندارد .

در حالی که شاید همه مردم جهان این استدلال را نپسندند. به همین دلیل پیشنهاد می‌گردد جهت رده‌بندی علوم (رشته دانش‌شناسی، کتابداری و کتابشناسی) سمبلهای جدید ابداع شود که شرایط بهترین رموز و نشانه‌ها را داشته باشد. ما فعلا می‌توانیم به نمونه‌هایی اشاره کنیم، ولی انتخاب و اظهارنظر نهایی را به آینده موکول می‌کنیم که پس از کنکاش، مذاکره و مباحثه در باره این موضوع با کتابداران و متخصصین سایر رشته‌های مختلف، صورت پردازش شده و تکامل یافته آن به جهانیان عرضه شود.

انواع سمبها

در هر زبانی سمبها و نمادهای خاص آن زبان ظهور کرده‌اند که در طی قرون متمادی از برخورد ملل و اقوام با همدیگر و با یاری مغزهای متفکر دانشمندان نقاط مختلف جهان پدید آمده‌اند. برخی از آن نمادها بسیار ساده - مثل حروف میخی - و بعضی بسیار پیچیده - مثل حروف چینی - و برخی دیگر ترکیبی از انواع مختلف نمادهای موجود

می‌باشد. بسیاری از این نمادها متروک شده و به دلایلی مورد استفاده عموم قرار نگرفته است. مثلاً خط «هیروگلیفی» به دلیل دشواری عمل ترسیم و همچنین به جهت فقدان انعطاف در بیان معانی از سطح جوامع رخت بر بسته است. اما در عین حال برای برخی از رشته‌های خاص مفید و قابل استفاده می‌باشد. آن جمله در علایم راهنمایی و رانندگی که در واقع به نوعی ریشه در خط «هیروگلیفی» دارد، با موفقیت به کار رفته است.

قبل از پیشنهاد علایم و نمادهای لازم برای رده‌بندی علوم در طرح فعلی، مشاهده انواع مختلف سمبلهای حرفی و عددی که در میان اقوام و ملل مختلف جهان به کار رفته و یا هنوز مورد استفاده می‌باشد، کمک بسیار مناسبی در تنویر ذهن خواهد بود. لذا در ذیل انواع مختلف آنها از منابع متعدد مانند تاریخ الخط العربی، مصورالخط، سبک‌شناسی، الوسیط، المنجد، دایرةالمعارف فارسی، پیدایش خط و خطاطان، سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان و چند منبع دیگر، نقل می‌شود.

جدول الفبای یونانی و تلفظ آنها

تلفظ تقریبی	نام	کوچک	بزرگ
a	(alfa)	آلفا	A
b	(beta)	بتا	B
g	(gamma)	گاما	Γ
d	(delta)	دلتا	Δ
e	(epsilon)	ایپسیلون	E
z	(zeta)	زتا	Z
e	(eta)	اتا	H
t	(theta)	تتا	Θ
i	(iota)	یوتا	I
k	(kappa)	کاپا	K
l	(lambda)	لامبدا	Λ
m	(mu)	مو	M
u	(nu)	نو	N
ks	(kxi)	کسی	Ξ
o	(omicron)	اوبیکرون	O
p	(pi)	پی	Π
r	(rho)	رو	P
s	(sigma)	سیگما	Σ
t	(ta)	تتا	T
u, li	(upsilon)	اوپسیلون	Υ
f	(phi)	فی	Φ
x	(chi)	خی	X
ps	(psi)	پسی	Ψ
o	(omega)	اومگا	Ω

جدول الفبای روسی و تلفظ آنها

بزرگ	کوچک	صدا	بزرگ	کوچک	صدا
A	a	آ	C	c	ایس
B	b	ب	T	t	ت
B	B	و	y	y	او
Γ	Γ	گی	Φ	Φ	اف
Δ	Δ	د	X	X	خا
E	e	ی	u	u	یئینب
		ز			ج
3	3	ز	III	III	شا
II	II	ای	III	III	تینبجا
K	R	کا	b	b	پر بزرگ
π	π	ال	bI	bI	بری
M	M	ام	b	b	پر کوچک
H	H	ان	э	э	ا
O	O	ا	10	10	یو
u	u	ب	q	q	با
p	p	پ			

نشانه‌های حرفی و عددی به زبانهای مختلف

عبری مربع	عبری عادی	تدمری	کنز و بنگی	سرنجیلی	سریانی عادی	پهلوی	پهلوی تقدیر	آرامی
א	א	א	א	א	א	א	א	א
ב	ב	ב	ב	ב	ב	ב	ב	ב
ג	ג	ג	ג	ג	ג	ג	ג	ג
ד	ד	ד	ד	ד	ד	ד	ד	ד
ה	ה	ה	ה	ה	ה	ה	ה	ה
ו	ו	ו	ו	ו	ו	ו	ו	ו
ז	ז	ז	ז	ז	ז	ז	ז	ז
ח	ח	ח	ח	ח	ח	ח	ח	ח
ט	ט	ט	ט	ט	ט	ט	ט	ט
י	י	י	י	י	י	י	י	י
כ	כ	כ	כ	כ	כ	כ	כ	כ
ל	ל	ל	ל	ל	ל	ל	ל	ל
מ	מ	מ	מ	מ	מ	מ	מ	מ
נ	נ	נ	נ	נ	נ	נ	נ	נ
ס	ס	ס	ס	ס	ס	ס	ס	ס
ע	ע	ע	ע	ע	ע	ע	ע	ע
פ	פ	פ	פ	פ	פ	פ	פ	פ
צ	צ	צ	צ	צ	צ	צ	צ	צ
ק	ק	ק	ק	ק	ק	ק	ק	ק
ר	ר	ר	ר	ר	ר	ר	ר	ר
ש	ש	ש	ש	ש	ש	ש	ש	ש
ת	ת	ת	ת	ת	ת	ת	ת	ת

نشانه‌های حرفی و عددی به زبانهای مختلف

الفبای اوستایی یا دین دیمی

لاتین	معنی نشان	شکل	نارسی	ایستا	تجزیه	نشان	ایستایی	ایستایی	شکل	ایستایی	ایستایی
t	تن	tanu	ت	۲۹	a	افروزاندا	اوستایی	۱	افروزاندا	افروزاندا	افروزاندا
θ	تثنا کردن	θvanθ	ث	۳۰	ā	آذر آتش	اوستایی	۲	آذر آتش	آذر آتش	آذر آتش
d	دش	draθa	د	۳۱	ā	آب	اوستایی	۳	آب	آب	آب
k	بیم	paukda	د	۳۲	u	چاه	اوستایی	۴	چاه	چاه	چاه
n	ناله کردن	nāfya	ذ (زبانکند)	۳۳	ū	چرخ	اوستایی	۵	چرخ	چرخ	چرخ
p	پل	paratu	ن	۳۴	e (medial)	چرخ خانه	اوستایی	۶	چرخ خانه	چرخ خانه	چرخ خانه
f	فرز فرزند	fravazi	پ	۳۵	ə (broad)	زبان آذرین	اوستایی	۷	زبان آذرین	زبان آذرین	زبان آذرین
b	بیدار	baya	ف	۳۶	ə (long)	زبان آذرین	اوستایی	۸	زبان آذرین	زبان آذرین	زبان آذرین
w	کوشش	garaw	ب	۳۷	o (long)	بیدار	اوستایی	۹	بیدار	بیدار	بیدار
m	مرد	marata	و	۳۸	ā	بیدار	اوستایی	۱۰	بیدار	بیدار	بیدار
Y	ایزد	Yazata	م	۳۹	ā	بیدار	اوستایی	۱۱	بیدار	بیدار	بیدار
y	بزرگوار	buzaya	ی (بزرگوار)	۴۰	ā	بیدار	اوستایی	۱۲	بیدار	بیدار	بیدار
o	دراز	ratu	ی (بزرگوار)	۴۱	k	بیدار	اوستایی	۱۳	بیدار	بیدار	بیدار
v	برف	Vafra	ی (بزرگوار)	۴۲	x	بیدار	اوستایی	۱۴	بیدار	بیدار	بیدار
v	بیر (بازار)	baevara	ی (بزرگوار)	۴۳	x	بیدار	اوستایی	۱۵	بیدار	بیدار	بیدار
s	ستون	stu	ی (بزرگوار)	۴۴	g	بیدار	اوستایی	۱۶	بیدار	بیدار	بیدار
š	شاد	šāša	ی (بزرگوار)	۴۵	g	بیدار	اوستایی	۱۷	بیدار	بیدار	بیدار
š	کردار یک	hvarša	ی (بزرگوار)	۴۶	g	بیدار	اوستایی	۱۸	بیدار	بیدار	بیدار
h	هلن	hāvana	ی (بزرگوار)	۴۷	g	بیدار	اوستایی	۱۹	بیدار	بیدار	بیدار

الفبای اوستایی یا دین دیمی

ایستا	تجزیه	نشان	ایستایی	ایستایی	شکل	ایستایی	ایستایی
۱	افروزاندا	افروزاندا	۱	افروزاندا	افروزاندا	افروزاندا	افروزاندا
۲	آذر آتش	آذر آتش	۲	آذر آتش	آذر آتش	آذر آتش	آذر آتش
۳	آب	آب	۳	آب	آب	آب	آب
۴	چاه	چاه	۴	چاه	چاه	چاه	چاه
۵	چرخ	چرخ	۵	چرخ	چرخ	چرخ	چرخ
۶	چرخ خانه	چرخ خانه	۶	چرخ خانه	چرخ خانه	چرخ خانه	چرخ خانه
۷	زبان آذرین	زبان آذرین	۷	زبان آذرین	زبان آذرین	زبان آذرین	زبان آذرین
۸	زبان آذرین	زبان آذرین	۸	زبان آذرین	زبان آذرین	زبان آذرین	زبان آذرین
۹	بیدار	بیدار	۹	بیدار	بیدار	بیدار	بیدار
۱۰	بیدار	بیدار	۱۰	بیدار	بیدار	بیدار	بیدار
۱۱	بیدار	بیدار	۱۱	بیدار	بیدار	بیدار	بیدار
۱۲	بیدار	بیدار	۱۲	بیدار	بیدار	بیدار	بیدار
۱۳	بیدار	بیدار	۱۳	بیدار	بیدار	بیدار	بیدار
۱۴	بیدار	بیدار	۱۴	بیدار	بیدار	بیدار	بیدار
۱۵	بیدار	بیدار	۱۵	بیدار	بیدار	بیدار	بیدار
۱۶	بیدار	بیدار	۱۶	بیدار	بیدار	بیدار	بیدار
۱۷	بیدار	بیدار	۱۷	بیدار	بیدار	بیدار	بیدار
۱۸	بیدار	بیدار	۱۸	بیدار	بیدار	بیدار	بیدار
۱۹	بیدار	بیدار	۱۹	بیدار	بیدار	بیدار	بیدار
۲۰	بیدار	بیدار	۲۰	بیدار	بیدار	بیدار	بیدار
۲۱	بیدار	بیدار	۲۱	بیدار	بیدار	بیدار	بیدار
۲۲	بیدار	بیدار	۲۲	بیدار	بیدار	بیدار	بیدار
۲۳	بیدار	بیدار	۲۳	بیدار	بیدار	بیدار	بیدار
۲۴	بیدار	بیدار	۲۴	بیدار	بیدار	بیدار	بیدار
۲۵	بیدار	بیدار	۲۵	بیدار	بیدار	بیدار	بیدار

نشانه‌های حرفی و عددی به زبانهای مختلف

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۰
ارقام هندکی در سدهٔ دهم

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۰
ارقام غباری در سدهٔ دهم

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۰
ارقام بخاری در سدهٔ یازدهم

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۰
A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

حروف بزرگ گیتی

۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

نشانه‌های حرفی و عددی به زبانهای مختلف

	ایونیک کتیبه‌ای	ابوسبیل مصری	میردکیف انکیبی
A	⊕	Δ	AA
B	□	BB	BB
G	▣	9	ΓΓ
D	▤	1	Δ
E		≋	EE
F(M)		Y	
Z	Υ	Z	
H		H	⊙
TH		⊗	⊙
I		Z	⊙
K		γ	⊙
L		6	⊙
M		W	M
N	⊕	N	NN
X(SH)	⊕	⊕	⊕
O		000	OO
P	⊕	∩	∩
S	⊕	∩	∩
Q	⊕	Q	
R	⊕	∩	PD
S	⊕	∩	SSS
T	⊕	∩	T
Ü	⊕	∩	Y
P-H			X
K-H	⊕		∩
PS			∩
O	-		∩

1	
2	⊕ ⊕ ∩ ∩
3	⊕ ⊕ ⊕ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩
4	∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩
5	⊕ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩
6	⊕ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩
7	⊕ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩
8	⊕ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩
9	∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩ ∩
10	∩

نشانه‌ها و سمبلهای پیشنهادی برای رده بندی علوم

با توجه به مباحث پیشین در باره ترقیم و کدگذاری^۱، نتیجه‌ای که دسترسی به آن نمایانگر یک ثمره معقول و منطقی باشد، همان بازگذاشتن دست رده‌بند در انتخاب انواع مختلف علایم و یا حتی ابداع علایمی جدید جهت نشان دادن موضوعات علوم و دانشها خواهد بود و این مسئله تمام نمی‌شود، مگر پس از بررسی علوم و دانشها از جهت رده‌های اصلی و فرعی - وابستگی و عدم وابستگی، جهت انتخاب نماد مناسب برای هر گروه از دانش یک طبقه.

۱ - معادل عمومی انواع حروف، اعداد و علایم را در فارسی مشخصه و نماد می‌گویند که برابر واژه کاراکتر در انگلیسی می‌باشد. لذا به کار بردن الفاظ: نشانه، سمبل، نماد، علامت، مشخصه، کد، رمز، رقم و امثال آن، به دلیل تنوع آنها در کتب مختلف کتابداری و غیره می‌باشد و در اینجا مترادف هستند.

انواع علوم و دانشها

دانش بشری را به اعتباری می‌توان به دو دسته وابسته و غیروابسته تقسیم کرد. علوم وابسته به شرح ذیل می‌باشد:

زبان:

زبان شناسی از علوم وابسته به شمار می‌رود. زبان یکی از بارزترین مشخصه‌های انسان می‌باشد. تمامی انسانها به یک زبان سخن نمی‌گویند و مردم جهان به شعبه‌ها و گروههای اجتماعی بزرگی تقسیم شده است که هر گروه زبان خاص خود را دارد. حتی هر زبان به لهجه‌ها و گویشهای متعددی تقسیم می‌شود که در مجموع انبوهی از زبانها و لهجه‌ها سرتاسر عالم را فراگرفته است.

از آنجا که زبان یا زبانشناسی از علوم وابسته است، به تبع آن شاخه‌های دیگر زبان، مثل ادبیات، لغت، آواشناسی و... نیز از علوم وابسته محسوب خواهند شد.

دین:

هر چند که دین مقبول، در نزد خدا برای هر زمان یکی

بیشتر نیست (ان‌الدین عندالله الاسلام)^۱ ولی ما شاهد تعدد ادیان و مذاهب در سرتاسر جهان از گذشته‌های دور تاکنون هستیم. از سوی دیگر وابستگی دین و علوم دینی آن چنان زیاد است که پیروان هر دین و مذهبی فقط خودشان را صاحب حق می‌دانند. لذا دین و علوم دینی نیز از علوم وابسته به حساب می‌آید.

تاریخ، هنر و ...

تمامی علوم و دانشهایی که در حوزه فرهنگی آداب و رسوم ملتها سخن می‌گویند، وابستگی شدیدی به همان ملت و قوم دارند و در رده‌بندی علوم نیز از علوم وابسته به شمار می‌آیند. همچنین هنر، تاریخ و تا حدودی جغرافیا، قوانین، حقوق و برخی از علوم اجتماعی از علوم وابسته محسوب می‌شوند. هر کدام از علوم وابسته باید جایگاه مستقلی در رده‌های اصلی داشته باشند. پس از آن تقسیمات فرعی در رده دوم و سوم می‌تواند بر اساس روند شکل‌گیری آن موضوع خاص در محدوده‌ای که بدان وابستگی دارد مورد توجه قرار گیرد.

۱ - آل عمران، ۱۹.

بسیاری از علوم دیگر ، به ویژه علوم خالص ، هیچ نوع وابستگی ندارند . لذا اختلافی نیز در تقسیمات فرعی آنان از نظر تقدیم و تأخیر نمی‌توان یافت ، مگر اینکه جنبه فنی داشته باشد .

مسئله مهم دیگر دخالت زمان و مکان در بفرنج شدن بازکاوی دانشها می‌باشد . به طوری که فراخوانی موضوعات غیر مرتب بر حسب زمان ، یکی از مشکلات جدی کتابداران در گذشته بوده است . علاوه بر استمداد از سمبلها و علایم چهارمزه‌ای ، امروزه کامپیوتر به عنوان ابزار کمکی مؤثر در حل چنین مشکلاتی ، کتابخانه‌ها را به سوی سرعت و دقت بیشتری سوق می‌دهد . در نشانه‌گذاری نیز باید این مسئله ملحوظ گردد .

بنابر این لازمه کسب مطلوبترین شیوه نشانه‌گذاری ، تفکیک نشانه‌ها به نشانه‌های رده اصلی و فرعی است و پس از آن جدایی نشانه‌های علوم وابسته از غیر وابسته می‌باشد و در نهایت تخصیص نشانه‌هایی برای چهارمزه‌ها ضروری خواهد بود .

نشانه‌های پیشنهادی برای موضوعهای رده اصلی

با استفاده از انواع نشانه‌های موجود در زبانهای مختلف ، مجموعه‌ای از نشانه‌ها و سمبلهای جدید به وجود می‌آید که چند امتیاز را در برخواهد داشت .

۱ - به دلیل اینکه مجموعه جدید سمبلا ، قبلا به این شیوه در موردی استفاده نشده ، ترتیبی از پیش تعیین شده ندارد و لذا به هر نحوی که لازم باشد می‌توان آن را مرتب کرد . به عبارت روشنتر حروف و اعداد از هر زبانی که تصور شود ، ترتیبی مشخص دارند و تغییر دادن ترتیب حروف یا اعداد (نمادهای عددی) موجب اختلال در امور مردم می‌شود . در حالی که پس از تدوین طرح رده‌بندی علوم اگر روزی نیاز به تغییر در نظم جدولها پیش آمد ، و یا اگر مقرر شد که علوم و دانشهای جدید در رتبه‌های مختلفی از یک رده قرار داده شود ، ترتیب اتخاذ شده به هم می‌ریزد . اما از آنجا که سمبلهای جدید هنوز ترتیب خاصی ندارد ، بنابر این هر ترتیبی که برای دانشها لازم باشد ، از همان ترتیب تبعیت خواهد کرد .

۲ - حروف هر زبان معمولا میان بیست الی سی واحد است ، در حالی که در طرح کاربردی به منظور پرهیز از طول

اندیسیها - که حفظ اندیسیهای طولانی برای عموم و حتی کتابداران مشکل است - باید بر تعداد موضوعات دانشها در جداول اصلی افزود تا حتی الامکان علوم واقع در رده‌های فرعی در رده اصلی قرار گیرند . در این صورت سمبلهای جدید می‌توانند بدون ترکیب کلیه موضوعهای جدول اصلی را شامل شوند و به دلیل کم بودن موضوعهای فرعی ، سمبلها کوتاه و گویا خواهند بود . تعداد حروف یا اعداد زبانهای موجود و پایه دهمی عددی نمی‌تواند همه موضوعات جدول اصلی را پوشش دهد و دقیقا همین محدودیت اندیسیهای موجود موجب محدودیت رده‌بندیها شده است . چون باید چند موضوع با هم ادغام شود - که سبب تراکم در خوشه‌های یک رده می‌شود و یا باید حروف و نمادها با هم ترکیب شود - که با طولانی شدن اندیسیها روبرو می‌شود . اما اندیسیها و نمادهای ابداع شده جدید می‌تواند بیش از صد واحد باشد و با گذشت زمان نیز می‌توان بدانها افزود و حتی بدون به هم ریختن ترتیب آنها در لابلای نمادهای به کار رفته قرار داد .

۳ - اگر رده‌بند بخواهد تعداد موضوعهای جدول اصلی را مثلا بر پایه شصت قرار دهد ، به دلیل فقدان سمبلهای پایه عدد شصت به ناچار باید چند سمبل را با هم ترکیب کند تا همه

موضوعها نشانه‌گذاری گردد. در حالی که این عمل نوعی سمبل‌سازی است - که ما نیز بدان تأکید و اصرار داریم - لیکن عملی ناقص و ناتمام می‌باشد. چون اگر قرار باشد که به ترکیب قبلی سمبلهای موجود در زبانهای جهان دست ببریم، بهتر آن است که از بن و پایه، اساسی درست بریزیم و سمبلهای بسیط ابداع نماییم.

۴ - می‌دانیم که حروف هر زبان و یا اعداد، صداها و نامهای خاصی دارند که در میان مردم جهان به همان صداها و نامهای معروف، شناخته شده‌اند. وقتی این حروف و یا اعداد - عاریه گرفته شده از زبانهای موجود - به عنوان نشانه و سمبل در رده‌بندی علوم به کار می‌رود، الزاماً هر موضوع با نام همان نشان و سمبلی که وجود دارد صدا زده می‌شود.

یعنی فراخوانی موضوعها توسط یک زبان مصنوعی تلفظ شده قبلی صورت می‌گیرد. مثلاً به ادیان در رده‌بندی دیوئی شماره «۲۰۰» اختصاص دارد و در کنگره حرف "P" نشان دهنده دین و فلسفه می‌باشد. در حالی که همین اعداد و حروف در بسیار از دانشهای دیگر نیز به عنوان رمز و علامت اختصار به کار رفته است. بنابراین، مردم باید موضوع مورد نیاز خود را با نامی صدا بزنند که اولاً نام اصلی آن موضوع نیست، بلکه

اسم مستعار بسیار تصنعی می‌باشد؛ ثانیاً این صدا زدن معانی دیگری را نیز که همین حروف برای آنها تعیین شده تداعی می‌کند.

با توجه به این مسئله به کار بردن سملها و مشخصه‌های جدید، که هیچ نام و ترتیب از پیش تعیین شده‌ای ندارند، اهمیت پیدا می‌کند. چون می‌توان نام همان موضوع را برای آن مشخصه به کار رفته در موضوع پذیرفت و در واقع علایم را به نام موضوعها صدا زد، نه بر عکس آنچه تاکنون اتفاق افتاده است. مثلاً اگر برای تاریخ علامت «*ت*» را اختصاص دادیم، این علامت با گذشت زمان با نام تاریخ خوانده خواهد شد و همین امر سبب بوجود آمدن یک زبان علمی می‌شود که در آن هر علامت نشانگر یک موضوع و کلمات به کار رفته در آن موضوع -از هر زبان که باشد- خواهد بود.

بدین ترتیب هر کس در هر جای دنیا که اندکی با علایم جدید آشنایی داشته باشد، به محض دیدن یکی از علایم، پی به موضوع -نام موضوع- خاص آن علامت خواهد برد که برای وی مفهوم و معنای یک جمله یا کلمه را دارد.

۵ - پنجمین و مهمترین امتیاز سمل‌سازی برای رده‌بندی علوم این است که از تحمیل حروف وابسته برای تمامی

جهانیان جلوگیری خواهد شد . می‌دانیم که هر زبان فرهنگ مردم استفاده کننده از آن زبان را همراه دارد و در صورت تحمیل حروف یا سمبلهای عددی یک زبان برای مردم سراسر جهان ، به نوعی فرهنگ غیربومی بر آن مردم تحمیل شده است ، که البته اهداف سیاسی و مذهبی نیز در کنار این عمل منظور می‌شود . و بسیاری از مردم آگاه جهان نیز حاضر به پذیرفتن حروف ، زبان و فرهنگ بیگانه نیستند . بنابراین از دایره سیستم جهانی - که به غلط رده‌بندی‌های موجود غربی را سیستم جهانی با استانداردهای جهانی خوانده‌اند- بیرون می‌ماند و بدین ترتیب در انزوا قرار می‌گیرد .

اما استفاده از سمبلهای جدید چنین محدودیتی را به وجود نمی‌آورد . به تعبیری دیگر یک زبان جدید علمی جهانی پدید می‌آید که متعلق به مردم سراسر جهان است و هیچ فرهنگ تحمیلی را همراه ندارد .

۶ - یکی از بهترین فرصتهایی که در هنگام سمبل‌سازی پیش می‌آید ، امکان تعریف کردن معانی و مفاهیم بسیار مناسب در قالب سمبلهای جدید موضوعها می‌باشد . همان طور که آرماها نشانگر ایده و معنای خاصی می‌باشند و متعلق آرم را معرفی می‌نمایند ؛ سمبلها و مشخصه‌های هر موضوع

نیز علاوه بر نشان دادن موضوع مربوطه می‌توانند داری معانی بسیار بلندی باشند .

نشانه‌گذاری موضوعهای فرعی

برای موضوعهای فرعی که در جدولهای دوم به بعد قرار می‌گیرند ، دو راه پیشنهاد می‌گردد .

الف - ابتدا علوم وابسته را در نظر می‌گیریم و انتخاب علایم برای آنها را در اختیار صاحبان و مدافعان آن موضوع وابسته قرار می‌دهیم ؛ مثل دین و زبان . به این معنا که چون دین تقسیم می‌شود و در جدول دوم باید تمامی ادیان را شامل گردد ، هر کدام که در صدر جدول شمارهٔ دوم قرار گیرد ، مورد اعتراض پیروان سایر ادیان قرار خواهد گرفت ؛ اما اگر شیوه‌ای قادر باشد که هر دینی را در نزد پیروان آن در صدر جدول قرار دهد ، هیچکس اعتراض نخواهد کرد و این موفقیت وقتی کسب می‌شود که اندیس و علامت هر دینی -موضوعهای وابسته- با اعمال نظر سران و بزرگان آن دین تعیین شود . از آنجا که علامت انتخاب شده منفرد است ، لذا در نزد پیروان همان

دین رتبه خاصی دارد ، ولی در نزد سایرین که این علامت را در میان دهها علامت دیگر مشاهده می کنند ، چنین مفهومی ندارد ؛ بلکه آنها نیز متقابلاً علامت پیشنهادی خود را ، که رتبه خاصی دارد معنا می کنند .

اینک با مثالی این مسئله را بیشتر می شکافیم . فرض کنیم علامت « ۱ » را برای دین اختصاص داده ایم . سپس در جدول دوم علامت «دین اسلام» را «۱» (الف) قرار دادیم و علامت «دین مسیح» را "A" و علامت «دین یهود» را "1" و علامت «دین زرتشت» را «۱» تصور کردیم ، اگر این علایم از سوی پیروان ادیان مزبور تعیین شده باشند ، قطعاً معنا و مفهوم قابل قبولی برای آنها خواهند داشت و هیچگونه تعارضی نیز با پیروان سایر ادیان پیش نمی آید . چون مشابه همان معنا در نزد پیروان همه ادیان تصور شده است .

با این شیوه پیروان هر دینی می توانند علامت دین خود را در صدر جدول دوم تصور کنند و کتابهای مربوط به آن موضوع را در قفسه های پیشین و مناسب و دلخواه خودشان بچینند . در حالی که هیچ نظام گسیختگی نیز واقع نخواهد شد . به شرطی که همه استفاده کنندگان این طرح ، فقط نظر خود را در خصوص موضوع وابسته به خودشان اعمال کنند و

در سایر موضوعات (ادیان) تابع نظر صاحبان آن موضوع وابسته (دین وابسته) باشند .

به طور مثال ما مسلمانان در کتابخانه‌های خودمان ، کتابهای مربوط به علوم اسلامی را با علایم انتخابی خودمان نشانه‌گذاری کنیم و در مناسبترین جایی که تصور کرده‌ایم قرار دهیم ، اما در عطف کتابهای مربوط به سایر ادیان نباید علامت خودمان را به کار ببریم ، بلکه باید دقیقاً همان علامت را ، که از طرف پیروان همان ادیان پیشنهاد شده ، به کار ببریم . در کتابخانه‌های کشورهای مسیحی هم می‌توانند علامت مربوط به دین مسیح را در عطف کتابهای مربوط به دین مسیح الصاق کنند و در مناسبترین قفسه‌ها قرار دهند و کتابهای مربوط به علوم سایر ادیان را در قفسه‌های دیگر .

اما در هر صورت باید در عطف کتابهای مربوط به ادیان غیر مسیحی همان علایم پیشنهادی از سوی پیروان آن ادیان را بنویسند .

اما در علوم غیر وابسته جدول دوم ، می‌توان به سادگی از عدد بر پایه‌ی دهدهی استفاده کرد . چون ترتیب علوم و موضوعهای غیر وابسته طبق نظر متخصصین آن رشته خواهد بود و ربطی به ملتها و اقوام مختلف ندارد .

ب - راه دوم همان سمبل‌سازی می‌باشد . یعنی می‌توان به تعداد طولانیترین موضوعهای جداول فرعی مشخصه ایجاد کرد (مثلا صد نماد جدید) و سپس آنها را در تعریفات هر طبقه به کار برد . لکن این روش همیشه یک مشکل را به دنبال خواهد داشت ، و آن اینکه به هر حال باید یک روز مشخصه‌های جدید ، در قالب یک نظم و ترتیب ثابت درآیند و آن روز مسئله اختلاف رتبه در موضوعهای وابسته تکرار خواهد شود . لذا شیوه اول منطقیتر و معقولتر خواهد بود .

نشانه‌گذاری چهریزه‌ها

مهمترین چهریزه ، چهریزه زمان و مکان است . بنابر این فعلاً در این مختصر به این دو جنبه پرداخته می‌شود و اگر مشکل حل شد ، در سایر چهریزه‌ها کار ساده می‌شود .
با در نظر گرفتن نیاز مبرم پژوهشگران به تشخیص سریع موضوعهای چند جانبه ، اهمیت نشانه‌گذاری چهریزه زمان و مکان روشن می‌شود . به طور مثال در پارتیشن مربوط به تاریخ ، از مخزن یک کتابخانه بزرگ ، ممکن است چند ده هزار

کتاب موجود باشد که یافتن کتابهای مربوط به «تاریخ ایران در سده پنجم» وقت گیر باشد. در حالی که اگر در میان ده هزار کتاب تاریخی، صد کتاب یا موضوع تاریخ بود و مشخصه زمان نیز به آنها اختصاص داده شده باشد، آن صد کتاب علاوه بر ترتیب موضوعی، ترتیب زمانی نیز پیدا می کند. در این صورت ضمن امکان دسترسی سریع به کتب یک موضوع، تفریع و کدگذاری دقیق موضوعات جزئی نیز میسر خواهد بود.

اما چه نوع مشخصه‌ای برای چهریزه زمان و مکان مناسب است؟

رانگاناتان در طرح خود فقط یک مشخصه و علامت را برای هر چهریزه اختصاص داده است. مثلاً علامت "T" مشخص کننده چهریزه زمان و علامت "S" معرف چهریزه مکان است، ولی این شیوه خیلی کلی است و نمی تواند تسلسل تاریخی زمان را در مجموعه‌ای از کتابها که همه دارای چهریزه زمان هستند نشان بدهد. به نظر می رسد که مشخصه زمان و مکان باید طوری باشد که دقیقاً زمان را در جایگاه آن نمایش دهد.

شاید تصور شود که این فکر خوب است ، لیکن راه دسترسی به آن دشوار و بلکه غیر ممکن است و اگر چنین چیزی امکان داشت ، حتماً تا کنون انجام داده بودند .

اما اگر پیشداوری نشود و اندکی بردباری به خرج داده شود ، این مشکل نیز حل می شود . ما پس از مطالعه طولانی در این خصوص به دو نتیجه تجربه شده عملی رسیده ایم که ذیلاً توضیح داده می شود .

الف - شیوه اول مشابه نشانه گذاری موضوعهای وابسته در جداول فرعی است . به این معنا که اولاً به جای اندیس واحد ، از اندیسهای متعدد که هر کدام نشانگر زمان یا مکان بخصوصی باشند استفاده می شود و ثانیاً انتخاب اندیسها و مشخصه اختیاری خواهد بود .

توضیح .

می دانیم که مبدأ تاریخی در نزد ملل مختلف متفاوت می باشد . به طور مثال مسلمانان هجرت پیامبر اکرم (ص) را مبدأ تاریخ قرار داده اند و مسیحیان میلاد حضرت مسیح (ع) را مبدأ تاریخ خود قرار داده اند . هر کدام زمان قبل از اسلام و بعد از اسلام یا قبل از میلاد و بعد از میلاد را به نوعی از علایم

نشان می دهند .

در این شیوه هیچکس مجبور به ترک تاریخ خود نمی باشد . و می تواند به هر نحوی که مایل است نشانه هایی را برای تاریخ خود پیشنهاد کند . مثلاً همان حرف «ق» برای تاریخهای «قبل از میلاد» و حرف «پ» برای تاریخهای «پیش از هجرت» و حرف «پس» برای تاریخهای «پس از هجرت» معرفی می شود . پس از جمع آوری نظریه ها و انتخاب سمبلهای زمانی ، به راحتی می توان آنها را در کتابهای دارای موضوع با چهریزه زمان به کار برد ، بدون اینکه ترتیب و نظم کتابها از هم بگسلد . و بقیه داستان مشابه همان داستانی است که در مورد دین گفته شد .

ب - شیوه دوم مقداری به گذشت و جوانمردی نیاز دارد و گمان نمی رود که زمامداران بسیاری از کشورها به آن حد از بلوغ و رشد فکری رسیده باشند که آماده چنین انتخابی باشند . این مسئله در مورد مکان چندان ظهوری ندارد ، ولی در مورد زمان بسیار واضح است .

توضیح:

برای حفظ یک نظام زمانی در تمامی دانشها و کاربردهای

عملی - که تاکنون مانند خط و زبان متفاوت است - باید حاضر به گذشت از تاریخ فعلی بود. یعنی باید همگان بر سر تقسیم زمان در بستر تاریخی به دوره‌های مشخص - مثلاً هر صد سال به یک دوره - به توافق برسند و پس از آن اتحاد تاریخ در سراسر جهان به وجود می‌آید.

بهترین الگو برای یافتن دوره‌های اصلی و سپس تقسیم آنها به بریده‌های کوچکتر، در نظر گرفتن ظهور انبیای خداست. چون همه مردم جهان ظهور و بعثت همه پیامبران را قبول دارند و متدینان هر دینی به پیامبران سایر ادیان احترام می‌گذارند. بنابر این همه می‌دانند که حضرت نوح پس از حضرت آدم و قبل از حضرت ابراهیم مبعوث شده است و همچنین می‌دانند که سایر انبیاء به چه ترتیبی ظهور کرده‌اند. لذا می‌توان تاریخ بشر را از ابتدای هبوط حضرت آدم (ع) به دوره‌های ظهور هر پیامبر تقسیم کرد. سپس حد فاصل زمانی هر دوره را به صد سال صد سال تجزیه نمود و برای هر کدام مشخصه خاصی را تعیین و تعریف کرد.

در مورد مکان نیز تعریف علایم اختصاری برای هر کشور و یا قاره از سوی مردم آن کشور مجاز و مناسب می‌باشد. کشورهای هم که از نظر تقسیمات جغرافیایی با محدوده

مرزهای چند کشور مصادف شده‌اند ، مشخصه و سمبل مربوط به خود را خواهند داشت .

با این وصف به سادگی می‌توان به یک نشانه‌گذاری مترقیانه و جهانی دسترسی پیدا کرد و تمامی دانشها را با سمبلهای جدید علمی و فنی به مردم جهان معرفی نمود .

جمع بندی پیشنهادها

اکنون که عدم صلاحیت نظامهای موجود رده‌بندی علوم روشن شد و عوامل به وجود آورنده و رشد دهند آنها بررسی و برملا گردید ، لازم است که نتیجه کاوشها و تلاشها به صورت پیشنهادی منسجم و متمرکز و در عین حال کلی ارائه داده شود .

اصولی که در این پیشنهاد مراعات و ملحوظ شده ، به قرار ذیل است :

- الف - برخورداری از پایه علمی و منطقی .
- ب - جامعیت و شمول جهانی .
- ج - وجود یک سیر طبیعی در ترتیب علوم و دانشها .
- د - سادگی و بساطت .

- ه - کار بردی و عملی بودن .
- و - عدم وابستگی .
- ز - انعطاف و گسترش پذیری .
- ح - سرعت و دقت در بازیابی کتاب و مدرک .
- ط - برخورداری از نشانه‌ها و سمبل‌های کوتاه .

توضیح پایه علمی و منطقی طرح

پایه علمی و منطقی که در این طرح بر آن تکیه شده است «مراحل شناخت» انسان می‌باشد . می‌دانیم که «دانستن» بماهو دانستن ، قابل تقسیم نیست و در واقع تمام تقسیمات به ملاحظه‌ای از ابزار ، منابع ، مراحل و سایر متعلقات دانش بوده است . اینکه در فلسفه یونانی و ارسطویی ، دانش به طبیعی و متافیزیک یا عملی و نظری تقسیم شده است ، یا به ملاحظه دو جنبه انسان - جسم و جان - است و یا به ملاحظه «وجود»ی که متعلق دانش است . یعنی آنچه را که انسان می‌داند و یا باید بداند ، یا وجود خارجی دارد و یا وجود ذهنی ؛ دانستی‌هایی که وجود خارجی (ما بازا، خارجی) دارند ، علوم عملی و یا طبیعی نامیده شده‌اند و دانستی‌هایی که وجود ذهنی دارند ، به علوم نظری و یا متافیزیک شهرت یافته‌اند .

در تقسیم‌بندی انتزاعی ، نیمه انتزاعی و غیر انتزاعی نیز مسئله به همین قرار است . بیکن نیز به ملاحظه ابزار شناخت - که به تصور وی یا تخیل بود و یا ذهن و یا تعقل می‌تواند باشد - علوم را به سه شعبه کلی تقسیم کرده بود و کلیه طرحهایی که به نوعی از پایه علمی برخوردارند ، نفس دانستن را تقسیم نکرده‌اند ، بلکه دانستن به ملاحظه ابزار ، منبع و یا متعلق ، تقسیم شده است .

این طرح نیز با الهام از معارف قرآنی ، علوم و دانشها را بر پایه مراحل شناخت طبقه‌بندی و ترتیب می‌دهد و استحکام آن به استواری مایه‌هایی است که از قرآن و کلام خدا دریافت کرده است . به نظر می‌رسد سه مرحله مذکوری که قرآن - به نظر نگارنده - برای شناخت مطرح کرده و شالوده دعوت به توحید قرار داده است ، منطقیترین و علمیت‌ترین شیوه در دانستن و شناختن می‌باشد ، و بالتبع علوم و دانشها نیز به همان شیوه طبقه‌بندی و ترتیب داده می‌شود .

توضیح جامعیت و جهان شمولی طرح

سعی بر آن بوده است که تمامی دانشهای شناخته شده و قابل طرح ملاحظه گردد و آنچه را که بشر در هر نقطه‌ای از

جهان مورد نیاز دارد ، در طبقه‌بندی گنجانده شود . البته نباید تصور شود که ملاحظه جنبه جهانی کردن طرح موجب غفلت از نیازهای مذهبی و ملی شده است . به هیچ وجه چنین نبوده است . چون اصولاً منافاتی در رعایت هر دو منظور نمی‌توان یافت .

توضیح طبیعی بودن طرح

طبیعت دانش و شناخت انسان اقتضا دارد که ابتدا آنچه را که می‌تواند یاد بگیرد ، بشناسد و همان طور که پیشتر بحثی طولانی در این خصوص داشتیم ، پله‌ها و مراتب دانش انسان به ترتیب محسوسات ، معقولات و شهودیات توسط حس ، عقل و ایمان قلبی (عرفان) بوده است .

همچنین تبیین شد که منظور از حس ، دانستن عینیات خارجی در محیط زیست انسان می‌باشد . و منظور از عقل مرحله دوم است که انسان قدرت تعقل در مجردات را دارد . در نهایت نیز به قدرت شناخت و معرفت فوق حس و عقل می‌رسد که همان ایمان و اعتقاد قلبی است .

در این طرح مراحل طبیعی شناخت انسان مراعات شده است و طبقه‌بندی دانش بشر ، بر اساس دانشی استوار است که

روزانه فرا گرفته می‌شود. به عبارت دیگر از فروتر به فراتر سیر شده است.

توضیح سادگی طرح

طرح به دلیل توافق کامل با طبیعت یادگیری و شناخت انسان، بسیار ساده است. از سوی دیگر چون تعداد علوم و دانشها در جدول اصلی زیاد است، بنابر این در هر جدول تقسیم و تفریع کمتر، ولی طولانیتر خواهد بود و تفریع موضوعات جزئی پیچیده نخواهد شد.

به طور مثال اگر در جدول اصلی شصت موضوع قرار بگیرد، تقسیم‌بندی به مراتب کمتر از آن خواهد بود که در جدول اصلی «بیست» موضوع باشد. و متقابلاً نسبت به جدول اصلی که بیش از «صد» موضوع دارد، از تقسیم‌بندی بیشتر و انعطاف کمتری برخوردار است.

در اصل کاربردی بودن طرح نیز گفته خواهد شود که اتخاذ پایه‌های بزرگتر مثل پایه «شصت» و یا پایه «صد و بیست» موجب سادگی، سرعت بازیابی کتاب، کوتاه شدن طول نشانه‌ها و سمبلها و همچنین کاربردی بودن طرح می‌شود.

توضیح کاربردی بودن طرح

عامل عملی و کاربردی بودن طرحهای قرن بیستم دو چیز است .

الف - ترک کردن تقسیم دو ارزشی و قرار دادن تعداد زیادی از موضوعات مستقل در جدولهای اصلی .

ب - اختصاص دادن نشانه‌ها و سمبلهایی به موضوعات جهت بازیابی سریع کتاب از طریق علائم اختصاری .

در طرح پیشنهادی ، هر دو عامل ، به نحو فزاینده‌ای تقویت شده است . حتی اکثر موضوعهایی که در طرح دیوئی و کنگره به صورت پراکنده در طبقات فرعی قرار گرفته است ، همراه زیر مجموعه‌های مربوطه در جدول اصلی واقع شده‌اند . بنابر این جنبه عملی بودن طرح به مراتب بیشتر از طرحهای موجود می‌باشد .

توضیح عدم وابستگی طرح

هر منصفی که جدول اصلی طرح را بدون پیشداوری بررسی و نقد نماید ، به استقلال طرح از هرگونه وابستگی و تعلق پی خواهد برد . بر خلاف طرح دیوئی و کنگره که با

استبداد و تعصب تمام ، دانش را بر اساس نیاز و بلکه بر اساس نیازهای سیاسی خودشان طبقه بندی کرده اند ، از هر نوع تعصب و تعلق خاطر دوری شده است . اهمیت این مسئله در علوم وابسته معلوم می شود که صرفاً اصل آن علم در جدول اصلی می باشد و تقسیمات فرعی آن در جدول دوم و سوم و چهارم ، دقیقاً با خواسته کلیه صاحب نظران و مدافعان آن موضوعها خواهد بود .

توضیح انعطاف ، سرعت بازیابی و کوتاهی سنبها

وقتی می توان نظامی را گسترش پذیر نامید که امکان اضافه کردن موضوعات در جدولهای آن ، خصوصاً در جدول اصلی ، پیش بینی شده باشد . از آنجا که در طرح پیشنهادی پایه کمیت جدول اصلی «صد و بیست» می باشد ، می توان به امکان گسترش دادن آن در هر زمانی اطمینان حاصل کرد . از سوی دیگر فراهم آوردن شرایط استقلال برای اغلب موضوعات ، عملیات دسترسی به کتاب را تسریع می کند و به دنبال آن سنبها و نشانه های موضوعی کوتاه می شود .

مبنای عددی برگزیده

ریاضیدانان می‌دانند که اگر مبنای عددی کم باشد، عملیات طولانی و دشوار خواهد شد؛ همان طور که تفکر و اندیشه ریاضی ساده و آسان می‌گردد. اما اگر مبنای عددی بزرگ باشد، تفکر پیچیده و عملیات کوتاه و سریع خواهد شد. ^۱ مثلاً پایه «دهدی» در مقایسه با پایه «دودویی» پیچیده و در مقایسه با پایه «شانزده» و «شصت» ساده می‌باشد.

مسئله دیگر ترکیب سمبلهای شمارشی و عددی می‌باشد. اگر مبنا کم و کوچک باشد، سمبلهای عددی کمتر خواهد بود. مثل: «۰» و «۱» در مبنای «دودویی»؛ و اگر مبنا و پایه بزرگ باشد، سمبلها زیاد خواهد بود. مثل: « $f - ۰$ » در مبنای «شانزده»

کتابداران نیز بخوبی واقف هستند که در رده‌بندی علوم مسئله کمیت سمبل مطرح می‌باشد و عملیات ریاضی - به جز مسئله ترکیب - چندان با رده‌بندی سر و کار ندارد. اگر رده‌بند قادر بود حتی جزئی‌ترین موضوع را با یک سمبل و در واقع بدون ترکیب نامگذاری کند، هیچ وقت تن به ترکیبها و

۱- تاریخ ریاضیات، مارسل بل، ص ۱۷ و ۷۱.

اعشارهای طولانی نمی‌داد .

به طور مثال در پایه «دهدهی» ، ده سمبل از «صفر» الی «۹» وجود دارد که اولاً نام آنها بسیط می‌باشند و ثانیاً مستقل و بدون ترکیب به کار رفته‌اند . اما وقتی به شمردن اشیائی بیش از ۹ واحد می‌رسیم ، ناچاریم به دلیل فقدان دهمین سمبل مستقل ، دو سمبل تک واحد را ترکیب کنیم . این عمل همان اعداد دو رقمی را می‌سازد و پس از پایان یافتن ترکیب دو عددی نوبت به ترکیب سه رقمی می‌رسد ؛ وقس علی ذلک کله . هر چند که از جهت نامگذاری ، اعدادی مثل «ده» ، «بیست» ، «سی» و . . . نام مستقل دارند ، ولی سمبلهای آنها ترکیبی می‌باشد .

لذا انتخاب بزرگترین پایه عددی ممکن ، امتیازات زیادی دارد که نمی‌توان در اینجا به آنها پرداخت . اما مسئله مهم دیگر در انتخاب پایه‌های عددی (سمبلها) قابلیت‌های ریاضی پایه عددی نیز می‌باشد .

مثلاً پایه «۱۲» به مراتب بهتر از پایه «۱۰» می‌باشد . چون مقسوم علیه ۱۰ فقط «۱» ، «۲» ، «۵» و «۱۰» می‌باشد ، اما مقسوم علیه «۱۲» عبارت است از : «۲» ، «۳» ، «۴» و «۶» باضافه «۱» و «۱۲» .

مارسل بل در این باره می‌نویسد :

فقط یک حادثه محض فیزیولوژیکی موجب پذیرش سیستم دسیمال (دهدهی) گردید : زیرا بشریت خود مجموعه‌ای است که عوامل تشکیل دهنده آن دارای ده انگشت می‌باشد . این «ادعا» که علت پذیرش عدد ده (شماره‌های ۴ و ۴۱) کامل بودن آن است ، در اینجا اعتبار و ارزشی ندارد : کسانی که در این سبیل حکمت ربانی را دخیل می‌دانند ، با کمال تأسف باید قبول کنند که خداوند ریاضی‌دان بی‌مقداری است . [۱۲] زیرا تکامل عدد ده از بسیاری اعداد دیگر کمتر است .

مثلاً آنچه را که ما سیستم «بوفن» می‌نامیم ، عبارت از این است که دوازده (علامت) سمبول مختلف را برگزینیم (اولاً ده رقم معمولی ، ثانیاً x برای نمایش عدد ده و ثالثاً Z برای نمایش عدد یازده) . مزیت دوازده این است که دارای شش مقسوم علیه می‌باشد (۱-۲-۳-۴-۶-۱۲) ، در صورتی که ده فقط چهار مقسوم علیه مشترک دارد (۱-۲-۵-۱۰)^۱

به همین خاطر و به خاطر خیلی از امتیازات دیگر که در طی مباحث پیشین

۱- تاریخ ریاضیات ، مارسل بل ، ترجمه روح الله عباسی ، ص ۱۷ .

مطرح گردید ، پایه عددی «صد و بیست» برای علوم کتابداری (رده بندی علوم) پیشنهاد می شود . لازمه انتخاب آن نیز ابداع «صد و بیست» سمبل جدید است که هیچ گونه وابستگی به گروه های انسانی موجود ندارد . البته لازم است دانسته شود که «۱۲۰» از تمامی پایه های قبل از خود و حتی بعد از خود ، مقسوم علیه بیشتری (۱۶ مقسوم علیه) دارد .

اگر قرار باشد کمتر از پایه «۱۲۰» اتخاذ گردد ، به ترتیب پایه «۹۰» و پس از آن «۶۰» می تواند مطلوب باشد ، اما واضح است که این دو پایه اخیر امتیازهای پایه «۱۲۰» را ندارند .

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین .

سرا انجام

سرانجام

سخنی که در سرانجام این کتاب بایسته است ، گفتگو از جدولی است که بتوان کل دانش را در آن تنظیم کرد . از آنجا که گفته‌اند تنظیم دانش نیمی از دانش است ، بی شک نیم دیگر نیز؛ دانش استفاده صحیح از آن نیم اول خواهد بود .

در این پایانه مطلب ، سعی بر آن است که به اجمالی از طرح پیشنهادی اشاره شود . باشد که به عنوان مثال یا یک پیش‌نویس برای آغاز به کار رده‌بندی بر اساس نظام دینی ، ملی و جهانی تلقی گردد. هر چند که التزام به اختصار مانع از انحصار کامل آن می‌شود .

در این نظام ، دانش بشری ، به صدویست موضوع کلی قابل تقسیم است و هر موضوع ، مجدداً می‌تواند به صدویست موضوع فرعی دیگر تقسیم شود و هر موضوع فرعی ، تا صدویست موضوع فرعیتر قابل تقسیم است . این

تقسیم‌بندی می‌تواند همچنان استمرار داشته باشد ، لیکن با اطمینان می‌توان گفت که از چهارمین مرحله تقسیم‌بندی تجاوز نخواهد کرد و دلیل آن نیز کاملاً روشن است . چون پایهٔ تقسیم‌بندی در این طرح بر مبنای صدویست می‌باشد و تقسیم بندی علوم به صدویست طبقه و هر کدام به صد و بیست قسمت ، نیازهای عمده را در سه مرحله از تفریع ، تأمین می‌کند . در عین حال تقسیم موضوعات در مراحل بعدی نیز مجاز می‌باشد .

از تعداد صدویست موضوع در طبقات اصلی صد موضوع برای صد طبقه مشخص شده است و جایگاه بیست طبقه دیگر جهت گسترش برای موضوعات آینده ، خالی گذاشته شده است .

مجدداً یادآور می‌شود که این طرح و جدول برای نمونه و به منظور پیش‌نویس ، تهیه شده است . بنابر این در آینده می‌توان با توجه به پیشنهاد متخصصان و نقادان ، به تعدیلات و تصحیحاتی دست زد و یا حتی نشانه‌های معرفی شده را تغییر داد . در هر حال مبنای صدویست بزرگترین طیف ترکیب را می‌تواند به وجود آورد و موضوعات بی‌شماری را در جداول اصلی و فرعی خود جای دهد .

تنگی وقت و استعجال در عرضه هر چه زودتر موضوعات
جداول پیشنهادی ، مانع از تنظیم دقیق و تقسیم کاملاً
موضوعات جداول اصلی در طبقات فرعی شده است . در واقع
فعلاً آنچه هنگام تدوین به ذهن خطور می‌کرد بر قلم جاری
گشته است . لذا در فرصتی دیگر عمل گسترش ، تنظیم و
تعدیل صورت خواهد گرفت .



نشانه‌ها	جدول شماره یک	موضوعات
۵	کلیات ✓
۵	محیط‌شناسی ✓
۵	جغرافیا ✓
۵	مردم‌شناسی ✓
۵	نژاد‌شناسی ✓
۵	نسب‌شناسی (تبارشناسی) ✓
۵	تاریخ ✓
۵	سرگذشتنامه‌ها ✓
۵	سفرنامه‌ها ✓
۵	تاریخ علوم و فنون ✓
۶	دام‌شناسی (دامداری و دامپروری) ✓
۶	مرغداری (طیور) ✓
۶	صید و پرورش ماهی ✓
۶	زنبورداری و سایر حشرات مفید مثل کرم ابریشم و غیره ✓
۶	جانورشناسی و جانوران غیر اهلی ✓
۶	گیاه‌شناسی ✓
۶	باغبانی و گلکاری ✓

	✓ کشاورزی
	✓ جنگل شناسی ، درخت شناسی و جنگلبانی
	✓ شکار و شکاربانی
	✓ آب و آب شناسی
	✓ هوا و هواشناسی
	✓ ستاره‌شناسی و کیهان شناسی (هیئت)
	✓ فزانوردی و علوم فضایی
	✓ دریانوردی و علوم دریایی
	✓ علوم نظام و رزمی
	✓ ورزش و مسابقات
	✓ ابزار شناسی و اسلحه شناسی
	✓ حرف و مشاغل
	✓ خاک شناسی
	✓ زمین شناسی
	✓ معدن شناسی (کان شناسی) و استخراج
	✓ فلزات و سایر مواد معدنی
	✓ غارشناسی

	✓ حفاری و کانال.....
	✓ زلزله شناسی و زلزله نگاری.....
	✓ باستانشناسی.....
	✓ زیست شناسی.....
	✓ دانش ژنتیک (تخمک شناسی).....
	✓ کالبد شناسی و کالبد شکافی.....
	✓ علوم پزشکی.....
	✓ علوم آزمایشگاهی.....
	✓ داروشناسی و داروسازی.....
	✓ بهداشت و پیشگیری.....
	✓ مامایی و پرستاری.....
	✓ زبانشناسی و خط شناسی.....
	✓ ادبیات.....
	✓ فرهنگ شناسی.....
	✓ آموزش و پرورش.....
	✓ علوم هنری و زیبا شناسی (نقاشی، مجسمه سازی، تذهیب، قلم زنی، حجاری،
	حکاکی، منبت کاری، دکوراسیون و...)

۱	✓ علوم سینمایی و نمایشی
۲	✓ عکاسی و فیلمبرداری
۳	✓ چاپ، افست، گراور، لیتوگرافی، ریزه نگاری و...
۴	✓ نویسندگی و نمایشنامه نویسی
۵	✓ دانش رسانه‌های گروهی و روزنامه نگاری
۶	✓ تبلیغات
۷	✓ نورشناسی و پرتوشناسی
۸	✓ انرژی و حرارت
۹	✓ علوم هسته‌ای و اتم شناسی
۱۰	✓ پتروشیمی و تکنولوژی شیمیایی
۱۱	✓ پالایش، نفت، گاز و...
۱۲	✓ صنایع (دستی، برقی، مکانیک، سنگین، سبک، و غیره)
۱۳	✓ فنون
۱۴	✓ فیزیک
۱۵	✓ شیمی
۱۶	✓ مکانیک
۱۷	✓ الکترونیک، مخابرات و انفورماتیک

۶	✓ علوم ریاضی
۴	✓ انبارداری، انبارگردانی
۵	✓ حسابداری، مدیریت مالی
۳	✓ بازرگانی، تجارت، معاملات و قراردادهای و قولنامه‌ها
۱	✓ اقتصاد، دارایی، بانکداری، پول، اوراق بهادار، بودجه گمرکات و مالیات
۷	✓ بیمه و خدمات اجتماعی، شهری، عمومی و رفاهی
۸	✓ حمل و نقل و ارتباطات و خدمات پستی
۲	✓ معماری و عمران
۹	✓ شهرسازی، جاده سازی و ...
	✓ سدسازی، انبارسازی، ساخت نیروگاههای اتمی و پروژه‌های ساختمانی
۱۰	بزرگ مثل آسمانخراشها، کوره‌های فشار قوی و ...
۱۱	✓ علوم اجتماعی، انتظامات شهری و ...
۱۲	✓ علوم قضایی، حقوق و قوانین
۱۳	✓ علوم سیاسی
۱۴	✓ دیپلماسی و روابط بین الملل
۱۵	✓ مدیریت و رهبری
۱۶	✓ حکومت و کشورداری

۱	دانش اطلاع‌رسانی	✓
۲	علوم کتابداری	✓
۳	جامعه‌شناسی	✓
۴	روانشناسی	✓
۵	خانه و خانواده	✓
۶	علوم غریبه	✓
۷	رؤیا و تعبیر خواب	✓
۸	اخلاق	✓
۹	منطق	✓
۱۰	فلسفه	✓
۱۱	حکمت	✓
۱۲	ادیان و علوم دینی	✓
۱۳	مذهب‌شناسی و مکتب‌شناسی	✓
۱۴	خودشناسی و انسان‌شناسی	✓
۱۵	راهنما‌شناسی	✓
۱۶	خداشناسی	✓
۱۷	عرفان و حقیقت‌شناسی	✓

دائرة المعارفهای عمومی به زبان فارسی
دائرة المعارفهای عمومی به زبان فرانسه‌ای
دائرة المعارفهای عمومی سایر زبانها

مجموعه مقالات عمومی

مجموعه مقالات عمومی به زبان آلمانی
مجموعه مقالات عمومی به زبان اردو
مجموعه مقالات عمومی به زبان ارمنی
مجموعه مقالات عمومی به زبان اسپانیولی
مجموعه مقالات عمومی به زبان انگلیسی
مجموعه مقالات عمومی به زبان ایتالیایی
مجموعه مقالات عمومی به زبان پرتغالی
مجموعه مقالات عمومی به زبان ترکی
مجموعه مقالات عمومی به زبان چینی
مجموعه مقالات عمومی به زبان روسی
مجموعه مقالات عمومی به زبان ژاپنی
مجموعه مقالات عمومی به زبان سوئدی
مجموعه مقالات عمومی به زبان عربی
مجموعه مقالات عمومی به زبان فارسی
مجموعه مقالات عمومی به زبان فرانسه‌ای
مجموعه مقالات عمومی سایر زبانها

مجموعه نامه‌های عمومی

مجموعه نامه‌های عمومی به زبان آلمانی
مجموعه نامه‌های عمومی به زبان اردو

کلیات

مخطوطات

تابلوه‌های نفیس

تصاویر کمیاب

جلدهای نفیس

کتابهای چاپی نفیس

مجموعه اشیاء نفیس

دائرة المعارفهای عمومی

دائرة المعارفهای عمومی به زبان آلمانی
دائرة المعارفهای عمومی به زبان اردو
دائرة المعارفهای عمومی به زبان ارمنی
دائرة المعارفهای عمومی به زبان اسپانیولی
دائرة المعارفهای عمومی به زبان انگلیسی
دائرة المعارفهای عمومی به زبان ایتالیایی
دائرة المعارفهای عمومی به زبان پرتغالی
دائرة المعارفهای عمومی به زبان ترکی
دائرة المعارفهای عمومی به زبان چینی
دائرة المعارفهای عمومی به زبان روسی
دائرة المعارفهای عمومی به زبان ژاپنی
دائرة المعارفهای عمومی به زبان سوئدی
دائرة المعارفهای عمومی به زبان عربی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

مجموعه نامه‌های عمومی به زبان ارمنی	مجموعه نشریات عمومی به زبان روسی
مجموعه نامه‌های عمومی به زبان اسپانیولی	مجموعه نشریات عمومی به زبان ژاپنی
مجموعه نامه‌های عمومی به زبان انگلیسی	مجموعه نشریات عمومی به زبان سوئدی
مجموعه نامه‌های عمومی به زبان ایتالیایی	مجموعه نشریات عمومی به زبان عربی
مجموعه نامه‌های عمومی به زبان پرتغالی	مجموعه نشریات عمومی به زبان فارسی
مجموعه نامه‌های عمومی به زبان ترکی	مجموعه نشریات عمومی به زبان فرانسه‌ای
مجموعه نامه‌های عمومی به زبان چینی	مجموعه نشریات عمومی سایر زبانها
مجموعه نامه‌های عمومی به زبان روسی	
مجموعه نامه‌های عمومی به زبان ژاپنی	
مجموعه نامه‌های عمومی به زبان سوئدی	
مجموعه نامه‌های عمومی به زبان عربی	
مجموعه نامه‌های عمومی به زبان فارسی	
مجموعه نامه‌های عمومی به زبان فرانسه‌ای	
مجموعه نامه‌های عمومی سایر زبانها	
مجموعه نشریات عمومی	
مجموعه نشریات عمومی به زبان آلمانی	
مجموعه نشریات عمومی به زبان اردو	
مجموعه نشریات عمومی به زبان ارمنی	
مجموعه نشریات عمومی به زبان اسپانیولی	
مجموعه نشریات عمومی به زبان انگلیسی	
مجموعه نشریات عمومی به زبان ایتالیایی	
مجموعه نشریات عمومی به زبان پرتغالی	
مجموعه نشریات عمومی به زبان ترکی	
مجموعه نشریات عمومی به زبان چینی	

فرهنگ‌های عمومی به زبان پرتغالی	فهرستهای عمومی
فرهنگ‌های عمومی به زبان ترکی	فهرستهای عمومی به زبان آلمانی
فرهنگ‌های عمومی به زبان چینی	فهرستهای عمومی به زبان اردو
فرهنگ‌های عمومی به زبان روسی	فهرستهای عمومی به زبان ارمنی
فرهنگ‌های عمومی به زبان ژاپنی	فهرستهای عمومی به زبان اسپانیولی
فرهنگ‌های عمومی به زبان سوئدی	فهرستهای عمومی به زبان انگلیسی
فرهنگ‌های عمومی به زبان عربی	فهرستهای عمومی به زبان ایتالیایی
فرهنگ‌های عمومی به زبان فارسی	فهرستهای عمومی به زبان پرتغالی
فرهنگ‌های عمومی به زبان فرانسه‌ای	فهرستهای عمومی به زبان ترکی
فرهنگ‌های عمومی سایر زبانها	فهرستهای عمومی به زبان چینی
راهنماهای عمومی	فهرستهای عمومی به زبان روسی
راهنماهای عمومی به زبان آلمانی	فهرستهای عمومی به زبان ژاپنی
راهنماهای عمومی به زبان اردو	فهرستهای عمومی به زبان سوئدی
راهنماهای عمومی به زبان ارمنی	فهرستهای عمومی به زبان عربی
راهنماهای عمومی به زبان اسپانیولی	فهرستهای عمومی به زبان فارسی
راهنماهای عمومی به زبان انگلیسی	فهرستهای عمومی به زبان فرانسه‌ای
راهنماهای عمومی به زبان ایتالیایی	فهرستهای عمومی سایر زبانها
راهنماهای عمومی به زبان پرتغالی	فرهنگ‌های عمومی
راهنماهای عمومی به زبان ترکی	فرهنگ‌های عمومی به زبان آلمانی
راهنماهای عمومی به زبان چینی	فرهنگ‌های عمومی به زبان اردو
راهنماهای عمومی به زبان روسی	فرهنگ‌های عمومی به زبان ارمنی
راهنماهای عمومی به زبان ژاپنی	فرهنگ‌های عمومی به زبان اسپانیولی
راهنماهای عمومی به زبان سوئدی	فرهنگ‌های عمومی به زبان انگلیسی
راهنماهای عمومی به زبان عربی	فرهنگ‌های عمومی به زبان ایتالیایی

واژه‌نامه‌های عمومی به زبان ارمنی	راهنماهای عمومی به زبان فارسی
واژه‌نامه‌های عمومی به زبان اسپانیولی	راهنماهای عمومی به زبان فرانسه‌ای
واژه‌نامه‌های عمومی به زبان انگلیسی	راهنماهای عمومی سایر زبانها
واژه‌نامه‌های عمومی به زبان ایتالیایی	تعريفات عمومی
واژه‌نامه‌های عمومی به زبان پرتغالی	تعريفات عمومی به زبان آلمانی
واژه‌نامه‌های عمومی به زبان ترکی	تعريفات عمومی به زبان اردو
واژه‌نامه‌های عمومی به زبان چینی	تعريفات عمومی به زبان ارمنی
واژه‌نامه‌های عمومی به زبان روسی	تعريفات عمومی به زبان اسپانیولی
واژه‌نامه‌های عمومی به زبان ژاپنی	تعريفات عمومی به زبان انگلیسی
واژه‌نامه‌های عمومی به زبان سوئدی	تعريفات عمومی به زبان ایتالیایی
واژه‌نامه‌های عمومی به زبان عربی	تعريفات عمومی به زبان پرتغالی
واژه‌نامه‌های عمومی به زبان فارسی	تعريفات عمومی به زبان ترکی
واژه‌نامه‌های عمومی به زبان فرانسه‌ای	تعريفات عمومی به زبان چینی
واژه‌نامه‌های عمومی سایر زبانها	تعريفات عمومی به زبان روسی
گفتارهای عمومی	تعريفات عمومی به زبان ژاپنی
گفتارهای عمومی به زبان آلمانی	تعريفات عمومی به زبان سوئدی
گفتارهای عمومی به زبان اردو	تعريفات عمومی به زبان عربی
گفتارهای عمومی به زبان ارمنی	تعريفات عمومی به زبان فارسی
گفتارهای عمومی به زبان اسپانیولی	تعريفات عمومی به زبان فرانسه‌ای
گفتارهای عمومی به زبان انگلیسی	تعريفات عمومی سایر زبانها
گفتارهای عمومی به زبان ایتالیایی	واژه‌نامه‌های عمومی
گفتارهای عمومی به زبان پرتغالی	واژه‌نامه‌های عمومی به زبان آلمانی
گفتارهای عمومی به زبان ترکی	واژه‌نامه‌های عمومی به زبان اردو
گفتارهای عمومی به زبان چینی	

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

مصاحبه‌های عمومی	گفتارهای عمومی به زبان روسی
مصاحبه‌های عمومی به زبان آلمانی	گفتارهای عمومی به زبان ژاپنی
مصاحبه‌های عمومی به زبان اردو	گفتارهای عمومی به زبان سوئدی
مصاحبه‌های عمومی به زبان ارمنی	گفتارهای عمومی به زبان عربی
مصاحبه‌های عمومی به زبان اسپانیولی	گفتارهای عمومی به زبان فارسی
مصاحبه‌های عمومی به زبان انگلیسی	گفتارهای عمومی به زبان فرانسه‌ای
مصاحبه‌های عمومی به زبان ایتالیایی	گفتارهای عمومی سایر زبانها
مصاحبه‌های عمومی به زبان پرتغالی	سخنرانیهای عمومی
مصاحبه‌های عمومی به زبان ترکی	سخنرانیهای عمومی به زبان آلمانی
مصاحبه‌های عمومی به زبان چینی	سخنرانیهای عمومی به زبان اردو
مصاحبه‌های عمومی به زبان روسی	سخنرانیهای عمومی به زبان ارمنی
مصاحبه‌های عمومی به زبان ژاپنی	سخنرانیهای عمومی به زبان اسپانیولی
مصاحبه‌های عمومی به زبان سوئدی	سخنرانیهای عمومی به زبان انگلیسی
مصاحبه‌های عمومی به زبان عربی	سخنرانیهای عمومی به زبان ایتالیایی
مصاحبه‌های عمومی به زبان فارسی	سخنرانیهای عمومی به زبان پرتغالی
مصاحبه‌های عمومی به زبان فرانسه‌ای	سخنرانیهای عمومی به زبان ترکی
مصاحبه‌های عمومی سایر زبانها	سخنرانیهای عمومی به زبان چینی
مذاکرات عمومی	سخنرانیهای عمومی به زبان روسی
مذاکرات عمومی به زبان آلمانی	سخنرانیهای عمومی به زبان ژاپنی
مذاکرات عمومی به زبان اردو	سخنرانیهای عمومی به زبان سوئدی
مذاکرات عمومی به زبان ارمنی	سخنرانیهای عمومی به زبان عربی
مذاکرات عمومی به زبان اسپانیولی	سخنرانیهای عمومی به زبان فارسی
مذاکرات عمومی به زبان انگلیسی	سخنرانیهای عمومی به زبان فرانسه‌ای
مذاکرات عمومی به زبان ایتالیایی	سخنرانیهای عمومی سایر زبانها

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

یادداشت‌های عمومی به زبان فارسی	مذاکرات عمومی به زبان پرتغالی
یادداشت‌های عمومی به زبان فرانسه‌ای	مذاکرات عمومی به زبان ترکی
یادداشت‌های عمومی سایر زبانها	مذاکرات عمومی به زبان چینی
اطلاعات عمومی	مذاکرات عمومی به زبان روسی
اطلاعات عمومی به زبان آلمانی	مذاکرات عمومی به زبان ژاپنی
اطلاعات عمومی به زبان اردو	مذاکرات عمومی به زبان سوئدی
اطلاعات عمومی به زبان ارمنی	مذاکرات عمومی به زبان عربی
اطلاعات عمومی به زبان اسپانیولی	مذاکرات عمومی به زبان فارسی
اطلاعات عمومی به زبان انگلیسی	مذاکرات عمومی به زبان فرانسه‌ای
اطلاعات عمومی به زبان ایتالیایی	مذاکرات عمومی سایر زبانها
اطلاعات عمومی به زبان پرتغالی	یادداشت‌های عمومی
اطلاعات عمومی به زبان ترکی	یادداشت‌های عمومی به زبان آلمانی
اطلاعات عمومی به زبان چینی	یادداشت‌های عمومی به زبان اردو
اطلاعات عمومی به زبان روسی	یادداشت‌های عمومی به زبان ارمنی
اطلاعات عمومی به زبان ژاپنی	یادداشت‌های عمومی به زبان اسپانیولی
اطلاعات عمومی به زبان سوئدی	یادداشت‌های عمومی به زبان انگلیسی
اطلاعات عمومی به زبان عربی	یادداشت‌های عمومی به زبان ایتالیایی
اطلاعات عمومی به زبان فارسی	یادداشت‌های عمومی به زبان پرتغالی
اطلاعات عمومی به زبان فرانسه‌ای	یادداشت‌های عمومی به زبان ترکی
اطلاعات عمومی سایر زبانها	یادداشت‌های عمومی به زبان چینی
پرستنامه‌های عمومی	یادداشت‌های عمومی به زبان روسی
پرستنامه‌های عمومی به زبان آلمانی	یادداشت‌های عمومی به زبان ژاپنی
پرستنامه‌های عمومی به زبان اردو	یادداشت‌های عمومی به زبان سوئدی
	یادداشت‌های عمومی به زبان عربی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

کتابشناسیهای عمومی به زبان ژاپنی	پرستنامه‌های عمومی به زبان ارمنی
کتابشناسیهای عمومی به زبان سوئدی	پرستنامه‌های عمومی به زبان اسپانیولی
کتابشناسیهای عمومی به زبان عربی	پرستنامه‌های عمومی به زبان انگلیسی
کتابشناسیهای عمومی به زبان فارسی	پرستنامه‌های عمومی به زبان ایتالیایی
کتابشناسیهای عمومی به زبان فرانسه‌ای	پرستنامه‌های عمومی به زبان پرتغالی
کتابشناسیهای عمومی سایر زبانها	پرستنامه‌های عمومی به زبان ترکی
کاتالوگ‌نامه‌های عمومی	پرستنامه‌های عمومی به زبان چینی
کاتالوگ‌نفا‌های عمومی	پرستنامه‌های عمومی به زبان روسی
کاتالوگ موضوع‌های عمومی	پرستنامه‌های عمومی به زبان ژاپنی
ناهران	پرستنامه‌های عمومی به زبان سوئدی
چاپخانه‌ها	پرستنامه‌های عمومی به زبان عربی
کتابخانه‌ها	پرستنامه‌های عمومی به زبان فارسی
کتابخانه‌های ملی	پرستنامه‌های عمومی به زبان فرانسه‌ای
کتابخانه دولتی آلمان	پرستنامه‌های عمومی سایر زبانها
کتابخانه ملی آرژانتین	کتابشناسیهای عمومی
کتابخانه ملی آفریقای جنوبی	کتابشناسیهای عمومی به زبان آلمانی
کتابخانه ملی آلبانی	کتابشناسیهای عمومی به زبان اردو
کتابخانه ملی اتریش	کتابشناسیهای عمومی به زبان ارمنی
کتابخانه ملی اتیوپی	کتابشناسیهای عمومی به زبان اسپانیولی
کتابخانه ملی اسپانیا	کتابشناسیهای عمومی به زبان انگلیسی
کتابخانه ملی استرالیا	کتابشناسیهای عمومی به زبان ایتالیایی
کتابخانه ملی اسکاتلند	کتابشناسیهای عمومی به زبان پرتغالی
کتابخانه ملی اکوادور	کتابشناسیهای عمومی به زبان ترکی
	کتابشناسیهای عمومی به زبان چینی
	کتابشناسیهای عمومی به زبان روسی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

کتابخانه ملی ال سالوادور	کتابخانه ملی زلاند نو
کتابخانه ملی الجزائر	کتابخانه ملی سوئد
کتابخانه ملی اورگوئه	کتابخانه ملی سوریه
کتابخانه ملی ایتالیا	کتابخانه ملی سوئیس
کتابخانه ملی ایران	کتابخانه ملی سیسیل
کتابخانه ملی ایرلند	کتابخانه ملی سیلان
کتابخانه ملی ایسلند	کتابخانه ملی شیلی
کتابخانه ملی برابندسه میلان	کتابخانه ملی عبری
کتابخانه ملی برزیل	کتابخانه ملی عراق
کتابخانه ملی برمه	کتابخانه ملی فرانسه
کتابخانه ملی بلژیک	کتابخانه ملی فنلاند
کتابخانه ملی بلغارستان	کتابخانه ملی کاستاریکا
کتابخانه ملی بوسنی و هرزگوین	کتابخانه ملی کامبوج
کتابخانه ملی پاکستان	کتابخانه ملی کانادا
کتابخانه ملی پرتغال	کتابخانه ملی کره
کتابخانه ملی پرو	کتابخانه ملی کنگره آمریکا
کتابخانه ملی تایلند	کتابخانه ملی کوبا
کتابخانه ملی ترکیه	کتابخانه ملی گواتمالا
کتابخانه ملی تورینو	کتابخانه ملی لبنان
کتابخانه ملی تونس	کتابخانه ملی لتین
کتابخانه ملی چکسلواکی	کتابخانه ملی لوگزامبورگ
کتابخانه ملی چین	کتابخانه ملی لهستان
کتابخانه ملی دانمارک	کتابخانه ملی مارچیانا
کتابخانه ملی رودزیا	کتابخانه ملی مالزی
کتابخانه ملی رومانی	کتابخانه ملی مجارستان

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

موزه آمستردام	کتابخانه ملی مجلس ژاپن
موزه آنکارا	کتابخانه ملی مرکزی تایوان
موزه استانبول	کتابخانه ملی مصر
موزه بارودا	کتابخانه ملی مکزیک
موزه باستانشناسی پرتقال	کتابخانه ملی موزه بریتانیا
موزه باستانشناسی لهستان	کتابخانه ملی نیال
موزه بریتیش موزئوم	کتابخانه ملی نروژ
موزه بغداد	کتابخانه ملی نیجریه
موزه تاریخ ژاپن	کتابخانه ملی نیکاراگوا
موزه تاریخی آلاسکا	کتابخانه ملی واتیکان
موزه تاریخی شهر وین	کتابخانه ملی ونزوئلا
موزه تاریخی مجارستان	کتابخانه ملی ویزانگستان
موزه تاریخی مسکو	کتابخانه ملی هائیتی
موزه تاریخی مصر	کتابخانه ملی هلند
موزه تولستوی	کتابخانه ملی هند
موزه خرطوم	کتابخانه ملی هندوراس
موزه راین لند	کتابخانه ملی یوگسلاوی
موزه سلطنتی هنرهای زیبای بلژیک	کتابخانه ملی یونان
موزه کاخ گلستان	کتابخانه‌های دانشگاهی
موزه لاهه	کتابخانه‌های عمومی
موزه لندن	کتابخانه‌های تخصصی
موزه لوور	موزه‌ها
موزه مادرید	موزه آثار قدیمی نروژ
موزه ماساچوست	موزه آکادمی هنرهای زیبای وین
موزه مردم شناسی اسپانیا	

پیش‌نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

رتکارنگها	موزه ملی باستانشناسی اسپانیا
مجموعه آثار عمومی	موزه ملی چکسلواکی
مجموعه آثار عمومی به زبان آلمانی	موزه ملی دانمارک
مجموعه آثار عمومی به زبان اردو	موزه ملی دمشق
مجموعه آثار عمومی به زبان ارمنی	موزه ملی روم
مجموعه آثار عمومی به زبان اسپانیولی	موزه ملی ژاپن
مجموعه آثار عمومی به زبان انگلیسی	موزه ملی لبنان
مجموعه آثار عمومی به زبان ایتالیایی	موزه ملی لهستان
مجموعه آثار عمومی به زبان پرتغالی	موزه ملی و هنری برلین
مجموعه آثار عمومی به زبان ترکی	موزه ملی ورسای
مجموعه آثار عمومی به زبان چینی	موزه ملی هندوستان
مجموعه آثار عمومی به زبان روسی	موزه ملی هنر قدیم پرتغال
مجموعه آثار عمومی به زبان ژاپنی	موزه موزه موزه موزه ناپل
مجموعه آثار عمومی به زبان سوئدی	موزه ویکتوریا و آلبرت
مجموعه آثار عمومی به زبان عربی	موزه هنرهای اسلامی قاهره
مجموعه آثار عمومی به زبان فارسی	موزه هنرهای تاریخی سوئیس
مجموعه آثار عمومی به زبان فرانسوی	موزه هنرهای زیبای بستون
مجموعه آثار عمومی سایر زبانها	موزه هنرهای زیبای بوداپست
انجمن‌های عمومی	موزه هنرهای زیبای کپنهاگ
روزنامه نگاری	موزه هنری آلبرتینا
ویژگیهای عمومی فن روزنامه نگاری	موزه هنری متروپولیتن
متد و شیوه‌ها	مجمع‌های عمومی
تاریخچه	موسوعه‌های عمومی
اصول و قوانین	کشکولها و جنگ‌ها

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

ربع الخالی	تمدن یونان
سالت لیک بزرگ	سایر تمدنها
سوریه	مکان شناسی
صحرای کبیر آفریقا	اماکن مقدس
قره قوم	اماکن عمومی
قره قوم (قرزل قوم)	اماکن خدماتی
کالاهوی	اماکن فرهنگی
کلرادو	اماکن نظامی و انتظامی
کویر لوت	اماکن سیاسی
گبنی	اماکن ورزشی
گونی (شامو)	اماکن تفریحی
لیبی	اماکن غیر سالم (انحرافی)
موهیبو	فراشناسی
نوبی	فروشناسی
تنگه شناسی	پهنه شناسی
انراتو	یبان استرالایای بزرگ
اسکاروژاک	یبان اتاکاما
باب المنذب	یبان بلک راک
باس	یبان تار
بالین تاگ	یبان تاکلامکان
برینگ	یبان دره مرگ
بسفر	یبان منقوش
پادوکاله	دشت کویر
پاناما	دهنه
پلک	

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

هرمز	تایوان
هودسن	توکاتان
بحر شناسی	جبل الطارق
دریای آدریاتیک	داردائل
دریای آرافورا	دانمارک
دریای آزوف	دی لاپروس
دریای آندامان	دیوس
دریای اختک	شارلوت
دریای اژه	فلوریدا
دریای اسکوتیا	کارا
دریای ایرلند	کارا
دریای بارنتس	کانال سونز
دریای بالتیک	کرج
دریای باندا نا	کوک
دریای برینگ	گودیل
دریای بلینگ شوزن	لانکاستر
دریای بوفورت	لنگ
دریای تاسمانی	ماژلان
دریای تیرنین	ماکاسار
دریای تیمور	مالاگا
دریای جاوه	مانش
دریای چین جنوبی	مسین
دریای چین شرقی	مک کلر
دریای زرد	موزامبیک
دریای ژاپن	هائیان

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

عنوان شناسی	دریای سادو
مرتع شناسی	دریای سرخ
دشت شناسی	دریای سفید
راه شناسی	دریای سلب
اثر شناسی	دریای سولو
اقلیم شناسی	دریای سیاه
قاره شناسی	دریای شمال
شرق شناسی	دریای عرب
ایران شناسی	دریای عمان
گیتا شناسی	دریای فلور
کشورها	دریای کارا
شهرها	دریای کارائیب
راهما	دریای کرام
آبها	دریای کرت کورال
زمان شناسی (گاه شناسی)	دریای گرینلند
عمر شناسی	دریای لانه ویخ
عمر شناسی خاک	دریای لیگوریا
عمر شناسی آب	دریای لینگن
عمر شناسی نبات (گیاه)	دریای مدیترانه
عمر شناسی حیران	دریای مرمره
عمر شناسی انسان	دریای ملوک
عمر شناسی اجسام	دریای یونان
	بر شناسی
	شهر شناسی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

شکل شناسی	عمر شناسی ابزارها
رنگ شناسی	عمر شناسی موتورها
صورت شناسی (قیافه شناسی)	عمر شناسی بناها
شیوه شناسی (سبک شناسی)	عمر شناسی اشیاء
	کمیت شناسی
نشان شناسی	کمیت شناسی اجسام
مهر شناسی	کمیت شناسی گازها
رتبه شناسی	کمیت شناسی مایعات
سکه شناسی	کمیت شناسی نباتات
	کمیت شناسی حیوانات
	کمیت شناسی انسان
	کمیت شناسی اشیاء خانگی
	کمیت شناسی ابزارها
	کمیت شناسی موتورها
	کیفیت شناسی
سازمانها، ادارات و مراکز	کیفیت شناسی اجسام
تجهیزات و لوازم	کیفیت شناسی گازها
اصول و روشها	کیفیت شناسی مایعات
آموزشها و پژوهشها	کیفیت شناسی نباتات
اطلسهای عمومی	کیفیت شناسی حیوانات
کتاب درسی جغرافیا	کیفیت شناسی اشیاء خانگی
جغرافیای طبیعی جهان	کیفیت شناسی ابزارها
جغرافیای انسانی جهان	کیفیت شناسی موتورها

جغرافیا

کلیات

تاریخچه

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

جغرافیای آسیای میانه	جغرافیای سیاسی جهان
جغرافیای آسیای صغیر	جغرافیای اقتصادی جهان
جغرافیای اروپای غربی	جغرافیای تاریخی جهان
جغرافیای اروپای شرقی	جغرافیای شهری جهان
جغرافیای آمریکای شمالی	جغرافیای جوی جهان
جغرافیای آمریکای جنوبی	جغرافیای دنیای باستان
جغرافیای آفریقای شمالی	جغرافیای عمومی جدید جهان
جغرافیای آفریقای جنوبی	جغرافیای نظامی جهان
جغرافیای کشورها	جغرافیای بین قاره‌ای
جغرافیای آذربایجان	جغرافیای قاره آسیا
جغرافیای آرژانتین	جغرافیای قاره آفریقا
جغرافیای آلبانی	جغرافیای قاره آمریکا
جغرافیای آمریکا	جغرافیای قاره اروپا
جغرافیای آلمان	جغرافیای قاره اقیانوسیه
جغرافیای استیگراو باربودا	جغرافیای قطب شمال
جغرافیای آندورا	جغرافیای خاور نزدیک
جغرافیای آنگولا	جغرافیای خاور میانه
جغرافیای اتریش	جغرافیای خاور دور
جغرافیای ائیبوری	جغرافیای جنوب شرقی جهان
جغرافیای اردن	
جغرافیای ارمنستان	
جغرافیای اسپانیا	

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

جغرافیای استرالیا	جغرافیای برمه (میانمار)
جغرافیای استونی	جغرافیای پروتسی
جغرافیای اسلونی	جغرافیای بلژیک
جغرافیای افریقای جنوبی	جغرافیای بلغارستان
جغرافیای افریقای مرکزی	جغرافیای بلیز
جغرافیای افغانستان	جغرافیای بنگلادش
جغرافیای اکوادور	جغرافیای بنین
جغرافیای الجزایر	جغرافیای بوتان
جغرافیای السالوادور	جغرافیای بوتسوانا
جغرافیای امارات متحده عربی	جغرافیای بورکینا فاسو (ولتای علیا)
جغرافیای اندونزی	جغرافیای بوروندی
جغرافیای انگلستان	جغرافیای بوسنی و هرزگوین
جغرافیای اوروگوئه	جغرافیای بولیوی
جغرافیای اوکراین	جغرافیای بیلا روس (روسیه سفید)
جغرافیای اوگاندا	جغرافیای پاپوا گینه نو
جغرافیای ایالات متحده امریکا	جغرافیای پارا گونه
جغرافیای ایتالیا	جغرافیای پاکستان
جغرافیای ایران	جغرافیای پالانو
جغرافیای ایرلند	جغرافیای پاناما
جغرافیای ایسلند	جغرافیای برتقال
جغرافیای باربادوس	جغرافیای تاجیکستان
جغرافیای باهاما	جغرافیای تانزانیا
جغرافیای بحرین	جغرافیای تابلند
جغرافیای برزیل	جغرافیای تایوان

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

جغرافیای ترکمنستان	جغرافیای زیمبابوه
جغرافیای ترکیه	جغرافیای ژاپن
جغرافیای ترینیداد و توباگو	جغرافیای ساتوتومه و پرنسپ
جغرافیای توگو	جغرافیای ساموآی غربی
جغرافیای تونس	جغرافیای سان مارینو
جغرافیای تونگا	جغرافیای سری لانکا
جغرافیای تووالو	جغرافیای سنت کیس و نویس
جغرافیای جامائیکا	جغرافیای سنت لوسیا
جغرافیای جزایر سلیمان	جغرافیای سنت وینسنت و گرنادین
جغرافیای جزایر مارشال	جغرافیای سنگاپور
جغرافیای جیبوتی	جغرافیای سنگال
جغرافیای چاد	جغرافیای سوئد
جغرافیای چک	جغرافیای سوازیلند
جغرافیای چکسلواکی	جغرافیای سوئیس
جغرافیای چین	جغرافیای سودان
جغرافیای دانمارک	جغرافیای سورینام
جغرافیای دومینیکا	جغرافیای سوریه
جغرافیای دومینیکن	جغرافیای سومالی
جغرافیای رواندا	جغرافیای سیرالئون
جغرافیای روسیه	جغرافیای سیشل
جغرافیای رومانی	جغرافیای شیلی
جغرافیای زامبیا	جغرافیای صحرا
جغرافیای زنبر	جغرافیای عراق
جغرافیای زلاندنو	جغرافیای عربستان سعودی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

جغرافیای عمان	جغرافیای کیپ ورد
جغرافیای غنا	جغرافیای کیریباتی (کیریاس)
جغرافیای فرانسه	جغرافیای گابون
جغرافیای فلسطین	جغرافیای گامبیا
جغرافیای فنلاند	جغرافیای گرجستان
جغرافیای فیجی	جغرافیای گرنادا
جغرافیای فیلیپین	جغرافیای گواتمالا
جغرافیای قبرس	جغرافیای گویان
جغرافیای قرقیزستان	جغرافیای گینه
جغرافیای زاقاتانا	جغرافیای گینه استوایی
جغرافیای قطر	جغرافیای گینه استوایی
جغرافیای کامبوج	جغرافیای گینه بیسائو
جغرافیای کامرون	جغرافیای لانوس
جغرافیای کانادا	جغرافیای لاتویا (لتونی)
جغرافیای کرواسی	جغرافیای لبنان
جغرافیای کره جنوبی	جغرافیای لوکزامبورگ
جغرافیای کره شمالی	جغرافیای لهستان
جغرافیای کاستاریکا	جغرافیای لیبیا
جغرافیای کلمبیا	جغرافیای لیبی
جغرافیای کنگو	جغرافیای لیتوانی
جغرافیای کنیا	جغرافیای لیختن اشتاین
جغرافیای کوبا	جغرافیای ماداگاسکار (مالاسی)
جغرافیای کومور	جغرافیای مالاروی
جغرافیای کویت	جغرافیای مالت

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

جغرافیای وزونلا	جغرافیای مالدیو
جغرافیای ویتام	جغرافیای مالزی (مالزی)
جغرافیای هانی تی	جغرافیای مالی
جغرافیای هلند	جغرافیای مجارستان
جغرافیای هند	جغرافیای مصر
جغرافیای هندوراس	جغرافیای مغرب (مراکش)
جغرافیای یمن	جغرافیای مغولستان
جغرافیای یوگسلاوی	جغرافیای مقدونیه
جغرافیای یونان	جغرافیای مکزیک
جغرافیای شبه جزیره ها	جغرافیای موریتانی
شبه جزیره آنتولی	جغرافیای مورس
شبه جزیره اسکاندیناوی	جغرافیای موزامبیک
شبه جزیره آیری	جغرافیای مولداوی
شبه جزیره ایتالیا	جغرافیای موناکو
شبه جزیره بالکان	جغرافیای میکرونزی
شبه جزیره برتانی	جغرافیای تائورو
شبه جزیره بلوینز	جغرافیای نامیبیا
شبه جزیره ژولند	جغرافیای نپال
شبه جزیره شانتونگ	جغرافیای نوروز
شبه جزیره عربستان	جغرافیای نیجر
شبه جزیره فلرید	جغرافیای نیجریه
شبه جزیره کاتیوار	جغرافیای نیکاراگوا
شبه جزیره کالیفرنیا	جغرافیای واتیکان
شبه جزیره کامچاتکا	جغرافیای وانواتو

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

بل ایل	شبه جزیره کره
پالمیرا	شبه جزیره کریمه
پرتوریکو	شبه جزیره کلا
پولنزی	شبه جزیره لابرادر
تادسمانی	شبه جزیره مالاکا
ترشلیک	شبه جزیره هند
ترینیدا	شبه جزیره هند و چین
جامائیکا	شبه جزیره یوکانان
جاره	جغرافیای جزیره ها
ریوکیو	آنتیل
زلندنو	استر
زنگبار	استرالیا
ژاپن	الب
ژامائیک	الیزابت
ژوتلند	اندامان
ساختالین	ایرلند
ساردنی	ایسلند
ساموس	بافن
سلب	بالتار
سلیمان	بحرین
سنت ماتیو	برد
سوکوترا	برمودا
سوماترا	برتو
سیسیل	بریتانیا

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

ماداگاسکار	سیکوکور
مارشال	سیلان
مالت	فالكلند
مالدن	فرمز
مکزوزوی	فونکسپس
میلوس	فیجی
مین دانانو	فیلپین
نیو کالدونی	فین
نیو ایرلند	قبرس
وتاندویو	قشم
ویکتوریا	کارولینا
هائیتی	کرت
هاوانی	کرس
هکایدو	کستاریکا
هودسون	کلمبیا
هونشو	کیوشو
جغرافیای قرون وسطی	گروئلند
جغرافیای کشورهای اسلامی	گوادلوپ
جغرافیای شهرهای اسلامی	گوام
جغرافیای شهرهای بزرگ	گینه جدید
عکسهای هوایی از کره زمین	لانیزو
	لوزن
	لولاند
	لیاردی

مردم‌شناسی

مردم‌شناسی جوامع شهری	سازمانها، مراکز و ادارات
مردم‌شناسی جوامع روستایی	مردم‌شناسی عمومی
مردم‌شناسی جوامع کشاورزی	تاریخ مردم‌شناسی
مردم‌شناسی قاره آسیا	کتاب‌درسی مردم‌شناسی
مردم‌شناسی قاره آفریقا	شیوه‌ها و روش‌های مردم‌شناسی
مردم‌شناسی قاره آمریکا	مردم‌شناسی تک‌نگاری
مردم‌شناسی قاره اروپا	مردم‌شناسی انسانهای نخستین
مردم‌شناسی قاره اقیانوسیه	مردم‌شناسی انسانهای متعین
مردم‌شناسی طبیعی	مردم‌شناسی اجتماعی
مردم‌شناسی فرهنگی	مردم‌شناسی جوامع ابتدایی
مردم‌شناسی توصیفی	مردم‌شناسی جوامع علمی
مردم‌شناسی تبیینی	مردم‌شناسی جوامع فنی
مردم‌شناسی کشورها	مردم‌شناسی جوامع حرفه‌ای

نژاد‌شناسی

سازمانها، مراکز و ادارات	مردم‌شناسی جوامع مذهبی
نژاد‌شناسی عمومی	مردم‌شناسی جوامع غیر مذهبی
کتاب‌درسی نژاد‌شناسی	مردم‌شناسی جوامع هنری
تاریخ نژاد‌شناسی	مردم‌شناسی جوامع رزمی و نظامی
اصول نژاد‌شناسی	مردم‌شناسی جوامع محروم و فقیر
شیوه‌های نژاد‌شناسی	مردم‌شناسی جوامع اشرافی

تورهای نژاد شناسان	اسباب اختلاف نژادی
نسب شناسی (تبارشناسی)	مطالعات نژاد شناسی
سازمانها، مراکز و ادارات	نژاد شناسی انسانهای ما قبل تاریخ
نسب شناسی عمومی	نژاد شناسی دوران باستان
کتاب درسی نسب شناسی	نژاد شناسی هزاره اخیر
تاریخ نسب شناسی	نژاد شناسی جدید
اصول نسب شناسی	نژاد شناسی رنگین‌پوستان
شیوه‌های نسب شناسی	نژاد شناسی سیاه‌پوستان
ارتباط نسب شناسی با سایر علوم	نژاد شناسی زردپوستان
نسب شناسی آلانها	نژاد شناسی سرخ‌پوستان
نسب شناسی آنگلها	نژاد شناسی سفیدپوستان
نسب شناسی آوارها	نژاد شناسی دورگه‌ها
نسب شناسی ابازی‌ها	نژاد شناسی توصیفی
نسب شناسی ارمنها	نژاد شناسی تبیینی
نسب شناسی اسلاوها	نژاد شناسی سیاسی
نسب شناسی استها	نژاد شناسی طبیعی
نسب شناسی اعراب	نژاد شناسی علمی
نسب شناسی افغانها	نژاد شناسی اخلاقی
نسب شناسی ایرها	نژاد شناسی آموزشی
نسب شناسی یاسکها	تأثیر کیفیات تاریخی در نژاد شناسی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

نسب شناسی فن‌ها	نسب شناسی بات‌ها
نسب شناسی قیچاق‌ها	نسب شناسی بلغارها
نسب شناسی کروا‌تها	نسب شناسی بورگون‌ها
نسب شناسی کوا‌دها	نسب شناسی پارسیان
نسب شناسی کوشان‌ها	نسب شناسی یکت‌ها
نسب شناسی گت‌ها	نسب شناسی ترکمانان
نسب شناسی گر‌جی‌ها	نسب شناسی ترک‌ها
نسب شناسی لمباردها	نسب شناسی توتونی‌ها
نسب شناسی ماگیار‌ها	نسب شناسی چک‌ها
نسب شناسی مجار‌ها	نسب شناسی خزر‌ها
نسب شناسی مغول‌ها	نسب شناسی دان‌ها
نسب شناسی نبطی‌ها	نسب شناسی روس‌ها
نسب شناسی نرس‌ها	نسب شناسی ژید‌ها
نسب شناسی واندال‌ها	نسب شناسی ژرمن‌ها
نسب شناسی وایکینگ‌ها	نسب شناسی ژوت‌ها
نسب شناسی ولاشیا	نسب شناسی ساکسون‌ها
نسب شناسی ویزیگوت‌ها	نسب شناسی سکا‌ها
نسب شناسی هنگویان	نسب شناسی سلت‌ها
نسب شناسی هون‌ها	نسب شناسی صرب‌ها
نسب شناسی یازیک‌ها	نسب شناسی فرانک‌ها

تاریخ

سخنرانیهای تاریخی	سازمانها، مراکز و ادارات علم تاریخ
بناهای تاریخی	تاریخ عمومی جهان
سازمانهای تاریخی	تاریخ عمومی کره زمین
اشیاء و مجموعه‌های تاریخی	مطالعات تاریخی
تاریخ تمدن	تاریخ شناسی
تاریخ حوادث و وقایع	شیوه‌های تاریخ شناسی
تاریخ جوایز و مسابقات	اصول تاریخ شناسی
تاریخ بشر در روی زمین	دروس تاریخی و کتب درسی
تاریخ مهاجرت‌های انسانی	مورخین بزرگ و تاریخدانان
تاریخ باستان	دائرةالمعارفهای تاریخی
تاریخ پیدایش ابزار	فرهنگهای تاریخی
تاریخ پیدایش آتش	اصطلاحنامه‌های تاریخی
تاریخ پیدایش فلز	معجم‌های تاریخی
تاریخ پیدایش جامه و لباس	موسوعه‌های تاریخی
اساطیر قومی	راهنماها و خلاصه‌های تاریخی
تقسیمات و ادوار تاریخی	مقالات تاریخی
تاریخ دودمانها	نشریات تاریخی
تاریخ کشورها	دوریات تاریخی
تاریخ آذربایجان	
تاریخ آرژانتین	

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

تاریخ اوگاندا	تاریخ آلبانی
تاریخ ایالات متحده امریکا	تاریخ آمریکا
تاریخ ایتالیا	تاریخ آلمان
تاریخ ایران	تاریخ ایتلیگواریودا
تاریخ ایرلند	تاریخ آندورا
تاریخ ایسلند	تاریخ آنگولا
تاریخ باربادوس	تاریخ اتریش
تاریخ باهاما	تاریخ اتیوپی
تاریخ بحرین	تاریخ اردن
تاریخ برزیل	تاریخ ارمنستان
تاریخ برمه (میانمار)	تاریخ اسپانیا
تاریخ بروئی	تاریخ استرالیا
تاریخ بلژیک	تاریخ استونی
تاریخ بلغارستان	تاریخ اسلونی
تاریخ بلیز	تاریخ افریقای جنوبی
تاریخ بنگلادش	تاریخ افریقای مرکزی
تاریخ بنین	تاریخ افغانستان
تاریخ بوتان	تاریخ اکوادور
تاریخ بوتسوانا	تاریخ الجزایر
تاریخ بورکینا فاسو (ولتای علیا)	تاریخ السالوادور
تاریخ بوروندی	تاریخ امارات متحده عربی
تاریخ بوسنی و هرزگوین	تاریخ اندونزی
تاریخ بولیوی	تاریخ انگلستان
تاریخ بیلاروس (روسیه سفید)	تاریخ اوروگوئه
تاریخ پاپوا گینه نو	تاریخ اوکراین

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

تاریخ پاراگونه	تاریخ دومینیکا
تاریخ پاکستان	تاریخ دومینیکن
تاریخ پالائو	تاریخ رواندا
تاریخ پاناما	تاریخ روسیه
تاریخ پرتغال	تاریخ رومانی
تاریخ تاجیکستان	تاریخ زامبیا
تاریخ تانزانیا	تاریخ ژنیر
تاریخ تایلند	تاریخ زلاندنو
تاریخ تاپوان	تاریخ زیمبابوه
تاریخ ترکمنستان	تاریخ ژاپن
تاریخ ترکیه	تاریخ ساتوتومه و پرنسپ
تاریخ ترینیداد و توباگو	تاریخ ساموآی غربی
تاریخ توگو	تاریخ سان مارینو
تاریخ تونس	تاریخ سری لانکا
تاریخ تونگا	تاریخ سنت کیتس ونویس
تاریخ تووالو	تاریخ سنت لوسیا
تاریخ جامائیکا	تاریخ سنت وینسنت و گرنادین
تاریخ جزایر سلیمان	تاریخ سنگاپور
تاریخ جزایر مارشال	تاریخ سنگال
تاریخ جیبوتی	تاریخ سوئد
تاریخ چاد	تاریخ سوازیلند
تاریخ چک	تاریخ سوئیس
تاریخ چکسلواکی	تاریخ سودان
تاریخ چین	تاریخ سورینام
تاریخ دانمارک	تاریخ سوریه

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

تاریخ کلمبیا	تاریخ سومالی
تاریخ کنگو	تاریخ سیرالئون
تاریخ کنیا	تاریخ سیشل
تاریخ کوبا	تاریخ شیلی
تاریخ کومور	تاریخ صحرا
تاریخ کویت	تاریخ عراق
تاریخ کیپ ورد	تاریخ عربستان سعودی
تاریخ کیریباتی (کیریباس)	تاریخ عمان
تاریخ گابون	تاریخ غنا
تاریخ گامبیا	تاریخ فرانسه
تاریخ گرجستان	تاریخ فلسطین
تاریخ گرنادا	تاریخ فنلاند
تاریخ گواتمالا	تاریخ فیجی
تاریخ گویان	تاریخ فیلیپین
تاریخ گینه	تاریخ قبرس
تاریخ گینه استوایی	تاریخ قرقیزستان
تاریخ گینه بیسائو	تاریخ زاقستان
تاریخ لانوس	تاریخ قطر
تاریخ لاتویا (لتونی)	تاریخ کامبوج
تاریخ لبنان	تاریخ کامرون
تاریخ لوکزامبورگ	تاریخ کانادا
تاریخ لهستان	تاریخ کرواسی
تاریخ لیبیا	تاریخ کره جنوبی
تاریخ لیبی	تاریخ کره شمالی
تاریخ لیتوانی	تاریخ کاستاریکا

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

تاریخ لیختن اشتاین	تاریخ نیکاراگوا
تاریخ ماداگاسکار (مالاسی)	تاریخ واتیکان
تاریخ مالاروی	تاریخ وانواتو
تاریخ مالت	تاریخ ونزوئلا
تاریخ مالدیو	تاریخ ویتنام
تاریخ مالزی (مالزی)	تاریخ هائیتی
تاریخ مالی	تاریخ هند
تاریخ مجارستان	تاریخ هندوراس
تاریخ مصر	تاریخ یمن
تاریخ مغرب (مراکش)	تاریخ یوگسلاوی
تاریخ مغولستان	تاریخ یونان
تاریخ مقدونیه	تاریخ ملتها
تاریخ مکزیک	تاریخ پادشاهان
تاریخ موریتانی	تاریخ شهرها
تاریخ موریتوس	تاریخ اماکن مقدس
تاریخ موزامبیک	تاریخ آرا مگاهها
تاریخ مولداوی	شهرهای تاریخی
تاریخ موناکو	تاریخ گروههای سیاسی
تاریخ میکرونزی	تاریخ انقلابها
تاریخ نانورو	تاریخ هسته‌های شورشی
تاریخ نامیبیا	تاریخ جهانگردان
تاریخ نپال	
تاریخ نروژ	
تاریخ نیجر	
تاریخ نیجریه	

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

تاریخ دزدان	تاریخ پیمان شکنان
تاریخ فضانوردان	تاریخ قتل عامها
تاریخ اختراعات	تاریخ پیامبران
تاریخ اکتشافات	تاریخ دانشمندان
تاریخ انجمنها	تاریخ سیاستمداران
تاریخ سازمانها	تاریخ نویسندگان
تاریخ وزارتخانهها	تاریخ حکماء و فلاسفه
تاریخ ادارات	تاریخ شعراء
تاریخ مراکز و سازمانهای بین المللی	تاریخ رهبران ملی
تاریخ مراکز علمی و فرهنگی	تاریخ مشاهیر عالم
تاریخ صنایع	تاریخ زنان
تاریخ بناها و ساختمانها	تاریخ بردگان
تاریخ سدها	تاریخ سرداران
تاریخ کوهها	تاریخ قضات
تاریخ دریاچهها	تاریخ عداوتخانهها
تاریخ رودخانهها	تاریخ سفالان
تاریخ تنگهها و کانالها	تاریخ کشورگشایان
تاریخ حیوانات	تاریخ جنگها
تاریخ اشیاء نفیس	تاریخ فتوحات اسلامی

سرگذشت معماران و مهندسان	تاریخ فنون
سرگذشت سرداران	تاریخ مذاهب
سرگذشت جنگجویان	تاریخ مکاتب
سرگذشت نگاهبانان خزان	اسامی تاریخی
سرگذشت زندانیان	تاریخ دریانوردان
سرگذشت زندانیان	
سرگذشت محکومان به مرگ	
سرگذشت شعرا ۶	سرگذشتنامه‌های عمومی
سرگذشت هنرمندان	سرگذشت پیامبران
سرگذشت صنعتگران	سرگذشت دانشمندان
سرگذشت جهاتگردان	سرگذشت نویسندگان
سرگذشت دریا نوردان	سرگذشت حکما و فلاسفه
سرگذشت سیاستمداران	سرگذشت زنان
سرگذشت مخترعان	سرگذشت بردگان
سرگذشت کاشفان	سرگذشت رهبانان
سرگذشت هلبانان	سرگذشت ساحران
سرگذشت ملاحان	سرگذشت موسیقی‌دانان
سرگذشت دزدان	سرگذشت آهنگسازان
سرگذشت پیشه‌وران	سرگذشت نقاشان
	سرگذشت مجسمه‌سازان

سرگذشتنامه‌ها و خاطرات

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

سفرنامه نویسی	سرگذشت تجار و بازرگانان
سفرنامه‌های سیاسی	سرگذشت کشاورزان
سفرنامه‌های علمی	سرگذشت شبانان
سفرنامه‌های مذهبی	سرگذشت پادشاهان
سفرنامه‌های نظامی و رزمی	خاطره نویسی
سفرنامه‌های پلیسی و جنایی	خاطرات علمی
سفرنامه‌های جاسوسی	خاطرات سیاسی
سفرنامه‌های تفریحی	خاطرات مذهبی و عبادی
سفرنامه‌های بازرگانی و تجاری	خاطرات فرهنگی و آموزشی
سفرنامه‌های ادبی	خاطرات جنگی و رزمی
سفرنامه‌های تاریخی	خاطرات عشقی
سفرنامه‌های گزارشی	خاطرات ایام کودکی
سفرنامه‌های آموزشی	خاطرات ایام جوانی
سفرنامه‌های تبلیغی	

سفرنامه‌ها

تاریخ علوم و فنون

سفرنامه‌های عمومی	تاریخ عمومی علوم
اصول سفرنامه نویسی	تاریخ فلسفه
شیوه‌های سفرنامه نویسی	تاریخ ریاضیات
سفرنامه نویسان مشهور	تاریخ هندسه
تاریخچه سفرنامه نویسی	

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

تاریخ ستاره‌شناسی	تاریخ بازرگانی و تجارت بین‌المللی
تاریخ ادیان	تاریخ کتابداری
تاریخ جامعه‌شناسی	تاریخ اطلاع‌رسانی
تاریخ روان‌شناسی	تاریخ شناخت‌شناسی
تاریخ فیزیک	تاریخ دانش‌شناسی
تاریخ شیعی	تاریخ روزنامه‌نگاری
تاریخ مکانیک	تاریخ سینما و تأثیر (علوم نمایشی)
تاریخ طب و پزشکی	تاریخ علوم هنری
تاریخ زیست‌شناسی	تاریخ عکاسی و فیلمبرداری
تاریخ الکترونیک و برق	تاریخ شعبده‌بازی و سحر و جادو
تاریخ انفورماتیک و مخابرات	تاریخ تاریخ‌نویسی
تاریخ علوم اجتماعی	تاریخ چاپ
تاریخ علوم مدنی	تاریخ صنایع
تاریخ علوم قضایی و حقوقی	تاریخ فنون
تاریخ علوم سیاسی	تاریخ استخراج و بالایش نفت
تاریخ اقتصاد اسلامی	تاریخ کشاورزی
تاریخ اقتصاد سوسیالیستی	تاریخ اهلی کردن حیوانات
تاریخ مدیریت جدید	تاریخ استفاده از ابزار
تاریخ جانورشناسی	تاریخ استفاده از فلزات

دام شناسی (دامداری و دامپروری)	درمان و معالجه دامها
کلیات دام شناسی	تجهیزات و لوازم دامداری
کتاب و مقالات عمومی و درسی دام شناسی	دامداری و اصول ساختمانی
سازمانها، مراکز و ادارات	تولیدات دامی
ابزار آلات و تجهیزات	اصول نگهداری و توزیع تولیدات دامی
انواع دام	واردات و صادرات دام
دامداری سنتی	ارزش غذایی دام
دامداری مکانیزه	ارزش اقتصادی دام و دامپروری
تاریخچه دامداری	ارزش اجتماعی دام و دامپروری
آناتومی دام (گاو، گوسفند، شتر، بز و...)	واژه شناسی و اصطلاحات دامداری و دامپروری
گروههای نژادی و تولید مثل دام	مهندسی دام و دامپروری
ژنتیک دام	مرغداری (طیور)
طبقه‌بندی و شناسایی دام	کلیات مرغداری
نگهداری و پرورش دام	سازمانها، مراکز و ادارات
بهداشت دام و دامدارها و پیشگیری از ابتلا به امراض	ابزار آلات و تجهیزات
آب و هوا و تأثیرات زیست محیطی بر دام	مرغداری سنتی
اصول تغذیه دام	مرغداری مکانیزه
مرتع	تاریخچه مرغداری
امراض دامی	آناتومی طیور

صید و پرورش ماهی

انواع طیور	کلیات
گروه‌های نژادی طیور	انواع ماهیها
تولید مثل و جوجه‌کشی	آناتومی ماهیها
طبقه‌بندی و شناسای طیور	طبقه‌بندی و شناسای ماهیها
نگهداری و پرورش طیور	تولید مثل ماهیها
اصول بهداشت طیور	تاریخچه ماهیگری و پرورش ماهی
آب و هوا و تأثیرات زیست محیطی	روشهای ماهیگیری
اصول تغذیه طیور	تجهیزات ماهیگری
بیماریهای طیور	مناطق ماهیگیری
درمان و معالجه طیور	زمان ماهیگیری
لوازم مرغداری‌ها	اصول صید ماهی
مرغداری و اصول ساختمان	اصول انجماد و حمل ماهی
تولیدات طیور	اصول پرورش و نگهداری ماهی
نگهداری، توزیع و مصرف تولیدات طیور	اصول تغذیه ماهی
واردات و صادرات طیور	بهداشت ماهیها
ارزش غذایی طیور	بیماریهای ماهیها
ارزش اقتصادی مرغداری	معالجه بیماریهای ماهیها
ارزش اجتماعی مرغداری	تجهیزات پرورش ماهی
واژه‌شناسی مرغداری	
مهندسی مرغداری	

ساختمان حوضچه‌های پرورش ماهی	حفظ و نگهداری از ملکه‌ها
ارزش اقتصادی و بازرگانی صید و پرورش ماهی	اصلاح نژادی زنبورها
ارزش اجتماعی صید و پرورش ماهی	حمل و نقل زنبورها
زنبورداری و سایر حشرات مفید	آموزش زنبورداری
کلیات	پرورش زنبور
تاریخچه	آناتومی کرم ابریشم
اصول و روشها	تغذیه کرم ابریشم
سازمانها و ادارات	تولید مثل کرم ابریشم
انواع حشرات مفید	بهداشت و محیط زیست کرم ابریشم
طبقه‌بندی حشرات مفید	زندگی و حیات کرم ابریشم
آناتومی زنبورها	لانه سازی کرم ابریشم
تغذیه زنبورها	مراحل کار کرم ابریشم
مواقع غذایی زنبورها	پرورش کرم ابریشم
تولید مثل زنبورها	اصلاح نژاد کرم ابریشم
بهداشت و محیط زیست زنبورها	حمل و نقل کرم ابریشم
زندگی اجتماعی زنبورها	آموزش روشهای نگهداری از کرم ابریشم
آشپانه‌سازی زنبورها	پیلسه‌ها
کار و فعالیت زنبورها و تولید عمل	پروانه‌ها
مهاجرت زنبورها	سایر حشرات مفید

جانورشناسی و جانوران غیر اهلی

دامپزشکی	جانورشناسی عمومی
طبقه بندی جانوران	دروس و کتب درسی
جانورشناسی پستانداران	اصول و شیوه های جانورشناسی
ویژگیهای عمری	ادوار تاریخی جانورشناسی
اصل و منشاء	جانورشناسان معروف
تاریخ طبیعی	سازمانها و ادارات جانورشناسی
ساختمان جسمی	آموزشها و پژوهشهای جانورشناسی
استخوان بندی	نمایشگاهها و آزمایشگاههای جانورشناسی
دستگاه گوارش	باغ وحش
دستگاه تنفسی	آناتومی جانوران
دستگاه گردش خون	تولید مثل جانوران
دستگاه زایشی (تاسلی)	محیط زیست جانوران
سیستم غددی	آشیانه سازی جانوران
سیستم عصبی	انواع زیست یا شیوه های زیستی جانوان
سیستم ماهیچه ها	تغذیه جانوران
اندامهای حسی	جانوران کمیاب
محیط زیست	بیماریهای جانوران
همبستگی	معالجات بیماریهای جانوران
نسل حاضر	
پستانداران کمیاب	
جانورشناسی تخم گذاران	
جانورشناسی دوزیستان	
جانورشناسی مهره داران	

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

همبستگی اجتماعی	جانور شناسی بی مهرگان
ماهیهای نادر	جانور شناسی نرم تنان
ارزش اقتصادی	جانور شناسی سخت پوستان
جانور شناسی حشرات	جانور شناسی پولک داران
مورچگان	جانور شناسی خزندگان
موریانه‌ها	جانور شناسی چمندگان
سوسکها	جانور شناسی دوندگان
پشه‌ها	جانور شناسی پرندگان
عنکبوتها	جانور شناسی ماهیها
مگسها	ویژگیهای کلی
کرم‌ها	شکل عمومی ماهیها
پروانه‌ها	تاریخ طبیعی ماهیها
ملخها	انواع ماهیها
زنبورها	طبقه بندی ماهیها
سایر حشرات	تشریح اندامهای داخلی
جانور شناسی تک یاختگان	تشریح اندامهای خارجی
جانور شناسی حیوانات خون گرم	پوشش بدنی
جانور شناسی حیوانات خون سرد	هم آوری
جانور شناسی حیواناتی که گوش خارجی دارند	عمر عمومی
جانور شناسی حیواناتی که گوش داخلی دارند	اندازه‌های عمومی
جانور شناسی حیوانات اهلی	تغذیه عمومی
جانور شناسی حیوانات وحشی	دشمنان طبیعی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

گروه بندی گیاهان	جانور شناسی چهارپایان
تاریخچه گیاهشناسی ورده بندی گیاهان	جانور شناسی دوپایان
روشهای مطالعات گیاهشناسی و نمونه برداری از گیاهان	جانور شناسی درندگان
نامگذاری گیاهان	جانور شناسی لاشخوران
اندامهای گیاهان (اندم شناسی گیاهان)	جانور شناسی یشم داران
ریخت شناسی گیاهان	جانور شناسی خز داران
بذر شناسی	کوچک پایان
کشت گیاهان و سبزی کاری	جونندگان
جوانه زدن (عوامل و شرایط)	غلاف داران
آبیاری گیاهان و سبزیها	شاخ داران
کود دهی گیاهان و سبزیها	جمعده داران
حاصلخیزی و آماده سازی خاک	گربه سانان
شخم زنی، روشها و انواع آن	مازه داران
تسطیح خاک	جانور شناسی پر داران
اثرات نور	جانور شناسی مو داران
نگهداری و پرورش گیاهان و سبزیها	جانور شناسی حیواناتی که پوست عوض می کنند
تراکم گیاهی، وجین علفهای هرز سبزیها	جانور شناسی حیوانات بی پوشش
بیماری گیاهان و سبزیها	گیاهشناسی
ضد عفونی بذر	<hr style="width: 20%; margin: auto;"/>
سم پاشی	گیاهشناسی عمومی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

سازمانها، مراکز و ادارات	خواص گیاهان و سبزیها
ابزار آلات و تجهیزات	مصرف گیاهان و سبزیها
اهمیت و ارزش باغبانی و گلکاری	گیاهان کمیاب
تأسیسات باغبانی و گلکاری	طراحی فضای سبز شهری
اصول و روشهای باغبانی	ایجاد و توسعه فضای سبز شهری
خاک باغ و باغچه	تجهیزات و لوازم پرورش گیاهان و سبزیها
آبیاری درختچه ها و گلها	تقسیمات منطقه ای گیاهان و سبزیها (جغرافیای
کود (تهیه، نگهداری، مصرف)	زیستی)
بهداشت باغ، باغچه و گلخانه	دستگاه زایشی گیاهان
آفات درختی	روشهای تکثیر گیاهان و سبزیها
آفات گلها	درو و برداشت گیاه و سبزی
دفع و مبارزه با آفات	واژه شناسی گیاهان
سم پاشی	زیست شناسی گیاهان
گلکاری	ریشه شناسی گیاهان
درختکاری	ارزش غذایی و بهداشتی سبزیها
طبقه بندی و شناسایی درختان و درختچه ها و گلها	ارزش اقتصادی سبزیها
طرق ازدیاد گلها	ارزش اجتماعی سبزیها
هرس باغچه	
رشد و نمو درختان و گلها	
برداشت میوه ها	

باغبانی و گلکاری

کلیات باغبانی و گلکاری

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

آموزه‌های کشاورزی	برداشت گلها
تجهیزات و ماشین آلات کشاورزی	اصول نگهداری و پرورش درختان
کشاورزی وزمستان گذرانی	اصول نگهداری و پرورش گلها
بذر شناسی، طبقه بندی و اصلاح بذر نباتات	طریقه نگهداری و حمل و نقل میوه‌ها
بذر پاشی و بذرکاری	طریقه نگهداری و حمل و نقل گلها
مدیریت مزارع	طریقه نگهداری و حمل و نقل گل‌های چیده شده
حاصلخیزی، شوره زاری، فرسایش، رده بندی، مکانیک و	جا به جایی گل و گلدان (تعویض)
فیزیولوژی خاک	تزیینات
شخم (انواع، شیوه‌ها)	کشاورزی
کشت اعم از دیمی و آبی (غلات، حبوبات،	کشاورزی عمومی و منقرقات
مرکبات، سبزیجات، ادویه جات، سیفی جات،	کتاب درسی علوم کشاورزی
سمومات، مفرحات، منبهات، مخدرات،	تاریخچه کشاورزی
معطرات، نباتات صنعتی، نباتات خوراکی، نباتات	مؤسسات و مراکز آموزش و خدمات کشاورزی
قلیایی، دانه‌های روغنی، ریشه‌ها، جالیزها، گلها،	مدارس، دانشکده‌ها و دانشگاه‌های کشاورزی
قارچها، درختکاری، و...	دهداریها، خانه‌های کشاورزی و شرکتهای زراعی
آبیاری (انواع، شیوه‌ها)	اقتصاد کشاورزی
کود (انواع، شیوه‌ها)	سیلو، انبار غلات، دیوار کفی، سردخانه و...
آفات (انواع، شیوه‌ها)	اصول و روشهای کشاورزی
دفع آفات	تحقیقات و پژوهشهای کشاورزی
شناسایی زمینهای زراعی و اصلاح آنها و انواع زراعت	

سنگ مادر و رشد جنگل	وجین و هرس
هوای جنگلها	برداشت محصولات (مرکبات، غلات، حبوبات،
آب جنگلها	علوفه، سبزیجات، دانه های روغنی، گلها،
جغرافیای جنگل شناسی	ریشه ها، جالیز و...)
جنگلهای گرمسیری	اهمیت و ارزش کشاورزی
جنگلهای سردسیری	سیاست قیمت گذاری محصولات کشاورزی
جنگلهای مناطق معتدل	حمل و نقل و نگهداری محصولات کشاورزی
طبقه بندی جنگلها	بهداشت کشاورزی و محصولات کشاورزی
گونه های جنگلی	افزایش تولیدات کشاورزی
جنگلهای طبیعی	فروش و بازاریابی محصولات کشاورزی
جنگلهای مصنوعی	اصلاحات اراضی
جنگل زدایی و تخریب جنگلها	جنگل داری و درخت شناسی
رشد و توسعه جنگلها	کلیات جنگل داری و درخت شناسی
حفظ و بهره برداری از جنگل	تاریخچه
جنگلهای انبوه	اصول و روشها
جنگلهای تنک	سازمانها و مراکز جنگلبانی و جنگل داری
اراضی جنگلی	تجهیزات و ابزارها
جنگل و بیابان زدایی	آمارگیری و نمونه برداری
میوه های جنگلی	خطاب جنگلها
حیوانات جنگلی	

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

انسانهای جنگلی	درختان صنعتی
آفات جنگلی	درختان تزئینی
امراض جنگلی	درختان سریع رشد
استراتژی منابع جنگلی	سن درختان
جنگل و انرژی	تنه درختان
ارزش زیست محیطی جنگلها	ریشه درختان
جنگل کاری در کویر	شاخه ها و برگهای درختان
پوشش گیاهی و حفظ خاک	میوه ها و دانه های درختی
جنگل و انسان	زیست شناسی درختان
جنگل و جوامع روستایی	شکار و شکاربانی
جنگل و جوامع شهری	کلیات
طبقه بندی درختان	تاریخچه
اندام شناسی درختان	سازمانها و ادارات
پرورش درختان	اصول و روشها
تکثیر و کشت درختان	آموزشها و پژوهشها
پیوند و قلمه زنی	فصلهای شکار
آبیاری درختان	فصلهای زایش و تخم ریزی
کود دهی درختان	قوانین و حقوق شکار
برداشت میوه های درختی	جرایم تخلفات شکارچیان
محصولات جنگلی و درختی	

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

شکار درندگان	و نظایف شکاربانان
شکار پرندگان	انواع شکار
شکار ماهیها	شکار تفریحی
شکار خزداران	شکار علمی و پژوهشی
شکار سعادت بوستان	شکار طبیعی و حیاتی
شکار نرم تنان	شکار شغلی
شکار دوزستان	شکار حیوان بوسیله حیوان
شکار گیاه خواران	شکار حیوان بوسیله انسان
شکار گوشتخواران	تجهیزات و ابزارآلات شکار
اقراض نسل حیوانات	شکار شبانه
حمایت از حیوانات	شکار روزانه
تکثیر و اصلاح نژاد حیوانات	شکار صحرایی
آب و آب شناسی	شکار کوهی
کلیات	شکار دریایی
کتاب درسی	شکار هوایی
سازمانها، مراکز و ادارات	شکار مناطق قطبی
تجهیزات و ابزارآلات	شکار مناطق استوایی
تأمین و عمل آوری	شکار مناطق معتدله
آب شناختی	شکار فردی
	شکار جمعی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

جوشش و فوران آب	پیدایش آب
جریان و نفوذ آب	وزن و فشار آب
چرخش و تبخیر آب	ترکیبات آب (ساختار آب)
بهداشت آب	خواص فیزیکی آب
آلودگی آب	خواص شیمیایی آب
آبهای سمی	منابع طبیعی آب
آبهای درمانی	منابع مصنوعی آب
حالت مایع آب	آب دریا
حالت انجماد آب	آبهای جاری
حالت جوش آب	آبهای زیرزمینی
حالت بخار آب	آبهای معلق در جو
تصفیه آب	آب در موجودات زنده
ضد شغونی کردن آب	آب در نباتات و جامدات
جداسازی املاح آب	آب خالص
زیست شیمی آب	آب شیرین
حلالیت آب (محلولهای آبی)	آب شور
شناورهای آب	آب فاضلاب
غریقها	آب و املاح طبیعی
آبزیها	آب گرم طبیعی
امواج	آب سرد طبیعی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

سختی آب	کانال کمی و مهار آب
ویژگیهای آب آشامیدنی	سدسازی و ذخیره آب
کاربرد آب	سیل بندی و تغییر مسیر آب
منافع آب	آبیاری و روشهای آن
مضار آب	آب رسانی شهری و روستایی
بیماریهای ناشی از آب	قحطی آب
کنترل آب دریاها	آب زدگی و سیلاب
کنترل آب رودخانهها	باران و بارندگی
کنترل آبهای زیرزمینی	اقتصاد آب
کنترل آبهای موجود در بدن انسان	ارزش حیاتی آب

هوا و هواشناسی و اقلیم شناسی

کنترل آبهای موجود در اشیاء	کلیات
کنترل آبهای موجود در بناها (نمگیری)	کتاب درسی
کنترل آبهای موجود در هوا (خشکی و رطوبت)	سازمانها، مراکز و ادارات
استخراج آب	تجهیزات و ابزارآلات
آب چاه	اصول و روشها
آب قنات	آموزشها و پژوهشها
آب چشمه	ساختار هوا (ترکیبات و مولکولها)
آب انبار	خواص فیزیکی هوا
آب رودخانه	
آب دریا	

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

هوای گرم	هوای شیمیایی هوا
هوای سرد	هواشناسی فیزیکی
نسیم و باد	هواشناسی دینامیک
طوفان	هواشناسی سینوپتیک
گردباد	هواشناسی کاربردی
سایر تقسیم‌بندی‌های بادها	اقالیم
مدلهای گردش عمومی هوا	آتمسفر (ساختار و ترکیبات)
ساختار گردش عمومی هوا	تابش و انعکاس نور و تأثیر آن در تغییرات جوی
ناهمواریه‌ها و بادها	دما و رطوبت
گردشهای موسمی	هوای طبیعی
تهویه هوا	هوای مصنوعی
بهداشت هوا	منابع هوا ساز (اکسیژن‌زا)
آلودگی هوا	تراکم و پراکندگی هوا
ضائورها در هوا	ایرها (انواع، آثار، علایم و...)
کنترل هوا	توده‌های هوا
هوای سایر کرات	فشار هوا (جو)
ارزش حیاتی هوا (اکسیژن)	ضخامت هوا (جو)
بارش (عوامل، توزیع، انواع آثار)	وزن هوا
نقشه‌های هوا	گردش هوا
	گردش و جا به جایی آتمسفر (عوامل و عوارض)

ستاره شناسی و کیهان شناسی

منظومه شمسی	کلیات
ستارگان	کتاب درسی
ستارگان متغیر	سازمانها، مراکز و ادارات
ستارگان مزدوج	مجامع و انجمنهای بین المللی
ستارگان قطبی	دانشگاهها و دانشکده ها
سیارات	تجهیزات و ابزارآلات
سیارات سبهه	اصول روشها
سیارات سفلی	آموزشها و پژوهشها
سیارات علوی	اطلسها و نقشه های نجومی
خزده سیارات	رصدخانه ها
علامه سیارات	ستاره شناسان معروف
فاصله از خورشید	تاریخچه
فاصله از زمین	ستاره شناسی نظری
خروج از مرکز مدار	ستاره شناسی توصیفی
میل مدار	احکام نجوم
دوره گردش	تأثیر اوضاع فلکی در احوال ارض
دوره نجومی	قبله شناسی
دوره هلالی	کهکشانیها
سرعت متوسط	

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

مقایله و مقارنه	حجم سیارات نسبت به زمین
ماه و خورشید	حجم سیارات نسبت به خورشید
اهله قمر	جرم سیارات نسبت به زمین
مخضصات ماه	جرم سیارات نسبت به خورشید
سطح کره ماه	جرم مخصوص
سرعت حرکت	شهابها
مدار حرکت	رگبار شهابی
ویژگیهای چرخش	تاریخچه شهابها
ماه گرفتگی	شهابسنگها
عمر خورشید	حفره های شهابی
نظریه حرکت خورشید	ستاره های دنباله دار
مسیر خورشید	اجرام سماوی
نور خورشید	مدارهای حرکتی
لکه های خورشیدی	مدارات یومی
مشعلها و زبانهای خورشیدی	چرخش وضعی
خورشید گرفتگی	چرخش انتقالی
فصول	حرکت مر حله استقامت
صور فلکی	حرکت مر حله رجعت
امراة المسلسلة	حرکت مر حله اقامت

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

دلفین	دلو
تین	عقاب
قطعه الفرس	مجمره
نهر	حمل
جوزا	مسک الاعنه
جائی علی رکتیه	عواء
شجاع	سرطان
اسد	کلب اکبر
ارنب	کلب اصغر
میزان	جدی
سبع	ذات الکرسی
شلیاق	قنطورس
حوا	قیفاووس
جبار	قیطس
فرس اعظم	اکلیل جنوبی
برشاوش	اکلیل شمالی
حوت	غراب
سهم	باطیه
قوس	دجاجه

فضای فیزیکی	عقرب
بندرهاى فضایی	چیه
ایستگاههای فضایی	ثور
زیست‌شناسی یا طب فضایی	مئلث
فضاپویى	دب اکبر
فضا ییمایی	دب اصغر
اصول فضا ییمایی	سنبله
دینامیک نجومی	
قوانین گردش و حرکت	
قوانین کپلر	کلیات
پرواز زمینمداری	کتب درسی
پرواز سیاره‌ای	سازمانها، مراکز و ادارات
پرواز به ماه	دانشگاهها و دانشکده‌ها
پرواز به مشتری	تجهیزات و ابزارآلات
پروازهای بدون سرنشین	اصول و روشها
پروازهای با سرنشین	آموزشها و پژوهشها
سفینه‌های فضایی	تاریخچه
قمرهای مصنوعی	فضانوردان معروف
ماه نشینها	فضای حیاتی
	فضای خارجی

فضانوردی و علوم فضایی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

دریا سالاری	اتوبوس فضایی
مدیریت لجستیکی	سکوهای پرتاب
مدیریت کشتی‌ها	ماهواره‌ها
قوانین کشتیرانی	رادارها
قوانین سیمپسون	موشکها
قوانین بین‌المللی دریایی	ساختمان موشک
گروههای کشتیرانی	انواع موشک
شرکت‌های کشتیرانی	بازگشت فضانوردان
مسیرهای کشتیرانی	
ردیابی و مسیرشناسی دریایی	
گذرگاههای دریایی	
تفسیر جهت کشتی‌ها	
گم شدن کشتی‌ها	
بادنگاری	
سرعت نگاری	
عمق نگاری	
فشارنگاری	
غلظت و حرارت نگاری آب	
جدول بوفورت	
	کلیات
	کتاب درسی
	سازمانها، مراکز و ادارات
	دانشگاهها و دانشکده‌ها
	تجهیزات و ابزارآلات
	اصول و روشها
	آموزشها و پژوهشها
	تاریخچه
	ناخدا، کاپیتان
	دریاداری

دریانوردی و علوم دریایی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

کشتی‌های خودروبر	ابرسنجها
کشتی‌های احشام‌بر	دماسنجها
کشتی‌های مسافربری	زمان نگاری
کشتی‌های تفریحی و سیاحتی	فانوس دریایی
کشتی‌های علمی و پژوهشی	پهلوگیری و بازگیری
کشتی‌های صیادی	لنگر اندازی
کشتی‌های میوه بر و یخچالدار	کنترل و تعمیرات
کشتی‌های بادی و بادبانی	ساختمان کشتی‌ها
کشتی‌های جنگی	موتور کشتی‌ها
یخ شکنها	عمق کشتی‌ها
نفتکشها	نوع کشتی‌ها
ناوها و ناوچه‌های جنگی	تجهیزات کشتی‌ها
تسلیمات جنگی دریایی	پیدا شد کشتی‌ها
زیر دریایی‌ها	تغذیه در کشتی‌ها
قایقها	تأمین آب و هوای مناسب داخل کشتی‌ها
سایر شناورهای دریایی	صفحهٔ آب‌خور کشتی‌ها
غواصی	به گل نشستن کشتی‌ها
کشت آب‌ی	کشتی‌های تجاری و بازرگانی
تنفس آبی	کشتی‌های باری

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

نقشه‌های عمقی	آبار
اتاق نفقه	ملوانان
اتاق فرماندهی	زندگی ملوانی
علایم دریایی	قوانین ملوانی
مسایل مربوط به کرایه حمل بار و مسافر و غیره در دریا	سرپرستی ملوانان
انجمنهای کشتی سازی و دریانوردی	مدیریت ملوانان
مسایل مربوط به آلودگی دریاها	فرماندهی ملوانان
آلودگی اقیانوسها	بهداشت ملوانان
آلودگی دریاها	سرملوان
آلودگی دریاچه‌ها	دریانوردی صوتی
آلودگی رودخانه‌ها	امراض دریایی و پیشگیری از آنها
آلودگی تنگه‌ها	دزدان دریایی
آلودگی کانالها	جنگهای دریایی
آلودگی خلیج‌ها	خطرات دریایی
آلودگی دلتاها	مخابرات دریایی
آلودگی خورها	غرق شدن کشتی‌ها
دماغه‌ها	تصادفات دریایی
مطالعات فشار آب	ترافیک دریایی
مطالعات نوع املاح آب	نقشه‌های دریایی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

مطالعات عمق آنها	کتاب درسی
مطالعات سرعت حرکت آنها	سازمانها، مراکز و ادارات
مطالعات پستی ها و بلندبهای دریاها	دانشگاهها و دانشکده ها
مطالعات موجودات دریایی	تجهیزات و ابزار آلات
مطالعات گیاهان دریایی	قوانین و مقررات
مطالعات مواد معدنی دریایی	اصول و روشها
مطالعات و کشف اشیاء و قطعات فرغ شده	آموزشها و پژوهشها
مطالعات هوا دریایی	تاریخچه
مطالعات وزن شناورها	فرماندهی و قاطعیت
جزر و مد دریاها	فرمانبری و اطاعت
توفانها و گردابهای دریایی و امواج	فرماندهان و سرداران بزرگ
موج شکنها	سواره نظام
دریاکنارها، بلاژها	پیاده نظام
کرانه های صخره ای	مدیریت و فرماندهی نیروهای زمینی
کرانه های مسطح	مدیریت و فرماندهی نیروهای هوایی
کرانه های مرتفع	مدیریت و فرماندهی نیروهای دریایی
رسوبات دریایی	مدیریت و فرماندهی نیروهای شهری
علوم نظامی و رزمی	آرایش نظامی
	حمله و ضد حمله
	تاکتیکهای نظامی

کلیات

ورزش و مسابقات

کلیات	استار و غافلگیری
کتاب درسی	سنگرسازی و استفاده از جان پناه
سازمانها، مراکز و ادارات	تمرینات رزمی خشکی
دانشگاهها، و دانشکده ها	تمرینات رزمی دریایی
قوانین و مقررات	تمرینات رزمی هوایی
اصول و روشها	تمرینات رزمی با جنگ افزارهای مختلف
آموزشها و پژوهشها	دفاع تن به تن
تاریخچه	آمادگی رزمی و تمرینات برای جنگهای شیمیایی
علامه و نشانه های ورزشی	آمادگی رزمی و تمرینات برای جنگهای اتمی
ابزارها و وسایل ورزشی	آمادگی رزمی و تمرینات برای جنگهای زمستانی
پنج حلقه المپیک	آمادگی رزمی و تمرینات برای جنگهای تابستانی و مناطق گرم
سرود آتش المپیک	آمادگی رزمی و تمرینات برای جنگهای مناطق جنگلی
ورزشهای مردانه	آمادگی رزمی و تمرینات برای جنگهای کوبری
ورزشهای زنانه	آمادگی رزمی و تمرینات برای جنگهای باتلاقی
ورزشهای تابستانی	آمادگی رزمی و تمرینات برای جنگهای چریکی
ورزشهای زمستانی	آمادگی رزمی و تمرینات برای جنگهای خانه به خانه
ورزشهای محلی	شورشها و ضد شورشها
ورزشهای شرقی	کودتاها و ضد کودتاها

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

ورزشهای قدیمی و باستانی	مسابقات قایق سواری (قایقرانی و پارو زنی)
ورزشهای جدید	مسابقات چتر بازی و هوا پرواز
مسابقات محلی	مسابقات کشتی
مسابقات شهری	مسابقات کاراته، کنگ فو، جودو و...
مسابقات استانی	مسابقات برش از مانع و...
مسابقات بین المللی	مسابقات نیزه پرانی، تیراندازی و...
مسابقات شنا	مسابقات وزنه برداری
مسابقات تنیس	مسابقات فوتبال، هندبال، والیبال، بسکتبال، واترپلو و...
مسابقات شمشیر بازی	فینالها
مسابقات ژیمناستیک	مراسم افتتاحیه و اختتامیه بازیهای جهانی
مسابقات جوگان	ابزار شناسی و اسلحه شناسی
مسابقات بدمیتن	کلیات
مسابقات اسکیت	کتاب درسی
مسابقات مشت زنی	سازمانها، مراکز و ادارات
مسابقات هاکی	دا نگاهها و دانشکده ها
مسابقات دومیدانی و استقامت و...	قوانین و مقررات
مسابقات دوچرخه سواری	اصول و روشها
مسابقات اسب سواری (سوار کاری، پرش و غیره)	آموزشها و پژوهشها
مسابقات ماشین سواری	تاریخچه
مسابقات موتور سواری	

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

ابزارهای ارتباطی جدید	ابزارشناسی عمومی
ابزارهای هوایی جدید	ابزارشناسی توصیفی
ابزارهای پزشکی جدید	ابزارشناسی تبیینی
ابزارهای علمی و پژوهشی و آزمایشگاهی جدید	ابزارشناسی کاربردی
ابزارهای جنگی و آتشی و شیمیایی جدید	انواع ابزارها
انواع اسلحه سرد	ابزارهای اولیه زندگی
انواع اسلحه گرم	ابزارهای اولیه دفاعی
انواع اسلحه برنده	ابزارهای اولیه هنری
انواع اسلحه کوبنده	ابزارهای اولیه زراعی و کشاورزی
انواع اسلحه ویران کننده	ابزارهای اولیه ارتباطی
انواع اسلحه ضد انسان و موجودات زنده	ابزارهای اولیه صنعتی
انواع جنگ افزارها	ابزارهای اولیه بازرگانی و تجاری
انواع خودروهایی جنگی	ابزارهای اولیه مسافرتی
انواع نفریهایی جنگی	ابزارهای اولیه حمل و نقل
انواع زرهی	ابزارهای اولیه ورزشی
انواع رباطهای جنگی	ابزارهای اولیه حکمرانی
انواع کنترل کننده ها	ابزارهای اولیه پزشکی و بهداشتی
ساختمان و ساختار انواع اسلحه گرم	ابزارشناسی دوران عصر حجر
تعمیرات انواع اسلحه گرم	ابزارشناسی دوران عصر مفرغ
نگهداری، انبار و طبقه بندی انواع اسلحه گرم	ابزارشناسی دوران پس از اختراع باروت و چاپ و بخار...
	ابزارهای پیشرفته
	ابزارهای تسخیر فضا

شغل‌های ممنوع	کاربرد انواع اسلحه گرم
شغل‌های ضروری	تجارت و خرید و فروش انواع اسلحه گرم
انواع شغل	کارخانه‌ها و امتیاز ساخت انواع اسلحه‌ها
تدریس، تعلیم و معلمی	
نویسندگی و پژوهشگری	
کتابت و استنساخ	کلیات
خطابه، وعظه، سخنرانی و مداحی	کتاب درسی
تجارت و بازرگانی	سازمانها، مراکز و ادارات
آرایشگری	دانشگاهها، دانشکده‌ها و آموزشگاهها
آشپزی	قوانین و مقررات
آلومینیم سازی	اصول و روشها
آهنگری و جوشکاری	آموزشها و پژوهشها
بافتندگی	تاریخچه
بنایی	ارزش دینی حرفه و شغل
بیطاری (دامپزشکی)	ارزش اجتماعی حرفه و شغل
بالاندوزی	ارزش اقتصادی حرفه و شغل
پزشکی	ارزش روانی و بهداشتی حرفه و شغل
پنجرگیری	بیکاری (عوامل و عوارض)
پیشقدمتی	ایجاد شغل
پیلووری	شغل‌های کاذب

حرف و مشاغل

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

سنگ کاری	تابلوسازی
سنگ تراشی و سنگ ببری	تعمیرکاری
صافکاری	چاقوسازی
صباشی (رنگریزی)	چطه دوانی
صحنائی	چوبائی
صرافئی	حصیر بافی
عطاری	حلاجی (لحاف دوزی و پینه زنی)
عکاسی	خرازی
فروشندگی	خیاطی
قالی بافی	دایگی (بچه داری)
قصائی	دبائی (چرم سازی و چرم دوزی)
قلم زنی	درو دگری
قنادی و شیرینی پزی	دلاکی
کارگری و عملگی	دوره گردی
کاشیکاری	رانندگی
کفاشی و پینه دوزی	ریخته گری
کنده کاری	ریندگی
کوزه گردی و سفالگری	زرگری
لبنیائی	زنبیل بافی
مامائی	سقای

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

اصول و روشها	مجسمه سازی
آموزشها و پژوهشها	مسگری
تاریخچه	معماری
پیدایش خاک	مقنی
عوامل تشکیل دهنده خاک	مکانیکی
عوامل فیزیکی	مهندداری
عوامل شیمیایی	نانوایی (خجاری)
طبقه بندی خاک	نجاری
خاک صجاری کوبری گرم و خشک	نعلبندی
خاک صجاری معتدل	نقاشی ساختمان
خاک صجاری سرد و خشک	نقاشی ماشین
خاک صجاری سنگلاخ	نقشه کشی
خاک صجاری رطوبی و باتلاقی	
خاک رسوبات دریایی و رودخانه ای	
خاک مناطق کوهستانی	
خاک مناطق قطبی	
خاک مناطق جنگلی	
خاک بقابای شهرها	
خاک بقابای حیوانات	
خاک گیاهان فرسوده	
خاک ویژه آبریزی	
خاک ویژه ساختمان سازی	
خاک ویژه تفرجگاهها	
خاک ویژه کشاورزی	

خاک شناسی

کلیات

کتاب درسی

سازمانها، مراکز و ادارات

دانشگاهها، دانشکدهها و آموزشگاهها

تجهیزات و ابزار آلات

قوانین و مقررات

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

ذخیره هوا	خاک نسوز
رانش و مکش هوا	خاک رس
آب خاک	خاک طبعی و پزشکی (مثل انواع گلها)
مقدار نفوذ آب	اطلاعات خاک شناسی
حرکت آب	مدیریت
ذخیره آب	طبقه بندی
محدودیت حرکت آب	بهره برداری
رانش و مکش آب از خاک	نمونه گیری
رابطه خاک با سایر عناصر موجود در طبیعت	اقتصاد خاک
رابطه خاک و گیاه	ترکیبات خاک
رابطه خاک و سنگ	اجزای جامد خاک
رابطه خاک و آب	اجزای محلول خاک
رابطه خاک و هوا	اجزای نرم خاک
رابطه خاک و نور	اجزای مرطوب خاک
رابطه خاک با فشار	ذرات خاک (اندازه، وزن، خواص، پیوستگی و...)
رابطه خاک با مواد آلی	اندازه ذرات (درشت و ریز)
رابطه خاک با مواد کانی	آنالیز اندازه ها
رابطه خاک و حیوانات زنده	وزن مخصوص خاک
رابطه خاک و مردار	خاصیت طبیعی خاک
رابطه خاک و فضولات حیوانی	پیوستگی و چسبندگی خاک
رابطه خاک و غذای	تنفس خاک (روزنه های خاک)
رابطه خاک و مصرفی خانگی	مقدار نفوذ هوا
رابطه خاک و شیمیایی	حرکت هوا
موفولوژی خاک	محدودیت حرکت هوا

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

کتاب درسی	فرایند خاک
سازمانها، مراکز و ادارات	فرسایش خاک
دانشگاهها، دانشکده‌ها و آموزشگاهها	آب فرسایشی
تجهیزات و ابزار آلات	باد فرسایشی
قوانین و مقررات	فرسایش بر اثر نیروی جاذبه
اصول و روشها	فرسایش فیزیکی بوسیله انسان
آموزشها و پژوهشها	فشرده‌گی
تاریخچه	فرسودگی
ارتباط زمین شناسی با سایر علوم	کنترل فرسایش
زمین شناسی عمومی	کنترل فرسودگی
سن زمین	مدیریت خاک
دورانهای زمین شناسی	بافت خاک
جاذبه زمین	آرایش خاک
مفناطیس زمین	کود دهی و تقویت خاک
حرارت	کود طبیعی
فشارهای داخلی زمین	کود مصنوعی (شیمیایی)
ایزوستازی	سنجش
فرسایش زمین	گزینش
جابجایی و دگرگونی زمین	مصرف
حمل و نقل مواد زمین	تشخیص کمبود

زمین شناسی

کلیات

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

ترکیب شیمیایی کلی زمین	تغییر مکان قاره‌ها
توزیع سنگها در پوسته	انقباضات
سنگهای آذرین	نوسانات
سنگهای رسوبی	جریانهای همرفتی
سنگهای دگرگونی	انجماد و انبساط
چینه شناسی	ماگما شناسی
رسوب شناسی	فراپندهای زمین
رسوبات خشکی	چین ها
رسوبات دریایی	درزه‌ها
رسوبات حد فاصل	گسلها
تبدیل رسوبات به سنگهای رسوبی	ناپوستگی‌ها
ژئوفیزیک	کوهها
ژئوشیمی	پسروی و پیشروی دریاها
ژئومورفولوژی	جغرافیای زمین
ژئوبلوتیک	شکل زمین
فتوزئولوژی	شعاع زمین
پالنوزئوگرافی	قطبین، استوا، مدارات
پالنوزئوگرافی بوتانی	حرکت زمین
زمین شناسی ساختمانی	سنگ شناسی (سنگ کره)
زمین شناسی فیزیکی	ساختمان داخلی زمین
زمین شناسی اقتصادی	پوسته زمین
زمین شناسی مهندسی	گوشته زمین
	هسته زمین

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

قوانین و مقررات	آتش فشان شناسی
اصول و روشها	نمایندهای آتشفشانی
آموزشها و پژوهشها	مراد
تاریخچه	فوران آتشفشانها
تشکیل و پیدایش کانیها	عوامل، ساختار
خواص عمومی کانیها	اقیانوس شناسی (آبگرم)
خواص فیزیکی کانیها	مساحت اقیانوسها
خواص شیمیایی کانیها	عمق اقیانوسها
تبلور کانیها و بلور شناسی	کف اقیانوسها
طبقه بندی کانیها	حرکت، جابجایی و امواج
ذرات کانیها (سلولهای اولیه)	دریاها، دریاچهها
رنگ کانیها	رودخانهها و جریبارها
وزن و جرم مخصوص کانیها	مردابها و باتلاقها
جلا	آبهای زیر زمینی
خواص نوردھی کانیها	بخشچالها و یخزارها
خواص نورانی کانیها	دور سنجی
خواص مغناطیسی کانیها	معدن شناسی و استخراج (کانی شناسی)
خواص رادیواکتیوی	کلیات
خواص کانیهای فلزی	کتاب درسی
	سازمانها، مراکز و ادارات
	دانشگاهها، دانشکدهها و آموزشگاهها
	تجهیزات و ابزار آلات

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

استخراج طلا	خواص کانیهای غیر فلزی
استخراج آهن	تشخیص محل کانیها در زمین (عمق، مقدار، نوع و...)
استخراج سرب	تشخیص محل کانیها در دریا (عمق، مقدار، نوع و...)
استخراج منگنز	محاسبه، طراحی و نقشه استخراج
استخراج نقره	مدیریت معادن
استخراج اورانیوم	کار در معدن
استخراج قلع	حمل و نقل
استخراج روی	حمل و نقل
استخراج جیوه طبیعی	حمل و نقل
استخراج مولیبدن	حطاری و استخراج معدن
استخراج نیکل	استخراج زغال سنگ
استخراج تنگستن	استخراج گاز زغال سنگ
استخراج بلاتین	استخراج نفت و گاز
استخراج تیتانیم	استخراج سنگهای معدنی
استخراج گوگرد	استخراج آبهای زیرزمینی
استخراج سیلویت	استخراج خاک نسوز
استخراج تالک	استخراج خاک رس
استخراج گرافیت	استخراج خاک چینی (خاک سفید)
استخراج هالیت	استخراج خاک شیشه (کوارتز)
استخراج مسکویت	استخراج الماس
استخراج کلسیت	استخراج بوکسید
استخراج زئیس	استخراج سیمان
استخراج عقیق	استخراج کروم
استخراج زمرد	استخراج مس
استخراج باقوت	

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

قوانین و مقررات	استخراج فیروزه
اصول و روشها	مسائل امنیتی
آموزشها و پژوهشها	لباس و بهداشت معدن و معدن کاران
تاریخچه	مسائل مربوط به ثبت
استخراج فلزات	مسائل مربوط به مالیات و عوارض
ذوب فلزات	مسائل مربوط به بیمه
تصفیه فلزات	قیمت گذاری و فروش معادن
ریخته‌گری و قالب ریزی	تبدیل مواد معدنی به سایر مواد اولیه
تراش و شکل دادن	اقتصاد و معدن
بریدن و اتصالات دادن	کانی‌های با ارزش
کاربرد فلزات	کانی‌های زاید و بی ارزش
نگهداری فلزات	نقشه‌های معدنی
فروسدگی فلزات	اطلسهای مناطق دارای معادن
حمل و نقل فلزات	فلزات (تصفیه، ذوب، تراش و...)
تجارت فلزات	کلیات
بازسازی فلزات	کتاب درسی
کوره‌های ذوب	سازمانها، مراکز و ادارات
مدیریت کوره‌ها	دانشگاهها، دانشکده‌ها و آموزشگاهها
بهداشت کوره‌ها	تجهیزات و ابزارآلات

غار شناسی

	فولاد
کلیات	آهن
کتاب درسی	چدن
سازمانها، مراکز و ادارات	اکسید آهن
دانشگاهها و آموزشگاهها	مس
تجهیزات و ابزار آلات	طلا
قوانین و مقررات	روی
اصول و روشها	نقره
آموزشها و پژوهشها	سرب
تاریخچه	آلومینیم
غارهای آهکی	استیل
غارهای مصنوعی	کرم
عمق غارها	منیزیم
ارتفاع غارها	مولیبدن
دما و رطوبت غارها	نیکل
آب در غارها	پلاتین
تنفس در غارها	تنگستن
زندگی در غارها	تیتانیم
غارهای دشتی	آلیاژها

تجهیزات و ابزار آلات	غارهای کوهستانی
قوانین و مقررات	غارهای معروف جهان
اصول و روشها	آگ تلک
آموزشها و پژوهشها	آلتامیرا
تاریخچه	آتی باروس
حفاری کانالها	آوازخوان
حفاری تونلها	باد بلو گروت لو
حفاری متروها	پوستورنا
حفاری معادن	پیک
حفاری چاهها	دپاندوت
حفاری قناتها	ژنولان
حفاری زیر بناهای ساختمانی	علی صدر
حفاری سدها	فینگال
حفاری فاضلابها	کارلسباد
حفاری زمینهای سست	کت
حفاری زمینهای کوهستانی	کورباشر
حفاری زمینهای باتلاقی	لورای
حفاری مناطق سنگی	ماموت
حفاری مناطق شنی	

حفاری و کانال

کلیات

کتاب درسی

سازمانها، مراکز و ادارات

دانشگاهها و آموزشگاهها

آموزشها و پژوهشها	حفاری مناطق رسی
تاریخچه	حفاری مناطق جنگلی
پدیده‌های ناشی از زلزله	حفاری مناطق مسکونی
کثرت وقوع زلزله	حفاری زیر دریاها
کانون و مرکز زلزله	حفاری کشاورزی (زه کشی)
شدت زلزله	حفاری جهت دفن فضولات اتمی
وسعت زلزله	حفاری جهت دفن فضولات شیمیایی
انرژی زلزله	حفارهای آزمایشی
امواج زلزله	حفاری با مواد منفجره
منطقه تأثیر زلزله	خطرات حفاری
زمان و عمق	مسائیل امنیتی و پیشگیری
محل وقوع	
توزیع جغرافیایی زلزله	
لرزه سنجها	کلیات
ییشی بینی زلزله	کتاب درسی
تشخیص حیوانات	سازمانها، مراکز و ادارات
ویرانیهای ناشی از زلزله	دانشگاهها، دانشکده‌ها و آموزشگاهها
کشتارها و ضرورهای مالی زلزله	تجهیزات و ابزار آلات
امداد رسانی به زلزله زدگان	قوانین و مقررات
	اصول و روشها

زلزله شناسی و زلزله نگاری

باستانشناسی

باستانشناسی در اسپانیا	باستانشناسی عمومی
باستانشناسی در استرالیا	تاریخ باستانشناسی
باستانشناسی در استونی	اصول باستانشناسی
باستانشناسی در اسلوانی	شیوه‌های باستانشناسی
باستانشناسی در آفریقای جنوبی	فلسفه باستانشناسی
باستانشناسی در آفریقای مرکزی	باستانشناسان معروف
باستانشناسی در افغانستان	باستانشناسی در آذربایجان
باستانشناسی در اکوادور	باستانشناسی در آرژانتین
باستانشناسی در الجزایر	باستانشناسی در آلبانی
باستانشناسی در السالوادور	باستانشناسی در آمریکا
باستانشناسی در امارات متحده عربی	باستانشناسی در آلمان
باستانشناسی در اندونزی	باستانشناسی در ایتالیای باربودا
باستانشناسی در انگلستان	باستانشناسی در آندورا
باستانشناسی در اوورگونه	باستانشناسی در آنگولا
باستانشناسی در اوکراین	باستانشناسی در اتریش
باستانشناسی در اوگاندا	باستانشناسی در اقیانوس
باستانشناسی در ایالات متحده آمریکا	باستانشناسی در اردن
باستانشناسی در ایتالیا	باستانشناسی در ارمنستان
باستانشناسی در ایران	

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

باستانشناسی در ایرلند	باستانشناسی در بیلاروس (روسیه سفید)
باستانشناسی در ایسلند	باستانشناسی در پایواگینه نو
باستانشناسی در باربادوس	باستانشناسی در پاراگوئه
باستانشناسی در باهاما	باستانشناسی در پاکستان
باستانشناسی در بحرین	باستانشناسی در پالائو
باستانشناسی در برزیل	باستانشناسی در پاناما
باستانشناسی در برمه (میانمار)	باستانشناسی در پرتغال
باستانشناسی در برونی	باستانشناسی در تاجیکستان
باستانشناسی در بلژیک	باستانشناسی در تانزانیا
باستانشناسی در بلغارستان	باستانشناسی در تایلند
باستانشناسی در بلیز	باستانشناسی در تایوان
باستانشناسی در بنگلادش	باستانشناسی در ترکمنستان
باستانشناسی در بنین	باستانشناسی در ترکیه
باستانشناسی در بوتان	باستانشناسی در ترینیداد و توباگو
باستانشناسی در بوتسوانا	باستانشناسی در توگو
باستانشناسی در بورکینا فاسو (وئای علیا)	باستانشناسی در تونس
باستانشناسی در بوروندی	باستانشناسی در تونگا
باستانشناسی در بوسنی و هرزگوین	باستانشناسی در تووالو
باستانشناسی در بولیوی	باستانشناسی در جامائیکا

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

باستانشناسی در جزایر سلیمان	باستانشناسی در ساموآی غربی
باستانشناسی در جزایر مارشال	باستانشناسی در سان مارینو
باستانشناسی در جیبوتی	باستانشناسی در سری لانکا
باستانشناسی در چاد	باستانشناسی در سنت کیتس ونویس
باستانشناسی در چک	باستانشناسی در سنت لوسیا
باستانشناسی در چکسلواکی	باستانشناسی در سنت وینسنت و گرنادین
باستانشناسی در چین	باستانشناسی در سنگاپور
باستانشناسی در دانمارک	باستانشناسی در سنگال
باستانشناسی در دومینیکا	باستانشناسی در سوئد
باستانشناسی در دومینیک	باستانشناسی در سوازیلند
باستانشناسی در رواندا	باستانشناسی در سوئیس
باستانشناسی در روسیه	باستانشناسی در سودان
باستانشناسی در رومانی	باستانشناسی در سورینام
باستانشناسی در زامبیا	باستانشناسی در سوریه
باستانشناسی در زیر	باستانشناسی در سومالی
باستانشناسی در زلاندنو	باستانشناسی در سیرالئون
باستانشناسی در زیمبابوه	باستانشناسی در سیشل
باستانشناسی در ژاپن	باستانشناسی در شیلی
باستانشناسی در سالوتومه و پرنسیپ	باستانشناسی در صحرا

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

باستانشناسی در کاستاریکا	باستانشناسی در عراق
باستانشناسی در کلمبیا	باستانشناسی در عربستان سعودی
باستانشناسی در کنگو	باستانشناسی در عمان
باستانشناسی در کنیا	باستانشناسی در غنا
باستانشناسی در کوبا	باستانشناسی در فرانسه
باستانشناسی در کومور	باستانشناسی در فلسطین
باستانشناسی در کویت	باستانشناسی در فنلاند
باستانشناسی در کیپ ورد	باستانشناسی در فیجی
باستانشناسی در کیریباتی (کیریباس)	باستانشناسی در فیلیپین
باستانشناسی در گابون	باستانشناسی در قبرس
باستانشناسی در گامبیا	باستانشناسی در قرقیزستان
باستانشناسی در گرجستان	باستانشناسی در قزاقستان
باستانشناسی در گرنادا	باستانشناسی در قطر
باستانشناسی در گواتمالا	باستانشناسی در کامبوج
باستانشناسی در گویان	باستانشناسی در کامرون
باستانشناسی در گینه	باستانشناسی در کانادا
باستانشناسی در گینه استوایی	باستانشناسی در کرواسی
باستانشناسی در گینه بیسائو	باستانشناسی در کره جنوبی
باستانشناسی در لائوس	باستانشناسی در کره شمالی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

باستانشناسی در مکزیک	باستانشناسی در لاتویا (لتونی)
باستانشناسی در موریتانی	باستانشناسی در لبنان
باستانشناسی در موریس	باستانشناسی در لوکزامبورگ
باستانشناسی در موزامبیک	باستانشناسی در لهستان
باستانشناسی در مولداوی	باستانشناسی در لیبیا
باستانشناسی در موناکو	باستانشناسی در لیبی
باستانشناسی در میکرونزی	باستانشناسی در لیتوانی
باستانشناسی در نالورو	باستانشناسی در لیختن اشتاین
باستانشناسی در نامیبیا	باستانشناسی در ماداگاسکار (مالاسی)
باستانشناسی در نیال	باستانشناسی در مالاروی
باستانشناسی در نروژ	باستانشناسی در مالت
باستانشناسی در نیجر	باستانشناسی در مالدیو
باستانشناسی در نیجریه	باستانشناسی در مالزی (مازی)
باستانشناسی در نیکاراگوآ	باستانشناسی در مالی
باستانشناسی در واتیکان	باستانشناسی در مجارستان
باستانشناسی در وانواتو	باستانشناسی در مصر
باستانشناسی در ونزوئلا	باستانشناسی در مغرب (مراکش)
باستانشناسی در ویتنام	باستانشناسی در مغولستان
باستانشناسی در هالی تی	باستانشناسی در مقدونیه

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

یاخته شناسی	باستانشناسی در هلند
جنین شناسی	باستانشناسی در هند
میکروارگانسیم	باستانشناسی در هندوراس
زیست شناسی مولکولی	باستانشناسی در یمن
زیست شناسی میکروسکپی	باستانشناسی در یوگسلاوی
زیست شناسی بیوشیمیایی	باستانشناسی در یونان
زیست شناسی منشا حیات	زیست شناسی
بیولوژی و بیولوژی کاربردی	کلیات
تنوع موجودات زنده	کتاب درسی
ویژگیهای موجودات زنده	سازمانها، مراکز و ادارات
اختلاف گیاهان و جانوران	دانشگاهها، دانشکدهها و آموزشگاهها
مسئله تکامل	تجهیزات و ابزار آلات
مسئله تمایز	قوانین و مقررات
تغذیه	اصول و روشها
تنفس	آموزشها و پژوهشها
رشد	تاریخچه
حرکت	تشریح
تولید مثل	فیزیولوژی
تحول	

معیار زیست	توراث صفات وابسته به جنس
دانش ژنتیک (تخمک‌شناسی و وراثت)	موناسیون
کلیات	کروموزومها
کتاب درسی	اللها
سازمانها، مراکز و ادارات	جهش
دانشگاهها، دانشکده‌ها و آموزشگاهها	بارداری مصنوعی
تجهیزات و ابزار آلات	دست‌ورزی زنی
قوانین و مقررات	اصلاح زنها
اصول و روشها	
آموزشها و پژوهشها	
تاریخچه	
اهمیت تخمک‌شناسی و علم وراثت	
ساختمان زنها	کلیات
عمل زنها	کتاب درسی
مهندسی ژنتیک	سازمانها، مراکز و ادارات
کاربرد ژنتیک	مجامع و انجمنهای بین‌المللی
قوانین مندل	دانشگاهها، دانشکده‌ها و آموزشگاهها
جنسیت	تجهیزات و ابزار آلات
	قوانین و مقررات

کالبد شناسی و کالبد شکافی

علوم پزشکی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

اصول و روشها	بیماریهای غددی (متابولیک)
آموزشها و پژوهشها	بیماریهای عصبی
تاریخچه	بیماریهای سرطانی
پزشکی عمومی	بیماریهای روماتیسمی
چشم پزشکی	ایدز
پزشکی قلب	سل
پزشکی داخلی	صرع
پزشکی گوش، حلق و بینی	سردردها
پزشکی مغز و اعصاب	زخمها
پزشکی اطفال (کودکان)	فتق
پزشکی پوست	استماتیک (آماس و مخاط دهان)
بیماریهای کلیوی	ارتویدی
بیماریهای خونی	جراحی
بیماریهای انگلی	ایمونولوژی
بیماریهای ریوی	سینوسها
بیماریهای صوتی	تراتولوژی
بیماریهای پوستی	پزشکی بالینی
بیماریهای مسری	رادیولوژی
بیماریهای جنسی (آمیزی)	کار توگرافی

اطلس‌های تشریح بدن	تاریخچه
اسناد و مدارک پزشکی	فورمولهای ساخت و ترکیب دارو
مقالات پزشکی	خواص درمانی داروها
سخنرانیهای پزشکی	مکانیسم اثر داروها
مدیریت اطلاعات پزشکی	متابولیسم داروها
فارماکولوژی	جذب و دفع دارو در بدن
علوم آزمایشگاهی	
داروشناسی و داروسازی	
کلیات	مصرف در شیردهی
کتاب درسی	مصرف در نوزدان
سازمانها، مراکز و ادارات	مصرف در کودکان
مجامع و انجمنهای بین‌المللی	مصرف در سالمندان
دانشگاهها، دانشکده‌ها و آموزشگاهها	تداخل داروها
تجهیزات و ابزار آلات	مسمومیتها و درمان آنها
قوانین و مقررات	اسامی ژنریک داروها
اصول و روشها	اسامی تجاری داروها
آموزشها و پژوهشها	اسامی فرمولی و ترکیبی داروها

اصول تجویز ۱۵ رو

پیدایش زبان

پیداشت و پیشگیری

خصوصیات زبان

شیوه‌های زیانشناسی

مامایی و پرستاری

زیانشناسی عمومی

زیانشناسی تطبیقی

زیانشناسی تحلیلی

زبان‌شناسی و خط‌شناسی

زیانشناسی کاربردی (فن‌تعلیم زبان) و فراگیر زبان

روشهای آموزش زبان

انجمن‌ها و سازمانهای بین‌المللی زیانشناسی

مشکلات آموزش زبان

آموزشگاهها و دانشکده‌های زیانشناسی

ویژگیهای زبان آموز

دوره‌های آموزش زبان

کتاب درسی زبان

تدریس زبانهای خارجی

راهنماها و خلاصه‌ها

آموزش زبان مادری

دائرة المعارفهای زیانشناسی

آموزش زبان دوم

رفتارزبانی

مقالات و سخنرانیهای زیانشناسی

آزمونها

مجموعه‌های زیانشناسی

دستور زبان

لغت‌نامه‌ها

اشتقاق

مجلات و نشریات

سطوح زبان

فلسفه زبان و زیانشناسی

تفسیرات زبان

تاریخچه زیانشناسی

تجزیه و تحلیل زبان و کلام

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

زبان آماریک (حبشه)	آواشناسی
زبان آنامی (هند و چین)	صداهای زبان
زبان اردو (هند و پاکستان)	مخرجه‌ها و حرکات فیزیکی زبان
زبان ارمنی	الگوهای صوتی
زبان اسپانیولی	لهجه شناسی
زبان انگلیسی	واژه‌شناسی و واژه‌سازی
زبان اورپانی (هند)	معنا شناسی و اصطلاح شناسی
زبان اوزبک	نام شناسی و نام گذاری
زبان اوکراینی	زبانهای مصنوعی
زبان ایتالیانی	دستگاههای گویا و صداساز
زبان بانتو (شامل سواحلی، واولو در جنوب آفریقا)	ارتباطات غیر الفبایی
زبان بربری (لهجه‌های شمال آفریقا)	زبان اشاره
زبان برمه‌نی	خط و زبان نوشتاری
زبان بلغاری	آموزش خط و نگارش
زبان بنگالی (هند و پاکستان)	خط و الفباهای زنده
زبان بیسایان (فیلیپین)	خطوط باستانی
زبان بیهارنی (هند)	زبانهای باستانی و کهنه
زبان پرتغالی	زبانهای زنده
زبان پشتو (افغانستان، پاکستان)	زبان آسامی
زبان پنجابی (افغانستان، پاکستان)	زبان آلمانی
زبان پهلوی	
زبان تاگالوک (فیلیپین)	
زبان تامیل (سرندهب)	
زبان تایلندی	

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

زبان فنلاندی	زبان تبت
زبان کاتالان (اسپانیا)	زبان ترکستانی (قزاقستان، تاتار، ترکیه، ازبکستان)
زبان کامبوجی	زبان ترکی
زبان کاناری (هند)	زبان تلگو (هند)
زبان کاتونی (چین)	زبان تمپلی (هند)
زبان کره‌نی	زبان جاوه‌نی
زبان گجراتی (هند و پاک)	زبان چک
زبان لاندانی (هند و پاک)	زبان چینی (شامل ماندارین، کاتون)
زبان لهستانی	زبان دانمارکی
زبان مادوری (اندونزی) زبان مالاگاسی	زبان دراویدی (شامل کاناری، مالاپالام، تمیل و تلگو)
زبان مالابائی (اندونزی)	زبان راجستانی (هند و پاک)
زبان مالاپالام (هند)	زبان روآندایی
زبان مجاری	زبان روسی (روسیه بزرگ)
زبان موندانی (هند)	زبان رومانی
زبان مین (چین)	زبان ژاپونی
زبان نپالی	زبان سرآتی (هند)
زبان وو (چین)	زبان سری - کرواتی (یوگسلاوی)
زبان ویتنامی	زبان سواحلی (افریقا)
زبان هاؤوسانی (افریقای مرکزی)	زبان سوئدی
زبان هکا (چین)	زبان سودانی (شامل هاؤوسا در افریقای مرکزی)
زبان هلندی	زبان عربی
زبان هندی	زبان فارسی (شامل بلوچی، کردی، پشتو)
زبان یونانی	زبان فرانسه
زبان یهودی	زبان فلامی (بلژیک)

ادبیات

ادبیات حماسی	انجمن‌ها و سازمانهای بین‌المللی ادبی
ادبیات دیوانی	آموزشگاهها و دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی
ادبیات داستانی	کتاب‌درسی ادبی
ادبیات نمایشی	راهنما و خلاصه‌های ادبی
ادبیات طنز آلود	اصطلاحنامه‌های ادبی
ضرب‌المثلها	دائرة‌المعارف‌های ادبی
فن خطابه	مقالات و سخنرانیهای ادبی
فن بلاغت و فصاحت	مجموعه‌های ادبی
فن بدیع، معانی و بیان	مجلات و نشریات ادبی
فن عروض	تاریخچه ادبیات جهان
فن جدل	سبکهای ادبی
فن شعر	صنایع ادبی
فن نویسندگی	ادبیات عامه
آئین نگارش	ادبیات تطبیقی
ادبیات تقالی، پرده گولی و...	ادبیات کلاسیک
ادبیات زبانهای مختلف	ادبیات منظوم
ادبیات آسامی	ادبیات مثنوی
ادبیات آلمانی	ادبیات جوانان
ادبیات آماریکه (حبشه)	
ادبیات آنامی (هند و چین)	

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

ادبیات اردو (هند و پاکستان)	ادبیات ترکی
ادبیات ارمنی	ادبیات تلگو (هند)
ادبیات اسپانیولی	ادبیات نمیلی (هند)
ادبیات انگلیسی	ادبیات جاوه‌نی
ادبیات اورپائی (هند)	ادبیات چک
ادبیات اوزبک	ادبیات چینی (شامل ماندارین، کاتون)
ادبیات اوکراینی	ادبیات دانمارکی
ادبیات ایتالیائی	ادبیات دراویدی (شامل کاناری، مالابلام، تمیل و تلگو)
ادبیات باتو (شامل سواحلی، واولودر جنوب آفریقا)	ادبیات راجستانی (هند و پاک)
ادبیات بربری (لهجه‌های شمال آفریقا)	ادبیات روآندایی
ادبیات برمه‌نی	ادبیات روسی (روسیه بزرگ)
ادبیات بلغاری	ادبیات رومانی
ادبیات بنگالی (هند و پاکستان)	ادبیات ژاپنی
ادبیات بیسایان (فیلیپین)	ادبیات سرآتی (هند)
ادبیات بیهاری (هند)	ادبیات سری - کرواتی (یوگسلاوی)
ادبیات پرتغالی	ادبیات سواحلی (آفریقا)
ادبیات پشتو (افغانستان، پاکستان)	ادبیات سوئدی
ادبیات پنجابی (افغانستان، پاکستان)	ادبیات سودانی (شامل هائوسا در آفریقای مرکزی)
ادبیات پهلوی	ادبیات عربی
ادبیات تاگالوک (فیلیپین)	ادبیات فارسی (شامل بلوچی، کردی، پشتو)
ادبیات تامیل (سرندهب)	ادبیات فرانسه
ادبیات تایلندی	ادبیات فلامی (بلژیک)
ادبیات تبت	ادبیات فنلاندی
ادبیات ترکستانی (قزاقستان، تاتار، ترکیه، ازبکستان)	ادبیات کاتالان (اسپانیا)

آموزش و پرورش

علوم هنری و زیباییشناسی (نقاشی،

مجسمه‌سازی، تذهیب، قلم‌زنی، حجاری، حکاکی،

منبت‌کاری، دکوراسیون و...)

هنر

موسیقی

کلیات موسیقی

ادوار موسیقی

پیدایش وزن و صوت

انگیزه‌های موسیقی

انگیزه‌های آلات موسیقی

اصول موسیقی

عوامل موسیقی

سبک‌های موسیقی

انواع موسیقی

آلات موسیقی

ادبیات کامبوجی

ادبیات کاتاری (هند)

ادبیات کاتونی (چین)

ادبیات کره‌ئی

ادبیات گجراتی (هند و پاکستان)

ادبیات لاندائی (هند و پاکستان)

ادبیات لهستانی

ادبیات مادوری (اندونزی) ادبیات مالاکاسی

ادبیات مالابائی (اندونزی)

ادبیات مالایالام (هند)

ادبیات مجاری

ادبیات موندائی (هند)

ادبیات مین (چین)

ادبیات نپالی

ادبیات وو (چین)

ادبیات ویتنامی

ادبیات هائوسائی (افریقای مرکزی)

ادبیات هکا (چین)

ادبیات هلندی

ادبیات هندی

ادبیات یونانی

ادبیات یهودی

فرهنگ‌شناسی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

مجموعه سازی و پیکر تراشی	موسیقی دانان معروف جهان
منشاء مجموعه سازی و پیکر تراشی	نت نویسی
سیر تکامل مجموعه سازی و پیکر تراشی	هنر اپرا
وسایل مجموعه سازی و پیکر تراشی	مطربیی
مجموعه سازی جدید	رقاصی
مجموعه های مهم جهان	آهنگ سازی
مجموعه سازان و پیکر تراشان مشهور	انواع آهنگها
	آهنگ سازان معروف جهان
تذهیب کاری	نوازندگی
	نوازندگان معروف جهان
قلم زنی	
حجاری	هنرهای تجسمی
	نقاشی
	بیدایش نقش و رسم
حکاکی	سبکهای نقاشی
	ابزارها و لوازم نقاشی
منبت کاری	نقاشان معروف
	تابوهای معروف
دکوراسیون	

سایر هنرها

تفکیلات اداری سینما

دکوراسیون سینما

طراحی لباس و گریم صورت

صدای برداری و فیلمبرداری

تصنیف آهنگ

سناریو و سناریونویسی

هنر پیشگی، هنرپیشگان و نمایندگان

آکتورها

فستیوالها

صحنه‌سازیها

حق‌های سینمایی

نقد سینما

پرده خوانی

نمایشهای ملی

نمایشهای مذهبی

برنامه‌های تلویزیونی

برنامه‌های رادیویی

تئاتر

نمایشهای محلی

علوم سینمایی و نمایشی

سینما

کلیاتی درباره سینما و فیلم

تطور تاریخی سینما

اصطلاحات و واژه‌های سینمایی

سینمای صامت

سینمای ناطق

سینمای سکوپ

اصول کار سینما

تهیه‌کنندگان فیلم

انواع فیلم (از نظر تکنولوژی)

انواع سینما (از نظر سبک)

انواع فیلمهای سینمایی

انواع فیلمهای تلویزیونی

فرهنگ سینما

عکاسی و فیلمبرداری

عملیات هشتاد و ظهور

چاپ و تکثیر فیلم

اصول نگهداری و استفاده از فیلم

ساختمان فیلم

عکاسان معروف

ویژگیهای دوربینهای عکاسی و انواع آن

چاپ، افست، گراور، لیتوگرافی، ریزهنگاری

نویسندگی و نمایشنامه نویسی

دانش رسانه های گروهی و ارتباط جمعی

تبلیغات

نورشناسی و پرتوشناسی

انرژی و حرارت

عکاسی

پیدایش و تکامل عکاسی

اصطلاحات و واژه های عکاسی

امکانات و محدودیتهای عکاسی

سمبهای عکاسی

عکسهای با ارزش

فاصله سنج ها

نورسنج ها

فلاشها

لامپهای فتوفلد

اسپوتها و نورافکنها

سایر ابزارها و وسایل عکاسی

هنر و شیوه های عکاسی

آموزش عکاسی

فیلمبرداری

انواع فیلمبرداری

انواع نوارهای فیلم

علوم هسته‌ای و اتم‌شناسی

مسائل توزیع محصولات صنعتی

مسئله انتقال تکنولوژی

مسئله بیوتکنولوژی

تدریس و مطالعات صنعتی

کتاب درسی صنعتی

راهنماها و خلاصه‌ها

دائرة المعارفها

مقالات و سخنرانیها

واژه‌نامه‌ها و اصطلاحات

مجلات و نشریات

صنایع پیشرفته

صنایع مادر

صنایع فلزی و فولاد

صنایع چوبی

صنایع ریسندگی و بافندگی (منسوجات)

الیاف نباتی

الیاف حیوانی

الیاف ساختمانی

الیاف ترکیبی

ماشینهای ریسندگی

پتروشیمی و تکنولوژی مواد شیمیایی

پالایش نفت و گاز و غیره

صنایع (دستی، برقی، سنگین، سبک، مکانیکی، الکترونیکی و غیره)

مجامع صنعتی

سازمانها و شرکتهای صنعتی

انجمنهای بین‌المللی صنعتی

دانشگاهها و دانشکده‌های صنعتی

آموزشگاهها و آموزشکده‌های صنعتی

قوانین و مقررات

مدیریت صنایع و کارخانه‌ها

مدیریت صنعتگران

حمایت از صنعتگران

مسئله سرمایه‌گذاری

مسائل ارزی صنعتگران

مسائل مربوط به واردات و صادرات صنایع

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

صنایع غذایی	باغدگی
صنایع ابزارسازی و لوازم خانگی	سفید کردن پارچه
صنایع هنری و دستی	رنگ‌رزی
صنایع بهداشتی، پزشکی و آزمایشگاهی	پیشگامان صنعت نساجی
	صنایع هواپیماسازی
صنایع کاغذسازی	کلیات پرواز و هوانوردی
صنایع چرم سازی	نیروی برآوردن
صنایع شیشه‌سازی و بلور	تبادل و کنترل هواپیما
مواد اولیه شیشه‌سازی	نیروی کشش در هواپیما
دیرگداها	بدنه هواپیما
فن شیشه‌سازی	موتور هواپیما
کارخانه‌ها و مراکز شیشه‌سازی	سیستم‌های کنترلی هواپیما
کاربرد شیشه‌ها	سیستم‌های نشان دهنده وضعیت
ذوب شیشه	سیستم‌های تهیه فشار
شکندگی شیشه	سیستم‌های ارتباطی هواپیما
شیشه‌های نشکن	هلی کوپتر
شیشه‌های رنگی	فرودگاهها
شیشه‌های ذره‌بینی	رادارها
شیشه‌های مصرفی	ترافیک هوایی
شیشه‌های سیلیسی	انواع هواپیماها
شیشه‌های قلیایی	صنایع دفاع (اسلحه‌سازی)
شیشه‌های آهکی	صنایع اتومبیل‌سازی
صنایع موتورسازی	صنایع شیمیایی
موتورهای بنزینی	

فیزیک

مجموع، سازمانها و انجمن‌های بین المللی فیزیک	موتورهای چهارزمانه
آموزشگاهها، دانشکده‌ها و آزمایشگاههای فیزیک	موتورهای دوزمانه
کتاب درسی فیزیک	موتورهای گازویلی
آزمونها و سؤالاها و راهنماها	موتورهای دیزلی
اصطلاحنامه‌ها و واژه‌نامه‌های فیزیک	موتورهای بخار
فرمولها و دستورها	موتورهای موشکی
فیزیک عمومی	موتورهای برقی
مبانی علم فیزیک	موتورهای خورشیدی
فیزیک پیش دانشگاهی	موتورهای وانکل
فیزیک تحلیلی	سیستم خنک کننده
فیزیک کاربردی	سیستم روشن کاری
فیزیک مدرن	سیستم فشار سنج
فیزیک و مکانیک	صنایع برقی و الکترونیکی
فیزیک و خاک	صنعت ساعت سازی
فیزیک زیستی	چرخ دنگ ساعت
فیزیک جدید	ساعتهای مچی
فیزیک گرما و دما	ساعتهای برقی
فیزیک اهالیان	ساعتهای اتمی
	ساعتهای خورشیدی
	صنایع سنگی، چینی و سفالی

فنون

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

عناصر شیمیایی	فیزیک اجسام جامد
واکنشهای شیمیایی	فیزیک گازها
بیوندهای شیمیایی (ترکیبهای شیمیایی)	فیزیک سیالات
خواص عناصر و جدول تناوبی	فیزیک پرتوها
شیمی معدنی	فیزیک نیرو
شیمی آلی	فیزیک حرکت
شیمی فیزیک	فیزیک امواج
شیمی کاربردی	فیزیک پلاسما
شیمی صنعتی	شیمی
شیمی چوب	مجامع، سازمانها و انجمن‌های بین المللی فیزیک
شیمی بلاستیک	آموزشگاهها، دانشکده‌ها و آزمایشگاههای فیزیک
شیمی جوامد	کتاب درسی فیزیک
شیمی گازها	آزمونها و سؤالاها و راهنماها
شیمی سیالات	اصطلاحنامه‌ها و واژه‌نامه‌های فیزیک
بیوشیمی	اصول و مفاهیم علم شیمی
الکتروشیمی	فورمولها و دستورها
سایش و کاهش	شیمی عمومی
حلالها و محلولها	مبانی شیمی
رسوبات شیمیایی	

هندسه	محصولات شیمیایی
ریاضیات	رنگهای شیمیایی
ریاضیات مقدماتی	تقطیر، تبخیر، ترکیب...
ریاضیات عمومی	فولمینات جیوه
ریاضیات کاربردی	اسیدها
ارقام و اعداد	روغنها
	مواد منفجره

انبار داری، انبار گردانی

حسابداری، مدیریت مالی

کلیات
کتاب درسی
سازمانها، مراکز و ادارات
مجامع و انجمن های بین المللی حسابداری
دانشگاهها، دانشکده ها و آموزشگاهها
قوانین و مقررات
ایزارها
اصول و روشها
تاریخچه
سیستم های حسابداری و داده پرداز (نرم افزارهای حسابداری)

مکانیک

الکترونیک، مخابرات و انفورماتیک

علوم ریاضی

حساب
حساب آماری
حساب برداری
حساب دیفرانسیل و انتگرال
جبر
جبر تحلیلی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

حسابداری عمومی	بایگانی صورتهای مالی
حسابداری دولتی	حساب صندوق
حسابداری مالیاتی	حساب بانک
حسابداری بودجه	بدهکار و بستانکار (مطالبات)
حسابداری بازرگانی و تجاری	حساب موجودی
حسابداری حقوق و دستمزد	حساب کالا
حسابداری صنعتی	دارایی ثابت
حسابداری تولیدی	هزینه پردازی
حسابداری آماری	حساب اسناد بهادار
حسابداری مدیریتی	گزارشهای مالی
حسابداری میانه	بازرگانی و تجارت (سامان و قراردادها و قولنامه‌ها)
حسابداری کاربردی	<u>اقتصاد و دارایی</u> (بانکداری، پول، اوراق بهادار، بودجه، گمرکات و مالیات)
حسابرسی	کلیات
ترازنامه	کتاب درسی
سرمایه‌گذاری	سازمانها، مراکز و ادارات
سود و زیان	مجامع و انجمن‌های بین‌المللی اقتصادی
دفاتر مالی	دانشگاهها، دانشکده‌ها و آموزشگاهها
بستن حسابها	قوانین و مقررات
تصحیح اشتباهات حسابی	
تجزیه و تحلیل صورتهای مالی	

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

اقتصاد کفورها	ايزارهای اقتصادی
اقتصادسنجی	اصول اقتصادی
رفتار اقتصادی	سیاستهای اقتصادی
فرهنگ اقتصادی	سیر تحولات اقتصادی
توسعه اقتصادی	ارتباط اقتصاد با سایر علوم
آمار و اقتصاد	اقتصاد عمومی
برنامه ریزی و اقتصاد	اقتصاد کلان
ارزش	اقتصاد خرد
اشتغال	اقتصاد اسلامی
مصرف	اقتصاد سرمایه داری غربی
سرمایه گذاری	اقتصاد سوسیالیستی
پول	اقتصاد آزاد
بانک	اقتصاد متمرکز
تورم	اقتصاد نفت
درآمدهای ملی	اقتصاد کشاورزی
توزیع درآمدهای ملی	اقتصاد صنعتی
بازار	اقتصاد علمی
تولید	اقتصاد اطلاعاتی
عوامل تولید	اقتصاد مهندسی
عرضه و تقاضا	اقتصاد مالی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

معماری عهد رنسانس	رکود اقتصادی
معماری مدرن	ورشکستگی
معماری سومریان	اقتصاد جهانی
معماری بین‌النهرین	بهره‌وری
معماری ایرانی	دولت و اقتصاد
معماری هندوان	شرکتهای خصوصی و اقتصاد
معماری مصریان	شرکتهای چند ملیتی و اقتصاد
معماری یونانی	بیمه و خدمات اجتماعی و رفاهی
معماری رومی	
معماری سبک گوتیک	
معماری به شیوه بیزانسی	حمل و نقل و ارتباطات و خدمات پستی
معماری باروک	
مصالح ساختمانی و ترکیب مواد (مصالح شناسی)	
مقاومت صالح	معماری، مهندسی ساختمان و عمران
وسایل و لوازم معماری و مهندسی	کلیات دانش و هنر معماری
نقشه‌کشی و طراحی بنا	معماری در دنیای باستان
اصول ریاضی و محاسباتی در معماری	معماری در عهد عتیق
استحکام ساختمانها	معماری قبل از اسلام
نقش و نگار	معماری اسلامی
معماری و ساختمان مساجد	معماری دوره قرون وسطایی

علوم قضایی، حقوق و قوانین

معماری و ساختمان کلیسا

معماری و ساختمان معابد

علوم سیاسی

معماری و ساختمان مدارس و مکتب خانه‌ها

معماری و ساختمان حمامها

دیپلماسی و روابط بین الملل

معماری و ساختمان آب انبارها

معماری و ساختمان انبارهای آذوقه (سیلوه‌ها)

مدیریت و رهبری

معماری و ساختمان قلعه‌ها و برجهای دفاع

معماری و ساختمان کاخها

کلیات

معماری و ساختمان زندانها

کتاب درسی

معماری و ساختمان بیمارستانها و مریض خانه‌ها

سازمانها، مراکز و ادارات

معماری و ساختمان مهمان خانه‌ها

مجامع و انجمنهای بین المللی

معماری و ساختمان تفریحگاهها

دا نگاهها، دا نشکده‌ها و آموزشگاهها

معماری و ساختمان یلها

قوانین و مقررات

شهرسازی، جاده سازی و...

اصول و روشها

سد سازی، انبار سازی، ساخت نیروگاههای

آموزشها و پژوهشها

آتمی و پروژه‌های ساختمانی بزرگ مثل

ایزارها

آسمانخراشها، کوره‌های فشار قوی و...

سیاستها

ارتباط مدیریت با سایر علوم

علوم اجتماعی، انتظامات شهری

مدیریت علمی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

رهبری سیاسی	مدیریت خرید
رهبری جنبشها	مدیریت آموزشی
رهبری قومی	مدیریت سازمانی
رهبری نظامی	مدیریت سفارشات خارجی
رهبری آموزشی و تربیتی	مدیریت بازرگانی و تجاری
صفات رهبر	مدیریت مالی
شیوه‌های رهبری	مدیریت بانکهای اطلاعاتی
نظریه اطاعت و تبعیت	مدیریت اسناد و مدارک
رهبران بزرگ	مدیریت کار و گروههای کاری

حکومت و کشورداری

برنامه‌ریزی

سازماندهی

هدایت و رهبری

کنترل

تغییرات و تحولات

آفات مدیریت

اخلاق مدیریت

شئون مدیریت

روانشناسی مدیریت

مدیران بزرگ

رهبری مذهبی

دانش اطلاع رسانی

نفرینهای اطلاع رسانی

فرهنگها و دایرةالمعارفها

خلاصه‌ها و راهنماها

واژه‌نامه‌ها و اصطلاحنامه‌ها

سخنرانیها و مقاله‌ها

سمینارها و کنگره‌ها

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

سازمانها، مراکز و ادارات	سازمانها و انجمن های جهانی اطلاع رسانی
مجامع و انجمن های بین المللی	سازمانها و انجمن های اطلاع رسانی در ایران
دانشگاهها، دانشکده ها و آموزشگاهها	ادارات و مراکز اطلاع رسانی
ایزارها	دانشگاهها و دانشکده ها
اصول و روشها	کتاب درسی و دانشگاهی
تاریخچه	روشها و شیوه های آموزشی
جامعه و تاریخ	منابع اطلاعاتی
جامعه شناسی عمومی	ایزارهای اطلاع رسانی (رسانه ها)
جامعه شناسی کلان	شیوه های اطلاع رسانی
جامعه شناسی خرد	بازگویی و سازماندهی اطلاعات
جامعه شناسی نظری	مدیریت بانکهای اطلاعاتی
جامعه شناسی کاربردی	ذخیره سازی اطلاعات
جامعه شناسی پویا	مبادله اطلاعات
جامعه شناسی ایستا	سیاستهای اطلاعاتی
جامعه شناسی سیاسی	علوم کتابداری
جامعه شناسی خانواده	جامعه شناسی
جامعه شناسی آموزش و پرورش	
جامعه	کلیات
فرهنگ	کتاب درسی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

شخصیت	جامعه متفکرت و نظام گسیخته
ارزوها	جامعه سرمایه داری
هنجارها و ناهنجارها	جامعه پایدار
طبقات جامعه	جامعه ناپایدار
خانواده	روانشناسی
وطن	کلیات
ملیت	کتاب درسی
اخلاق اجتماعی	سازمانها، مراکز و ادارات
جنبشهای اجتماعی	مجامع و انجمن های بین المللی
تعمولات جامعه	دانگاهها، دانشکدهها و آموزشگاهها
شهرنشینی	بزارها
روستائینی	اصول و روشها
جامعه مذهبی	تاریخچه
جامعه سیاسی	روانشناسی عمومی
جامعه فرهنگی و اخلاقی	روانشناسی اجتماعی
جامعه آموزشی و تربیتی	روانشناسی شخصیت
جامعه فاسد و انحرافی	روانشناسی پرورشی
جامعه فنودا لیستی	روانشناسی رشد
جامعه نظام یافته	

پیش‌نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

روانشناسی بلوغ	روانشناسی رنگها
روانشناسی ازدواج	روانشناسی کودک
روانشناسی جنسی	روانشناسی مادران
روانشناسی تربیتی	روانشناسی اضطراب
روانشناسی خجالت	اصول مشاوره
روانشناسی افسردگی	روانشناسی روانکاوی
روانشناسی خشم	روان درمانی
روانشناسی جنایی	روان پزشکی
روانشناسی خلاقیت	روان پرستاری
روانشناسی خوش بینی	روان سنجی
روانشناسی بازی	بهداشت روانی
روانشناسی آموزشی	قدرتهای روانی
روانشناسی هوشیاری	هیجانهای روانی
روانشناسی تجربی	آسیب‌شناسی روانی
روانشناسی نظری	سرشت‌شناسی
روانشناسی کاربردی	نظریه روح
روانشناسی آماری	ارتباط با ارواح
روانشناسی گفتاری	
روانشناسی تعلیمی	

خانه و خانواده (زن، فرزندان، الوام، همسایگان و دوستان)

علوم غریبه

مجموعه‌ها و موسوعه‌های اسلامی

فرهنگ‌ها و دایرةالمعارفها

خلاصه‌ها و راهنماها

سالنامه‌ها و تقویمهای مذهبی

واژه‌نامه‌ها و اصطلاحنامه‌ها

تقریفات

سخنرانیها، مقاله‌ها، آثار کلی و مجالس

خطابه‌ها (خطبه‌های نماز جمعه) امثال و حکم و نصایح

سمینارها، کنگره‌ها و کنفرانسها

انجمن‌ها و مجامع اسلامی

دانشگاهها و دانشکده‌های اسلامی

مدارس و حوزه‌های علمیه

کتاب درسی

پرسشها و پاسخها (عمومی)

کتابشناسیها

نقشه‌ها و اطلسهای کشورهای اسلامی

تاریخ و جغرافیای اسلام

ارزشهای اسلامی

تمدن اسلام

فتوحات اسلام

هنرهای اسلامی و ابتکارات مسلمین

مشاهیر اسلام

رجال

مجموعه‌ها، موسوعه‌ها و کتافته‌ها

رؤیا و تعبیر خواب

اخلاق

منطق

فلسفه

حکمت

ادیان و علوم دینی

ادیان آسمانی

اسلام

نشریه‌های اسلامی

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

مذہبها	واژنامه‌ها و اصطلاحنامه‌ها
اسماء متشابه	خلاصه‌ها و راهنماها
مشترکات	کتاب درسی و اصلی
مجهولات	تاریخ ادوار علم رجال
تراجم	مؤلفان علم رجال
سیره	نظریه نیاز به علم رجال
ملل و نحل و فرق	فرق علم رجال با سایر علوم
عقاید	اصول علم رجال
قرآن و علوم قرآنی	مردی عنه
تفسیر	راوی
معجم‌ها، موسوعه‌ها و کتشافها	طرق اسلام
واژنامه‌ها و اصطلاحنامه‌ها	طرق احراز وثاقت
خلاصه‌ها و راهنماها	طرق احراز ضعف
کتابهای درسی تفسیر	طبقات رجال
تاریخ تفسیرنگاری	صحابه
مفسران	تابعین
تفاسیر عمومی	تابعین تابعین
تفاسیر روایی	سایر طبقات
تفاسیر ادبی	اجازه و انواع آن
تفاسیر عرفانی	مشایخ
تفاسیر علمی و روز	شاگردان
تفاسیر متفرقه (آیات و سوره‌ها)	کتابها
تفاسیر شیعی	القاب
تفاسیر مالکی	نسبها

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

اجتلی	تفاسیر حنفی
سنن	تفاسیر شافعی
متون احادیث (بر حسب مروی عنه)	تفاسیر حنبلی
نبری، طوی، فاطمی، حسنی، حسینی، سجادی، باقری،	حدیث
چغری، کاظمی، رضوی، جواد، هادی، عسکری،	مجموعه‌ها، موسوعه‌ها و کتابها
مهدوی	واژه‌نامه‌ها و اصطلاحنامه‌ها
متون احادیث (بر حسب تاریخ)	خلاصه‌ها و راهنماها
متون احادیث (بر حسب موضوع)	کتابهای درسی و حدیث شناسی
متون احادیث (بر حسب طریق - شیعه و سنی)	اجازنامه‌ها (حدیث)
احادیث اصول اربعه مأة	تدوین حدیث (تاریخ و ادوار)
احادیث کتب اربعه	محدثان
احادیث متفرقه	تدریس حدیث (روشها و شیوه‌ها)
درایه	تأویل حدیث
فقه	شروط راوی
مجموعه‌ها، موسوعه‌ها و کتابها	شروط تحمل حدیث
واژه‌نامه‌ها و اصطلاحنامه‌ها	حفظ، قرائت و کتبت
خلاصه‌ها و راهنماها	فقه الحدیث (فهم الحدیث)
تعریفات	اقسام حدیث
کتابهای درسی	خبر واحد
اجازنامه‌ها (اجتهاد - استنباط)	صحیح، حسن، موثق، ضعیف مستطیع، متکلم، متکر، مجهول،
تدوین فقه (تاریخ و ادوار)	مسند، مرسل، مشتم، مرفوع، منقول، منکاتبه، منسوخ، منطرب،
فتهای نامی اسلام	موضوع و...
تدریس فقه (روشها و شیوه‌ها)	خبر مؤثر
فقه شیعه (دوازده امامی)	لفظ

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

هبه	اجتهاد و تقلید
جمله	تعلیم و تعلم
رهمن	ولایت فقیه
دین	طهارت
سحر	صلاة
کفاله	صوم
ضمان	احتکاف
حواله	حج
وقف	الزمار
سکمی	زکات
غصب	خمس
لقطه	اطعمه و اشربه
امریه معروفه و...	صدق و ذیاسه
جهاد	احیاء موات
سبق و رمايه	مزارعه و...
تذرو...	نجارت
ایمان	اجاره
کنفارات	صلح
نکاح	شرکت
طلاق و...	مضاربه
خلع و...	وکالت
ایلاء	شفعه
ظهار	ودیعه
لعان	عاریه

پیش نویس جدول گسترش یافته پیشنهادی

حقوق، قوانین و مقررات اسلامی	فقه
اخلاق اسلامی	شهادت
ادعیه و اذکار	انزار
آداب و رسوم و عبادیات عملی	ارث
قصص و داستانهای اسلامی	وصایا
فلسفه اسلامی	حدود
عرفان اسلامی	قصاص
	دیات
یهودیت	عتق
مسیحیت	تکبیر
بودایی	تنبه
زرتشتی	زعم
مانی	ضرد
ادیان غیر آسمانی	اکراه
آتش پرستی	عسر و حرج
آفتاب پرستی	اولاد
بت پرستی	بهداشت
	اوراق بهادر
	استفتاءات جدید
الحاد و بی دینی	فقه مالکی
اعتقاد به چند خدای (شرک)	فقه حنفی
بودایی	فقه شافعی
زرتشتی	فقه حنبلی
	اصول فقه

راهنماشناسی (پیامبر شناسی)

مانی

آئیمیزم (جان گرالی)

توتیمسیم (سمبل پرستی)

میتولوژی (اسطوره پرستی)

دینامیزم

آئین شیتو

برهمنیزم

جینیزم

هندولیسیم

کنفوسیوس

لاوتسه

تالولیسیت

شیتو

تالو

کنفوسیوسی

مذهب شناسی و مکتب شناسی

خودشناسی و انسان شناسی

ضمائم

بهرتعالی

مجلس دانش‌آزمایان پیشنهادی برای انتخاب کارگزاران در رده بندی علوم

ع ج ل س ه

د و ن و و

و ب ب ب ب

ز ح ط ظ ط

ز ح ط ظ ط

ک گ گ گ گ

ف ب ب ب ب

س و ل ل ل

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

Q

2	8	2	2	2
2	1	2	2	2
4	4	2	5	2
4	4	5	4	4
3	5	4	4	4
9	5	2	4	4
6	0	0	0	0
8	8	8	0	0
0	0	2	2	0

4	0	Q	0	0
0	0	0	0	0
6	0	0	0	0
0	0	0	0	0
0	0	0	0	0
9	9	9	9	9
7	7	7	7	7
7	7	7	7	7
5	7	7	7	7

୫

୬

୭

୮

୯

୧୦

୧୧

୧୨

୧୩

୧୪

୧୫

୧୬

୧୭

୧୮

୧୯

୨୦

୨୧

୨୨

୨୩

୨୪

୨୫

୨୬

୨୭

୨୮

୨୯

୩୦

୩୧

୩୨

୩୩

୩୪

୩୫

୩୬

୩୭

୩୮

୩୯

୪୦

୪୧

୪୨

୪୩

୪୪

୪୫

୪୬

୪୭

୪୮

୪୯

2

3

4

5

6

7

8

9

0

1

2

3

4

5

6

7

8

9

0

1

2

3

4

5

6

7

8

9

0

1

2

3

4

5

6

7

8

9

0

1

2

3

4

5

6

Handwritten characters arranged in five vertical columns, likely representing a sequence of letters or symbols. The characters are written in a cursive, calligraphic style.

୧	୧	୧	୧	୧
୨	୨	୨	୨	୨
୩	୩	୩	୩	୩
୪	୪	୪	୪	୪
୫	୫	୫	୫	୫
୬	୬	୬	୬	୬
୭	୭	୭	୭	୭
୮	୮	୮	୮	୮
୯	୯	୯	୯	୯
୧୦	୧୦	୧୦	୧୦	୧୦

- A** آثار عمومی، کلیات، نوشته های جامع
- AC** مجموعه ها، مونوگرافها، مقالات و مراجع
- AE** دائره المعارفها.
- AG** منابع مراجعه، لغات و فرهنگ، یادداشت و اطلاعات
- AI** اندکس ها.
- AM** موزه ها، کلکسیونرها و کلکسیون.
- AN** روزنامه ها.
- AP** ادواری ها، مجلات فکاهی و جوانان.
- AS** جوامع، آکادمی ها، انجمن های علمی و کنفرانس ها.
- AY** سالنامه ها، تقویم و راهنماها.
- AZ** تاریخ عمومی دانش و یادگیری، اشتباهات و خرافات.

فلسفه:

- B** فلسفه - دین
- BC** منطق
- BD** فلسفه نظری (متافیزیک)، هستی و نظام عالم

۴۱ - ۱۰ مقدمه فلسفه

۱۳۱ - ۱۰۰ آثار عمومی

۲۴۱ - ۱۵۰ حدود و اعتبار علوم و نظریه دانش

۴۴۴ - ۳۰۰ علم هستی

۷۰۸ - ۴۹۳ علم انتظام گیتی، حکمت علل غایی

BF روان شناسی

۱۹۹۹-۱۰۰۱ روانشناسی ماوراالطبیعه، تحقیقات روانی، جستجوی اسرار

BH زیبا شناسی

BJ اخلاق

۱۵۳۱- ۱ آثار عمومی، تاریخ، سیستمها و غیره

۱۷۲۵- ۱۵۴۵ اخلاق عملی، تنظیم زندگی و غیره

۲۱۹۳- ۱۸۰۱ عادات، اتیکت، کارستهای اجتماعی

دین :

BL خدا شناسی

ادیان، اساطیر، آزادفکری

BM یهودیت

BP مذاهب اسلامی، بهائیتگری، عرفان

۱- نشریات ادواری

۲- سالنامه‌ها

۳- سازمانها، انجمنها، مجامع، باشگاهها

۴- کنگره‌ها، کنفرانسها

۵- دایره المعارفها

۶- نقشه‌ها، اطلسها

۷- آثار کلی

۸- آثار ساده عمومی

۹- داستانهای دینی

۱۰- مقاله‌ها و سخنرانیها

خلاصه طبقه‌بندی کتابخانه کنگره

- ۱۱- آثار کلی درباره اسلام
۱۲- پرسشها و پاسخها
۱۳- فلسفه اسلام
۱۴- تاریخ اسلام
۲۰- ۱۵- آسیا، اروپا، آفریقا، آمریکا، اقیانوسیه
۵۷- ۲۱- سرگذشته‌ها
۱۰۴- ۵۸- قرآن و علوم قرآنی
۱۴۵- ۱۰۶- حدیث و حدیث‌شناسی
۱۹۸- ۱۴۷- فقه و اصول
۲۳۳- ۲۰۰- کلام و عقاید
۲۴۴- ۲۳۵- فرق اسلامی
۲۵۶- ۲۴۶- اخلاق اسلامی
۲۷۲- ۲۵۶- آداب و رسوم
۲۹۵- ۲۷۲- تصوف و عرفان

مسیحیت:

- BR کلیات، تاریخ کلیسا
BS انجیل و تفاسیر
BT خداشناسی تعلیماتی و اعتقادی، طلب آموزش
BV خداشناسی عملی، عبادات، مسیونرها، زندگی مسیحی

۵۲۵- ۵- عبادت (عمومی و انفرادی)

۳۷۹۹- ۵۹۰- خداشناسی کلیسای، کلیسا

۱۶۱۵- ۱۴۶۰- آموزش دینی

۳۷۵۰ - ۲۰۰۰ میسونها

۴۲۷۰ - ۴۰۰۰ خداشناسی از نظر کشیها

۵۰۹۹ - ۴۲۹۰ دین عملی، زندگی مسیحی

BX فرقه‌های مسیحی، اختصاصی

۱-۹ - همکاری بین فرقه‌ای

C علوم وابسته بتاریخ

CB تاریخ تمدن

CC باستان‌شناسی، زنگها، صلیب‌ها

CD آرشیو، نوشته‌های سیاسی، مهرشناسی

CE تاریخ‌شناسی، وقایع‌نگاری، تقویم

CJ مسکوکات و سکه‌شناسی، نشان و مدال

CN کتیبه‌خوانی، کتیبه‌ها

CR نشان‌ها، پرچم، علائم و درجات، شوالیه‌گری

CS شجره و نسب‌شناسی، اسامی شخصی و خانوادگی

CT شرح حال، بیوگرافی، اشخاص و زنان و اشخاص معیوب

D تاریخ عمومی

DA تاریخ بریتانیای کبیر (انگلستان، ولز، اسکاتلند، ایرلند)

DB تاریخ اطریش، مجارستان

DC تاریخ فرانسه

DD تاریخ آلمان

- DE تاریخ باستان (روم و یونان باستان)
- DF تاریخ یونان
- DG تاریخ ایتالیا
- تاریخ ممالک بنارکس
- DH بلژیک و هلند و لوگزامبورگ
- DJ هلند
- DK تاریخ روسیه، لهستان، فنلاند، روسیه آسیا
- DL تاریخ ممالک اسکاندیناوی (دانمارک، ایسلند، نروژ، سوئد)
- DP تاریخ اسپانیا و پرتغال
- DQ تاریخ سوئیس
- DR تاریخ ترکیه و ممالک بالکان
- DS تاریخ آسیا
- DT تاریخ افریقا
- DU تاریخ استرالیا و اقیانوسیه
- DX تاریخ کرلیها (مهاجرین قرن ۱۴ و ۱۵ از هند و ایران به اروپا)
- E** تاریخ عمومی آمریکا و ایالات متحده
- F** تاریخ محلی ایالات متحده، تاریخ کشورهای آمریکا
- G** جغرافیای عمومی، سفرنامه، کوهنوردی، اطلس‌ها
- GA جغرافیای ریاضی و نجومی، نقشه و کارتوگرافی
- GB جغرافیای فیزیکی، ژئومورفولوژی هیدرولوژی

- GC اقیانوس شناسی، دینامیک دریا
- GF جغرافیای انسانی
- GN مردم شناسی، نژادها و جوامع اولیه
- GR فولکور (فرهنگ مردم)
- GT عادات و آداب، مسکن و لباس و شغل
- GV ورزش و سرگرمیها، بازی و ورقص

H علوم اجتماعی

- HA جمعیت، آمار
- HB نظریه اقتصاد، تاریخ و شرایط اقتصادی، تولیدات ملی

(ارزش، قیمت، سرمایه، سود و غیره)

۳۷۰ - ۸۷۱ - جمعیت شناسی، آمار اساسی و حیاتی

۳۸۴۰ - ۳۷۱۱ - بحرانا

- HC تاریخ و شرایط اقتصادی، تولیدات ملی بر اساس کشور
- HD تاریخ اقتصاد، کشاورزی، صنایع
- HE حمل و نقل و ارتباط، خدمات پستی
- HF تجارت و بازرگانی، تبلیغات
- HG امور مالی، بانک، اعتبار و ارز، بیمه
- HJ امور مالی، دولتی، بودجه، مالیات و گمرک
- HM جامعه شناسی، روان شناسی اجتماعی
- HN تاریخ و اوضاع اجتماعی، رفورم اجتماعی
- HQ خانواده، ازدواج، خانه، زن و فرزند، طرفداری از زنان

- HS انجمن‌ها، باشگاهها
- HT جوامع، نژاد و طبقات شهری و روستایی
- HV دردهای اجتماعی، حمایت حیوانات، جرم شناسی، شهربانی
- HX سوسیالیسم، کمونیسم، آناشیسیم، بالشویسم، مدینه فاضله
- J** علوم سیاسی
- JA آثار عمومی در علوم سیاسی
- JC نظریه و روابط حکومت، اقلیت‌ها، انواع حکومت
تاریخ و سازمان حقوق اساسی
- JF آثار عمومی و تطبیقی
- JK در ایالات متحده امریکا
- JL مستعمرات انگلستان در آمریکا، آمریکای لاتین
- JN در اروپا
- JQ در آسیا، افریقا، استرالیا، اقیانوسیه
- JS حکومت محلی، تاریخ و حقوق شهرها
- JV مستعمرات، مستعمره طلبی، مهاجرت
- JX حقوق و روابط بین‌المللی
- K** حقوق، قانون
- KD حقوق در بریتانیای کبیر و ایرلند
- KF حقوق در ایالات متحده آمریکا

L آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)

LA تاریخ آموزش و پرورش

LB تئوری تعلیم و تربیت، تدریس، مدرسه

LC انواع آموزش، روابط و کاربردها

دانشگاهها

LD ایالات متحده

LE کشورهای آمریکائی

LF اروپا

LG آسیا، آفریقا، اقیانوسیه

LH روزنامه‌های دانشگاهها و مدارس

LJ انجمن‌های مدارس و انتشارات آنها

LT کتب درسی (چند موضوعی)

M موسیقی

KL ادبیات و متون موسیقی

KT تعلیم و تحصیل موسیقی، ابزار و آلات

N هنر

NA معماری

NB مجسمه‌سازی

NC هنرهای ترسیمی، طراحی و کاریکاتور

ND نقاشی، تذهیب

- NE چاپ، گراور، لیتوگرافی
- NK هنرهای تزئینی، هنرهای ملی، دکوراسیون
- NX هنرهای اجرایی، ارتباط هنرها (سینما، تئاتر، رقص، اپرا)
- P** زبان شناسی، زبان و ادبیات
- PA زبان و ادبیات کلاسیک (یونانی و لاتین)
- زبانهای زنده اروپائی
- PB زبان و ادبیات ملتی (ایرلندی، اسکاتلندی)
- PC زبانهای لاتین (رومانی، ایتالیائی، فرانسه، اسپانیایی)
- PD زبانهای آلمانی (اسکاندیناوی، ایسلندی)
- PE زبانهای انگلیسی
- PF زبانهای هلندی، فلینگی، فریزلندی
- PG زبانهای اسلاوی (رومی، لیتوانی، آلبانی)
- PH زبان و ادبیات، اورال و باسک
- PI زبان و ادبیات فارسی
- زبان و ادبیات شرقی
- PJ مصری، سامی، عبری، عربی
- PK هند و ایرانی، بنگالی، ارمنی، قفقازی
- PL آسیای شرقی (ترکی، چینی)، اقیانوسیه، آفریقا
- PM زبانهای قطبی، بومیان امریکا، زبانهای مصنوعی (اسپراتو)
- PN تاریخ ادبی، نمایشنامه، تئاتر و روزنامه‌نگاری
- PQ ادبیات لاتین (فرانسه، ایتالیائی، اسپانیائی و پرتغالی)

PR ادبیات انگلیسی

PS ادبیات آمریکائی

PT ادبیات آلمانی، هلندی، ایسلندی، دانمارکی، سوئدی

PZ داستان و ادبیات جوانان، داستان انگلیسی

Q علوم

QA ریاضیات

QB نجوم، ستاره‌شناسی

QC فیزیک

QD شیمی

QE زمین‌شناسی

QH تاریخ طبیعی، زیست‌شناسی

QK گیاه‌شناسی

QL جانورشناسی

QM کالبدشناسی انسانی

QP فیزیولوژی

QR باکتری‌شناسی

R پزشکی (طب)

RA پزشکی دولتی، بهداشت

RB دردشناسی، بافت‌شناسی

RC پزشکی داخلی و عملی

RD	جراحی
RE	چشم و امراض چشم
RF	امراض گوش و حلق و بینی
RG	امراض زنان و مامائی
RJ	بیماریهای اطفال
RK	دندان پزشکی
RL	پوست و امراض جلدی
RM	درمان شناسی و فارماکولوژی
RS	داروسازی و مفردات پزشکی
RT	پرستاری
RV	طب گیاهی و التقاطی
RX	همویاتی
RZ	سایر روشهای پزشکی
S	کشاورزی (فلاحت)
SB	کشت و پرورش نباتات
SD	جنگلداری
SF	دامداری: دامپروری (پرورش حیوانات)
SH	پرورش ماهی و شیلات
SK	ورزشهای مربوط به شکار حیوانات

T	تکنولوژی
TA	شهرسازی
TC	آبیاری
TD	بهداشت و خدمات شهری
TE	راه و جاده
TF	راه آهن
TG	پل، تونل
TH	ساختمان بناها
TJ	مکانیک و ماشین آلات
TK	برق و صنایع الکتریکی و هسته ای (انمی)
TL	وسایل نقلیه موتوری، هواپیمائی، فضانوردی
TN	معدن شناسی و استخراج فلزات
TP	تکنولوژی شیمیائی
TR	عکاسی و عکسبرداری
TS	مصنوعات و منسوجات، کالا های صنعتی و غذایی
TT	صنایع دستی، پیشه و حرف (نجاری، فلزکاری، خیاطی، لباسشویی)
TX	خانه داری
U	علوم نظامی
UA	نیروی نظامی
UB	اداره امور نظامی
UC	نگهداری و حمل و نقل

UD	پیاپی نظام
UE	سواره نظام
UF	تویخانه
UG	مهندس نظامی
UH	سایر خدمات
V	علوم دریایی
VA	نیروی دریایی
VB	اداره نیروی دریایی
VC	نگهداری نیروی دریایی
VD	ملوانان
VE	زیر دریایی‌ها
VF	مهمات نیروی دریایی
VG	خدمات کوچک در نیروی دریایی
VK	دریانوردی (کشتیرانی) و تجارت دریایی
VM	کشتی‌سازی و مهندسی دریایی
Z	کتابشناسی و کتابداری (خوشنویسی، ماشین‌نویسی،

خلاصه طبقه‌بندی دهدهی دیوئی

	کلیات	۰۰۰
قرانت و راهنمای قرانت		۰۲۸
شیوه‌های ادبی	دانش و معرفت	۰۲۹
دائرة المعارف عمومی	کتاب - ارزش و تأثیر	۰۳۰
دائرة المعارف آمریکائی به زبان انگلیسی	نظم	۰۳۱
دائرة المعارف انگلیسی	کامپیوتر	۰۳۲
دائرة المعارف آلمانی	برنامه‌نویسی	۰۳۳
دائرة المعارف فرانسوی	نظرس‌های اطلاعات و ارتباطات	۰۳۴
دائرة المعارف ایتالیائی	تحقیق	۰۳۵
دائرة المعارف اسپانیولی	_____	۰۳۶
دائرة المعارف روسی	_____	۰۳۷
دائرة المعارف اسکانديناوی	فهارس و کتابشناسی	۰۳۸
دائرة المعارف فارسی و سایر زبانها	کتابشناسی جهانی و کلی	۰۳۹
مجموعه مقالات عمومی	کتابشناسی انفرادی	۰۴۰
مجموعه مقالات عمومی آمریکائی	کتابشناسی طبقات مخصوصی از نویسندگان	۰۴۱
مجموعه مقالات عمومی انگلیسی	کتابشناسی بی نام و جعلی	۰۴۲
مجموعه مقالات عمومی آلمانی	کتابشناسی ملی	۰۴۳
مجموعه مقالات عمومی فرانسوی	کتابشناسی موضوعی	۰۴۴
مجموعه مقالات عمومی ایتالیائی	کاتالوگهای طبقه‌بندی شده (فهرستهای مؤلف و موضوع که با هم جلد شده است)	۰۴۵
مجموعه مقالات عمومی اسپانیولی	کاتالوگهای مؤلفین (فهرستهای که بر حسب نام مؤلف تنظیم شده)	۰۴۶
مجموعه مقالات عمومی روسی	کاتالوگهای فرهنگ مانند (فهرستهای که نام مؤلف و عنوان و موضوع، هر سه بطور الفبائی تنظیم شده است)	۰۴۷
مجموعه مقالات عمومی به زبانهای اسکانديناوی	کتابداری	۰۴۸
مجموعه مقالات عمومی به زبانهای دیگر	تأسیس کتابخانه، اداره و هدف آن	۰۴۹
مجموعه مقالات عمومی فارسی	ساختنهای کتابخانه	۰۵۰
مجلات و نشریات عمومی	کارکنان کتابخانه	۰۵۱
مجلات و نشریات عمومی آمریکائی	مقررات برای استفاده کنندگان از کتابخانه	۰۵۲
مجلات و نشریات عمومی انگلیسی	اداره کتابخانه	۰۵۳
مجلات و نشریات عمومی آلمانی	کتابخانه‌های خصوصی	۰۵۴
مجلات و نشریات عمومی فرانسوی	کتابخانه‌های عمومی	۰۵۵
مجلات و نشریات عمومی ایتالیائی		۰۵۶
مجلات و نشریات عمومی اسپانیولی		۰۵۷
مجلات و نشریات عمومی روسی		۰۵۸

خلاصه طبقه‌بندی دهدهی دیوینی

چاپ کمیاب	۰۹۴	مجلات و نشریات عمومی زبانهای دیگر	۰۵۸
جلدهای کمیاب	۰۹۵	مجلات و نشریات عمومی فارسی	۰۵۹ر۵۵
تصاویر یا مطالب چاپی کمیاب	۰۹۶	انجمنهای عمومی	۰۶۰
برچسب نشان کتاب	۰۹۷	انجمنهای عمومی در کانادا و آمریکا	۰۶۱
انواع دیگری از کتابهای کمیاب مبنی بر مختصات ذاتی	۰۹۸	انجمنهای عمومی در انگلستان	۰۶۲
انواع دیگری از کتابهای کمیاب مبنی بر مختصات غیر ذاتی	۰۹۹	انجمنهای عمومی در آلمان	۰۶۳
فلسفه	۱۰۰	انجمنهای عمومی در فرانسه	۰۶۴
زیباشناسی	۱۰۱	انجمنهای عمومی در ایتالیا	۰۶۵
کتابهای راهنما و خلاصه‌ها	۱۰۲	انجمنهای عمومی در اسپانیا	۰۶۶
فرهنگها و دائرةالمعارفهای فلسفی	۱۰۳	انجمنهای عمومی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی	۰۶۷
مقالات و سخنرانیهای فلسفی	۱۰۴	انجمنهای عمومی در سایر کشورها	۰۶۸
مجلات و نشریات فلسفی	۱۰۵	انجمنهای عمومی در ایران	۰۶۸ر۵۵
سازمانها و انجمنهای فلسفی	۱۰۶	موزه‌ها	۰۶۹
مطالعه و تدریس فلسفه	۱۰۷	روزنامه نگاری	۰۷۰
مجموعه‌ها	۱۰۸	روزنامه‌ها در آمریکا	۰۷۱
تاریخ فلسفه	۱۰۹	روزنامه‌های در انگلستان	۰۷۲
متافیزیک	۱۱۰	روزنامه‌ها در آلمان	۰۷۳
هستی‌شناسی	۱۱۱	روزنامه‌ها در فرانسه	۰۷۴
روش‌شناسی	۱۱۲	روزنامه‌ها در اسپانیا	۰۷۵
فلسفه طبیعت	۱۱۳	روزنامه‌ها در ایتالیا	۰۷۶
فلسفه فضا، زمان، حرکت و...	۱۱۹تا۱۱۴	روزنامه‌ها در روسیه	۰۷۷
نظریات متافیزیکی	۱۲۰	روزنامه‌ها در اسکاندیناوی	۰۷۸
پژوهش در دانش	۱۲۱	تاریخ روزنامه‌های انفرادی	۰۷۹
علت و معلول	۱۲۲	مجموعه آثار	۰۸۰
آزادی	۱۲۳	مجموعه آثار انفرادی (یک نویسنده)	۰۸۱
غایت‌شناسی	۱۲۴	مجموعه آثار چندین نویسنده	۰۸۲
متاهی و نامتاهی، شعور و...	۱۲۹تا۱۲۵	مجموعه آثار فرانسوی، آلمانی و...	۰۸۹تا۰۸۳
رشته‌های روانشناسی	۱۳۰	کتابهای کمیاب	۰۹۰
رابطه روان و تن	۱۳۱	دستورسها (کتابهای خطی)	۰۹۱
روانشناسی غیر عادی	۱۳۲	کتابهای چاپ باسمه‌ای	۰۹۲
		کتابهایی که پیش از ۱۵۰۰ میلادی به چاپ رسیده است	۰۹۳

خلاصه طبقه‌بندی دهدهی دیونی

	۱۳۳	تحقیق روانی
فلسفه شرقی	۱۸۱	
فلسفه ما قبل سقراط	۱۸۲	۱۳۴
فلسفه سقراطی	۱۸۳	هیپوتیزم
فلسفه افلاطونی	۱۸۴	خواب و تفسیر خواب
فلسفه ارسطویی	۱۸۵	روانشناسی ژنتیک
فلسفه نوین افلاطونی آمیخته با تصوف شرقی	۱۸۶	روانشناسی شخصیت
فلسفه ایقور	۱۸۷	قیافه شناسی
فلسفه رواقیون	۱۸۸	۱۳۶
فلسفه قرون وسطی	۱۸۹	شناسایی شخصیت از راه مطالعه ساختمان جمجمه
فلسفه نو	۱۹۰	۱۲۹۵۱۲۰ مکاتب و آراء فلسفی
فلسفه آمریکایی	۱۹۱	۱۵۰
فلسفه انگلیسی	۱۹۲	روانشناسی
فلسفه آلمانی	۱۹۳	هوش
فلسفه فرانسوی	۱۹۴	احساس و ادراک
فلسفه ایتالیایی	۱۹۵	شناسایی
فلسفه اسپانیایی و پرتغالی	۱۹۶	حافظه و یادگیری
فلسفه روسی	۱۹۷	تصور و قوه تصور
فلسفه اسکاتلندی	۱۹۸	درک غریزی و جلی
سایر فلسفه‌های نو	۱۹۹	عاطفه
دین ۲۰۰		اراده و جنبش
فلسفه دین	۲۰۱	انگیزش
کتابهای راهنما و خلاصه‌ها	۲۰۲	منطق
فرهنگها و دائرةالمعارف دینی	۲۰۳	استدلال و متد علمی
مقالات و سخنرانیهای دینی	۲۰۴	استدلال
مجلات و نشریات دینی	۲۰۵	سیستمهای منطق
سازمانها و انجمنهای دینی	۲۰۶	_____
مطالعه و تدریس دین	۲۰۷	خطا و منشأ آن، قیاس و...
مجموعه‌های دینی	۲۰۸	۱۷۰
تاریخ دین	۲۰۹	اخلاق
دین طبیعی ۲۱۰		۱۷۱
خداپرستی بدون اعتقاد به پیغمبران و مسائل دیگر	۲۱۱	۱۷۲ تا ۱۷۶
		اخلاق نظری
		اخلاق تطبیقی
		۱۷۷
		اخلاق اجتماعی یا علمی
		۱۷۸
		اعتدال و افراط
		۱۷۹
		اخلاق انفرادی
		۱۸۰
		فلسفه شرقی و باستان

خلاصه طبقه‌بندی دهمی دیونی

مذهب	۲۴۱	خداشناسی اخلاقی	۲۴۱
بی‌اعتقادی بخدا - اعتقاد بخدا	۲۴۲	تفکرات و نظریات	۲۴۲
وحدت وجود خدا	۲۴۳	_____	۲۴۳
آفرینش و نظریه‌های دینی دربارهٔ پیدایش جهان	۲۴۴	داستانها و امثال دینی	۲۴۴
دین و دانش	۲۴۵	سرودهای دینی	۲۴۵
_____	۲۱۷ تا ۲۱۶	نشانه‌های کیش مسیح	۲۴۶
جاویدانی	۲۱۸	کیش شخصی	۲۴۷
انجیل کتاب مقدس ترسابان	۲۱۹	زیباشناسی در کلیسا	۲۴۸
عهد قدیم یا تورات	۲۲۰	پرستش خانوادگی	۲۴۹
کتابهای تاریخی	۲۲۱	رهبران مذهب مسیح و وظایف آنها	۲۵۰
کتابهای شاعرانه	۲۲۲	موعظه و سخنرانی	۲۵۱
کتابهای نبوی	۲۲۳	پند و اندرزهای دینی	۲۵۲
عهد جدید یا انجیلهای	۲۲۴	کشیش	۲۵۳
عقاید و اعمال	۲۲۵	اداره کلیسا	۲۵۴
رساله‌ها	۲۲۶	_____	۲۵۷ تا ۲۵۵
کتاب مکاشفه	۲۲۷	امور رفاہ اجتماعی کلیسا	۲۵۸
کتابهای مجهول و مشکوک که آنها را به کتاب مقدس	۲۲۸	سازمانهای دسته جمعی و رهبری آنها	۲۵۹
نسبت می‌دهند	_____	مؤسسات و خدمات کلیسای مسیحی	۲۶۰
_____	۲۲۹	خداشناسی اجتماعی مسیحیان	۲۶۱
خداشناسی نظری	۲۳۰	حکومت کلیسا	۲۶۲
خدا	۲۳۱	شنبه و یکشنبه کلیسا	۲۶۳
شناسائی مسیح	۲۳۲	پرستش عمومی	۲۶۴
انسان	۲۳۳	مراسم دینی	۲۶۵
آمزش	۲۳۴	هیئتهای مسیحی	۲۶۶
مقدسات و ملائک و شیاطین	۲۳۵	انجمنهای مذهبی	۲۶۷
مراحل چهارگانه آخرت (مرگ - داوری - بهشت -	۲۳۶	آموزش و پرورش دینی	۲۶۸
دوزخ)	_____	موعظه انجیل	۲۶۹
جهان دیگر	۲۳۷	تاریخ کلیسای مسیحی	۲۷۰
اصول معتقدات دینی	۲۳۸	احکام مذهبی	۲۷۱
_____	_____	_____	۲۷۳ تا ۲۷۲
مدافعه استدلالی از مسیحیت	۲۳۹	_____	_____
خداشناسی عملی	۲۴۰	تاریخ کلیسای مسیحی در کشورهای معین	۲۷۸ تا ۲۷۴

خلاصه طبقه‌بندی دهمی دیونی

۲۸۰	کلیساها و فرقه‌های مسیحی	۲۹۷ر۴	مقالات و خطابه‌ها
۲۸۱	کلیساهای قدیم	۲۹۷ر۵	مجلات و نشریات
۲۸۲	کلیسای کاتولیک روم	۲۹۷ر۶	انجمنها و جامعه‌های اسلامی
۲۸۳	کلیسای انگلیسی	۲۹۷ر۷	آموزش و پرورش
۲۸۴	مذهب پروتستانها	۲۹۷ر۷۱	حدیث (کلیات)
۲۸۵	اصول همپاگی کشیشهای پروتستان و استقلال هر کلیسا	۲۹۷ر۷۲	حدیث شیعه
۲۸۶	برای اداره کارهای قضای و انتظامی خود	۲۹۷ر۷۳	حدیث سنی
۲۸۷	کلیساها و سایر فرقه‌های معتقد به غسل تمعید	۲۹۷ر۷۴	فقه و اصول (کلیات)
۲۸۸	کلیساهای متدبست	۲۹۷ر۷۵	فقه شیعه
۲۸۹	عقیده به توحید	۲۹۷ر۷۶	فقه سنی
۲۹۰	سایر فرقه‌های مسیحی	۲۹۷ر۷۷	کلام (کلیات)
۲۹۱	ادیان غیر مسیحی	۲۹۷ر۷۸	کلام شیعه
۲۹۲	افسادهای مربوط به خدایان	۲۹۷ر۷۸۱	کلام سنی
۲۹۳	مذهب یونانی و رومی و تاریخ اساطیر	۲۹۷ر۷۹	زیارت نامه و مناجات
۲۹۴	مذهب نیوتنی و تاریخ اساطیر	۲۹۷ر۸	اسلام - فرق
۲۹۵	ادیان بودا و برهما	۲۹۷ر۸۱	شیهه
۲۹۶	ادیان آسیایی غیر سامی	۲۹۷ر۸۲	حنفی
۲۹۷	دین یهود	۲۹۷ر۸۲۲	شافعی
۲۹۷ر۰۱	اسلام	۲۹۷ر۸۳	حنبلی
۲۹۷ر۰۲	قرآن	۲۹۷ر۸۴	مالکی
۲۹۷ر۰۳	قرآن - فرهنگها و دائرةالمعارفها	۲۹۷ر۸۴۱	اسماعیلی
۲۹۷ر۰۴	قرآن - مقالات و خطابه‌ها	۲۹۷ر۸۴۲	اهل حق (علی‌اللهی)
۲۹۷ر۰۵	قرآن - تجوید و قرائت	۲۹۷ر۸۵	خوارج و انصار
۲۹۷ر۰۶	قرآن - قصص	۲۹۷ر۸۶	سایر فرقه‌های اسلام (مشمول بر بهائی و مهدوی)
۲۹۷ر۰۷	قرآن - امثال	۲۹۷ر۸۷	تصوف
۲۹۷ر۰۸	قرآن - ترجمه و تفسیر	۲۹۷ر۹	اسلام - تاریخ
۲۹۷ر۰۸۱	قرآن - شأن و نزول	۲۹۷ر۹۲	اسلام - تذکره و بیوگرافی
۲۹۷ر۰۹	قرآن - تاریخ	۲۹۷ر۹۲۱	محمد ص (پیغمبر)
۲۹۷ر۱	اسلام - فلسفه و نظر	۲۹۷ر۹۲۲	امامان
۲۹۷ر۳	فرهنگها و دائرةالمعارفها	۲۹۷ر۹۲۳	اولیای مقدس
		۲۹۸	

خلاصه طبقه‌بندی دهدهی دیوثی

<p>روابط خارجی ایران ۳۲۷/۵۵</p> <p>قانون گذاری ۳۲۸</p> <p>قانون گذاری در ایران ۳۲۸/۵۵</p> <p>احزاب سیاسی ۳۲۹</p> <p>احزاب سیاسی ایران ۳۲۹/۹۵۵</p> <p>اقتصاد ۳۳۰</p> <p>اقتصاد ایران ۳۳۰/۹۵۵</p> <p>کار و مسائل کارگری ۳۳۱</p> <p>پول - اعتبار و بانکداری ۳۳۲</p> <p>منابع طبیعی ۳۳۳</p> <p>همکاری (شرکتهای تعاونی) ۳۳۴</p> <p>سیستمهای اشتراکی کشاورزی ۳۳۵</p> <p>امور مالی ۳۳۶</p> <p>تعرفه ۳۳۷</p> <p>اقتصاد صنعتی و تولید ۳۳۸</p> <p>درآمد و ثروت ۳۳۹</p> <p>حقوق و قوانین ۳۴۰</p> <p>حقوق بین‌المللی ۳۴۱</p> <p>قانون مشروطیت (حقوق اساسی) ۳۴۲</p> <p>حقوق اساسی ایران ۳۴۲/۵۵</p> <p>قانون جزائی ۳۴۳</p> <p>حقوق اداری ۳۴۴</p> <p>حقوق اداری - ایران ۳۴۴/۵۵</p> <p>قوانین و امور ایالات متحده آمریکا ۳۴۵</p> <p>قوانین و امور بریتانیا ۳۴۶</p> <p>تعهدات دولت ۳۴۷</p> <p>قوانین شرع ۳۴۸</p> <p>حقوق در اسلام ۳۴۸/۹۷</p> <p>قوانین سایر کشورها ۳۴۹</p> <p>حقوق مدنی و قوانین موضوعه و مصوبات مجلس شورای ملی ایران ۳۴۹/۵۵</p>	<p>ادیان سامی و سایر ادیان غیر مسیحی ۳۹۹</p> <p>علوم اجتماعی ۳۰۰</p> <p>جامعه‌شناسی ۳۰۱</p> <p>کتابهای راهنما و خلاصه‌های علم اجتماعی ۳۰۲</p> <p>فرهنگها و دائرةالمعارفهای علوم اجتماعی ۳۰۳</p> <p>مقالات و سخنرانهای علوم اجتماعی ۳۰۴</p> <p>مجلات و نشریات علوم اجتماعی ۳۰۵</p> <p>سازمانها و انجمنهای علوم اجتماعی ۳۰۶</p> <p>مطالعه و تدریس علوم اجتماعی ۳۰۷</p> <p>مجموعه‌های علوم اجتماعی ۳۰۸</p> <p>تاریخ علوم اجتماعی ۳۰۹</p> <p>آمار ۳۱۰</p> <p>روش آمار ۳۱۱</p> <p>جمعیت‌شناسی و آمار جمعیت‌های دنیا ۳۱۲</p> <p>_____ ۳۱۳</p> <p>آمار عمومی اروپا ۳۱۴</p> <p>آمار عمومی آسیا ۳۱۵</p> <p>آمار عمومی ایران ۳۱۵/۵</p> <p>آمار عمومی افریقا ۳۱۶</p> <p>آمار عمومی آمریکای شمالی ۳۱۷</p> <p>آمار عمومی آمریکای جنوبی ۳۱۸</p> <p>آمار عمومی اقیانوسیه و ممالک قطبی ۳۱۹</p> <p>علوم سیاسی ۳۲۰</p> <p>ایران - حکومت و سیاست ۳۲۰/۹۵۵</p> <p>تشکیل دولت و حکومت ۳۲۱</p> <p>دولت و وظیفه دولت و حکومت ۳۲۲</p> <p>تابعیت - روابط دولت با افراد و جامعه ۳۲۳</p> <p>انتخابات و رأی ۳۲۴</p> <p>مهاجرت و استعمار بین‌المللی ۳۲۵</p> <p>بردگی ۳۲۶</p> <p>روابط خارجی ۳۲۷</p>
---	---

خلاصه طبقه‌بندی دهدهی دیوئی

آموزش پرورش و دولت	۳۷۸	اداره امور عمومی	۳۵۰
تجارت	۳۸۰	مسائل اداره امور عمومی	۳۵۱
تجارت داخلی	۳۸۱	حکومت‌های محلی	۳۵۲
تجارت بین‌المللی	۳۸۲	حکومت‌های ایالات متحده آمریکا	۳۵۳
ارتباطات پستی	۳۸۳	حکومت‌های ممالک دیگر	۳۵۴
ارتباطات (تلگرافی و تلفنی و رادیویی)	۳۸۴	ایران - حکومت مرکزی (سازمان‌های رهبری)	۳۵۴/۵۵
حمل و نقل	۳۸۵	اصول جنگ	۳۵۵
حمل و نقل دریایی داخلی	۳۸۶	نیروهای زمینی	۳۵۶
حمل و نقل دریایی و هوایی	۳۸۷	سواره نظام	۳۵۷
حمل و نقل صحرایی	۳۸۸	نیروهای هوایی	۳۵۸
ارزان و مقادیر	۳۸۹	نیروهای دریایی	۳۵۹
آداب و رسوم	۳۹۰	رفاه اجتماعی	۳۶۰
لباس و آرایش و غیره	۳۹۱	کارها و نمایندگان گیهای اجتماعی	۳۶۱
آداب و رسوم دوره حیات (تولد - کودکی - جوانی و ازدواج و مرگ)	۳۹۲	خدمات اجتماعی	۳۶۲
_____	_____	_____	۳۶۳
_____	۳۹۳	جرم شناسی	۳۶۴
آداب سیاسی و اجتماعی	۳۹۴	کیفرشناسی	۳۶۵
آداب اجتماعی	۳۹۵	مؤسسات اجتماعی	۳۶۶
مقام زن در اجتماع	۳۹۶	باشگاه‌های اجتماعی	۳۶۷
کولبها	۳۹۷	بیمه	۳۶۸
افسانه‌ها	۳۹۸	سایر مؤسسات و انجمن‌های اجتماعی	۳۶۹
آداب و رسوم جنگ	۳۹۹	آموزش و پرورش	۳۷۰
زبان شناسی	۴۰۰	آموزش و پرورش - ایران	۳۷۰/۹۵۵
فلسفه زبان	۴۰۱	آموزش	۳۷۱
کتابهای راهنما و خلاصه‌ها	۴۰۲	تعلیمات ابتدایی	۳۷۲
فرهنگها و دائرة المعارفهای زبانشناسی	۴۰۳	تعلیمات متوسطه	۳۷۳
مقالات و سخنرانیهای زبانشناسی	۴۰۴	تعلیمات سالمندان	۳۷۴
مجلات و نشریات زبانشناسی	۴۰۵	برنامه	۳۷۵
سازمانها و انجمن‌های زبانشناسی	۴۰۶	تعلیمات زنان	۳۷۶
مطالعه و تدریس زبانها	۴۰۷	تعلیمات دینی و اخلاقی	۳۷۷
مجموعه‌های زبانشناسی	۴۰۸	تعلیمات عالی	۳۷۸

خلاصه طبقه‌بندی دهدهی دیوئی

زبان فرانسه	۴۴۰	تاریخ زبان	۴۰۹
خط	۴۴۱	زبان شناسی تطبیقی	۴۱۰
اشتقاق	۴۴۲	خط	۴۱۱
فرهنگها و لغت‌نامه‌ها	۴۴۳	اشتقاق	۴۱۲
واژه‌های مترادف - متشابه - متضاد	۴۴۴	فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌ها	۴۱۳
دستور زبان فرانسوی	۴۴۵	صدا شناسی	۴۱۴
_____	۴۴۶	دستور زبان	۴۱۵
لهجه عامیانه - بازاری و مکالمه‌ای	۴۴۷	_____	۴۱۶
متون آموزشی زبان فرانسوی	۴۴۸	کبیه‌ها و نوشته‌های باستانی	۴۱۷
زبان پروانسال و کاتالان	۴۴۹	متون	۴۱۸
زبان ایتالیایی	۴۵۰	ارتباطات غیر الفبایی	۴۱۹
خط	۴۵۱	زبان انگلیسی	۴۲۰
اشتقاق	۴۵۲	خط	۴۲۱
فرهنگها و لغت‌نامه‌ها	۴۵۳	اشتقاق	۴۲۲
واژه‌های مترادف - متشابه - متضاد	۴۵۴	فرهنگهای انگلیسی	۴۲۳
دستور زبان ایتالیایی	۴۵۵	واژه‌های مترادف - متشابه - متضاد	۴۲۴
_____	۴۵۶	دستور زبان انگلیسی	۴۲۵
لهجه عامیانه - بازاری و مکالمه‌ای	۴۵۷	_____	۴۲۶
متون آموزشی زبان ایتالیایی	۴۵۸	لهجه عامیانه - بازاری و مکالمه‌ای	۴۲۷
زبان رومانی	۴۵۹	متون آموزشی زبان انگلیسی	۴۲۸
زبان اسپانیایی	۴۶۰	زبان انگلیسی قدیم (انگلیسی ساکسون)	۴۲۹
خط	۴۶۱	زبان آلمانی	۴۳۰
اشتقاق	۴۶۲	خط	۴۳۱
فرهنگها و لغت‌نامه‌ها	۴۶۳	اشتقاق	۴۳۲
واژه‌های مترادف - متشابه - متضاد	۴۶۴	فرهنگها و لغت‌نامه‌ها	۴۳۳
ستور زبان اسپانیولی	۴۶۵	واژه‌های مترادف - متشابه - متضاد	۴۳۴
_____	۴۶۶	دستور زبان آلمانی	۴۳۵
لهجه عامیانه - بازاری و مکالمه‌ای	۴۶۷	_____	۴۳۶
متون آموزشی زبان اسپانیولی	۴۶۸	لهجه عامیانه - بازاری و مکالمه‌ای	۴۳۷
زبان پرتغالی	۴۶۹	متون آموزشی زبان آلمانی	۴۳۸
		سایر زبانهای آلمانی	۴۳۹

خلاصه طبقه‌بندی دهدهی دیوثی

	۴۷۰	زبان لاتینی
واژه‌های مترادف و متشابه و متضاد	۴۷۱	خط
دستور	۴۷۲	اشتیاق
عروض و قواعد شعری	۴۷۳	فرهنگها و لغت‌نامه‌ها
لهجه بها و گرشها	۴۷۴	واژه‌های مترادف - متشابه - متضاد
بلوچی	۴۷۵	دستور زبان لاتین
کردی	۴۷۶	_____
پامیر	۴۷۷	لهجه عامیانه - بازاری و مکالمه‌ای
پشتو	۴۷۸	متون آموزشی زبان لاتین
سایر لهجه‌ها و گرشها	۴۷۹	سایر زبانهای ایتالیایی لاتینی
متنهای درسی مقدماتی	۲۸۰	زبان یونانی
متنهای درسی متوسطه	۴۸۱	خط
متنهای درسی برای کسانی که فارسی زبان مادری آنها نیست	۴۸۲	اشتیاق
زبان سامی	۴۸۳	فرهنگها و لغت‌نامه‌ها
زبانهای حامی	۴۸۴	واژه‌های مترادف - متشابه - متضاد
زبانهای مغولی - ترکی و غیره	۴۸۵	دستور زبان یونانی
زبانهای چین و تبتی - ژاپن و کره و استروآسیایی	۴۸۶	_____
زبانهای افریقایی	۴۸۷	لهجه عامیانه - بازاری و مکالمه‌ای
زبانهای آمریکای شمالی	۴۸۸	متون آموزشی زبان یونانی
زبانهای آمریکای جنوبی	۴۸۹	زبان نوین یونان
زبانهای استرالیایی	۲۹۰	زبانهای دیگر
علوم خالص	۵۰۰	زبانهای هند و اروپایی غیر ایرانی
فلسفه علم	۴۹۱	زبانهای ایرانی
کتابهای راهنما و خلاصه‌ها	۴۹۱/۰۲	اوستایی
فرهنگها و دائرةالمعارفهای علوم خالص	۴۹۱/۰۳	پهلوی
مقالات و سخنرانیهای علوم خالص	۴۹۱/۰۴	سایر زبانهای ایران باستان
مجلات و نشریات	۴۹۱/۰۵	زبان ارضی
سازمانهای و انجمنهای علوم خالص	۴۹۱/۱	زبان فارسی جدید
مطالعه و تدریس علوم خالص	۴۹۱/۱۱	نوشتن
مجموعه‌های علوم خالص	۴۹۱/۲	اشتیاق
تاریخ علم	۴۹۱/۳	فرهنگها

خلاصه طبقه‌بندی دهدهی دیونی

شیمی فیزیکی	۵۴۱	ریاضیات	۵۱۰
آزمایشگاه‌های فیزیکی	۵۴۲	حساب	۵۱۱
آنالیز	۵۴۳	جبر	۵۱۲
آنالیز کیفی	۵۴۴	هندسه	۵۱۳
آنالیز کمی	۵۴۵	مثلثات	۵۱۴
شیمی معدنی	۵۴۶	هندسه ترمیمی	۵۱۵
شیمی آلی	۵۴۷	هندسه تحلیلی	۵۱۶
بلورشناسی	۵۴۸	حساب جامعه و فاضله	۵۱۷
کان شناسی	۵۴۹	موارد استعمال	۵۱۸
زمین شناسی	۵۵۰	احتمالات	۵۱۹
زمین شناسی فیزیکی	۵۵۱	ستاره شناسی	۵۲۰
سنگ شناسی	۵۵۲	نجوم	۵۲۱
زمین شناسی اقتصادی	۵۵۳	رصد خانه	۵۲۲
زمین شناسی اروپا	۵۵۴	ستاره شناسی توصیفی	۵۲۳
زمین شناسی آسیا	۵۵۵	_____	۵۲۴
زمین شناسی ایران	۵۵۵/۵	زمین	۵۲۵
زمین شناسی افریقا	۵۵۶	جغرافیای ریاضی	۵۲۶
زمین شناسی آمریکای شمالی	۵۵۷	_____	۵۲۷
زمین شناسی آمریکای جنوبی	۵۵۸	_____	۵۲۸
زمین شناسی اقیانوسیه و ممالک قطبی	۵۵۹	زمان شناسی	۵۲۹
دیرین شناسی	۵۶۰	فیزیک	۵۳۰
دیرین شناسی گیاهی	۵۶۱	مکانیک جامدات	۵۳۱
دیرین شناسی جانوران بی مهره	۵۶۲	مکانیک مایعات	۵۳۲
تک باخشانگان	۵۶۳	مکانیک گازها	۵۳۳
نرم‌تان	۵۶۴	صوت	۵۳۴
دیرین شناسی بی مهرگان	۵۶۵	نور	۵۳۵
دیرین شناسی جانوران مهره‌دار	۵۶۶	حرارت	۵۳۶
ماهپها	۵۶۷	الکتروسیته و مغناطیس	۵۳۷
نخم گذاران	۵۶۸	_____	۵۳۸
پستانداران	۵۶۹	فیزیک اتمی	۵۳۹
زیست شناسی و مردم شناسی	۵۷۰	شیمی	۵۴۰

خلاصه طبقه‌بندی دهدهی دیوئی

	۵۷۱		
کتابهای راهنما و خلاصه‌ها	۶۰۲	باستان‌شناسی	
فرهنگها و دائرةالمعارفهای علوم عملی	۶۰۳	مردم‌شناسی	۵۷۲
مقالات علوم عملی	۶۰۴	مردم‌شناسی فیزیکی	۵۷۳
مجلات و نشریات علوم عملی	۶۰۵	زیست‌شناسی	۵۷۴
سازمانها و انجمنهای علوم عملی	۶۰۶	تکامل	۵۷۵
مطالعه و تدریس علوم عملی	۶۰۷	میکروب‌شناسی	۵۷۶
مجموعه‌های علوم عملی	۶۰۸	_____	۵۷۷
اختراعات	۶۰۸/۷	فنون زیست‌شناسی	۵۷۸
تاریخ علوم عملی	۶۰۹	مجموعه‌های تاریخ زیست‌شناسی و طبیعی	۵۷۹
طب	۶۱۰	گیاه‌شناسی	۵۸۰
تشریح	۶۱۱	فیزیولوژی و شکل‌شناسی گیاهی	۵۸۱
فیزیولوژی انسانی	۶۱۲	گیاه‌شناسی اصولی	۵۸۲
بهداشت شخصی	۶۱۳	دیپکوتیلودونها	۵۸۳
بهداشت عمومی	۶۱۴	مونوکوتیلودونها	۵۸۴
درمان‌شناسی	۶۱۵	ژمنوسپرمها	۵۸۵
بیماریهای درونی	۶۱۶	گیاهان کمزاد	۵۸۶
جراحی	۶۱۷	پتروفیتها	۵۸۷
بیماریهای زنان	۶۱۸	بروفیتها	۵۸۸
بیماریهای کودکان	۶۱۸/۹	تالوفیتها	۵۸۹
بیماریهای سالمندان	۶۱۸/۹۷	جانورشناسی	۵۹۰
_____	۶۱۹	جانورشناسی عمومی	۵۹۱
مهندسی	۶۲۰	بی‌مهرگان	۵۹۲
مکانیکی	۶۲۱	_____	۵۹۳
مهندسی معدن	۶۲۲	نرم‌تان	۵۹۴
مهندسی نظامی	۶۲۳	بی‌مهرگان دیگر	۵۹۵
مهندسی ساختمان	۶۲۴	مهره‌داران	۵۹۶
مهندسی راه و راه آهن	۶۲۵	ماهیها	۵۹۷
_____	۶۲۶	خزندگان و پرندگان	۵۹۸
مهندسی هیدرولیک	۶۲۷	پستانداران	۵۹۹
مهندسی بهداشتی و شهری	۶۲۸	علوم عملی	۶۰۰
سایر رشته‌های مهندسی	۶۲۹	فلسفه علوم عملی	۶۰۱

خلاصه طبقه‌بندی دهمی دیونی

صنایع شیمیایی	۶۶۰	کشاورزی	۶۳۰
مواد شیمیایی صنعتی	۶۶۱	کشاورزی- ایران	۶۳۰/۱۵۵
مواد منفجره و سوختها	۶۶۲	مدیریت مزارع	۶۳۱
نوشابه‌ها	۶۶۳	آفات	۶۳۲
صنایع غذایی	۶۶۴	محصولات کشاورزی	۶۳۳
صنایع نفتی	۶۶۵	میوه‌کاری و جنگل‌کاری	۶۳۴
صنایع سفال‌سازی	۶۶۶	بوستان‌کاری	۶۳۵
تزیین و رنگرزی	۶۶۷	حیوانات اهلی	۶۳۶
سایر محصولات آبی	۶۶۸	لبیات	۶۳۷
استخراج و تصنیع فلزات	۶۶۹	زنبور عسل	۶۳۸
صنایع	۶۷۰	شکار- ماهی‌گیری	۶۳۹
صنایع فلزی	۶۷۱	خانه‌داری	۶۴۰
صنایع آهن و فولادسازی	۶۷۲	خوراک	۶۴۱
سایر صنایع فلزی	۶۷۳	_____	۶۴۲
صنایع الوار	۶۷۴	نقشه منزل	۶۴۳
صنایع چرم و خز	۶۷۵	_____	۶۴۵-۶۴۴
صنایع کاغذ و خمیر کاغذ	۶۷۶	لباس و وضع ظاهر	۶۴۶
صنایع نساجی و فیبر	۶۷۷	سازمان و اداره خانواده	۶۴۷
لاستیک و صنایع لاستیکی	۶۷۸	بهداشت خانواده	۶۴۸
صنایع گوناگون	۶۷۹	نگهداری منزل و پرستاری بچه‌ها	۶۴۹
صنایع دیگر	۶۸۰	کارها و رویه‌های اداری	۶۵۰
_____	۶۸۱	مدیریت اداره	۶۵۱
کارهای و آهنگری	۶۸۲	نامه‌نویسی	۶۵۲
اسلحه‌سازی	۶۸۳	تدفین‌نویسی - مختصرنویسی	۶۵۳
کارهای چوبی	۶۸۴	_____	۶۵۴
چرم‌سازی	۶۸۵	هنرهای تزیینی	۶۵۵
_____	۶۸۶	_____	۶۵۶
صنایع خیاطی	۶۸۷	حسابداری	۶۵۷
صنایع کالای تجاری	۶۸۸	مدیریت بازرگانی و صنایع	۶۵۸
_____	۶۸۹	تبلیغ و بازاریابی	۶۵۹

خلاصه طبقه‌بندی دهدهی دیونی

معماری	۷۲۰	ساختمان	۶۹۰
_____	۷۲۱	مصالح ساختمانی	۶۹۱
معماری قدیم	۷۲۲	عملیات ساختمانی	۶۹۲
معماری قرون وسطی	۷۲۳	روشهای ساختمانی	۶۹۳
معماری قرون جدید	۷۲۴	ساختمان چوبی	۶۹۴
ساختمانهای عمومی	۷۲۵	جزئیات ساختمان	۶۹۵
معماری کلیسایی	۷۲۶	لوله‌کشی ساختمان	۶۹۶
ساختمانهای فرهنگی	۷۲۷	گرم کردن - تهویه - خشک کردن	۶۹۷
ساختمانهای بومی	۷۲۸	تزئین ساختمان	۶۹۸
طرح و تزئین ساختمان	۷۲۹	_____	۶۹۹
مجسمه سازی	۷۳۰	هنرها و سرگرمیها	۷۰۰
مصالح و سبک مجسمه سازی	۷۳۱	فلسفه هنر	۷۰۱
مجسمه سازی قدیم	۷۳۲	کتابهای راهنما و خلاصه‌ها	۷۰۲
مجسمه سازی کلاسیک	۷۳۳	فرهنگها و دائرةالمعارفهای هنری	۷۰۳
مجسمه سازی مسیحی - مجسمه سازی شرقی	۷۳۴	مقالات و سخنرانهای هنری	۷۰۴
مجسمه سازی جدید	۷۳۵	مجلات و نشریات هنری	۷۰۵
کنده کاری	۷۳۶	سازمانها و انجمنهای هنری	۷۰۶
ضرب سکه	۷۳۷	مطالعه و تدریس هنرها	۷۰۷
سفال گری	۷۳۸	موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی	۷۰۸
مجسمه سازی فلزی	۷۳۹	تاریخ هنر	۷۰۹
نقاشی تزئیناتی	۷۴۰	تاریخ هنر ایران	۷۰۹/۵۵
نقاشی دستی	۷۴۱	تنظیم مناظر - معماری	۷۱۰
نقاشی مناظر	۷۴۲	طراحی شهر	۷۱۱
کالبد شناسی هنری	۷۴۳	انواع تزئینات	۷۱۲
رسم فنی	۷۴۴	_____	۷۱۳
هنر تزئینی و طراحی	۷۴۵	جنبه‌های آبی	۷۱۴
یراق - پرده‌های نقشه‌دار - کارها سوزنی	۷۴۶	درخت - گل و سد در تزئین مناظر	۷۱۵
قالی باقی	۷۴۶/۳	نباتات علفی در تزئین مناظر	۷۱۶
تزئین داخلی	۷۴۷	سبکهای تزئینی	۷۱۷
شیشه آلات	۷۴۸	طراحی گورستانها	۷۱۸
اثاثیه و لوازم خانه	۷۴۹	مناظر طبیعی	۷۱۹

خلاصه طبقه‌بندی دهدهی دیوئی

۷۵۰	نقاشی - عکس - مینیاتور - صورتگری	۷۸۲	موسیقی نمایش و تأثر
۷۵۱	وسایل و سبکهای نقاشی	۷۸۳	موسیقی کلیسایی
۷۵۲	رنگ نظری و عملی	۷۸۴	موزیک صوتی
۷۵۳	نقاشی رزنی	۷۸۵	سمفونی
۷۵۴	_____	۷۸۶	ردیف مضراب
۷۵۵	نقاشی مذهبی	۷۸۷	سازهای سیم‌دار
۷۵۶	نقاشی تاریخی	۷۸۸	سازهای بادی
۷۵۷	صورتنگی	۷۸۹	ادوات ضربی
۷۵۸	_____	۷۹۰	تفریح
۷۵۹	تاریخ نقاشی	۷۹۱	نمایش
۷۵۹/۵۵	تاریخ نقاشی ایران	۷۹۲	تأثر
۷۶۰	چاپ	۷۹۳	مجالس شب نشینی
۷۶۱	چاپ باسمه‌ای	۷۹۴	شطرنج و خانه‌های شرنج
۷۶۲	چاپ سنگی	۷۹۵	بازیه‌های ورق
۷۶۳	چاپ سنگی رنگیز	۷۹۶	ورزش و تفریح
۷۶۴	گراورسازی	۷۹۷	ورزشهای دریایی و هوایی
۷۶۵	_____	۷۹۸	ورزشهای سواری - اسب سواری
۷۶۶	چاپهای سفید و سیاه	۷۹۹	ورزشهای شکاری
۷۶۷	_____	۸۰۰	ادبیات
۷۶۸	مجموعه چاپها	۸۰۱	فلسفه ادبیات
۷۶۹	_____	۸۰۲	کتابهای راهنما و خلاصه‌ها
۷۷۰	عکاسی	۸۰۳	فرهنگها و دائرةالمعارفهای ادبی
۷۷۱	وسایل و لوازم عکاسی	۸۰۴	مقالات و سخنرانیهای ادبی
۷۷۲	مراحل نمک سازی عکاسی	۸۰۵	مجلات و نشریات ادبی
۷۷۳	مراحل رنگ آمیزی عکاسی	۸۰۶	سازمانها و انجمنهای ادبی
۷۷۷ تا ۷۷۴	_____	۸۰۷	مطالعه و تدریس ادبیات
۷۷۸	عکاسی عملی	۸۰۸	انشاء ادبی
۷۷۸/۵	فیلم برداری	۸۰۸ر۸	مجموعه‌های ادبی و زبانهای مختلف
۷۷۹	مجموعه عکسها	۸۰۹	تاریخ ادبیات
۷۸۰	موسیقی	۸۱۰	ادبیات آمریکا
۷۸۱	نظریات و فن موسیقی	۸۱۱	شعر آمریکایی

خلاصه طبقه‌بندی دهم دیوئی

داستان فرانسوی	۸۴۳	نمایشنامه آمریکایی	۸۱۲
مقالات ادبی فرانسوی	۸۴۴	داستان آمریکایی	۸۱۳
سخنرانی‌های ادبی فرانسوی	۸۴۵	مقالات ادبی آمریکایی	۸۱۴
ثر فرانسوی	۸۴۶	سخنرانی آمریکایی	۸۱۵
هجوتامه - شعر هجایی فرانسوی	۸۴۷	ثر آمریکایی	۸۱۶
مجموعه‌های گوناگون ادبی فرانسوی	۸۴۸	هجوتامه - شعر هجایی آمریکایی	۸۱۷
ادبیات پروانس	۸۴۹	نوشته‌های گوناگون ادبی آمریکایی	۸۱۸
ادبیات کاتولونی	۸۴۹٫۹	ادبیات آمریکایی کانادایی	۸۱۹
ادبیات ایتالیایی	۸۵۰	ادبیات انگلیسی	۸۲۰
شعر ایتالیایی	۸۵۱	شعر انگلیسی	۸۲۱
نمایشنامه ایتالیایی	۸۵۲	نمایشنامه انگلیسی	۸۲۲
داستان ایتالیایی	۸۵۳	داستان انگلیسی	۸۲۳
مقالات ادبی ایتالیایی	۸۵۴	مقالات انگلیسی	۸۲۴
سخنرانی‌های ادبی ایتالیایی	۸۵۵	سخنرانی انگلیسی	۸۲۵
ثر ایتالیایی	۸۵۶	ثر انگلیسی	۸۲۶
هجوتامه - شعر هجایی ایتالیایی	۸۵۷	هجوتامه - شعر هجایی انگلیسی	۸۲۷
مجموعه‌های گوناگون ادبی ایتالیایی	۸۵۸	نوشته‌های گوناگون ادبی	۸۲۸
ادبیات رومانی	۸۵۹	ادبیات انگلیسی - ساکسون	۸۲۹
ادبیات اسپانیولی	۸۶۰	ادبیات آلمانی	۸۳۰
شعر اسپانیولی	۸۶۱	نمایشنامه آلمانی	۸۳۱
نمایشنامه اسپانیولی	۸۶۲	داستان آلمانی	۸۳۲
داستان اسپانیولی	۸۶۳	مقالات آلمانی	۸۳۳
مقالات ادبی اسپانیولی	۸۶۴	مقالات ادبی آلمانی	۸۳۴
سخنرانی‌های ادبی اسپانیولی	۸۶۵	سخنرانی ادبی آلمانی	۸۳۵
ثر اسپانیولی	۸۶۶	ثر آلمانی	۸۳۶
هجوتامه - شعر هجایی اسپانیولی	۸۶۷	هجوتامه - شعر هجایی آلمانی	۸۳۷
مجموعه‌های گوناگون ادبی اسپانیولی	۸۶۸	مجموعه‌های گوناگون ادبی آلمانی	۸۳۸
ادبیات پرتغالی	۸۶۹	ادبیات سایر کشورهای آلمانی	۸۳۹
ادبیات لاتینی	۸۷۰	ادبیات فرانسه	۸۴۰
شعر لاتینی	۸۷۱	شعر فرانسوی	۸۴۱
شعر نمایشی لاتینی	۸۷۲	نمایشنامه فرانسوی	۸۴۲

خلاصه طبقه‌بندی دهدهی دیوئی

۸۷۳	شعر حماسی لاتینی	۸۹۱ر۱۱	شعر فارسی در دوره غزنویان ۴۵۰ تا ۴۵۰ هـ
۸۷۴	شعر سرودی لاتینی	۸۹۱ر۱۲	شعر فارسی در دوره سلجوقیان و خوارزمشاهیان ۴۵۰ تا ۱۲۰۰ هـ
۸۷۵	سخنرانی لاتینی		
۸۷۶	ثر لاتینی	۸۹۱ر۱۳	شعر فارسی در دوره مغول ۶۵۰ تا ۷۸۰ هـ
۸۷۷	هجوتامه - شعر هجایی لاتینی	۸۹۱ر۱۴	شعر فارسی در دوره تیموریان ۷۸۰ تا ۹۰۰ هـ
۸۷۸	نوشته‌های گوناگون ادبی لاتینی	۸۹۱ر۱۵	شعر فارسی در دوره صفویه، افشاریه و زندیه ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ هـ
۸۷۹	_____	۸۹۱ر۱۶	شعر فارسی در دوره قاجاریه و معاصر
۸۸۰	ادبیات یونانی	۸۹۱ر۲	نمایشنامه فارسی
۸۸۱	شعر یونانی	۸۹۱ر۳	داستان فارسی (کلیات)
۸۸۲	شعر نمایشی یونانی	۸۹۱ر۳۱	داستانهای کوتاه
۸۸۳	شعر حماسی یونانی	۸۹۱ر۳۲	داستانهای تاریخی
۸۸۴	شعر سرودی یونانی	۸۹۱ر۳۳	داستانهای کودکان
۸۸۵	سخنرانی یونانی	۸۹۱ر۴	مقالات ادبی
۸۸۶	سخنرانی یونانی	۸۹۱ر۵	مجلات و نشریات ادبی
۸۸۷	ثر یونانی	۸۹۱ر۶	ثر فارسی
۸۸۸	هجوتامه - شعر هجایی یونانی	۸۹۱ر۶۱	ثر فارسی دوره غزنویان - سلجوقیان - خوارزمشاهیان ۴۵۰ تا ۹۰۰ هـ
۸۸۹	نوشته‌های گوناگون یونانی		
۸۹۰	ادبیات سایر زبانها	۸۹۱ر۶۲	ثر فارسی دوره (مغول و تیموریان ۶۵۰ تا ۹۰۰ هـ)
۸۹۰ر۵	ادبیات هند و اروپائی از ایران	۸۹۱ر۶۳	ثر فارسی دوره (صفویه - افشاریه و زندیه ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ هـ)
۸۹۱	ادبیات ایران (کلیات)	۸۹۱ر۶۴	ثر فارسی دوره (قاجاریه و معاصر)
۸۹۱ر۱	تحقیقات ادبی	۸۹۱ر۷	_____
۸۹۱ر۲	_____	۸۹۱ر۸	مجموعه‌های ادبی (جنگ)
۸۹۱ر۳	فرهنگهای ادبی	۸۹۱ر۹	تاریخ ادبیات فارسی
۸۹۱ر۴	مطالعه و تدریس	۸۹۱ر۹۲	تذکره و سرگذشت
۸۹۱ر۵	ادبیات پارسی باستان	۸۹۲	ادبیات سامی (شامل عرب)
۸۹۱ر۶	ادبیات اوستایی	۸۹۳	ادبیات حامی
۸۹۱ر۷	ادبیات پهلوی	۸۹۴	ادبیات فینو- آکراین - ترکی و غیره
۸۹۱ر۸	ادبیات فارسی بعد از اسلام (کلیات)	۸۹۵	ادبیات چین و تبتی - ژاپن و کره‌ای و استرو - آسیایی
۸۹۱ر۱	شعر فارسی از استیلای عرب تا ۳۵۰ هـ (طاهریان - صفاریان - سامانیان)	۸۹۶	ادبیات افریقا
		۸۹۷	ادبیات آمریکای شمالی

خلاصه طبقه‌بندی دهدهی دیوثی

جغرافیای آمریکای شمالی	۹۱۷	ادبیات آمریکای جنوبی	۸۹۸
جغرافیای آمریکای جنوبی	۹۱۸	ادبیات زبانهای دیگر	۸۹۹
جغرافیای اقیانوسیه و ممالک قطبی	۹۱۹	تاریخ	۹۰۰
سرگذشت (بیوگرافی)	۹۲۰	تمدن	۹۰۱
سرگذشت فلاسفه	۹۲۱	کتابهای راهنما و خلاصه (شامل وقایع برجسته تاریخ)	۹۰۲
سرگذشت بزرگان مذهبی	۹۲۲	فرهنگها و دائرةالمعارفهای تاریخی	۹۰۳
سرگذشت بزرگان علوم اجتماعی	۹۲۳	مقالات و سخنرانیهای تاریخی	۹۰۴
سرگذشت زبان شناسان	۹۲۴	مجلات و نشریات تاریخی	۹۰۵
سرگذشت بزرگان علوم خالص	۹۲۵	سازمانها و انجمنهای تاریخ	۹۰۶
سرگذشت بزرگان علوم عملی	۹۲۶	مطالعه و تدریس تاریخ	۹۰۷
سرگذشت بزرگان هنر	۹۲۷	تاریخ شناسی	۹۰۷/۲
سرگذشت بزرگان شعر و ادب	۹۲۸	مجموعه‌های تاریخی	۹۰۸
دودمان شناسی	۹۲۹	تاریخ قرون وسطی و معاصر	۹۰۹
تاریخ قدیم	۹۳۰	جغرافیای و سفرنامه	۹۱۰
_____	۹۳۱	جغرافیای انسانی	۹۱۱
تاریخ مصر قدیم	۹۳۲	اطلسها	۹۱۲
تمدن قدیم غربانی	۹۳۳	جغرافیای دنیای قدیم	۹۱۳
_____	۹۳۴	جغرافیای اروپا	۹۱۴
خاور نزدیک قدیم	۹۳۵	جغرافیای آسیا	۹۱۵
قبیله‌های قدیم اروپایی	۹۳۶	جغرافیای ایران	۹۱۵/۵
روم قدیم	۹۳۷	جغرافیای خراسان (و سمنان و دامغان)	۹۱۵/۵۱
یونان قدیم	۹۳۸	جغرافیای کرمان و بلوچستان و سیستان	۹۱۵/۵۲
سایر تمدنهای قدیم	۹۳۹	جغرافیای گیلان - مازندران و گرگان	۹۱۵/۵۳
تاریخ اروپا	۹۴۰	جغرافیای تهران و ری و کاشان و قزوین	۹۱۵/۵۴
اسکاتلند	۹۴۱	جغرافیای اصفهان و یزد و شهرهای مرکزی و همدان	۹۱۵/۵۵
انگلستان	۹۴۲	جغرافیای فارس	۹۱۵/۵۶
آلمان	۹۴۳	جغرافیای آذربایجان	۹۱۵/۵۷
فرانسه	۹۴۴	جغرافیای کردستان	۹۱۵/۵۸
ایتالیا	۹۴۵	جغرافیای خوزستان	۹۱۵/۵۹
اسپانیا	۹۴۶	جغرافیای افریقا	۹۱۶

خلاصه طبقه‌بندی دهدهی دیوثی

سلجوقیان ۵۹۰تا۴۲۹ هـ	۹۵۵ر۳۱	اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی	۹۴۷
اتابکان ۶۸۶تا۵۳۱ هـ	۹۵۵ر۳۲	اسکاندیناوی	۹۴۷
خوارزمشاهیان ۶۲۸تا۴۷۰ هـ	۹۵۵ر۳۳	سایر کشورهای اروپایی	۹۴۹
مغول و تیموریان و سلسله‌های معاصر ۹۰۶تا۶۱۷ هـ	۹۵۵ر۴	تاریخ آسیا	۹۵۰
مغول ۶۵۴تا۵۱۷ هـ	۹۵۵ر۴۱	چین	۹۵۱
تیموریان ۹۹۱تا۷۷۱ هـ	۹۵۵ر۴۲	ژاپن	۹۵۲
ترکمانان قراقریونلو و آق قویونلو ۹۲۰تا۸۱۰ هـ	۹۵۵ر۴۳	عرب	۹۵۳
صفویه و افشاریه شامل افغانها ۱۲۱۰تا۹۰۷ هـ	۹۵۵ر۵	هندوستان	۹۵۴
صفویه ۱۱۴۵تا۹۷۰ هـ	۹۵۵ر۵۱	ایران - تاریخ (کلیات)	۹۵۵
از شاه طهماسب اول تا سلطان محمد خدا بنده ۹۹۶تا۹۳۰ هـ	۹۵۵ر۵۲	تاریخ پیش از اسلام	۹۵۵/۰۱
شاه عباس بزرگ ۱۰۳۸تا۹۹۶ هـ	۹۵۵ر۵۳	ایران پیش از تاریخ	۹۵۵،۰۲
از شاه صفی تا شاه طهماسب دم ۱۱۴۵تا۱۰۳۸ هـ	۹۵۵ر۵۴	ایران ماد و پارس	۹۵۵،۰۳
افشاریه ۱۲۱۰تا۱۱۴۸ هـ	۹۵۵ر۵۵	اسکندر و سلوکید	۹۵۵،۰۴
زندیه و قاجاریه ۱۳۴۳تا۱۱۶۳ هـ	۹۵۵ر۶	اشکانیان	۹۵۵،۰۵
زندیه ۱۳۴۳تا۱۱۶۳ هـ	۹۵۵ر۶۱	ساسانیان	۹۵۵،۰۶
قاجاریه ۱۳۴۳تا۱۱۹۳ هـ	۹۵۵ر۶۲	تاریخ بعد از اسلام	۹۵۵،۱
آقا محمدخان قاجار ۱۲۱۱تا۱۱۹۳ هـ	۹۵۵ر۶۳	ایران از استیلای عرب تا المعصم (خلفای راشدین و امویان و عباسیان) ۲۰۰تا۱ هـ	۹۵۵،۱۱
فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار شامل جنگهای ایران و روس ۱۲۶۴تا۱۲۱۲ هـ	۹۵۵ر۶۴	ایران از ۲۰۰ تا ۴۵۰ هـ شامل سلسله‌های علویان - طاهریان - صفاریان - سامانیان - غزنویان - دیلمه - آل زیار و آل بویه	۹۵۵،۱۲
ناصرالدین شاه قاجار ۱۳۱۴تا۱۲۶۴ هـ	۹۵۵ر۶۵	و سایر سلسله‌های معاصر	
مظفرالدین شاه قاجار ۱۳۲۴تا۱۳۱۴ هـ	۹۵۵ر۶۶	ایران - علویان ۳۱۶تا۲۵۰ هـ	۹۵۵،۱۳
محمدعلیشاه و احمدشاه قاجار ۱۳۴۳تا۱۳۲۴ هـ	۹۵۵ر۶۷	ایران - طاهریان ۲۵۹تا۲۰۶ هـ	۹۵۵،۱۴
سلسلهٔ بهلولی ۱۳۰۴ هـ	۹۵۵ر۷	صفاریان ۲۹۳تا۲۴۷ هـ	۹۵۵،۱۵
رضا شاه کبیر ۱۳۲۰تا۱۳۰۴ هـ	۹۵۵ر۷۱	سامانیان ۳۸۹تا۳۲۷ هـ	۹۵۵،۱۶
محمد رضا شاه بهلولی ۱۳۲۰ هـ	۹۵۵ر۷۲	غزنویان ۵۸۲تا۳۵۱ هـ	۹۵۵،۲
ایران - تاریخ ایالات و ولایات	۹۵۵ر۸	دیلمه ۴۴۷تا۳۱۶ هـ	۹۵۵،۲۱
تاریخ خراسان	۹۵۵ر۸۱	آل زیار ۴۳۳تا۳۱۶ هـ	۹۵۵،۲۲
تاریخ کرمان - سیستان بلوچستان	۹۵۵ر۸۲	آل بویه ۴۴۷تا۳۲۰ هـ	۹۵۵،۲۳
تاریخ کرمان	۹۵۵ر۸۳	سلجوقیان - اتابکان - خوارزمشاهیان ۶۲۸تا۴۲۹ هـ	۹۵۵،۳

خلاصه طبقه‌بندی دهدهی دیوئی

۱۷۳	ایالات متحده	تاریخ سیستان	۹۵۵ر۸۴
۱۷۴	ایالات شمال شرقی	بلوچستان	۹۵۵ر۸۵
۱۷۵	ایالات جنوب شرقی	تاریخ گیلان - مازندران - گرگان	۹۵۵ر۸۶
۱۷۶	ایالات جنوب مرکزی	تاریخ گیلان	۹۵۵ر۸۷
۱۷۷	ایالات شمال مرکزی	تاریخ مازندران	۹۵۵ر۸۸
۱۷۸	ایالات غربی	تاریخ گرگان	۹۵۵ر۸۹
۱۷۹	ایالات منتهی‌الیه غربی	تاریخ تهران وری وکاشان و قزوین	۹۵۵ر۹۰
۹۸۰	تاریخ آمریکای جنوبی	تاریخ اصفهان و یزد و شهرهای مرکزی و همدان	۹۵۵ر۹۱
۹۸۱	برزیل	تاریخ فارس	۹۵۵ر۹۲
۹۸۲	آرژانتین	تاریخ آذربایجان	۹۵۵ر۹۳
۹۸۳	شیلی	تاریخ کردستان	۹۵۵ر۹۴
۹۸۴	بولیویا	تاریخ خوزستان و لرستان	۹۵۵ر۹۵
۹۸۵	پرو	خاور نزدیک	۹۵۶
۹۸۶	کلمبیا - پاناما - اکوادور	اتحاد جماهیر شوروی قسمت آسیایی	۹۵۷
۹۸۷	ونزوئلا	خاورمیانه (بهتر است خاورمیانه و خاور نزدیک به هر دو	۹۵۸
۹۸۸	گویانا	۹۵۶ داده شده)	
۹۸۹	پاراگه و اوراگه	هند و چین فرانسه	۹۵۹
۹۹۰	تاریخ اقیانوسیه	تاریخ افریقا	۹۶۰
۹۹۱	اندونزی	تاریخ افریقای شمالی	۹۶۱
۹۹۲	سوند	مصر	۹۶۲
۹۹۳	ملائزی	حبشه	۹۶۳
۹۹۴	استرالیا	مراکش	۹۶۴
۹۹۵	گینه جدید	الجزایر	۹۶۵
۹۹۶	پولی نزی و میکرونزی	شمال مرکزی افریقا	۹۶۶
۹۹۷	جزایر اقیانوس اطلس	جنوب مرکزی افریقا	۹۶۷
۹۹۸	نواحی قطب شمال	افریقای جنوبی	۹۶۸
۹۹۹	نواحی قب جنوب	جزایر اقیانوس هند	۹۶۹
		تاریخ آمریکای شمالی	۹۷۰
		کانادا	۹۷۱
		مکزیکو و کاریبیان	۹۷۲